

## فساد اداری؛ عوامل، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن

گزارش تحقیق تجربی بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی بر فساد اداری در ادارت دولتی

مطالعه موردی ادارات دولتی شهر هرات

شورای متخصصان هرات

## شناسنامه کتاب

عنوان: فساد اداری، عوامل و پیامدهای آن (به همراه گزارش تحقیق تجربی بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بالای فساد اداری در ادارات دولتی - مطالعه موردی ادارات دولتی شهر هرات)

ناشر: شورای متخصصان - هرات

گروه پژوهشگران: پوهاند عبدالرحیم امید، پوهنمل علی احمد کاوه، پوهیالی علی الله آزاد، نصیراحمد فرهمند و انجینیر سلیمان صلاحی

سال چاپ: ۱۳۹۴

محل چاپ: هرات، چاپخانه مهر حبیب

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

طرح پشت جلد: مرادعلی حیدری

## فهرست مطالب

۷.....	مباحث مقدماتی
۷.....	درآمد
۱۱.....	اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۲.....	اهداف و پرسشهای تحقیق
۱۲.....	پیشینه توجه به فساد اداری
۱۶.....	بررسی فساد اداری و وضعیت موجود کشور
۱۶.....	تاریخچه کوتاه اداره و فساد اداری در تاریخ معاصر کشور
۲۲.....	وضعیت کنونی فساد اداری در افغانستان
۲۴.....	تجلی فساد اداری و رشوه‌خواری در شعر و ادبیات عصر
۳۵.....	مفهوم‌شناسی فساد اداری
۳۷.....	مفهوم فساد در اسناد بین‌المللی
۳۷.....	• کنوانسیون امریکایی مقابله با فساد
۳۸.....	• کنوانسیون مبارزه با فساد مقامات دولتهای عضو اتحادیه اروپا ۱۹۹۷
۴۰.....	شاخص‌های اندازه‌گیری فساد
۴۱.....	شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌المللی
۴۲.....	شاخص تجارت بین‌المللی
۴۲.....	شاخص گزارش رقابت جهانی
۴۲.....	شاخصهای حکمرانی
۴۴.....	انواع فساد اداری
۴۴.....	دسته‌بندی رنگی فساد
۴۴.....	فساد اداری سیاه
۴۴.....	فساد اداری خاکستری
۴۵.....	فساد اداری سفید

- دسته‌بندی بر اساس موقعیت افراد (کلان و میانین و خرد) ..... ۴۵
- طبقه‌بندی به لحاظ میزان و حجم فساد ..... ۴۷
- طبقه‌بندی به لحاظ سازمان‌یافتگی و آشفتگی فساد ..... ۴۷
- طبقه‌بندی به لحاظ انگیزه‌ی ارتکاب فساد ..... ۴۸
- طبقه‌بندی به لحاظ میزان سود و زیان ..... ۴۸
- طبقه‌بندی به لحاظ ملی یا فراملی بودن ..... ۴۹
- طبقه‌بندی به لحاظ قلمرو بخش دولتی و خصوصی ..... ۴۹
- طبقه‌بندی از منظر درون‌سازمانی و برون‌سازمانی ..... ۴۹
- طبقه‌بندی بر اساس انگیزه‌ی افراد ..... ۵۰
- طبقه‌بندی نوعی فساد اداری ..... ۵۱
۱. رشوه‌ستانی ..... ۵۱
  ۲. اختلاس ..... ۵۱
  ۳. تقلب و کلاه‌برداری ..... ۵۲
  ۴. خویشاوندگرایی ..... ۵۲
  ۵. اخاذی ..... ۵۲
  ۶. سوء استفاده از موقعیت ..... ۵۲
  ۷. حق‌السکوت ..... ۵۳
  ۸. اخاذی یا باج‌گیری ..... ۵۳
  ۹. پارتی‌بازی ..... ۵۳
  ۱۰. خویشاوندسالاری ..... ۵۴
- عوامل فساد اداری ..... ۶۰**
- شرایط اساسی برای ظهور فساد اداری: ..... ۶۱
- ریشه‌های اصلی فساد اداری: ..... ۶۲
- عوامل تسهیل‌کننده: ..... ۶۲
- ریشه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی فساد اداری ..... ۷۰**

- فرهنگ، فساد و توسعه‌نیافته‌گی ..... ۷۰
- فرهنگ چگونه موجب بروز فساد و مانع مبارزه با آن میشود؟..... ۷۲
- پیامدهای فساد اداری ..... ۷۸
- فساد اداری و توسعه اقتصادی ..... ۷۹
- پیامدهای فرهنگی گسترش فساد اداری ..... ۸۱
- دیدگاه‌های نظری و رویکردهای تئوریک در مورد فساد اداری ..... ۸۵**
۱. دیدگاه اوسلانر: اعتماد خاص گرایانه ..... ۸۵
۲. ادوارد بانفلد: خانواده‌گرایی غیرمنطقی ..... ۸۶
۳. فرانسیس فوکویاما: شعاع اعتماد و هنجارهای مشترک اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی ..... ۸۶
۴. کلاوس اوفه: اعتماد به عنوان پیش‌نیاز همکاری: ..... ۸۷
۵. مک لنن: سه پریم توسعه: ..... ۸۷
۶. رابرت پاتنام: توسعه مترادف نهادینگی مدنی ..... ۸۸
۷. واین بیکر: سرمایه اجتماعی به عنوان منبع ..... ۸۸
- راهکارهای مبارزه با فساد اداری ..... ۹۰**
- روش‌های ویژه کنترل فساد اداری (مدل عرضه و تقاضا) ..... ۹۴
- بخش دوم: تحقیق تجربی تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی بر گرایش به فساد اداری ..... ۱۰۲**
- بررسی تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی بر گرایش به فساد اداری ..... ۱۰۳
- هرات و چگونگی تشکیلات اداری ..... ۱۰۳
- بیان مسأله: ..... ۱۰۶**
- الف- فساد مالی ..... ۱۰۷
- ب- فساد سیاسی ..... ۱۰۸
- ج - فساد اداری ..... ۱۰۹
- چارچوب نظری ..... ۱۱۳**
- رویکرد ارزشی - سیستمی پارسونز ..... ۱۱۳

۱۱۷.....	نظریه سوء کارکرد مرتن .....
۱۱۹.....	نظریه ازهم گسیختگی نهادی.....
۱۲۰.....	نظریه هافستده درباره تأثیر فرهنگ ملت‌ها بر گستره فساد .....
۱۲۱.....	فرضیه‌ها.....
۱۲۴.....	مدل تحلیلی.....
<b>۱۲۵.....</b>	<b>روش تحقیق .....</b>
۱۲۵.....	نوع تحقیق.....
۱۲۵.....	جامعه آماری، جمعیت نمونه و روش نمونه‌گیری.....
۱۲۵.....	ابزار گردآوری اطلاعات.....
۱۲۶.....	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
<b>۱۲۷.....</b>	<b>یافته‌های تحقیق .....</b>
۱۲۷.....	توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی.....
۱۳۴.....	تحلیل رابطه بین متغیرهای تحقیق.....
۱۳۴.....	الف. بررسی رابطه بین متغیر جنسیت و گرایش به فساد اداری .....
۱۴۱.....	ب) بررسی رابطه بین ملیت و گرایش به فساد اداری .....
۱۴۹.....	ج) بررسی رابطه بین پست کاری و اقدام به فساد اداری .....
۱۵۱.....	د) بررسی رابطه بین حقوق ماهانه و گرایش به فساد اداری.....
۱۵۸.....	هـ) بررسی رابطه بین سابقه کاری و گرایش به فساد اداری.....
<b>۱۶۵.....</b>	<b>نتیجه‌گیری .....</b>
۱۶۷.....	پیشنهادات.....
۱۶۸ .....	منابع .....
۱۷۱.....	پیوست .....

## بخش اول: مباحث نظری در مورد فساد اداری

### مباحث مقدماتی

#### درآمد

فساد اداری پدیده‌یی است که کمابیش از گذشته‌های دور تا امروز در همه جوامع انسانی وجود داشته؛ اما، شکل، میزان و سطح توسعه‌یافتگی آن متفاوت بوده است. در کشورهای توسعه‌یافته و مردم‌سالار باثبات، فساد اداری به عنوان یک امر نادر بین اقشار و گروه‌های خاص و در کشورهای توسعه‌نیافته و روبه‌توسعه و درگیر تعارض‌ها و کشمکش‌های اجتماعی و سیاسی مثل افغانستان، به عنوان یک امر عادی و نهادینه شده و تقریباً به رسمیت‌شناخته شده در همه اقشار جامعه وجود دارد. شواهد تاریخی و علمی از تمدن‌های دور و نزدیک حکایت از وجود گونه‌هایی از فساد و سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع شخص توسط مأموران و گماشتگان دولت‌ها و حکومت‌ها در گذشته دارد. امروزه اما، با افزایش پاسخگویی دولت‌ها در برابر مردم در جوامع مردم‌سالار، حساسیت نسبت به فساد اداری و توجه به آن بیشتر و جدی‌تر شده است و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در تلاش اجرای راهکارهایی برای مقابله با این پدیده برآمده‌اند. اما منظور از «فساد اداری» چیست و چه مواردی را شامل می‌شود؟

منظور از فساد اداری، سوء استفاده شخصی از امکانات عمومی و قدرت و مقام و منسب دولتی است. فساد مالی که مصداق عینی فساد اداری و ناکارآمدی یک سیستم اداری است، در واقع، رفتار نفع‌طلبانه شخصی است که به عنوان یک مأمور یا مقام دولتی عمل می‌کند. در یک تعریف وسیع‌تر که توسط بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، «فساد اداری عبارت از سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی خوانده شده است.» (بانک جهانی، ۲۰۰۴)

این تعریف فساد البته خیلی وسیع است و شاید کمک چندانی به فهم و محدود کردن موضوع نکند. اما فساد پدیده ساده، محدود و مشخص نیست که بتوان با یک جمله و تعریف توصیفش کرد. فساد اداری خود پدیده پیچیده و چندوجهی است و آشکال، عوامل و کارکردهای متنوعی دارد. پدیده فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرست یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود. در نتیجه؛ فساد، مفهوم وسیعی است که هر نوع سوء استفاده از مقام و قدرت عمومی و دولتی و غیردولتی را به نفع شخصی شامل می‌شود؛ از کارشکنی و کم‌کاری یک مأمور دولتی گرفته تا رشوه‌ستانی و وسیله‌بازی در استخدام افراد توسط مسؤولان و کارمندان ادارات تا سطوح بالاتر اداری و سیاسی در استخدام، اختلاس و فساد در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های بزرگ ملی را شامل می‌شود.

فساد اداری گرچه پدیده نوپیدایی نیست، اما امروزه در کشور ما، مثل بسیاری از کشورهای عقب‌مانده و برآمده از جنگ، به یک معضل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است، قسمی که مسیر پیشرفت اقتصادی

و راست شدن کمر خم شده ملت و دولت را بسته و قوه تحرک و پویایی را از آن گرفته است. این امر صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه کشور وارد نموده است. با توجه به اهمیت، مشکلات و خطرات فساد اداری و مالی برای امروز و فردای جامعه ما و نیز تهدید ثبات و امنیت جامعه و نهادها و ارزش‌های دموکراتیک و مهم‌تر از همه حاکمیت قانون، شناخت این پدیده و مبارزه با آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

فساد مصداق‌ها و انواع و گونه‌های متفاوت دارد و در دوره‌ها و فرهنگ‌های متفاوت فرق میکند. فساد اداری در هر سیستمی بر اساس صورت‌بندهای فرهنگی، سیاسی و اقتصاد و اداری اشکال خاصی به خود می‌گیرد که می‌توان آنها را در نظام‌های متعدد به شکل رشوه برای انجام کار یا اخذ امتیازات، پاداش برای حسن خدمت، بی‌احترامی به ارباب رجوع اداری، سوء استفاده از اسناد و مدارک موجود در راستای منافع شخصی یا فامیلی یا گروه‌های قومی، نژادی یا طبقه خاص، خرید اموال سازمان به نفع منافع شخصی، دستکاری اسناد، فروش اسناد دولتی، کم‌کاری، دستکاری در اسناد مناقصات و فروش خدمات، حیف و میل اموال عمومی، فراموشی وظایف سازمانی در اداره و رفیق‌بازی اداری مشاهده نمود. (مهدی، ۱۳۸۸؛ ص ۳۹)

فساد موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود. همچنین به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق، اعتماد مردم را نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش میدهد و بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی را افزایش میدهد. فساد اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی را متزلزل میکند، هزینه انجام کارها را افزایش میدهد و موجب جرم‌زایی در سطح جامعه میگردد؛ فساد همچنین موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، و ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع گردیده، زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد. فساد با گسترش خود در جامعه کم‌کم به یک فرهنگ و هنجار عادی تبدیل میشود که دیگر کسی به زشتی و نادرستی کارش نمی‌اندیشد؛ زیرا از یک سو می‌بیند که همه این‌طور رفتار می‌کنند و از سوی دیگر از او نیز انتظار دارند که چنین رفتار کند.

همچنان که گزارش بانک جهانی هم نشان میدهد، نمی‌توان فساد و اعمال خلاف قانون را محدود به کشورهای خاصی کرد. در گزارش بانک جهانی چنین آمده است: «به دشواری می‌توان اختلاس را فقط محدود به کشورهای در حال توسعه یا کشورهای در حال گذار از اقتصادهای برنامه‌ای به اقتصاد بازار آزاد تلقی کرد.» در این گزارش، به طور مکرر به جهان شمول بودن این پدیده اشاره شده است. در جایی دیگر از این گزارش چنین آمده است: «امروز همگان این حقیقت را پذیرفته‌اند که بیشتر اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌ها در جهان سوم، با مشارکت یا اعمال نفوذ یکی از کشورهای صنعتی به وقوع پیوسته است. سازمان شفافیت بین‌المللی در گزارشی ذکر کرده که منبع بسیاری از رشوه‌هایی که در جهان سوم پرداخته می‌شود در جهان اول قرار دارد. بر مبنای این گزارش، اختلاس پدیده‌ای



عالمگیر است، در بخش خصوصی همانند بخش دولتی و در کشورهای ثروتمند همانند کشورهای فقیر، سرایت، موجودیت و مقبولیت دارد.» (امید؛ ۱۳۹۳)

افغانستان در یک و نیم دهه اخیر (پسا طالبانی) بدترین و خطرناکترین بخش در تاریخ خود را از دیدگاه فساد اداری گذرانده است. اگر در گذشته، که شکی نیست، فساد اداری در بدنه دولت (مقامات بلند پایه یا دون پایه) وجود داشت امروزه به بدترین حالت خود در بدنه دولت و سازمان‌های غیردولتی، از بلند پایه‌ترین در سطح وزیر و وکیل و بالاتر تا پایین‌ترین‌ها در سطح مأموران پایین‌رتبه به بدترین نوع خود تجربه می‌شود و وجود دارد. همین امر باعث شده که سازمان‌هایی مثل شفافیت بین‌المللی در چند سال اخیر، افغانستان را جزء سه - چهار کشوری قرار داد که در آنها فساد اداری به بالاترین و بدترین شکلش وجود دارد و تجربه می‌شود، حتی در سال ۲۰۱۳، افغانستان از دو کشور رقیب و هم‌سطح خود یعنی کره شمالی و سومالی هم جلوزد و به عنوان نخستین کشور دنیا با بالاترین آمار فساد اداری معرفی گردید.

در سطح ملی هم، در حالی که دولت افغانستان آمادگی خود را برای مبارزه عملی با پدیده‌ی فساد اداری اعلام نموده عملاً متأسفانه به نظر میرسد که اراده قوی و جدی در مبارزه با فساد اداری وجود ندارد، به همین دلیل هم هست که می‌بینیم، چند سال گذشته، افغانستان پیاپی به عنوان یکی از فاسدترین کشورهای دنیا از طرف سازمان شفافیت بین‌المللی معرفی می‌گردد. سازمان شفافیت بین‌المللی خود دلیل اصلی معرفی افغانستان در سال ۲۰۱۳ به عنوان نخستین کشور در صدر کشورهایی که بیشترین آلودگی به فساد اداری را دارند، نبود اراده سیاسی مبارزه با این پدیده شوم بیان کرد.

مبارزه با این پدیده‌ی شوم، نیازمند عزم ملی و تصمیم جدی دولت در عرصه‌ی عمل است که می‌تواند برای فایق آمدن بر فساد اداری و مهار آن مؤثر باشد. اگر این اولین معیار برای مبارزه با فساد اداری به دست آید یعنی اراده‌ی واقعی و صادقانه نزد سیاستمداران و صاحبان قدرت وجود داشته باشد، قدم دوم انجام مطالعات کاربردی و عملیاتی است تا مصادیق فساد در جامعه بهتر درک شود و علل آن به صورت واقع بینانه و منطبق با شرایط بومی جامعه ریشه‌یابی گردد. در گام سوم، طرح یک برنامه عملی جامع که تا حد ممکن فراگیر که همه جنبه‌ها و ابعاد فساد را در بر گرفته بر اساس مطالعات انجام شده، و راهکارهای مطرح شده، قابل عمل و تطبیق در جامعه با شرایط موجود را داشته باشد. هر سه نکته ذکر شده متأسفانه اموری اند که تا کنون در مورد آنها تردید وجود دارد. در جامعه‌ی ما، هنوز حد و مرز فساد و این که مصادیق فساد دقیقاً چه چیزهایی اند دقیقاً روشن و مشخص نیست. به عبارت دیگر، ما هنوز یک ذهنیت مشترک در باب تعریف فساد هم نداریم. بسیاری از اموری که در یک جامعه‌ی پهنجار و دموکراتیک فساد تلقی می‌شود، در کشور ما در نزد مدیران عالی‌رتبه و حتی افراد متکفل مبارزه با پدیده‌ی فساد، به عنوان فساد شناخته نمی‌شود. به عنوان نمونه، استفاده از عراده‌جات دولتی در کارهای شخصی و روزمره‌ی

فردی که در مسیر انجام کار اداری و دولتی نیست، در یک جامعه‌ی سالم و به لحاظ آموزه‌های دینی ما، نوعی فساد است؛ اما این امر در جامعه‌ی امروز ما یک امر عادی است و هیچ‌کسی از خود نمی‌پرسد که آیا چنین حقی دارد یا خیر؟ مردم هم این را پذیرفته اند و ملامت نمی‌کنند. کشورهای موفق، بسیاری از مرزها و مصادیق فساد را در قانون روشن و مشخص و نهادینه کرده‌اند و اگر رفتار و عملی خلاف آن صورت بگیرد، فساد تلقی می‌شود و به صورت عملی با آن مبارزه می‌شود.

علاوه بر این ابهام مفهومی و مصداقی فساد در افغانستان، تا کنون نه تنها مبارزه‌ی کارآمدی با این پدیده‌ی فرصت‌سوز صورت نگرفته است، بلکه در اراده‌ی جدی دولتمردان در این زمینه و نیز چگونگی مبارزه‌ی مؤثر با پدیده‌ی فساد نیز تردیدها و ابهامات جدی وجود دارد. نکته‌ی سوم هم که دیگر خاص فساد اداری نیست و آن نبود یا کمبود ادبیات تحقیق و منابع تحقیقی در زمینه است.

فساد اداری هم مثل بسیاری از موارد و مسایل دیگر در کشور ناشناخته مانده و مورد تحقیق جدی علمی و بی‌طرفانه و آسیب‌شناسانه قرار نگرفته است تا چگونگی، انواع، عوامل و پیامدهای واقعی آن در جامعه‌ی ما شناسایی شود. تحقیق‌های مختلفی بیشتر از طرف نهادها و سازمانهای بین‌المللی و بعضاً داخلی یا اکادمیک در افغانستان انجام شده که یا جامع نیست و یا هم به زبانی غیر از زبانهای رسمی کشور (اغلب انگلیسی) نوشته شده و به زبانهای رسمی کشور (فارسی و پشتو) ترجمه نشده است. بر اساس همین مسأله و واقعیت بود که تحقیق حاضر طراحی شد و با در نظر داشت محدودیت منابع، زمان و نیز دلایل علمی، بر آن شدیم تا با استفاده از روشهای اسنادی (کتابخانه‌یی) و تجربی به معرفی و توصیف ابعاد و انواع، عوامل و پیامدهای پدیده‌ی فساد اداری بپردازیم، و سپس با مراجعه به داده‌های تجربی بدست آمده از تحقیق میدانی به نقش عامل فرهنگی در اقدام به فساد اداری تأکید بیشتری نماییم.

لذا، تحقیق حاضر متشکل از دو بخش است. در بخش نخست تلاش شده تا فساد اداری به گونه‌ی کلی و نظری مورد مطالعه و معرفی قرار گیرد، مفهوم فساد اداری از دیدگاه‌های مختلف تعریف شود، انواع و شکل‌ها و عوامل و پیامدهای آن ذکر گردد و نیز نقش فرهنگ در زمینه‌سازی اقدام به فساد اداری با استفاده از نظریه‌های جامعه-شناختی تبیین گردد. در ضمن، اشاره‌ی هم به تاریخچه‌ی فساد و وضعیت و تاریخچه‌ی کوتاه آن در افغانستان آورده شود تا خواننده بهتر بتواند تصویر کلی و درستی از موضوع در ذهن داشته باشد.

بخش دوم این تحقیق، تحلیل داده‌ها و اطلاعاتی است که با استفاده از روش کمی پرسشنامه‌یی از ادارات دولتی شهر هرات به دست آمده و کوشش شده تا عوامل متعدد فرهنگی چون خویش‌گرایی، مادی‌گرایی یا اهمیت اقتصاد و وضعیت اقتصادی در تثبیت جایگاه فرد در خانواده و جامعه و مسایلی چون این به آزمون گرفته شود تا معلوم

گردد که چقدر این عوامل بیرون از اداره یعنی عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی چقدر میتوانند در زمینه‌سازی به اقدام به فساد افراد مؤثر باشند و افراد را وادار کنند تا دست به فساد اداری بزنند.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت پرداختن نظری و علمی به موضوع فساد اداری در افغانستان از چند امر ناشی می‌شود:

۱. نخستین قدم برای اقدام به تغییر یا مبارزه با هر امری شناخت درست و علمی آن پدیده است. امروزه کشور ما قربانی فساد اداری است و از پایین‌ترین تا بالاترین مقامات و ادارات دولتی و نیز غیردولتی بدان آلوده اند. این وضعیت صدمات زیادی بر پیکر جامعه و دولت وارد نموده فرصت‌های زیادی را از بین برده است. عامل اصلی بسیاری از این ناکامی‌ها هم وجود درجه بالای فساد اداری در بدنه دولت است و تا زمانی که با فساد اداری در کشور مبارزه جدی صورت نگیرد، انکشاف و ترقی افغانستان در هیچ زمینه‌ای ممکن و میسر نخواهد بود. بودجه‌های هنگفتی برای انکشاف در عرصه‌های متعدد اختصاص داده می‌شود، اما فساد اداری نه تنها این بودجه‌ها را به کام خود فرو می‌برد، بلکه زمان و فرصت‌های زیادی نیز توسط اداره‌ی فسادآور و مدیران فاسد به هدر می‌رود. تا کنون که این بودجه‌ها از محل کمک‌های بین‌المللی تأمین می‌شود، ممکن است عمق فاجعه تشخیص داده نشود، اما پس از چند سالی که زمان کمک‌های بین‌المللی به سر رسد و تأمین بودجه و نیازمندی‌های دولت به درآمدهای ملی کشور موکول شود، با وضعیت موجود فساد اداری در کشور، گمان می‌رود که چرخ دولت از حرکت باز خواهد ماند و هیچ‌گونه حرکتی به سوی انکشاف و ترقی در کشور ممکن نخواهد بود. مبارزه با فساد اداری اما ممکن نخواهد بود تا شناخت درستی از پدیده فساد، عوامل آن، انواع و شگردهای مختلف آن به دست نیاید.
۲. تا کنون مبارزه با فساد تنها در حد شعاری باقی‌مانده است و اقدامات دولت در مبارزه با فساد اداری تا کنون بی‌نتیجه مانده است، که حتی نهادهای تأسیس شده به منظور مبارزه با فساد اداری نیز خود اسیر فساد گردیده و چرخه یا دور باطل اقدامات دولت در مبارزه با فساد اداری، بیش از پیش پیچک فساد را در کشور تنومندتر و محکم‌تر نموده است. اقدامات صوری و بی‌نتیجه‌ی دولت در این زمینه، سبب بی‌اعتمادی بیش از پیش افکار عمومی نسبت به دولت گردیده و این باور را در میان آنان پدید آورده است که دولت از جدیت و عزم راسخ در امر مبارزه با فساد برخوردار نیست و اقداماتش در زمینه‌ی مبارزه با فساد اداری فاقد کارایی است. از یک طرف (با نگاهی واقع‌بینانه و بدبینانه) اقدامات دولت افغانستان در چند سال اخیر چیزی بیش از مردم‌فریبی و فریب افکار عمومی و جامعه جهانی برای سرپوش گذاشتن به عزم دولت در مبارزه با فساد اداری نبوده است؛ از طرف دیگر (و با نگاهی خیلی خوشبینانه) شاید اقدامات و استراتژی‌های ناموفق دولت افغانستان در این چند سال اخیر در مبارزه با فساد اداری را بتوان

- پالیسی‌ها و برنامه‌های ناشیانه‌یی خواند که از روی درک نادرست پدیدهٔ فساد و راه‌های مبارزه با آن، ساخته شده و در نتیجه پیامد و نتیجهٔ مثبتی در پی نداشته است.
۳. دولت افغانستان هیچ‌گونه طرح و استراتژی علمی و مشخصی برای مبارزه با فساد در کشور ندارد. فقدان و خلاء مباحث نظری و نبود یک استراتژی شفاف و کارآمدی که مبتنی بر مطالعه‌ی علمی و بحث نظری باشد، یکی از علل ناکامی دولت در عرصه‌ی مبارزه با فساد است.
۴. با توجه به اصل ضرورت مبارزه با فساد اداری که از بدیهیات به شمار می‌رود، ضرورت پرداختن نظری و علمی به مبحث مبارزه با فساد اداری نیز از نکاتی که مطرح شد به دست می‌آید و اهمیت حیاتی آن برای انکشاف و ترقی کشور روشن می‌شود.

### اهداف و پرسش‌های تحقیق

اهداف اصلی و فرعی این تحقیق را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. تعریف فساد اداری و مفاهیم مرتبط با آن،
۲. بیان انواع و شکل‌های فساد اداری مروج در سازمانها و دسته‌بندی‌های مختلف از فساد اداری،
۳. تبیین فساد اداری و عوامل زمینه‌ساز آن در ادارات دولتی،
۴. تشریح تأثیرات و پیامدهای فساد اداری بر جامعه و اقتصاد و اداره،
۵. تأثیر فساد اداری بر روند توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی کشور،
۶. جستجوی راه‌های مقابله با فساد اداری،

تحقیق برای پاسخ‌گویی به پرسشهای زیر راه‌اندازی شده است:

۱. چه عواملی زمینه‌ساز فساد اداری اند؟
۲. نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی در گرایش به فساد اداری چه اندازه است؟
۳. فساد اداری چه پیامدهایی بر نظام اجتماعی و اقتصادی و اداری بجا می‌گذارد؟
۴. فساد اداری چه تأثیری بر روند توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی در کشورهای رو به توسعه دارد؟
۵. چگونه می‌توان با فساد اداری مقابله کرد؟
۶. چه راهکارهایی برای کاهش فساد اداری وجود دارد و می‌توان از آنها استفاده کرد؟

### پیشینهٔ توجه به فساد اداری

مطالعه تاریخ تمدن‌های باستان، بیانگر این است که فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه تمدن داشته و اکنون نیز یکی از مسایل مهم و اساسی در میان کشورهای جهان می‌باشد. فساد نابسامانی‌های بسیاری برای جوامع بشری

به دنبال داشته و جنگ‌های پی‌درپی، خشونت‌ها و قیام‌ها علیه تمدن‌های حاکم، از بین رفتن سازمان‌ها و در هم ریختن جوامع، همیشه ناشی از فساد بوده است. در مجموع، فساد در کنار سایر عوامل، از عوامل مهم فروپاشی تمدن‌ها بوده است، به گونه‌ای که ابن‌خلدون در رابطه با عوامل ظهور و سقوط تمدن‌ها معتقد است: عامل اصلی فروپاشی و زوال حکومت‌ها اسراف، تبذیر و فساد در دستگاه حکومتی از جانب دولت‌مردان و حاکمان می‌باشد. در طی قرون و اعصار، همواره رابطه معکوسی بین استفاده درست و بجا از قدرت و قلمرو گسترش فساد وجود داشته است. زمانی که از قدرت به طور مطلوب استفاده می‌شد، میزان فساد کاهش می‌یافته است. موضوع فساد در تمام زمان‌ها، گریبان‌گیر دولت‌ها و دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان و متفکران سیاسی بوده است؛ دانته در قرن چهاردهم، در کتاب کمدی الهی خود به مسأله فساد توجه کرده و آن را از نظر درجه‌بندی در اعماق جهنم قرار می‌دهد. به عقیده ماکیاولی فساد جریانی است که طی آن، موازین اخلاقی افراد سست و فضیلت و تقوای آنان از بین می‌رود و از آن‌رو که افراد ضعیف و عاری از تقوا و پرهیزگاری، بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند، باید با کنترل این افراد، هدایت رهبران فکری و با کمک دستگاه‌های ناظر از بروز این مشکل جلوگیری کرد.

جالب اینجاست که بسیاری از اشکال امروزین فساد اداری هم در سابق وجود داشته است، البته متناسب با شرایط و ویژگی‌های همان عصر. از جمله اینها خرید و فروش بست‌ها و مناسب دولتی است که امروزه نیز در کشور ما به یک امر عادی و معمول تبدیل شده چنان که به نظر میرسد تنها راه رسیدن به مناسب و پست‌های دولتی مهمتر، پرداختن پول متناسب با آن مقام و جایگاه و عواید آینده‌اش است. در گذشته نیز در دوره‌های تاریخی سلسله‌های مختلف، گاه به دلیل افزایش هزینه‌های دربار یا در مواقع قحطی و خشک‌سالی و یا برای پرداخت غرامت‌ها و قرض‌های خارجی، خرید و فروش مشاغل و مقامات اداری به یک منبع مهم درآمدهای فوری و ضروری دولت تبدیل شد. در بعضی مواقع این کار آنچنان توسعه یافت که مقامات را زود به زود، حتی سالی یک یا دوبار، عوض می‌کردند و مشاغل آنان را به افراد دیگری می‌دادند تا پول بیشتری به دست آورند. این‌گونه شیوه‌های استفاده از مشاغل و منابع درآمد بوروکراسی موجب می‌شد افرادی که شغلی به دست می‌آوردند سعی کنند در کوتاه‌ترین زمان با استفاده از این موقعیت، اصل مبلغی را که پرداخته بودند به علاوه منافع آن به دست آورند. (علی و عبدالحمید؛ ۱۳۹۱، ص ۸۱)

تاریخ تمدن‌های قدیمی مانند یونان، رم، چین، هند و... متأثر از فساد بوده است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، شواهدی از وجوه رشوه در روزگاران باستان را ذکر می‌کند و می‌نویسد: در گذشته‌های دور که فرمانروایان برای اتخاذ تصمیمات مهم دست به دامان کاهنان می‌شدند تا با مشاهده پرواز پرنده‌گان یا بررسی احشای حیوانات قربانی شده، قصد و اراده خدایان را از طریق آنها مشاهده کنند و به اطلاع ایشان برسانند، کاهنان از افرادی که قوانین بر له یا علیه آنان بود، رشوه می‌گرفتند تا نظرات خود را با سفارشات آنها هماهنگ کنند. در واقع رشوه، در طول تاریخ تمدن بشری وجود داشته و به روش‌های مختلف جلوه‌گر شده است. در عهد خلافت‌های اسلامی و سلسله‌های

مختلف حاکم بر این دیار، حکمرانان بخشهای مختلف به اطرافیان سلطان برای باقی ماندن در مصدر کار رشوه می‌دادند و کار به جایی رسید که یکی از پادشاهان ادعا کرد به شخص سلطان هم رشوه داده است. (متحدیان؛ ۱۳۹۱)

فیلسوفان یونان هم مثل بسیاری از ساحات علمی و سیاسی-اجتماعی دیگر، به فساد اداری هم توجه داشته در مورد آن قلم‌فرسایی کردند. از جمله این فیلسوفان افلاتون است که بیش از همه به مسایل حکومت و دولت و فلسفه سیاسی پرداخته است. در ارتباط با فساد اداری افلاتون خیلی سخت‌گیرانه حکم میکرد و دستور می‌داد هر کس برای انجام وظیفه تحفه‌ای بگیرد، باید محکوم به اعدام شود. او مطابق افکار جمهوریت اظهار عقیده می‌کرد و می‌گفت «نه برای اعمال خوب و نه برای اعمال بد، تحفه نباید گرفته شود، نه برای انجام امری و نه برای خودداری از انجام امری، تحفه گرفتن ممنوع است». اشخاصی که به آنها چیزی داده نمی‌شود چیزی هم نمی‌خواهند ولی اشخاصی که به آنها چیز کمی داده می‌شود به زودی کمی بیشتر و بعد رفته خیلی زیادتر توقع می‌کنند. (همان؛ ۱۳۹۱)

دگرگونی سیاسی دو قرن اخیر در کشورهای غربی و سایر نقاط جهان، دولت‌ها را در پاسخ‌گویی به مردم نسبت به اقدامات و عملکرد خود مجبور کرده است. در نتیجه این تحولات، فساد اداری از حساسیت سیاسی بسیار بالایی برخوردار شده و دولت‌ها به خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچار هستند به این مسأله توجه کنند. لیکن شواهد نشان می‌دهد قبل از تحولات سیاسی اخیر نیز پادشاهان، سلاطین و حکومت‌های خودکامه با مشکل فساد اداری مواجه بودند و در متون باستانی اشارات متعددی به این مسأله شده است که نشان می‌دهد حکومت‌ها همیشه نگران سوءاستفاده شخصی صاحب منصبان و کارمندان دولتی از موقعیت و امتیاز شغلی خود بوده اند. در تاریخ تفکر و اندیشه شرقی هم نمونه‌های زیادی از پرداختن به موضوع فساد اداری و موارد و چگونگی آن را می‌بینیم. از جمله، در تاریخ هند باستان و آثار باقیمانده از تمدن این سرزمین به چنین نوشته‌ها و تفکراتی برمیخوریم. کاتیلیا، نخست‌وزیر یکی از ایالات شمال هندوستان، در حدود ۲۰۰۰ سال پیش در یک نوشته به جامانده از آرتاشاسترا چنین نوشته است: «همان‌گونه که اگر ذره‌یی عسل یا سم بر نوک زبان فردی ریخته شود، چشیدن آن اجتناب‌ناپذیر است، امکان ندارد کسی با بیت‌المال سروکار داشته باشد و مقدار کمی از ثروت شاه را نچشد.»

در نوشته‌های باقی‌مانده از تمدن کهن چین باستان هم به موضوع فساد اداری برمی‌خوریم و راهکارهایی که دولتمداران این تمدن برای مقابله با فساد به آنها متوسل می‌شدند. یکی از این راهکارها اعتراف واقع‌بینانه به وسوسه شدن مأموران دولتی به رشوه‌گیری و آلوده شدن شان به فساد است که برای جلوگیری از آن و کنترل آن

و به منظور افزایش مقاومت مسؤولان در قبال وسوسه فساد، مبلغی تحت عنوان «غذای ضد فساد» به آنها می-پرداختند. این امر به نظر میرسد فساد اداری را کاهش داده و مأموران دولتی را در برابر فساد نوعی واکسین میکرده.

همچنان که قبلاً هم یاد کردیم، ابن خلدون نیز در مقدمه معروف خود و نیز در کتاب تاریخش، از فساد به عنوان یکی از عوامل اصلی تباهی و بربادی تمدنهای پیشین یاد کرده و آلوده شدن مقامات دولتی و حکومتی به فساد را زمینه‌ی برای اضمحلال حکومت و دودمان میداند. ابن خلدون علت این فساد را نیز بیشتر تجمل‌پرستی و فزون-خواهی شهرنشینان و حکومتی‌ها میداند که در حقیقت با این کار تیشه به ریشه خود میزنند و سقوط حکومت و دودمان خود را تسریع می‌بخشند.

همچنان که دیدیم، حکومت‌ها و دولت‌ها از زمانه‌های بسیار دور با فساد اداری دست و پنجه نرم میکردند و بدان آلوده بودند، البته در دوره‌ها و تمدنهای مختلف به گونه‌ی متفاوت و شدت و ضعف آن نیز متفاوت بوده است. اما در گذشته، فساد اداری به عنوان یک مسأله بسیار مهم و قابل توجه و رسیدگی مطرح نبوده و دولتها بخصوص احساس مسؤولیت و مجبورت برای رسیدگی و پاسخگویی به آن را نمی‌کردند.

حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل سوءاستفاده کارگزاران دولتی روبه‌رو بوده اند. همچنان که در نمونه-های پیشین دیدیم، در متون باستانی نیز اشاره‌های متعددی به این پدیده شده است، که نشان می‌دهد، حکومت‌ها نگران سوءاستفاده شخصی صاحب‌منصبان و اراکین دولتی از موقعیت و امتیازات شغلی‌شان بوده‌اند. دگرگونی‌های سیاسی، وجود نهادهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات در دو قرن اخیر در کشورهای غربی و سایر نقاط جهان، دولت‌ها را مجبور کرده است نسبت به اقدامات و عملکرد خود به مردم جوابگو باشند. در نتیجه این تحولات، تخلفات اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولت‌ها به خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مسأله توجه کنند. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء و جعل، همچنان که اشاره رفت، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارند. (شمس‌السادات و دیگران؛ ۱۳۸۸، ص ۲۹)

## بررسی فساد اداری و وضعیت موجود کشور

همچنان که در مبحث پیشین آمد، فساد اداری بیش و کم در طول تاریخ و در همه جوامع و دولت‌ها وجود داشته است. افغانستان نیز از این جمع مستثنا نبوده و در تاریخ پرفرازونشیب خود انواع نظام‌ها و سلسله‌های مختلف با درجه‌های متفاوت فساد را تجربه کرده است. آنچه که مهم است و فساد اداری را به یک مسأله جدی و نگران‌کننده تبدیل کرده وضعیت جدید فساد اداری در کشور و در نظام پساطالبانی است. امروزه و پس از سقوط رژیم طالبان از اوایل سده بیست و یکم، سرمایه‌ها و بودجه‌های قابل توجه سازمانها و کشورهای درگیر در مسأله افغانستان وارد این کشور فقیر شد و قرار شد در مسیر بازسازی و نوسازی ویرانی‌های چند دهه جنگ و فقر و عقب‌مانی کشور به مصرف رسد تا مردم و نسل نو و آینده این جامعه روی خوشی را ببینند و حرکت در مسیر توسعه و تعالی و رشد و ترقی را تجربه کنند. این کندوی عسل و خوان پر نعمت اما آفاتی هم به دنبال داشت که همان گرد آمدن زنبورها و مهمانان ناخوانده باشد. به دلیل نبود سیستم درست تعریف شده و نظارتی بر چگونگی وارد شدن این سرمایه و توزیع و مصرف آن در کشور، زمینه استفاده‌های شخصی بسیاری از دولت‌مردان بلندرتبه و میان‌رتبه و پایین‌رتبه و نیز افرادی در بیرون دولت و سازمان‌های غیردولتی و حتا توزیع‌کنندگان این سرمایه‌ها (کشورهای تمویل‌کننده پروژه‌ها - دونرها) میسر شد و فساد اداری و مالی سیر صعودی و موجی بسیار بلندی را تجربه کرد و افغانستان به یک باره در صدر کشورهای آلوده به بیشترین فساد اداری و مالی قرار گرفت و جا خشک کرد.

این وضعیت گرچه نو بود و به این صورت سابقه قبلی در این مرزوبوم نداشت، فساد اداری اما سابقه پیشین‌تر و طولانی‌تری دارد. مرور کوتاهی در کتاب‌های تاریخ دور و نزدیک افغانستان نشان می‌دهد که فساد اداری (رشوت و سوءاستفاده‌های مالی و منسبی و...) در گذشته دور و نزدیک این کشور سابقه داشته و در دوره‌های مختلف به صورتهای متفاوت حضور داشته و مردم و توده از آن و عاملان آن همیشه (مثل امروز) در رنج و تعب بودند. برای تصویر کردن صورت کلی مسأله در تاریخ معاصر کشور، نگاهی بس کوتاه به گونه تاریخی به تاریخ سده پیشین (قرن بیستم) کشور می‌اندازیم و می‌بینیم که چگونه فساد اداری و رشوت و سوءاستفاده از قدرت وجود داشته و حتا (قسمی که ابن خلدون هم پیش‌بینی کرده بود) باعث فروپاشی نظامها و سلسله‌ها شده بود.

### تاریخچه کوتاه اداره و فساد اداری در تاریخ معاصر کشور

افغانستان امروز یا آریانا، باختر و خراسان بزرگ دیروز با تاریخ غنای خویشتن جزء مدنیت‌ها و تمدن‌های هفت‌گانه جهان باستان بوده که در یک قرن اخیر دستخوش حوادث ناگوار زیادی گردیده است.

همانند بسیاری از سرزمین‌های مدنیت‌های پیشین، این منطقه، به دلیل موقعیت جغرافیایی و تجاری (مسیر راه ابریشم)، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار بوده و در تاریخ گذشته‌اش مدام بین سلسله‌های مختلف دست به دست شده



است. گاه در نتیجه ثبات نسبی و دوام سلسله‌یی از وفور نعمت برخوردار بوده و حاکمان و زورمندان و برخی از رعیت ثروتمند از وضع خوبی برخوردار بودند؛ و دوره‌هایی هم که جنگ‌ها و سلسله‌براندازی‌ها بیشتر می‌شد یا حکومت‌ها در نتیجه نزاع‌ها و کودتاها و شورشهای داخلی برانداخته می‌شد، رعیت، بویژه فقراء و عامه مردم بیش از همه ضرر میدیدند و مورد تاخت‌وتاز و غارت گروه‌ها درگیر و قدرت طلب قرار میگرفتند و آنچه داشتند و نداشتند از دست میدادند.

آنچه در اینجا با آن اشاره می‌شود، نه تاریخ این فرازونشیب‌ها بلکه تصویری کلی و شرحی بس مختصر از وضعیت فساد و اداره در این دوره‌ها و در نهایت وضع موجود فساد در کشور است. پیش از آن اما بهتر است تصویر کلی از تحولات سیاسی و تغییر رژیم‌ها و دست به دست شدن قدرت در میان حاکمان و حکومت‌مداران مختلف در تاریخ معاصر کشور داده شود.

افغانستان امروزی که آخرین بار توسط احمد شاه ابدالی دوباره به یک قدرت بزرگ تبدیل شد و از زیر تأثیر و حکومت سلسله‌های بیگانه در نیمه دوم قرن هجدهم آزاد شد، پس از اندکی آرامش نسبی در زمان حکومت احمد خان و پسرش تیمور، دوباره میدان رقابت و خانه‌جنگی برادران و پس از اندکی اقوام محمدزایی و بارکزایی شد. تغییر قدرت از یک شاه به شاه دیگر و از یک خاندان و قوم به خاندان و قوم دیگر سرنوشت تقریباً دو سده اخیر کشور را رقم زد.

در نهایت، افغانستان هم مثل بسیاری از کشورهای همسایه و پس از بسیاری دیگر، در شروع قرن بیستم، وارد عرصه جدید حیات تاریخی خود شد و خواست مسیر نوزایی و تجدد را تجربه کند و در زمانی که کشورهای جهان و حتی همسایه در نتیجه رشد علم و تکنولوژی و صنعت و تجارت نوین، فاصله‌های زیاد ترقی و پیشرفت را پیموده بودند، به خواست نخبگان سیاسی و روشنفکران و تمایل سیاستمداران کشور، قدم در مسیر تجدد (مدرنیسم) بگذارد و با وداع گفتن جهان سنتی وارد عرصه جدید حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری نوین (مدرن) شود تا به ثروت و رفاه و ترقی بیشتری دست یابد و وضعیت عمومی کشور و مردم بهتر شود.

این حرکت کشور به سوی مسیر تجدد بیشتر با آغاز سده بیستم و زمان حکومت امیر حبیب‌الله خان آغاز شد که پس از تغییر دیدگاه شاه در برخی امور و سرکوب مشروطه‌خواهان و روشنفکران، اولین ناکامی خود را تجربه کرد. اما این چرخ باید به حرکت خویش ادامه میداد و همه کس، حتی شاه، را از مقابل خود برمیداشت. بعد از قتل امیر حبیب‌الله خان در شکارگاه کله گوش پسر وی امان‌الله و نصرالله خان برادر حبیب‌الله خان خود را وارث سلطنت و امارت می‌دانستند تا اینکه امان‌الله خان مشروط خواه به حیث امیر و شاه افغانستان اعلام شد. بعد از کسب استقلال افغانستان در اثر معاهده پيشاور از انگلیس‌ها (در سال ۱۹۱۹ مطابق ۱۲۹۸ ه. ش.) توسط نیروی‌های وطن‌خواه مشروطه‌خواهان اول و دوم در رأس آنها شاه امان‌الله خان غازی به مدت ده سال این شاه ترقی خواه و

وطن‌دوست، علم‌پرور حرکت کشور به سوی تجدد و مدرن شدن را سرعت بخشید و اصلاحات شدید و زیربنایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری را به اجرا گذاشت. اما این اصلاحات و بویژه آنهایی که منافع اقشار خاص قدرتمند را زیر سوال می‌برد و کاهش میداد، نتوانست دوام پیدا کند و به ناچار پس از مقاومت‌ها و شورشهای متعدد در برخ ولایات کشور، بالأخره نیروی شورشی در راس حبیب‌الله کلکانی ماشین حرکت ترقی‌خواهانه را متوقف ساخت و سکان‌دار حرکت واپس‌گرایانه شد و اینچنین نخستین حرکت اصلاحی معاصر کشور که در مسیر اصلاح اداره، سیاست، اجتماعی، اقتصاد، فرهنگ و بالأخره همه ابعاد جامعه و کشور ما به سوی پیشرفت به واکنش منفی برخورد و از حرکت بازایستاد. اما حکومت حبیب‌الله زیاد داوود نیامد و بعد از چند ماه نادر خان وزیر دفاع امان‌الله خان از راه خوست به کمک انگلیس‌ها وارد کابل شد و امیرحبیب‌الله را با چند تن در داخل ارگ اعدام کرد و خود را شاه اعلان کرد و به مدت چهار سال با برادران خود بر افغانستان حکمروایی داشت تا این که توسط عبدالخالق نام به خاطر خون‌خواهی غلام‌نبی خان چرخ‌چی و عبدالرحمن لودین که به دست نادر خان کشته شده بودند به قتل رسید. گرچه نادرخان نیز از نسل ترقی‌خواه بود و دوباره حرکت اصلاح و تغییر را آغاز نمود، این بار به محافظه‌کاری و احتیاط خیلی زیاد این ماشین به حرکت افتاد تا نه تنها واکنش سنتی‌ها برانگیخته نشود که پایه‌های قدرت نظام نیز محکم‌تر گردد و بتواند بقای دولت را در مقابل مخالفان و دشمنان محکم‌تر و قابل اعتمادتر گرداند. پس از مرگ نادرخان، پسرش ظاهر خان به مدت ۴۰ سال بر افغانستان پادشاه و سلطان بود مسیر آرام ترقی و پیشرفت و اصلاح اداره و دستگاه دولت را پیمود. گرچه این دوران ۴۰ ساله خالی از مشکل نبود، به دلیل ثبات سیاسی و امنیت نسبی حاکم بر کشور، اداره و تشکیلات و سازمانهای حکومتی مسیر آرام بهبود و ترقی را می‌پیمودند و دولت مقتدر و مرکزگرا نیز می‌توانست تا اندازه‌ی قدرت و نظارت خود بر مأموران و کازاران خود را حفظ کند و فساد را تا اندازه‌ی زیر کنترل داشته باشد تا پایه‌های نظام را تهدید نکند و باعث سقوط حکومت و دولت نشود. این سلطنت چهل ساله هم بالأخره پایانی داشت و با کودتای ۲۶ سرطان توسط پسر کاکای و داماد خود شاه (سردار داوود خان) از اریکه قدرت پایین کشیده شد. داوود خان رژیم جمهوری را بنیاد گذاشت و مدت شش سال رئیس‌جمهور بود و در نظر داشت تا با طرح و اجرای پلانهای اقتصادی چندساله مسیر توسعه اقتصادی را با شتاب فراوان بپیماید کشور را از حالت عقب‌ماندگی و فقر و بیچارگی نجات دهد. نخستین تجربه جمهوری هم پایان خوشی نداشت و با کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی رئیس‌جمهور داوود با ۱۷ تن از اعضای فامیل خود در داخل ارگ به قتل رسید و حزب دموکراتیک خلق افغانستان به رهبری نور محمد ترکی، حفیظ‌الله امین، ببرک کارمل و نجیب‌الله به مدت ۱۳ سال بر مردم افغانستان تحمیل شد تا اینکه در سال ۱۳۷۱ احزاب و گروه‌های هفت‌گانه و هشت‌گانه مجاهدین داخل کابل گردیدند و مدت ۴ سال جمهوری اسلامی افغانستان را اعلام کردند که در رأس آنها صبغت‌الله مجددی بود تا تحریک طلبه‌های افغانستان وارد قندهار، هرات، کابل، بلخ و غیره ولایات گردیدند و بنام امارت اسلامی افغانستان برای مدت ۶ سال به رهبری ملا محمد عمر بر مردم این سرزمین تحمیل شدند. در نهایت، بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا و ناتو وارد افغانستان گردیدند و طالبان را از اریکه قدرت پایین

کشیدند و به عوض آنها در اثر معاهده بن جرمنی، حامد کرزی را ابتدا به صفت حکومت موقت و بعداً برای مدت ۱۳ سال رئیس جمهوری افغانستان معرفی گردید. پس از سیزده سال حکومت نظام جدید، برای اولین بار در تاریخ افغانستان، قدرت از طریق انتخابات ریاست جمهوری از یک فرد به فرد دیگر به گونه‌ی مسالمت‌آمیز انتقال یافت و محمد اشرف غنی به حیث رئیس جمهور و عبدالله عبدالله، رقیب انتخاباتی‌اش به حیث رئیس اجرائیه در افغانستان قدرت را بدست گرفتند. به طور خلاصه، از سال ۱۳۵۷ تا امروز ۱۳۹۴ برای مدت نزدیک به چهار دهه، افغانستان بین قدرتهای رقیب به کمک کشورهای همسایه و قدرتهای بزرگ دست به دست می‌شود و حال و وضع مردم و نظام و اداره نیز هر روز از روز قبلش بدتر، خرابتر و فاسدتر می‌گردد.

در طول این سه دهه، بویژه در دوران جنگهای داخلی و تحمیلی، زیربناها و نظام اداری و تشکیلات دولتی افغانستان که پس از نیم قرن بازسازی شده بود مسیر ویرانی و قهقرایی پیمود و در بدترین حالت آن یعنی نظام طالبانی، آخرین چوب‌های پوسیده این نظام نیز برهم ریخت و چیزی به عنوان اداره و مدیریت و... واقعیت عینی خود را از دست داد و بربریت مطلق حاکم شد و آخرین پتک بر تابوت فرسوده نظام اداری کشور کوبیده شد تا چون پارچه‌سنگهای مجسمه‌های بودا در بامیان به گرد و خاک و خاکستر بدل شود و از آن چیزی جز غبار و دود و در نهایت خلاء چیزی باقی نماند.

همچنان که دیدیم، سده بیستم میلادی که در حقیقت دوران آغاز نوگرایی و اصلاحات نوین در کشور بود چگونه با نزاعهای داخل خاندانی و قومی یا هم با جنگ‌های تحمیلی و حزبی و مداخله قدرتهای بزرگ جهان و منطقه و همسایه در امور داخلی کشور گذشت. در دوره جنگ تحمیلی و داخلی که انتظار اصلاحات و اداره سالم و مدیریت بجا چیز نیست نابجا و غیرواقعی؛ اما آنچه میتوان انتظار داشت مدیریت سالم در دوره‌های حاکمیت ثبات نسبی در کشور، مثلاً آغاز سده بیستم و در کل نیمه اول سده بیستم که هنوز جنگهای داخلی و دخالت کشورهای همسایه اوج نگرفته بود. اما در همان دوران هم می‌بینیم که فساد و بویژه فساد اداری جزء جدانشدنی زندگی مردم و اداره دولت‌هاست. میر غلام محمد غبار با توصیف وضعیت مالی و اداره زمان امیر حبیب الله خان، از انواع مختلف فساد اداری و رشوه‌خوری و تحمیل مالیات مختلف و سوءاستفاده از قدرت و مقام دولتی و خاندانی برای تملک اموال مردم و بویژه در نزد صاحبان قدرت در سطح حکومت و سلطنت بود. تا جایی که از فرار صدها خانوار مردم این سرزمین به کشورهای همسایه خبر میدهد و میگوید: «... وقتی از آنها سبب این فرار کردن پرسیده شد، ایشان ظلم و جبر و رشوت‌خواری مأموران دولت را پیش کشیدند.» (غبار، ۱۳۸۳؛ ص ۷۰۷) به علاوه، غبار در توصیف وضعیت مأموران دولت از چشم‌دید خود بیان میکند؛ مثلاً در مورد یکی از مستأجران گمرکات قطغن و بدخشان به نام جمشید خان میگوید که وی هشتاد نفر خدمتکار شخصی داشت و سرای وی شکل سراهای افسانه‌وی بغداد را به خود گرفته بود، در حالی که در بدخشان از فرط قحطی و گرسنگی، مردم دختران جوان خود را برابر ده سیر گندم می‌فروختند. (همان؛ ص ۷۰۷)

این تنها زمان حکومت امیر امان الله خان نبود که میراث این فساد به حاکمیت نخستین شاه افغانستان مستقل یعنی شاه امان الله خان هم رسید و اداره او هم علی‌رغم اصلاحات زیاد آلوده به فساد و رشوت و سوءاستفاده مالی بود تا جایی که غبار می‌نویسد که «کته‌های دهقان کشور نیز به مرور زیر ضربات مالیات روزافزون و رشوت مأمورین و بی‌اعتنایی دولت کوفته و متنفر و آماده هرگونه قیامی می‌شدند... این فساد اداره با ضعف زمامدار کل، مردم افغانستان را از حمایت و پشتیبانی دولت بازداشت...» (همان؛ ص ۸۰۵) در نهایت، غبار علت اصلی شکست نخستین دوره اصلاحات و مدرنیزه شدن افغانستان توسط دولت امانی را نه ضرورتاً دخالت خارجی یا واکنش ارتجاع داخلی که بیشتر ناشی از فساد اداری درون نظام و حکومتی‌های وقت و گماشته‌گان خاندان سلطنتی میدانست: «پس در کشوری که طبقه فیودال و اشراف و روحانی مخالف دولت بودند و مأمورین دولت با رشوت-خواری خود توده‌ها را رنجانده بودند؛ اردو که آخرین وسیله حفظ و تطبیق ریفروم‌های دولت بود، به جز از جنون معنی دیگری نمیداد. همین روش و سیاست شاه بود که زمینه آخرین انفلاق کشور و انهدام دولت جوان افغانستان را آماده کرد و سه سال بعد مملکت واژگونه گردید.» (همان؛ ص ۸۱۱)

دوره دوم ثبات نسبی و بلندمدتی که انتظار می‌رفت وضع اداره و دولت بهبود یافته باشد، باز هم چنین نبود و فساد جزء جدانشدنی از بدنی دولت افغانستان بود. حتا در اوج این اصلاحات و کاهش قدرت خاندان سلطنتی و انتقال آرام قدرت به مردم و دموکراسی یعنی دهه دموکراسی می‌بینیم که وضعیت اداره در کشور نابسامان و ناپه‌نجان توصیف می‌شود. میر محمد صدیق فرهنگ، از تاریخ‌نگاران معروف کشور در توصیف آخرین دهه سلطنت محمد ظاهر شاه یا به قول او دهه مشروطیت می‌نویسد: «بی‌نظمی در ادارات با کاغذپرانی و گریز از مسؤولیت که از خصوصیت‌های کشورهای در حال رشد است، همراه با هرج و مرج دستگاه‌های صنعتی و تعلیمی به پیمانۀ بی‌سابقه‌یی افزایش یافت. این پیشامد که تا حدی ناشی از مداخله بیجای و کیلان و سناتوران در کار قوه‌های اجرائیه و قضائیه و تا حدی هم نتیجه رد عمل حکومت و بعضی از کارمندان آن در برابر این قوه تازه به قدرت رسیده (قوه مقننه) بود، در اکثر احوال موجب کندی اجراءات گردیده و مردم را نسبت به نظام جدید بدبین می‌ساخت...» (فرهنگ؛ ۱۳۷۳، ص ۷۹۰)

با نگاهی کلی به آخرین دوره ثبات نسبی در کشور یعنی زمان جمهوری داوود خان، فرهنگ، توصیف میکند که حتا فساد و ارتشاء تا سرحد وزارتخانه‌ها و شخص وزراء هم رخنه کرده بود. از جمله در مورد وزارت دفاع جمهوری نقل میکند که چگونه بسیاری از چپی‌ها (خلقی‌ها و پرچی‌ها) با دادن رشوه وارد اردو می‌شدند (فرهنگ؛ ۱۳۷۳، ص ۶۴)

پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن احزاب چپی کونیستی (خلق و پرچم و اشغال کشور توسط ارتش سرخ و باز شروع مقاومت و جنگهای داخلی تا دو دهه متوالی پس از آن یعنی ۱۳۸۰، کشور درگیر جنگهای

مسلحانه و بعد از سقوط حکومت کمونیستی هم جنگهای تنظیمی در سراسر کشور و تا به قدرت رسیدن طالبان و برچیدن آخرین خشت‌های اداره و تبدیل دیوان‌سالاری به نظم قرون وسطایی، دیگر جایی از تحلیل وضعیت اداره و فساد اداری باقی نمی‌ماند. آنچه که نیازمند نگاهی ژرف و آسیب‌شناسانه دارد، دورهٔ پساطالبانی پس از ۱۳۸۰ و شروع بازسازی نظام اداری و دیوان‌سالاری در کشور است که به همکاری جامعهٔ جهانی و حاکمیت جدید صورت گرفت.

افغانستان پساطالبان (شروع سدهٔ بیست و یکم) به ناچار تولد نو دیگری را تجربه کرد و نخستین قدمها و خشت بنای ساختمان جدیدش را این بار به کمک و حمایت جدی جامعهٔ جهانی از نو برداشت و گذاشت تا پس از بیش از یک دهه در کنار کشورهای همسایه و جهانی به عنوان کشوری رو به توسعه حرکت خود را به سوی تغییر و شکوفا شدن بپیماید و در میان کشورهای جهان برای خود جایگاهی که شایستهٔ آن است دست‌وپا کند. این حرکت نوین و نوسازی زیربناها و روبناها و اداره و سیاست و اقتصاد و فرهنگ و خلاصه همه چیز البته که کار آسان و سریعی نبود و نیازمند حرکتی همه‌گانی و طاقت‌فرسا به همت فرزندان همین مرزوبوم و حمایت کشورهای دوست منطقه و جهان بود که پس از یک دهه امروز تلاش میکند مثل طفل نوزاد کم کم روی پای خودش بایستد و با تکیه به کمک دیگران آهسته آهسته اعتماد به نفس حاصل کرده حرکت مستقل خود به سوی ترقی و تغییر و توسعه را ادامه دهد. این حرکت و این تلاش البته که مشکلات و موانعی را نیز در پی داشت و کشور و نظام و اداره آلوده به مصایب و مشکلات فراوانی چون فساد اداری، کشتار، ویرانی، مهاجرت، تولید و قاچاق مواد مخدر، نقض حقوق بشر، تروریزم، اعتیاد، بیکاری، فقر، جهل و مرض و غیره... موجود است.

آخرین حرکت نوسازی و بازسازی کشور پس از سقوط رژیم طالبانی و با حمایت جامعهٔ جهانی و اختصاص دادن کمک‌ها و بودجه‌های بسیار زیاد و بی‌سابقه در تاریخ این کشور، زمینهٔ سوءاستفادهٔ فرصت‌طلبان و غارتگران و مفسدان را نیز آماده نمود و این‌چنین آخرین و قوی‌ترین حرکت نوسازی کشور نیز از درون دچار مریضی و آفت شد و در نتیجهٔ آلوده شدن بسیار به فساد و تباهی، متأسفانه حرکت این چرخهای نوسازی و بازسازی زیربناها و روبناهای اقتصاد و دولت و اداره کشور را به مشکل مواجه ساخت و کند و کند و کندتر ساخت، قسمی که افغانستان برای نخستین بار در تاریخ این کشور به لیست فاسدترین کشورهای دنیا فرو غلتید و فساد اداری از خطرناکترین تهدیدهای کشور به حساب آمد. پس از قرار گرفتن چندین سال متواتر در لیست پایین‌ترین پنج کشور آلوده به بیشترین فساد اداری در جهان و رسیدن کارد به استخوان ملت، دولت نوین افغانستان و برخ سازمانهای بین‌المللی و جامعهٔ جهانی به فکر تغییر این روند برآمدند این قایق تازه به حرکت آمده را از خطر درافتادن به توفان امواج نجات دهند و نگذارند بار دیگر این حرکت پیشرفت و ترقی کشور و جامعه در مسیر بازایستد و جامعه و دولت و مردم در سیلاب و گرداب آن غرق گردند.

بدون شک نخستین قدم در راه این مبارزه با آفت و آلودگی سرطان فساد اداری، تلاش برای تشخیص و علت‌یابی و شناخت بیشتر و بهتر پدیده است. از همین رو، در این چند سال اخیر، پروژه‌ها و تحقیقات زیادی در راه تشخیص و توصیف وضعیت فساد اداری در افغانستان راه‌اندازی شده است که تحقیق حاضر نیز یکی از این تحقیقات و تلاش‌هاست.

### وضعیت کنونی فساد اداری در افغانستان

امروزه و پس از چهارده سال از عمر نظام جدید در افغانستان و هزینهٔ میلیارد دلاری در بخش‌های مختلف زیربنای آموزشی، تحصیلی، اقتصادی، نظامی، صحتی، فرهنگی و از جمله اداری و حاکمیت قانون، دولت افغانستان متأسفانه یکی از فاسدترین دولتهای جهان از نگاه فساد اداری به حساب می‌آید. در چند سال اخیر، سازمانهای بین‌المللی چون سازمان شفافیت بین‌المللی، بانک جهانی، UNODC و بقیه سازمانها در آمار سالانهٔ خود، افغانستان را در لیست چهار-پنج کشوری آوردند که بیشترین آلودگی به فساد اداری را دارد. در سال ۲۰۱۳، افغانستان در صدر لیست بیشتر از ۱۷۰ کشور جهان قرار داشت که در آن بیشترین فساد اداری گزارش شده بود. سازمان شفافیت بین‌المللی افغانستان، کرهٔ شمالی و سومالی را فاسدترین کشورهای دنیا در سال ۲۰۱۳ با اخذ ۸ نمره از ۱۰۰ نمره (افغانستان) و کشورهای دنمارک، زلاند نو و فنلند را پاک‌ترین کشورهای جهان معرفی نمود. این گزارش با اشاره به زمینه‌ها و عوامل متعدد فساد اداری در افغانستان، آنچه که در رأس این هرم قرار می‌گیرد و افغانستان را به بدترین و فاسدترین کشور دنیا تبدیل کرده است، عدم موجودیت ارادهٔ سیاسی برای تغییر وضع کنونی فساد و آلودگی به فساد عنوان کرده است. این امر نشان می‌دهد که متأسفانه علی‌رغم آسیب‌های زیانبار فساد بر بدنهٔ جامعه و جلوگیری از سیر صعودی و توسعهٔ کشور، هیچ ارادهٔ سیاسی برای کاهش فساد در کشور وجود ندارد و وضعیت به جای حرکت به سوی بهبودی، خرابتر خرابتر می‌گردد. (العربیة؛ ۲۰۱۳)

ادارهٔ مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد UNODC در گزارش سال ۲۰۱۲ خود اعلام نمود که از نظر مردم افغانستان، فساد اداری بزرگترین چالش کشور حتا بیش از تهدید امنیتی و تروریسم بود. این خود نشان می‌دهد که شهروندان افغانستان چگونه از آلوده شدن سیستم و نظام سیاسی و اداری کشور به فساد رنج می‌برند و آن را بزرگترین چالش در مقابل مردم و دولت و زندگی سعادت‌مند برای خود می‌بینند. (صدای آمریکا، ۲۰۱۲)

چنان که می‌بینیم، افغانستان نوین در نتیجهٔ سرازیر شدن سرمایه‌های هنگفت کشورهای خارجی و جامعهٔ جهانی و مصرف نمودن بی‌رویه و بدون برنامهٔ منسجم، از طرف سازمانهای غیردولتی و با قراردادهای مستقیم با سازمانهای بین‌المللی، فساد اداری و مالی بی‌سابقه‌یی را تجربه کرده است که دیگر محدود به دولت و دولت‌مردان نبود بلکه

سازمانهای داخلی و خارجی هم در این فساد و آلوده ساختن مردم و مقامات و کارمندان سهیم بودند و حتا در بسیاری از موارد زمینه‌ساز چنین فسادى به حساب می‌آیند.

در نتیجه این تحولات اخیر و وارد شدن بی‌سابقه ده‌ها میلیارد دالر به افغانستان و به مصرف رسیدن آنها در پروژه‌های نظامی، خریداری، قراردادی، ساختمانی، انکشافی، آموزشی و جامعه مدنی و دولت‌سازی و حمایت از حقوق بشر و حقوق زنان و اطفال و مسایل صحی و حقوقی و حاکمیت قانون و... بود که زمینه سوءاستفاده مالی در همه سطوح چه توسط خارجی‌ها و دوزرها و چه توسط داخلی‌ها و اجرا کنندگان پروژه‌ها؛ چه توسط مقامات بلندپایه در سطح وزراء و معاونان رئیس جمهور و حتا رئیس جمهور کشور و چه در سطوح پایین و توسط مأموران پایین‌رتبه دولتی و غیردولتی؛ چه به گونه اختلاس و دزدی و کلاهبرداری و پول‌شویی و چه به طریق رشوت و شراکت و فیصدی دادن؛ چه به گونه فسادهای بزرگ ملیون دالری (ده‌ها و صدها ملیون دالر) و چه فسادهای کوچک اداری (پول چای و شیرینی و تحفه و هدیه و...) در افغانستان معمول شد و تجربه شد و به فرهنگ عادی کار و زندگی تبدیل گردید.

گزارش‌های مختلف سازمانهای بین‌المللی و رسانه‌ها و مطبوعات و نیز مراکز تحقیق داخلی حکایت از فساد سازمان‌یافته در بدنه حکومت و نظام حاکم در کشور میداد و در نتیجه گسترش این فساد به ابعاد مختلف دولتی و غیردولتی، ملی و بین‌المللی و... همان بود که کشورهای کمک کننده به افغانستان در کنفرانسهای متعدد در توکیو، لندن و جاهای دیگر، ادامه همکاری‌های اقتصادی و حمایت خود از دولت و کشور افغانستان را مشروط به ایجاد آزاده و مبارزه جدی دولت این کشور با پدیده شوم فساد اداری دانستند. این امر تحقیقات و فعالیت‌های جدید دیگری توسط دولت و سازمانهای غیردولتی را به راه انداخت تا با روشن شدن زوایا و ابعاد بیشتر پدیده فساد و چگونگی زمینه‌ها، عوامل، انواع و در نهایت راهکارهای مقابله با آن، دولت و سازمانهای غیردولتی ملی و بین‌المللی را قادر به مبارزه با آن و کاهش آن بکند.

در نتیجه این امر، ده‌ها تحقیق ملی و بین‌المللی در زمینه فساد در افغانستان، عوامل و زمینه‌ها و نیز چگونگی راهکارهای مقابله با آن راه افتاد و پخش و نشر شد.

دولت جدید افغانستان که از طریق یک انتخابات آلوده به فساد سر برآورد، زیر فشار کشورهای کمک کننده متعهد با مبارزه با فساد اداری در کشور به عنوان یکی از اولویتهای اصلی این حکومت شد. همان بود که حکومت اشرف غنی، در نخستین روزهای شروع به کارش بزرگترین دوسیه فساد اداری تاریخ افغانستان یعنی پرونده کابل بانک را روی دست گرفت و اقدام به پیگیری مسؤولان و دست‌اندرکاران آن شد. اما در روزها و ماه‌های بعدی شرایط قسمی رقم خورد که شواهدی مبنی بر جدی بودن دولت در مبارزه با فساد دیده نمی‌شود و کشتی سر قدرت و تقسیم قدرت و فساد بیشتر و بیشتر می‌شود و زورآزمایی هم بیشتر.

### تجلی فساد اداری و رشوه‌خواری در شعر و ادبیات عصر

شعر و ادب تجلی‌گاه واقعیت‌های اجتماعی عصر خود هستند و با بازنمود و آینه‌داری عصر خود یکی از ابزار غیر مستقیم شناسایی جریانها و حقایق هر دوره به شمار می‌آیند. اگر نگاهی گذرا به شعر معاصر خود داشته باشیم، بویژه شعرای مردمی که سخنگویان واقعی درد و رنج عامه به حساب می‌آیند، می‌بینیم که یکی از تیم‌ها و موضوعات اصلی در شعر آنها شکایت از فساد مأموران دولتی و نظام است که انتقادهای سخت این شاعران را برانگیخته است. مرحوم طالع از شعرای نیمه نخست سده چهاردهم هجری خورشیدی در هرات بود که بسا مسایل سیاسی و اجتماعی-فرهنگی زمان خود را به نظم کشیده و بیشترین محتوای اشعار و نظم‌هایش شکایت از زمانه و شرایط حاکم و نیز نامردمان اطرافش است. به ذکر دو سه نمونه از سخنش در اینجا بسنده میکنیم:

#### چوکی پرست

مملکت از دست تو خوار است ای چوکی پرست

قوم از تو اندر آزار است ای چوکی پرست

ظاهر خود را اگر نیکو بیارایی چه سود؟

باطنت مملو ز مردار است ای چوکی پرست

ما که چیزی دیده نتوانیم در صحن عمل

از تو تنها محض گفتار است ای چوکی پرست...

تا بدین نهج است ترتیبات و تشکیل نظام

کوی مقصد ناپایدار است ای چوکی پرست...

قدرت و عزت برای امتحانت داده اند

تا تو را چون طرز و اطوار است ای چوکی پرست...

بشنو از «طالع» مشو مغرور عیش حاکمی

نام نیکو جو که پادار است ای چوکی طلب



طالع در جای دیگر «خطاب به وکلای شورا» درد و رنج مردم و نیز انتظارات شان از دولت را به خوبی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که مردم از وکلای شان در شورای ملی چه انتظاراتی را داشتند که خود نشان‌دهنده وضعیت مردم و کارهای دولت و انتظارات مردم از دولت است.

آمدی از مرکز و آیا چه کردی ای وکیل؟

از ره اعیان و یا شورا چه کردی ای وکیل؟

سهم ما نگرفته‌ای خوش باش، آیا در عوض

عاید سالانه ما را چه کردی ای وکیل؟

بی‌دوا و داکتر یک توده بیمار و علیل

حرف ایشان را بگو بالا چه کردی ای وکیل؟

مردم بیمار لابد می‌رود سوی فساد

چاره بیکاری آنها چه کردی ای وکیل؟

پول بیت‌المال هر سو صرف بیجا میشود

راست برگو تو در این سودا چه کردی ای وکیل؟

طرز تشکیلات اندر پایه اغواگری است

کمکی در رفع این اغوا چه کردی ای وکیل/

اشکمت را در بساط آرزوی اجتماعی

جز که افزودیش در پهنا چه کردی ای وکیل؟

روز و شب در کارهای خویشتن کردی طپش

از برای دیگران پروا چه کردی ای طبیب؟...

تا به مردم یا به «طالع» داده بتوانی جواب

خدمت پیدا و ناپیدا چه کردی ای وکیل؟

در نمونه دیگر از سخن طالع زیر نام «امروز روز پول است» به نقد اجتماعی زرپرستی و زراندوزی مردم و این واقعیت که پول جای همه مسایل و اخلاقیات و فرهنگ را گرفته اشاره می کند و آن را نقد می کند.

در کف بیاور مال و منالی  
 کلدار و دالر، نوت و ریالی...  
 ما را به حال شخص دگر چه  
 خواهیم بر خود، جاه و جلالی  
 کذب و دورنگی، مردم فریبی  
 گردیده ما را، کسب و کمالی  
 از بهر صیدی، با صد مهارت  
 گل می نماییم، آب زلالی  
 مرگ مفاجا، صدبار بهتر  
 از زندگی پرانفعالی...  
 عصر پرافسون در خدعه بازیست  
 نونو بیارد، هر لحظه چالی  
 هر صبح و شامش، قسمی به قسمی  
 رنگی به رنگی، حالی به حالی...

در جای دیگر، طالع از «روز چلانی» مردم عصر شکایت می کند، چیزی که زمینه ساز و پیامد شرایط فسادآلود است:

یاران نبود کار بجا روز چلانی  
 عادت شده بهر چه به ما روز چلانی

در هر طرف خود نظر افگندم و دیدم  
 امروز کند خان و گدا روزچلانی  
 عام است به هر جای، چه در کوچه و بازار  
 تنها نه که در حلقه ما، روزچلانی  
 یک عده ز مجبوری و عده دیگر  
 دارد ز سر حرص و هوا روزچلانی...  
 ما ملت پسمانده و محتاج و فقیریم  
 بر هیچ یکی نیست روا روزچلانی...  
 هرچند که خود تابع رفتار محیط است  
 «طالع» شمرد کار خطا روزچلانی

مرحوم عبدالشکور فکوری که یکی از مأموران دولتی و شاعران مردمی نیمه دوم این سده (دهه‌های پنجاه، شصت و اوایل هفتاد) بود در اشعار خود به بازنمایی وضعیت حاکم در ادارات دولتی و فساد جاری در آنها پرداخته که در اینجا یکی دو نمونه از اشعارش را نقل می‌کنیم. نمونه اول مثنوی «ز مأمور تا به مأمور خیلی فرق است» میباشد که بخشی از آن را در اینجا می‌آوریم.

شنو از من تو ای آقای فانی  
 که گویم من به تو راز نهانی  
 نوشتی حال مأمورین پریش است  
 به کامش زندگی مانند نیش است...  
 ندارد آب و نانی در زمانه  
 وجودش سنگ حسرت را نشانه...  
 معاش اندک و خرج فراوان

بود از بی‌نواپی سخت نالان...  
 خلاصه هر که مأمور است خوار است  
 به دوشش زندگی چون کوه بار است...  
 ز مأمور تا به مأمور خیلی فرق است  
 تفاوت همچنان تا غرب شرق است  
 همین چوکی که در چشم تو خار است  
 بسا مأمورها را اعتبار است  
 یکی مأمور باشد با صداقت  
 خلیق و با تواضع و با دیانت...  
 بسا مأمورها در این دیار است  
 که او را با تظلم افتخار است  
 شب و روز کار او چال و پلان است  
 پی آزار این یا آن فلان است  
 به دفتر چون درخت کبر و نخوت  
 نبیند بر کسی از روی اخوت...  
 نگاهش تیز و چالاک و شریر است  
 قلم بر دست او مرمی و تیر است  
 بسا مأمور کز راه خیانت  
 فراهم کرده اسباب تجارت  
 بسا مأمور دارد سازویرگی  
 بنا کرده به خود قصری و ارگی

مپنداری که هرکس گشت مأمور  
 پریش و زار و حیران است و رنجور  
 ز ویدو تا به کوتی تا به موتر  
 ز پول نقد و قالین تا به زیور  
 زمین و باغ و اسباب تجمل  
 فراهم کرده از گل تا به سنبل  
 به دفتر همچو فرعون زمانه  
 به هر کاری همی گیرد بهانه  
 سراسر کار او مشکل تراشی  
 به ناخن تظلم دل خراشی  
 به پای میز آمر هست خاموش  
 ولی با زیردستان میزند جوش  
 همین مأموریت او را بهشت است  
 اگرچه کار او ناپاک و زشت است...  
 بود بر اغنیاء برف زمستان  
 «فکوری» بهتر از باغ و گلستان

در نمونه دیگر، آقای فکوری با استفاده از عبارت بی‌پروامآبانۀ «به من چه» وضعیت موجود و بی‌تفاوتی و بی-مسئولیتی مقامات و مسؤولان و بزرگان جامعه را به رخ میکشد که چگونه همه فکر خویش اند و کسی پروای آنچه بر مردم و جامعه میگردد را ندارد.

اگر مردم پریشان است به من چه؟

فقیر و زار و حیران است به من چه؟

معلم در هوای نان خشکی

سرش اندر گریبان است به من چه؟...

خیانت‌کار اگر مست است و مغرور

شب و روز شاد و خندان است به من چه؟...

اگر مردم ز بیداد ستمگر

فرار اندر بیابان است به من چه؟...

شدم ملیونر اندر مدت کم

اگر خون غریبان است به من چه؟...

نمی‌پرسد کسی از کس درین شهر

گدا در شهر فراوان است به من چه؟

نه قانون است نه پرسیان است نه تحقیق

رئیس شعبه دربان است به من چه؟

شب و روز جلسه است و جلسه‌بازی

ز کاغذپاره دیوان است به من چه؟...

مگو کم گشته ظلم و رشوه‌خواری

اگر چندین و چندان است به من چه؟...

پروفسور ز بیکاری مریض است

رئیس شعبه سلمان است به من چه؟

به دست بی‌سواد افتاده دفتر

قلم در تاق نسیان است به من چه؟...

به هر جا ملک اوقاف در فروش است

اگر از خواجه‌گلستان است به من چه؟

یکی ملیونر و صدها پریشان

به خود هرکس سلیمان است به من چه؟

یکی از خون مردم گشته قارون

بسا محتاج یک نان است به من چه؟

ز بی‌غوری مگو دیگر تو حرفی

که این فریاد خلقان است به من چه؟

بپا برخیز به سرکوبی منکر

کجا حرف مسلمان است به من چه؟

چند نمونه دیگر هم از زمان خودمان و همشهریان هرات در مورد رشوت و اختلاس و فساد اداری حاکم در این دوره می‌آوریم تا مشخص شود که چگونه فساد به یک نرم و هنجار تبدیل شده و هیچ کس پروای آلوده شدن به آن را ندارد و از آن شرمی هم ندارد و کسی هم پاسخگوی این آلودگی‌ها و بی‌بندوباری‌ها نیست.

### پولها به کجا شد

گویند که کمک از همه جا بابت ما شد

پولها به کجا شد

نه کار مهیا و نه بی‌کاری دوا شد

پولها به کجا شد

همواره به روزنامه و اخبار شنیدیم

با چشم ندیدیم

هر خواهش ما وعده به امروز صبا شد

پولها به کجا شد

اطفال معارف همه با قلب شکسته

در خیمه نشسته

مطرح ز معارف همه‌گی مشکل ما شد

پولهای به کجا شد

بس کارگر استاده بهر گوشه‌یی بیکار

با داشتن بیمار

این ملت بیچاره گرفتار عزا شد  
 پولها به کجا شد  
 مجبور شدند آن همه آخر به گدایی  
 از فقر نهایی  
 یک عده شدند سارق و یا قاتل ما شد  
 پولهای به کجا شد

### رشوه

رشوه میگفت محو گردد حال بهتر میخورد  
 گر به اندک راضی بوده حال بیشتر میخورد  
 تحفه گفته رشوه را تنها به یک تغییر نام  
 خیلی هم بی باک با این شکل دیگر میخورد  
 بهر ایجاد مشقت با وقاحت بی درنگ  
 آشکارا آنچه میخواهد بدفتر میخورد  
 بود از سابق اگر چند پول افغانی رواج  
 جای افغانی کنون یورو و دالر میخورد  
 جا نماز ابریشم، یخچال، لپ تاپ و موبایل  
 کار را انجام نداده نیز پیشتر میخورد  
 همچو روباه است به حيله یا دغل گرگی بزور  
 این جنایتکار هم با آن دو تا بر میخورد  
 هریکی با نام خدمتگار صادق در وطن  
 از وزیر بگرفته تا مأمور یکسر میخورد  
 آنکه بنشسته به جا و مسند پیغمبری  
 خود نمی گیرد و از دست سکرتر میخورد



از خدا خواهم هدایت یا که مرگ عاجلش  
 هر که خون مردم مظلوم کشور میخورد  
 هست اظهارحقیقت تلخ اما باک نیست  
 شعر خادم گر به هر نوع رشوه‌خور بر میخورد  
 (عبدالله خادم، شاعر بدیبه‌سرای هرات)

### عید قربان

مکش بر حلق پاک بی‌گناهان تیغ عریانت  
 مریزان هیچ خونی بر سر کوی و خیابانت  
 نشد یک لحظه آرام از مصیبت خاطر مردم  
 بجز قتل و قتال و کینه‌توزی چیست آرمانت  
 بنه بر دستکان طفلکانت خینه شادی  
 بخون رنگین مکن خاک وطن در عید قربانت  
 ز سوز سینه قربانیان آخر نمی‌ترسی  
 بسوزد عاقبت بن‌ریشه‌های اصل و بنیانت  
 بشویی دست پرخونت اگر با حيله و نیرنگ  
 که می‌شوید به محشر لکه‌های سرخ دامانت  
 ز بیم انتحاری خلق را در آتش افکندی  
 چو ماهی بینمت در تابه سوزان بریانت  
 دریدی قلب شاد و مهربان میهن ما را  
 نبینم تا قیامت لحظه‌یی هم شاد و خندانت

بخون بنشاندۀ ای عشق و سرور و مهربانی را  
 الهی پیش یزدان بینمت هر بار گریانت  
 به بازار سیاست می فروشی خون انسان را  
 چنین آموخته‌ای درس شریعت در دبستان  
 فکندی با گروه زور و زر طرح شراکت را  
 به جان بی‌گناهان تیز کردی چنگ و دندان  
 تو را از خون و خشم و کینه و تزویر پروردند  
 کجا شد رحم و انصاف، کجا شد دین و ایمانت  
 (رسول پویان)

نگاهی به ادبیات عامیانه و وجیزه‌ها و ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و فرهنگ جامعه ما نشان می‌دهد که فرهنگ ما چگونه فرهنگ زمینه‌ساز و توجیه‌کننده رفتار فسادآمیز افراد در موقعیت‌های مختلف بوده است. یکی از این وجیزه‌های معمول در زبان و فرهنگ امروز ما این است که «خوردی بردی، نخوردی مردی». این جمله به خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ ما آموزش می‌دهد که هرکس باید به فکر خود باشد و وقتی دستش به چیزی یا مقام و منسبی می‌رسد تا می‌تواند «بخورد» و سیرش کند، در غیر آن وقتی دیگر فرصت از دست رفت، فرد تنها می‌تواند خودش را ملامت کند نه کس و چیز دیگری را.

چنین وجیزه‌ها و ضرب‌المثل‌ها که به گونه مستقیم یا غیرمستقیم افراد را ترغیب به استفاده از وقت و موقعیت می‌کنند و به گونه‌ی توجیه‌کننده رفتار فسادآلودشان نیز هستند در فرهنگ ما کم نیست که خود نشان دهند وجود زمینه‌های فساد در فرهنگ ما وجود دارد.

## مفهوم‌شناسی فساد اداری

واژه‌ی فساد به لحاظ لغوی، در زبان عربی و فارسی به معنای تباهی، گندیدگی، پوسیدگی، بی‌اعتباری، خرابی، پوچی و نیز به صورت مصدر، به معنای گرفتن اموال کسی به زور و ستم به کار می‌رود. اما در اصطلاح و در فرهنگ سیاسی، اقتصادی و مدیریتی قلمرو فارسی‌زبانان، کلمه‌ی «فساد» معادل واژه‌ی انگلیسی «Corruption» به کار می‌رود که اصل ماده‌ی لاتین آن «Corrupere» یا «Rumpere» است. ریشه‌ی واژه‌ی فساد فعل لاتین (Corrupere) یا (Rumpere) به معنای شکستن است. بنابراین، در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. این چیز ممکن است یک هنجار اجتماعی، رفتار اخلاقی، شیوه‌ی قانونی و یا مقررات اداری باشد.

اصطلاح فساد اداری در ابتدا، آنچنان که در منابع مختلف دینی، ادبی و تاریخ استفاده شده، دارای مفهومی اخلاقی و ارزشی بوده است که امروزه به تدریج از معنای اخلاقی آن کاسته شده و به عنوان مفهومی با تعریف معین در علوم مدیریت عمومی و علوم سیاسی استفاده شده است.

در پی، به برخی از تعریف‌های معروف و مطرح در مورد فساد اداری که از طرف اندیشمندان و سازمان‌های معروف جهانی مطرح شده اشاره می‌کنیم.

طبق تعریف بیان شده در فرهنگ وبستر، فساد، پاداش نامشروعی است که برای ورود فرد (کارمند دولتی) به تخلف از وظیفه محوله پرداخته می‌شود. (احمد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴)

**مک مولن معتقد است فساد، زمانی رخ دهد که یک مأمور دولت به ازای انجام‌دادن کاری که از آن نهی شده، رشوه‌ای نقدی و یا جنسی قبول کند.**

مؤسسه گالوپ، فساد را اقدامات غیرقانونی که از طریق آن‌ها شهروندان به مقامات دولتی رشوه می‌دهند تا مجوز بگیرند، قرارداد ببندند یا از مجازات بگریزند و به طور خلاصه، رشوه دادن برای فائق آمدن بر قانون یا قواعد بوروکراسی تعریف کرده است. (امید؛ ۱۳۸۹، ص ۱۸۶)

طبق تعریف بانک جهانی، فساد عبارتست از: «سوء استفاده از قدرت عمومی و امکانات و اختیارات دولتی برای تأمین منافع شخصی و خصوصی (حزب، طرز تفکر خاص، طبقه خاص، دوستان و اقوام و...» (بانک جهانی؛ ۲۰۱۵).

در تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی (که تقریباً یک تعریف مورد توافق عمومی در جهان به شمار می‌رود)، آمده است که فساد عبارتست از «سوء استفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخصی، اعم از این که در بخش خصوصی باشد یا دولتی».

برخی از پژوهشگران و صاحب‌نظران فساد اداری را آن گروه از اعمال کارکنان و مسؤولان دولت می‌دانند که اولاً به منافع عمومی لطمه بزند و ثانیاً هدف از انجام آن، رساندن فایده به عامل (کارمند خاطی) یا به شخص ثالثی

باشد که عامل را برای انجام این امر اجیر کرده است. در حالی که برخی از تعریف‌ها، توصیف محدودتر و مشخص‌تری از فساد به دست می‌دهند، گونارد میردالف فساد را در معنای وسیع‌تری مورد توجه قرار می‌دهد، به نظر وی، فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است (زاهدی، ۱۳۷۵).

هانتینگتون نیز مثل میردالف تعریف وسیع‌تری از فساد اداری به دست می‌دهد. به باور ساموئل هانتینگتون فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش دولتی اطلاق می‌شود که برای منافع خصوصی خود، ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند.

به نظر گینار میردال، فساد در یک معنای وسیع‌تر، به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است.

محمد الصیرفی نیز فساد اداری را این‌گونه تعریف می‌کند: «فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که مطابق با یک ضابطه و معیار معینی، به خصوص معیارهای بروکراسی نباشد، یا هر انحرافی از وظیفه و فرصت‌هایی که در اختیار یک کارمند قرار دارد و خروج از اهداف قانونی یک پست اداری به شمار می‌رود. همچنین، فساد شامل هر نوع برتری دادن مصالح فردی بر مصالح عمومی است.»

ویتوتانزی هم این تعریف را برای فساد ارایه کرده است: «یک مسئول یا کارمند دولتی زمانی مرتکب فساد اداری شده است که در اتخاذ تصمیمات اداری، تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و دلبستگی‌های اجتماعی قرار گرفته باشد.»

در تعریف دیگری آمده است که: «فساد، تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طرق غیر قانونی، سود خصوصی به بهای سود عمومی، و یا سوء استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی بوده و یک رفتار ضد اجتماعی محسوب می‌شود که مزایایی را خارج از قاعده و بی‌جا و برخلاف هنجارهای اخلاقی و قانونی اعطا کرده و قدرت بهبود شرایط زندگی مردم را تضعیف می‌نماید.

در میان تعاریف ارایه شده برای فساد، تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی از فساد، در عین اختصار، تعریف نسبتاً جامعی نیز می‌باشد. اما این تعریف نیز از جامعیت مطلوب برخوردار نیست و برخی انواع فساد را شامل نمی‌شود. زیرا اولاً، تمامی انواع فساد از جنس قدرت نیستند و هر فسادی، سوء استفاده از قدرت به شمار نمی‌رود، بلکه تنها سوء استفاده از منابع و امکانات عمومی یا هدر دادن امکانات و منابع عمومی به شمار می‌رود که لزوماً با قدرت همراه نیست. فساد یک مأمور جزء و سطح پایین را می‌توان از این نوع فساد تلقی نمود. ثانیاً، برخی انواع فساد، به صورت مستقیم بار مالی ندارد تا منفعت مالی شخصی را در پی داشته باشد. به عنوان نمونه، کم‌کاری یک مأمور

یا کارمند و بی‌توجهی در انجام درست و وظیفه و یا تعلل در انجام کار ارباب رجوع به جهت راحت‌طلبی و تنبلی و یا با انگیزه‌های شخصی، زبانی، سمتی، قومی، مذهبی و ...، سهل‌انگاری و عدم اهتمام به نگهداری اموال عمومی و استفاده‌ی نادرست از امکانات عمومی‌یی که در اختیار یک کارمند است، همه به یک نوعی فساد اداری به شمار می‌روند، اما بار مالی مستقیمی ندارند.

در عرصه‌ی مدیریت و علوم سیاسی، اگر بخواهیم تعریفی از فساد ارائه دهیم که هم شامل تمامی انواع فساد (مالی و غیر مالی، سیاسی و اداری و ...) شود، و هم عرصه‌ی دولتی و خصوصی هر دو را پوشش دهد، می‌توان فساد اداری را این‌گونه تعریف کرد: «فساد اداری به معنای استفاده از مقام، اختیارات، امکانات، منابع و وجوه عمومی بر خلاف قوانین و ضوابط مدون اداری و در جهت تأمین منافع و سود شخصی و هر نوع کوتاهی در استفاده‌ی درست از ابزار و وسایل عمومی و فرصت‌ها و هر نوع سهل‌انگاری، بی‌توجهی، وقت‌کشی یا تأخیر و تعلل در انجام درست وظیفه، از سوی مدیران بالارته و میانی و کارگزاران و افراد سازمانی و اداری می‌باشد.» (زاهدی و همکاران؛ ۱۳۸۸، ص ۳۰)

### مفهوم فساد در اسناد بین‌المللی

#### • کنوانسیون امریکایی مقابله با فساد

این کنوانسیون که اولین کنوانسیون چندجانبه مربوط به مقابله با فساد، در نوع خود محسوب می‌شود، فساد را بدین شرح تعریف می‌کند: ... در خواست یا پذیرش هر نوع شیء دارای ارزش، پول یا دیگر منافع از، پیشکش، وعده یا امتیاز از سوی یک مأمور یا کارمند دولت یا هر فردی که به انجام وظایف عمومی اشتغال دارد، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، برای خود یا هر فرد یا نهادی دیگر، در عوض انجام فعل یا ترک فعلی که مربوط به وظایف رسمی و عمومی او می‌شود.

پیشنهاد یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم هر نوع شیء دارای ارزش پولی یا منفعت از قبیل هدیه، پیشکش، وعده یا امتیاز، به یک کارمند یا مأمور دولت یا هر فردی که به انجام وظایف عمومی اشتغال دارد، رای خودش یا برای فرد یا نهادی دیگر، به منظور واداشتن او به انجام فعل یا ترک فعلی در راستای انجام وظایف رسمی و عمومی وی. هرگونه فعل یا ترک فعل از سوی یک کارمند یا مأمور دولت یا فردی که به انجام وظایف عمومی اشتغال دارد، به منظور کسب منافع نامشروع برای خود یا برای طرف ثالث.

استفاده متقلبانه یا اختفای عواید حاصل از هر یک از اعمال مجرمانه فوق.

علاوه بر آن ثروت‌اندوزی نامشروع کارمندان و مقامات دولتی با استفاده از منصب عمومی خود نیز به عنوان یکی دیگر از مصداق‌های فساد منظور شده است.

• کنوانسیون مبارزه با فساد مقامات دولتهای عضو اتحادیه اروپا ۱۹۹۷

در این کنوانسیون که در واقع، اولین سند جامع اروپایی برای مقابله با فساد محسوب می‌شود، فساد به دو دسته، فساد غیر فعال (passive corruption)، و فساد فعال (active corruption) تقسیم شده است. در واقع، منظور از فساد غیرفعال هرگونه درخواست امتیاز یا سود یا شیء مادی از سوی کارمند یا مأمور دولت یا دارنده هر منصب دولتی یا عمومی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، در ازای انجام یا خودداری از انجام عمل که در محدوده وظایف رسمی وی است، فساد غیرفعال محسوب می‌شود. در واقع، صرف چنین تقاضایی، فارغ از این که آیا محقق شده یا خیر، جرم محسوب می‌شود. پذیرش یا دریافت هرگونه امتیاز یا منفعت مادی، از سوی کارمند یا مأمور دولت نیز مشمول حکم فساد غیرفعال می‌شود.

فساد فعال روی دیگر این سکه است. منظور از فساد فعال، هرگونه پیشنهاد اعطا یا وعده دادن امتیازهای مادی به یک مقام دولتی در ازای تعهد وی به انجام یا خودداری از انجام وظایف رسمی به وی می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، در فساد غیرفعال، کارمند یا مأمور دولت یا فرد دارنده منصب دولتی یا شاغل در بخش عمومی، نقش اصلی را دارد. اگرچه این به معنای میرا دانستن طرف دیگر (ارباب رجوع یا مشتری) نیست؛ ارباب رجوع آغازکننده جرم است.

همچنان که دیده می‌شود، از دو سند فوق چنین می‌توان استنباط کرد که مفهوم فساد به طور عمده چیزی جز همان رشا و ارتشا نیست. (افضلی؛ ۱۳۹۰، ص ۲۳۶)

با نگاهی به تعاریف فساد اداری که آورده شد، میتوان گستردگی و نیز گوناگونی آن و در عین حال نسبی بودن آن را برداشت کرد. تعاریف متعددی که در خصوص تبیین مفهوم فساد اداری آورده شد نشان میدهد که هر یک در جنبه‌ی قوت و در جنبه‌ی ضعف دارند. از این تعاریف چنین استنباط می‌گردد که اولاً فساد اداری امری نسبی است و مرتبط با نظام ارزشی هر جامعه می‌باشد. زیرا در حالی که فردی در یک جامعه عملکردی خاص، فساد تلقی می‌شود؛ ممکن است در جامعه دیگر کاملاً عادی و طبیعی قلمداد شود. ثانیاً فساد اداری بیشتر در دستگاه دولت مطرح می‌گردد و در بخش دولتی گسترش بیشتری دارد. مشخصه‌های دیگری نیز در این تعاریف وجود دارد که برخی از آن‌ها در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

(اکثر محققان و سازمان‌های بین‌المللی بویژه بانک جهانی (۲۰۰۴)، سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۰۳)، هانتینگتون (۱۹۸۹)، جانستون (۱۹۹۷)، نای (۱۹۸۹)، لانگ (۲۰۰۸)، و... فساد اداری را در ساده‌ترین و معروف‌ترین تعریف، سوءاستفاده از قدرت عمومی برای سود شخصی در نظر گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در این تعریف، هیچ جایی برای بخش خصوصی در نظر گرفته نشده است.

برخی محققین و سازمان‌های بین‌المللی مثل برنامه عمران سازمان ملل (۱۹۹۸)، و گروه چند منظوره فساد شورای اروپا فساد اداری را به عنوان مترادف رشوه‌خواری به منظور و شامل شدن هر نوع رشوه که مطالبه شده یا پرداخت می‌گردد، به کار می‌برند. به عبارت دیگر، سایر مصادیق فساد اداری در این تعریف نادیده گرفته می‌شود.

با دقت در تعاریف موجود در مورد فوق، ملاحظه می‌گردد که همانند آنچه تانزی (۱۹۹۵)، تاکید دارد، سه انگیزه (نفع شخصی مستقیم، دریافت رشوه نقدی یا غیرنقدی از شخص ثالث و کمک به دوستان و خویشاوندان) به عنوان اساسی‌ترین ارکان تعاریف فساد اداری تلقی می‌شوند.

در حالی که بسیاری از تعاریف فساد اداری بیشتر بعد رسمی، اداری و مالی و مبتنی بر قدرت فساد را در نظر داشتند، برخی از اندیشمندان و سازمان‌ها مثل هوپ (۲۰۰۰)، ولفنسان (۲۰۰۰)، کمیسیون آفریقا (۲۰۰۵)، آناند، آشفورث و جاشی (۲۰۰۵)، ویندسور (۲۰۰۴)، بنفیلد (۱۹۷۵)، ویندسور (۲۰۰۴)، فساد اداری - مالی را از بعد اخلاقی و اجتماعی تعریف کرده و آن را به عنوان یک بیماری بین فرهنگی یا بازتاب یک شکست اخلاقی یا جدا شدن از هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده یا انحراف نامطلوب اجتماعی تلقی کرده‌اند که دستیابی به منافع شخصی غیرقانونی در آن‌ها مورد تاکید می‌باشد.

برخی سازمان‌ها و اندیشمندان از قبیل کمیسیون مستقل ضد فساد (۱۹۹۸)، ماریا (۲۰۰۸)، فساد اداری را انجام اعمال اداری به شکل ناقص و غیرصادقانه توسط مأموران دولتی می‌دانند. در حالی که فساد اداری، ضرورتاً شامل عدم صداقت نیست، بلکه در اغلب موارد، انجام کاری هدفمند است، به صورتی که قانون آن را ممنوع کرده باشد.

عده‌بی از اندیشمندان از قبیل آلیاسلان (۲۰۰۸) نیز فساد اداری - مالی را نتیجه انحصاری کردن و سوءاستفاده از قدرت توأم با اقدام به تصمیم‌گیری بدون داشتن مسؤولیت نسبت به انجام آن می‌دانند. سوء استفاده شامل به کار بردن استانداردهای غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد. این تعاریف و مترادف‌ها نشان می‌دهد که فساد اداری شامل انحراف از ارزش‌های اخلاقی است و معمولاً سؤالاتی در مورد اخلاقیات یا ارزش‌های فردی، گروهی و سازمانی که در فساد اداری - مالی درگیر می‌شوند، به وجود می‌آورد.

در مجموع، اغلب تعاریف ارائه شده از فساد اداری به برخی از جنبه‌های فساد اشاره می‌کنند و جای خالی یک تعریف جامع و مناسب در ادبیات فساد اداری وجود دارد (سالیفو، ۲۰۰۶، ص ۵۹) هر چند که با ترکیب نقاط قوت تعاریف فوق می‌توان به تعریف زیر از فساد اداری رسید:

فساد اداری سه گروه از اقدامات درباره فعالیت‌های دولت را شامل می‌شود:

- اقدامات غیراخلاقی اشخاص خصوصی برای جلب همکاری یک فرد شاغل در دولت از طریق نقض، تغییر، تعبیر یا تفسیر قوانین و مقررات و ضوابط اداری، برای نفع شخصی یا صنفی، در ازای پرداخت پول، کالا یا خدمات با ارزش.
- اقدامات غیراخلاقی اشخاص شاغل در داخل دولت برای دریافت پول، کالا یا خدمات با ارزش از اشخاص خصوصی از طریق نقض، تغییر، تعبیر یا تفسیر قوانین و مقررات و ضوابط اداری، برای نفع شخصی یا صنفی یا قوم و خویش پرستی و حمایت کردن یا دفاع از خود یا اطرافیان.
- اعمال نفوذهای، اعمال تبعیض‌ها، سفارش و توصیه‌ها یا خودداری، کندی یا ترک خدمت یک مسئول دولتی در انجام وظایف قانونی خود در ساعات موظف اداری به منظور دریافت یا عدم دریافت پول، کالا یا خدمات.

مشهورترین تعریف فساد عبارت است از استفاده از موقعیت و قدرت دولتی برای رسیدن به منافع شخصی در اغلب متون نیز از همین تعریف استفاده شده است. با این تعریف، فساد در نظامی رخ می‌دهد که مقامات و مأموران دولت می‌توانند بخش قابل توجهی از پول و تسهیلات دولت را به خود اختصاص دهند و ثروتمند شوند. آنها از اشخاص ثالث که مایلند معاملاتی با دولت انجام دهند، در مقابل تأمین قراردادهای و ترتیبات دیگر میان دولت و صاحبان منافع ثالث، مبالغ عظیمی اخذ می‌کنند یا رشوه می‌گیرند. (احمدی؛ ص ۹۹)

### شاخص‌های اندازه‌گیری فساد

فساد در حال حاضر پدیده‌ی فراگیر است که تمامی کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با آن مواجه هستند و یکی از اهداف همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مبارزه با آن است. اما از آنجا که فساد پدیده‌ای انتزاعی و پنهان است پیچیدگی طبیعت این پدیده و انتزاعی بودن آن، دشواری‌های زیادی را در مواجهه با این پدیده ایجاد کرده است که می‌توان به دشواری سنجش و اندازه‌گیری این پدیده اشاره کرد. اهمیت و ضرورت سنجش و ارزیابی فساد را از دو جنبه نظری و عملی می‌توان بررسی کرد. از جنبه نظری مهم‌ترین نکته قابل ذکر آن است که هر اقدام مقابله با فساد، مستلزم پاسخ به سه پرسش بنیادین است. مهم‌ترین این سه پرسش شناخت چیستی این پدیده است و سپس چرایی آن پدیده و در نهایت چگونگی پدید آمدن آن. بدون پاسخ به این پرسش‌ها نمی‌توان انتظار داشت که اقدامات علیه فساد به نتایج موثری بینجامد. از بعد عملی هم نمونه‌های عملی آن را در دستور کار دولت می‌توان دید، به گونه‌ای که بر اساس سنجش و ارزیابی میزان فساد، راهکارها و سیاست‌هایی برای استقرار نظامی سالم، پیش‌بینی و تدوین خواهد شد. در ابتدا سنجش به این صورت تعریف می‌شود: فرایند تعیین مقدار یک ویژگی یا صفت در شخص یا یک چیز. بر این اساس سنجش و ارزیابی فساد اداری عبارت است از فرایند نظامدار گردآوری، تحلیل و تفسیر رفتارهای فسادآمیز متناسب با سطح تحلیل مورد نظر.



تاکنون شاخص های فراوانی برای فساد تعریف شده است، ولی به طور کلی به شاخص های مهم ذیل می توان اشاره کرد:

### شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین المللی

سازمان شفافیت بین المللی سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۹۳ تاسیس شد و مقر اصلی آن در آلمان است (البته شعبه ای هم در انگلیس دارد) هدف اصلی آن مبارزه با فساد است. شاخص CPI از سوی این سازمان و به وسیله آقای لامبدورف در ژوئن ۱۹۹۵ برای اولین بار تهیه و در سال ۱۹۹۶ به صورت رسمی ارائه شد. در این شاخص کشورها از نظر میزان فساد ارزیابی و بررسی می شوند و هر سال فهرستی از این کشورها با توجه به میزان سلامت و فساد آنها منتشر می شود. این شاخص که تقاضای فساد را نشان می دهد شاخصی ترکیبی است که به وسیله اندازه گیری های گوناگون میدانی و اسنادی به دست می آید و مبتنی بر ادراک و نگرش تعدادی از تجار، تحلیلگران اقتصادی، سیاستمداران و مدیران بخش دولتی است. این شاخص میزان سلامت کشورها را از صفر تا ده نشان می دهد و هرچه این عدد به ده نزدیک تر باشد آن کشور پاک تر و سالم تر است.

همان گونه که سازمان شفافیت بین المللی اشاره کرده است، CPI شاخصی برای بیان فساد مالی است و فقط رشوه را اندازه گیری می کند. این سازمان اخیراً شاخص BPI را که نشان دهنده عرضه فساد است در مقابل CPI که تقاضای فساد است، منتشر کرد. به عبارت دیگر BPI شاخص پرداخت کنندگان رشوه و CPI شاخص دریافت کنندگان رشوه است. دومین و مهمترین نکته درباره این شاخص، آن است که این شاخص مبتنی بر ادراک پاسخ دهندگان است و این ادراک به دلیل تاثیرپذیری از محیط و تفسیرها و برداشت هایی که از مفهوم فساد و مصادیق آن در کشورهای مختلف وجود دارد قطعاً فرهنگ مدار است.

همچنان که گفتیم، شاخص CPI طرف عرضه فساد را نشان می دهد و شاخص BPI طرف تقاضای فساد را اندازه گیری می کند. تفاوتی که بین این دو شاخص وجود دارد، به اندازه فساد بر می گردد؛ بدین معنا که مسأله مهم در بررسی کشورها، وجود فساد نیست، بلکه اندازه آن است که از کشوری به کشور دیگر فرق دارد. مقادیر عددی این شاخص ها نیز همگی درجه و اندازه فساد را نشان می دهند. درجه فساد برای کشورها مانند یک سرطان تعریف شده است که اگر درمان آن دیر شود و به عنوان یک پدیده سیستماتیک در تمام ابعاد رسوخ کند، مبارزه با آن امکان پذیر نیست. سازمان شفافیت بین المللی، نمره شاخص بین المللی فساد را بین صفر تا ۱۰ تعیین کرده که بر اساس آن، هرچه کشوری فسادش بیشتر باشد، نمره بیشتری از این شاخص دریافت می کند. بر پایه گزارش های این سازمان، در سال ۲۰۰۱، فنلاند به ۹/۹ پاکترین کشور و بنگلادیش با ۰/۴ بیشترین میزان فساد را در بین کشورهای مختلف جهان داشته اند.

در سال ۲۰۰۷، کشورهای دانمارک، فنلاند و سنگاپور با بالاترین نمره از ۱۰ یعنی نمره ۹,۴ دارای پایین‌ترین رده / کمترین میزان فساد بوده‌اند. این در حالی است که کشورهای برمه و سومالی با نمره ۱,۴ از ۱۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند. افغانستان نیز با شاخص عددی ۱۷۲ و نمره ۱,۸ از ۱۰، نزدیک به کشورهای چاد و سودان قرار گرفته است. کشورهای تاجیکستان، آذربایجان، بلاروس، قرقیزستان، لیبیا و زیمبابوه دارای شاخص عددی ۱۵۰ بودند و وضعیت مناسبی نداشتند. در میان کشورهای خاورمیانه، قطر با شاخص ۳۲ دارای کمترین میزان فساد و کشور عراق با شاخص ۱۷۸، دارای بیشترین میزان فساد مالی و اداری در حوزه اقتصادی است. (افضلی؛ ۱۳۹۰، ص ۲۳۵)

### شاخص تجارت بین‌المللی

شاخص تجارت بین‌المللی که به وسیله تعدادی از متخصصین تعیین می‌شود از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ زیر نظر سازمان تجارت بین‌المللی بود، اما اکنون زیر نظر اتحادیه روشنفکران اقتصاد اداره می‌شود. این شاخص کشورها را از صفر تا ده بر اساس میزان فساد در معاملات تجاری و پرداخت‌های مشکوک رتبه‌بندی می‌کند.

### شاخص راهنمای ریسک بین‌الملل

این شاخص از سال ۱۹۸۲ منتشر می‌شود. شاخص راهنمای ریسک بین‌الملل برای مشخص کردن میزانی است که احتمالاً مقامات ارشد دولتی، تقاضای پرداخت‌های خاصی دارند. در نتیجه نسبت به این خواست‌ها، پرداخت‌های غیرقانونی در سطح پایین دولتی انتظار می‌رود که به شکل رشوه مرتبط با جوازهای وارداتی و صادراتی، کنترل نرخ اسعار، ارزیابی‌های مالیاتی، حمایت‌های پولیسی اخذ وام و امتیاز باشد.

### شاخص گزارش رقابت جهانی

مبنا در این شاخص مقادیر به دست آمده از پاسخ‌های مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. در این نظرخواهی از بنگاه‌های اقتصادی درباره زمینه‌های مختلف رقابت در کشورهای میزبانی که آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند پرسیده می‌شود. این شاخص مقادیری از یک تا هفت می‌گیرد و میزان پرداخت‌های اضافی مرتبط با مجوز واردات و صادرات، جواز کسب و کار - کنترل نرخ اسعار، ارزیابی مالیاتی، حمایت‌های پلیسی و درخواست وام را مشخص می‌کند. شاخص فساد گزارش رقابت جهانی برای کشوری معین، به صورت میانگین نسبت تمام پاسخ‌دهندگان برای آن کشور محاسبه می‌شود.

### شاخص‌های حکمرانی

شاخص‌های حکمرانی شش بُعد از حکمرانی را اندازه‌گیری می‌کند:

الف) شاخص پاسخگویی (حق اظهار نظر): حقوق انسانی، شهروندی و سیاسی افراد را اندازه‌گیری می‌کند.

- ب) شاخص عدم ثبات و درگیری سیاسی: احتمال فعالیت های تهدیدآمیز یا تغییر در حکومت (میزان تروریست) را اندازه گیری می کند.
- ج) شاخص کارآمدی حاکمیت: میزان بروکراسی اداری و کیفیت ارائه خدمات عمومی را اندازه گیری می کند.
- د) بار سنگین مقررات: آثار نهایی سیاست های نامناسب بازار را اندازه گیری می کند.
- ه) حاکمیت قانون: کیفیت اجرای قراردادهای پولیس و دادگاه ها و احتمال جرائم و درگیری ها را اندازه گیری می کند.
- و) کنترل فساد: عمل قدرت بخش عمومی برای منافع شخصی را اندازه گیری می کند که شامل فساد خرد و کلان و تصرف و نفوذ در دولت به وسیله گروه های ذی نفع است.
- به علاوه شاخص های ذکر شده، شاخص های دیگری چون شاخص های اخلاقی و فساد شرکت ها و شاخص های دیگری هم وجود دارد که در ذکر آنها در اینجا به درازا می کشد. (روزنامه رسالت؛ ۱۳۸۵)

## انواع فساد اداری

همچنان که در بخش مفوم‌شناسی فساد اداری و تعریف‌های مختلف و متفاوتی که از این پدیده ارایه شده متوجه شدیم، اجماع خاصی در این امر وجود ندارد. این سردرگمی و اختلاف نظرها، تقسیم‌بندی فساد اداری را نیز در بر گرفته و باعث شده فساد اداری از دیدگاه‌های مختلف و به روشهای بسیار گوناگون تقسیم‌بندی و دسته‌بندی شود. تقسیم‌بندی انواع فساد امری دشوار به حساب آید؛ زیرا صرف نظر از اختلاف نظرهایی که دانشمندان این حوزه دارند و هر جامعه‌ای را از جامعه دیگر به دلیل تفاوت در ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی متمایز می‌سازد، میان نخبگان و توده‌های مردم نیز به دلیل گوناگونی دیدگاه‌های عمومی در طرز تلقی از فساد اختلاف نظر وجود دارد. مواردی که در یک فرهنگ و جامعه جزء فساد اداری به حساب می‌آید، در جامعه و فرهنگ دیگر یک امر عادی و پذیرفته‌شده تلقی می‌شود. این نسبت زمان‌مند هم هست؛ به این معنا که یک امر که در زمانی فساد تلقی می‌شود در زمان دیگر احتمالاً فساد به حساب نیاید و به امری قانونی و قابل پذیرش تبدیل گردد و برعکس.

با این حال، دسته‌بندی‌های مختلفی که از فساد اداری ارای شده، بخش‌ها و انواع مختلف این پدیده را روشن میکند و کمک میکند تا این گوناگونی را از زوایای مختلف و با دسته‌بندی‌ها متفاوت ببینیم. در این بخش می‌کوشیم تا دسته‌بندیها و تقسیم‌بندی‌های متفاوت و مختلفی که از فساد اداری ارایه شده آورده شود تا کمکی بهتر به درک گستردگی و گوناگونی این پدیده کند.

### دسته‌بندی رنگی فساد

یک محقق علوم سیاسی به نام «هیدن هایمر» فساد اداری را به سه گونه سیاه، خاکستری و سفید تقسیم می‌کند.

#### فساد اداری سیاه

کاری که از نظر توده‌ها و نخبگان سیاسی منفور است و عامل آن باید تنبیه شود. برای مثال می‌توان از دریافت رشوه برای ندیده گرفتن معیارهای ایمنی در احداث ساختمان نام برد.

#### فساد اداری خاکستری

کاری که از نظر نخبگان منفور است؛ اما توده‌های مردم به آن بی‌اعتنا نیستند؛ مثلاً کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که در بین مردم از محبوبیت چندانی برخوردار نیستند و کسی غیر از نخبگان سیاسی به مفید بودن آنها معتقد نیست.

### فساد اداری سفید

کاری که ظاهراً مخالف قوانین است، اما اکثر اعضای جامعه (نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی) آن را آن قدر مضر و با اهمیت نمی‌دانند که خواستار تنبیه عامل آن باشند؛ مثل، چشم‌پوشی از موارد نقض مقررات که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ضرورت خود را از دست داده اند. (عباس زادگان؛ ۱۳۸۳، ص ۱۶)

### دسته‌بندی بر اساس موقعیت افراد (کلان و میانین و خرد)

فساد اداری عمدتاً در سه سطح تظاهر می‌یابد: سطح اول، مفاسدی است بیشتر با نخبگان سیاسی مرتبط بوده، کارمندان عالی‌رتبه و مقامات ارشد دولت‌ها درگیر این نوع فساد هستند. احزاب سیاسی در این نوع از فساد درگیرند و زدوبندهای سیاسی، همزاد این نوع فسادها به شمار می‌آید. تعبیر فساد بالانشینان یقه‌سفید را در سطح اول می‌توان به کار گرفت. این نوع مفاسد در بخشهای واردات، مناقصه‌ها مزایده‌ها، مناقصه‌ها، خریدهای خارجی و داخلی، بخشهای مرتبط با منابع زیرزمینی و پروژه‌های بزرگ دولتی رخ میدهد.

این نوع فساد از سوی سیاستمداران و مدیران عالی‌رتبه‌ی دولتی صورت می‌گیرد. سیاستمداران به دلیل داشتن موقعیت‌های مهم و تعیین‌کننده در احزاب و به طور کلی در گروه‌های سیاسی، از نفوذ قابل توجهی در دستگاه‌های اجرایی برخوردارند. برخی از سیاستمداران بالفعل دارای یک مقام و جایگاه سازمانی در حکومت نیز هستند. این طیف به جهت برخورداری از موقعیت بالای اداری، نقش ممتازی در صدور مجوزها و یا موافقت با اعطای تسهیلات و یا واگذاری پروژه‌ها و قراردادهای بزرگ دولتی و یا اتخاذ تصمیمات نظارتی و قضایی دارند. دسته‌ی دیگر از سیاستمداران، بالفعل دارای جایگاه سازمانی و پست اداری نیستند، اما با استفاده از نفوذی که دارند، زمینه‌ی بسیاری از فسادها را تسهیل می‌کنند. فساد سیاستمداران و مدیران عالی‌رتبه، بیشتر از نوع فساد سیاسی می‌باشد. پل هیود فساد سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: رفتار منحرف شده مقام‌های دولتی از ضوابط و وظایف رسمی خود به دلیل ملاحظات شخصی، حزبی، قومی یا منطقه‌یی. (پل هیود؛ ۱۳۸۱، ص ۵۲)

فساد سیاستمداران عالی‌رتبه و یقه‌سفیدها معمولاً به صورت بانندی و با ارقام هنگفت صورت می‌گیرد و مجریان پر قدرت و ثروتمند آن کم‌تر تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

فساد در سطح کلان با فساد در سطح میانین و خرد کاملاً متفاوت است؛ گونه‌یی که فساد دولت‌مردان، وزرا و کارمندان عالی‌رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جزء، مثل افراد پولیس و مأموران گمرگ و دیگر مأموران درجه پایین را فساد خرد می‌گویند. کنترل فساد کلان، مقدم بر فساد خرد است؛ زیرا بدون کنترل فساد کلان، امیدی به حل مشکل فساد خرد نیست. فساد کلان، فسادی است که توسط مقامات رده‌بالای اداری به صورت گروهی، شبکه‌هایی با مبالغ قابل توجه صورت می‌گیرد. مرتکبان این نوع فساد، جزء گروه مجرمان و از صاحبان زر (یقه

سفید) زور هستند و با آنکه زیانها و خسارات غیرقابل جبرانی بر پیکر اجتماع وارد می‌سازند، کمتر تحت تعقیب و مجازات دستگاه عدالت قرار می‌گیرند. مطالعات نشان می‌دهد که در کشورهای مختلف، فساد اداری در رده‌های میانی و پایینی نظام اداری تا حد زیادی به میزان فساد در بین سیاست‌گذاران و کارمندان عالی‌رتبه، بستگی دارد. (افضلی؛ ۱۳۹۰، ص ۲۴۰)

فساد سطح دوم مربوط به مدیران و افراد سطح میانی دولت اند. مدیران میانی کم‌تر با عزل و نصب مدیران عالی‌رتبه جا به جا می‌شوند. این دسته به دلیل سابقه‌ی طولانی خدمت، به طور معمول با اکثر مشتریان و یا طرف‌های قرارداد و یا صاحبان حرفه‌های ذی‌ربط آشنا هستند. علاوه بر این، به علت برخوردار بودن از موقعیت کارشناسی، به طور غیرمستقیم نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارند.

فساد در سطح سوم، غالباً در میان کارمندان رده‌پایین شکل می‌گیرد و در این نوع مفاسد رشوه‌های عمومی، کارسازی‌های غیرقانونی و مواردی از این دست قابل ذکر است. فساد در سطح سوم اصولاً با بخش خصوصی و سطح عمومی جامعه درگیر و در ارتباط است.

مأموران سطح‌پایین و کارمندان جزء، در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نقش زیادی ندارند و به علت پایین بودن بیش از حد حقوق و مزایای شان، مرتکب فساد بسیار خردمی شوند (مانند رشوه‌ستانی‌های خرد و روزمره از ارباب رجوع که برای انجام امور روزمره و امور اداری شخصی و جزئی به ادارات دولتی مراجعه می‌کنند). باید تأکید نمود که فساد در رده‌های میانی و رده‌های پایین، تا حد زیادی به فساد در سطح بالا و مدیران عالی‌رتبه بستگی دارد. مقامات عالی‌رتبه‌ی فاسد برای دستیابی به درآمدهای ناشی از فساد، از یک طرف به کمک مدیران میانی نیازمنداند و از طرف دیگر، ناچارند نهادهای حسابرسی و نظارتی و بازرسی، رسانه‌ها و دستگاه‌های قضایی را تضعیف کنند. لذا فساد سطح بالا، فساد سطح پایین را تشویق و زمینه‌سازی می‌کند. فساد سطح پایین از پدیده‌های ضد عدالت اجتماعی است و در جوامعی رایج می‌باشد که مقامات دولت از قدرت تصمیم‌گیری و آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای در مقابل شهروندان برخوردارند و در مقابل اعمال‌شان پاسخگو نیستند. این نوع فساد هرچند که محدود به جوامع فقیر نمی‌شود، اما می‌تواند برای اقشار محروم جامعه بسیار زیانبار باشد. در این‌گونه کشورها (مثل کشور ما افغانستان) حتی برای ساده‌ترین امور روزمره و برخوردار شدن از ابتدایی‌ترین مزایا و حقوق شهروندی باید به رشوه و واسطه‌بازی روی آورد. فساد سطح پایین (جزئی یا خرد) پدیده‌ای بغرنج و از نظر اخلاقی مبهم و پیچیده است. این پدیده‌ی غیرعادلانه و ضد عدالت اجتماعی، توزیع غیرعادلانه و نابرابر فرصت‌ها را تشدید و حقوق اولیه‌ی انسان‌ها را نقض می‌کند. سطح حقوق پایین، کارکنان دولت را و ادار می‌کند که درآمدها را به طور غیرقانونی افزایش دهند.

### طبقه‌بندی به لحاظ میزان و حجم فساد

به لحاظ میزان و حجم، فساد به دو دسته تقسیم می‌شود: فساد سطح کلان و سطح خرد. فساد کلان، با توجه به ارزش پولی مصداق فساد و یا گستره‌ی تأثیر آن در اقتصاد و یا نظام اداری و یا مقایسه آن با سایر مصایق فساد در سطح ولایتی، ملی، منطقه‌ای یا جهانی و یا موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد می‌شوند و یا با ترکیبی از این عوامل تعیین می‌گردد. از جهت دیگر، فساد را به لحاظ میزان و حجم، می‌توان به دو دسته فساد تصادفی (اتفاقی) و فساد نظام‌مند (حاد) تقسیم نمود. درجه‌ی شیوع فساد در میان جوامع مختلف متفاوت است و از درجه کم و استثناء تا درجه‌ی بسیار رایج و قاعده‌مند تغییر می‌کند. اگر فساد کم باشد، به آسانی قابل کشف و مجازات و نابودی است. اما وقتی فساد در جامعه بسیار رایج شود و به شکل قاعده‌مند درآید، احتمال کشف و مجازات، کاهش و انگیزه‌های فساد افزایش می‌یابد؛ زیرا بر خلاف حالت اتفاقی، طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند. هر جا که فساد قاعده‌مند شده باشد، نهادها، قوانین، و ضوابط اداری با الگوهای غارت‌گری دیوان‌سالاران و کارمندان دولتی تطابق می‌یابند و رشوه نیز می‌تواند باعث کندشدن رسیدگی به دوسیه‌ها (و کاهش احتمال مجازات) شود.

### طبقه‌بندی به لحاظ سازمان‌یافتگی و آشفتگی فساد

مبنای این طبقه‌بندی، دو خصیصه‌ی کلی می‌باشد: یکی ارتکاب فساد به صورت انفرادی و یا جمعی، و دیگری سازمان‌دهی شدن یا نشدن و شیوه‌ی ارتکاب جرم است. بر این اساس، فسادی سازمان‌یافته تلقی می‌شود که دارای دو ویژگی باشد: اول اینکه به صورت جمعی انجام شود و نه فردی. ویژگی دوم این است که تمام مراحل ارتکاب فساد اعم از برنامه‌ریزی و اجرا و یا بخشی از آن سازمان‌دهی شده باشد. یعنی جهت اجرای پروژه فساد، تشکیلاتی با عضویت بیش از دو نفر ایجاد شود و برای هر یک از اعضای گروه، و وظیفه و نقشی تعیین گردد و هیچ‌کدام از افراد به تنهایی مرتکب فساد نشوند. بنابراین، اگرچه چند نفر با اطلاع همدیگر به صورت انفرادی مرتکب یک جرم و یا چند جرم شوند، مرتکب جرم سازمان‌یافته نشده‌اند.

برخی ویژگی‌های فساد سازمان‌یافته، موارد ذیل است:

- فساد سازمان‌یافته گسترده و پیچیده است که شناسایی هدایت‌کنندگان و رهبران تشکیلات بسیار سخت است.
- در فساد سازمان‌یافته سیاست‌مداران در صدد برمی‌آیند که سهمی از عواید حاصل از فساد را که دیوان‌سالاری وصول کرده، برای خودشان کسب نمایند. در این زمینه ارتباط سیاست‌مداران و مقامات اجرایی و دولتی بر اساس هم‌زیستی شکل می‌گیرد. به این ترتیب که سیاست‌مداران فرصت‌های جدیدی را برای تحصیل این‌گونه درآمدهای غیرقانونی برای دستگاه اجرایی ایجاد می‌کنند و یا فرصت‌های موجود

در این زمینه را حفظ می‌نمایند تا مقام مربوطه بتواند در سازمان تحت نظر خود به غارت ادامه دهد. در عوض، سهم توافق‌شده‌ای از این عایدات به سیاستمداران مذکور منتقل می‌شود. (به عنوان مثال روابط و قراردادهای نامرئی بین وکلای پارلمان و وزراء و اعضای شوراهای ولایتی و ریاست‌های دولتی و یا مقامات بالا و میانین و پایین یک وزارتخانه یا ریاست و...)

- در جامعه‌ای با وجود فساد سازمان‌یافته، سرمایه‌گذاران می‌دانند به چه کسی رشوه بدهند، چه چیزی در قبال پرداخت رشوه به دست می‌آورند، و چه میزان رشوه باید پرداخت شود. هم‌چنین آن‌ها اطمینان دارند که مجوزهای درخواستی را برای واحدهای خود به دست خواهند آورد.

### طبقه‌بندی به لحاظ انگیزه‌ی ارتکاب فساد

از این دیدگاه فساد اداری به هفت طبقه تقسیم می‌شود:

۱. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی سیاسی: این نوع فساد با قصد مقابله، ناکارآمد نشان‌دادن یا ساقط کردن نظام سیاسی یا بخشی از آن و یا سرنگونی یک حزب و گروه سیاسی، یا کمک به یک حزب و گروه صورت می‌گیرد.
۲. ارتکاب با انگیزه‌ی اقتصادی صرف (رفع نیازهای ضروری یا ثروت‌اندوزی)
۳. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی فرهنگی صرف (به دلیل اعتقاد شخص به ایدئولوژی، مسلک، مذهب یا وابستگی به خرده‌فرهنگی که به نفع آن‌ها مرتکب فساد می‌شود)
۴. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی اجتماعی صرف (به دلیل وابستگی به یک طبقه‌ی اجتماعی یا داشتن پایگاه اجتماعی ویژه و یا به علت وابستگی نسبی و سببی و یا اشتراک جغرافیایی مثل هم‌ولایتی و هم‌شهری و...)
۵. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی تأمین هزینه‌ی اعمال غیراخلاقی؛
۶. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی اداری: در این نوع، فرد برای تحقق بخشیدن به اهداف سازمان و یا اهداف نظام حکومتی، با نادیده‌گرفتن مقررات دست و پاگیر که بدون کارشناسی و بدون توجه به واقعیات و قابلیت اجرایی تصویب شده‌اند، مرتکب فساد می‌شود و هیچ‌گونه انگیزه‌ی مادی شخصی ندارد. در حقیقت از دیدگاه خودشان، برای رسیدن به امر مهمی، مهمی را نادیده می‌گیرند.
۷. ارتکاب فساد با انگیزه‌ی کلی کمک به هم‌نوعان. در این صورت، نیت شخص خیرخواهانه است، ولی از قواعد تعیین‌شده برای انجام فعالیت تخطی نموده است.

### طبقه‌بندی به لحاظ میزان سود و زیان



بر مبنای این طبقه‌بندی و سود و زیانی که حاصل طرفین یا دولت میشود، فساد به پنج طبقه قابل تقسیم است:

۱. فسادى که به طور محسوس برای دولت بیش‌ترین هزینه را دارد و کم‌ترین هزینه و بیش‌ترین فایده را برای متخلفین در بخش دولتی و خصوصی دارد و با سوء نیت انجام می‌شود؛ مانند اختلاس و کلاه‌برداری.
۲. فسادى که بیش‌ترین هزینه را برای ارباب رجوع دارد و کم‌ترین هزینه را برای دولت و بیش‌ترین فایده را برای کارمند متخلف دولت دارد. مانند دریافت رشوه توسط مأموران با اغفال ارباب رجوع.
۳. فسادى که در ظاهر برای دولت یا بخش خصوصی و به طور کلی متخلفین، هزینه یا فایده‌ی قابل توجهی نداشته باشد. مانند جا به جایی اعتبارات و صرف بودجه‌ی یک بخش در بخش دیگر.
۴. فسادى که بیش‌ترین هزینه را برای دولت و کم‌ترین هزینه یا فایده را برای متخلف دارد. مانند تضييع اموال و وجوه دولتی در اثر اهمال و کوتاهی در انجام و وظیفه.
۵. فسادى که به نفع مأمور دولت و ارباب رجوع و به ضرر دولت می‌باشد. مانند عدم دریافت مالیات و یا حقوق و عوارض گمرکی و بخشی از آن توسط مأموران دولتی در قبال اخذ رشوه.

#### **طبقه‌بندی به لحاظ ملی یا فراملی بودن**

مبنای این طبقه‌بندی، گستره‌ی جغرافیایی و وقوع فساد است. برخی از انواع فساد فقط محدود به قلمرو سیاسی یک کشور هستند؛ مانند ارتکاب اختلاس و ارتشا در سازمان‌های دولتی مستقر در داخل کشور؛ ولی برخی دیگر از انواع فساد در محدوده‌ی قلمرو دو یا چند کشور و اقع می‌شود؛ مانند پروژه‌ها و قراردادهای فراملی که توسط سازمانهای بین‌المللی در افغانستان امروزه مروج است و در سایر کشورها نیز اتفاق می‌افتد.

#### **طبقه‌بندی به لحاظ قلمرو بخش دولتی و خصوصی**

فساد دولتی فسادى است که در ادارات و سازمانهای دولتی یا در پروژه‌ها و برنامه‌های عمومی مرتبط با دولت صورت می‌گیرد. فسادى خصوصی تلقی می‌شود که منحصراً در حیطه‌ی سکتور خصوصی و بدون هیچ‌گونه ارتباط مجرمانه با بخش دولتی، از جمله کارکنان دولت صورت بگیرد؛ مانند برخی از مصادیق قاچاق کالا و مواد مخدر یا برداشت‌های بدون مجوزی که در شرکتهایی صورت می‌گیرد که مدیران آن غیر از صاحبان سهام و مالکان هستند.

#### **طبقه‌بندی از منظر درون سازمانی و برون‌سازمانی**

از این لحاظ، فساد قلمرو دولتی را می‌توان به دو نوع فساد درون‌دولتی و فساد در روابط دولت با شهروندان تقسیم نمود. برخی مصادیق فساد اداری در درون دولت موارد ذیل است:

۱. استفاده شخصی از وسایل و اموال دولتی،
۲. کم‌کاری، گزارش مأموریت کاذب، صرف وقت در اداره برای انجام کارهای به غیر از وظیفه اصلی، دزدی مواد اولیه و مواد مصرفی متعلق به دولت توسط کارمندان، کارکنان و پرسنل دولتی، استفاده از امکانات اداری برای پیشبرد اهداف سیاسی توسط کارمندان عالی‌رتبه و سیاستمداران،
۳. فساد سیاستمداران و کارگزاران دولت (تصویب یا تدوین قوانین، طرح‌ها، لوایح یا دستورالعمل‌هایی که ناظر بر منافع اشخاص، گروه‌ها یا احزاب خاصی است)،
۴. فساد در توزیع حقوق و مزایا و فرصت‌های شغلی بین کارمندان،
۵. اختلاس و سوء استفاده مالی،
۶. فساد در قراردادهای مالی مانند به مزایده گذاشتن استخراج معادن، سرک‌سازی و..

مواردی از فساد اداری در روابط دولت با شهروندان نیز عبارتند از:

۱. فساد در آرایه‌ی کالاها و خدمات دولتی،
۲. فساد در فروش اموال و املاک دولتی به شهروندان (فروش و واگذاری زمین و ...)،
۳. فساد در خریدهای دولتی از سکتور خصوصی،
۴. فساد در قراردادهای سکتور خصوصی با دولت،
۵. فساد در صدور جواز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خصوصی،
۶. فساد مالیاتی،
۷. فساد استخدامی،
۸. فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی، (خواتی؛ ۱۳۹۰)

#### طبقه‌بندی بر اساس انگیزه افراد

از لحاظ انگیزه مرتکبین فساد اداری، میتوان به سه دسته و انگیزه اشاره کرد: انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی و اداری.

فساد اقتصادی عبارت است از کلیه رفتارها و سوء رفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف، از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌گردد.

این اصطلاح، به استفاده از قدرت سیاسی برای هدف‌های شخصی و یا غیرقانونی اطلاق می‌شود. فساد سیاسی، به معنای کسب منابع نامشروع شخصی از طریق قدرت سیاسی یا موقعیت دولتی است. این نوع فساد، بیشتر شامل انحراف مسیر انتخابات می‌شود. فساد سیاسی بیشتر تحت تأثیر نظام سیاسی هر کشور است. کلیه فسادهای ذکر شده چنانچه در نظام اداری رخ دهند، فساد اداری نامیده می‌شوند.

### طبقه‌بندی نوعی فساد اداری

همچنان که در طبقه‌بندی و دسته‌بندی‌های مختلف آمد، فساد اداری اشکال و انواع مختلف و متعددی دارد که در دسته‌بندی‌های مختلف میتوان جای داد. در کنار این طبقه‌بندی‌ها، صورتها و اشکال فساد اداری هم وجود دارد مثل رشوه، اختلاس، اخاذی، جعل، خویش‌گرایی و... که در اینجا به ذکر مواردی از آنها می‌پردازیم:

#### ۱. رشوه‌ستانی Bribery

رشوه، وجهی (پول یا اشیای دیگر) است که طی یک رابطه آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. رشوه مبلغ ثابت، درصدی خاص از یک قرارداد، یا هر نوع مساعدت پولی دیگر است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت میشود. واژه‌های مترادف زیادی برای واژه رشوه یا ارتشا وجود دارد؛ مانند پاداش، بخشش، شیرینی، انعام، پول چایی و رایگانی که همگی بیانگر نوعی فساد مرتبط با پول، و رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گسترده‌ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است که در سطح ملی و بین‌المللی رواج دارد. در حال حاضر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهمترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد و اطمینان بین‌المللی در مبادلات دانسته و در پی مبارزه با آن هستند. آنچه که در این سازمانها بعنوان مبارزه بر علیه فساد مورد تأکید است، در واقع همان مبارزه با پدیده رشوه‌خواری است.

پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد که مهمترین زمینه‌های کاربرد آن عبارت از: مناقصه، مزایده، خریدهای دولتی، تسریع در انجام امور قانونی، پرداخت به دولت، سندسازی، کسب امتیازات، امور بانکی، امور قضایی، و سایر موارد است.

#### ۲. اختلاس Embezzlement

اختلاس به عنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست‌اندازی به مال دیگران می‌باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارت است از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند. در واقع اختلاس، برداشت از منابع بوسیله افرادی است که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است.

اختلاس، دزدیدن منابع توسط افرادی است که بر این منابع دست دارند؛ و زمانی اتفاق می‌افتد که کارمندان خائن، به سرقت این منابع از کارفرمایان خویش اقدام میکنند. این پدیده زمانی بسیار اهمیت پیدا میکند که کارمندان بخش عمومی، از نهادهای عمومی که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به دزدی نمایند.

ضعف سیستم مدیریت، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، بی‌برنامگی در نحوه تخصیص و هزینه کردن بودجه‌های اداری، ورود مدیریت‌ها در عرصه تجارت موازی، وجود ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری و کاغذبازی‌ها را می‌توان از اصلی‌ترین دلایل بوجود آمدن اختلاس در دستگاههای دولتی، ارگانها و نهادهای تحت پوشش دولت به شمار آورد.

### ۳. تقلب و کلاهبرداری Fraud

کلاهبرداری جرمی اقتصادی است که دربردارندهٔ برخی از انواع حيله‌گری، خدعه و فریب است. کلاهبرداری، دستکاری یا تحریف اطلاعات، واقعیتها و تخصص توسط مأموران بخش عمومی است که واسطهٔ بین سیاستمداران و شهروندان اند و به دنبال کسب منافع شخصی میباشند. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که یک مأمور بخش عمومی (عامل) که مسئول انجام دستورها و وظایف محوله از جانب مافوقش است، جریان اطلاعات را به سمت منفعت شخصی خودش دستکاری میکند.

کلاهبرداری، واژه‌ای حقوقی و عام است که پدیده‌هایی بیشتر از رشوه و اختلاس را تحت پوشش قرار میدهد؛ مثلاً وقتی عاملان و نمایندگان دولتی درگیر شبکه‌های تجاری غیرقانونی می‌شوند، جعل اسناد میکنند، درگیر قاچاق میشوند و وارد دیگر جرمهای اقتصادی سازمان‌یافته میگردند، همگی مصداق کلاهبرداری قرار میگیرند.

### ۴. خویشاوندگرایی

رویه‌ای است که به موجب آن یک مأمور دولت، یک یا چند تن از خویشاوندان خود را به خدمات دولتی منصوب می‌کند و آنها را در لیست حقوق بگیران دولتی قرار می‌دهد و یا آنها را از امتیازات دیگری برخوردار می‌سازد تا بر حیثیت یا درآمد خانوادگی خود بیفزاید.

### ۵. اخاذی

استفاده از زور، توسل به خشونت یا تهدید برای اخذ پول و منابع دیگر است. حق سکوت و اخاذی، اعمال و روابط آلوده‌ای است که در آنها پول به صورت غیرقانونی و با توسل به خشونت، توسط کسانی که قدرت اعمال زور دارند، اخذ می‌شود.

### ۶. سوء استفاده از موقعیت

سوء استفاده از موقعیت، عبارتست از نقل و انتقالات منابع برای مصرف خصوصی اشخاص است، بدون ظاهر شدن در حسابهای رسمی یا وارد شدن در سر فصل‌های حساب‌های دیگری که در دولت وجود دارد. این منابع ممکن

است مستقیماً مربوط به شغل فرد یا از منابع خارجی و مرتبط با کار او باشد. در غالب موارد سوء استفاده با کلاهبرداری همراه است.

#### ۷. حق السکوت

نوعی باج‌گیری است که از شخص یا جمعیتی مانند فرد و حزب و دسته و یا حتی بعضاً از دولتی اخذ می‌گردد، این موقعیت زمانی برای طرف پیش می‌آید که یک مامور دولت و یا دولت‌مدار دست به کار خلاف قانون زده باشد و کسی یا ارگانی از کار او خبر داشته باشد و طرف برای استفاده شخصی از طرف مقابل حق السکوت دریافت نماید که در نوع خود فساد مالی و اداری است که یک اداره را به فساد و تباهی می‌کشاند.

#### ۸. اخاذی یا باج‌گیری

باج‌گیری عبارت است از به دست آوردن پول و اشیای دیگر با استفاده از اجبار، خشونت یا تهدید با استفاده از قدرت. هر جا که پول به صورت خشونت‌آمیز به دست آید، باج‌گیری و اخاذی صورت گرفته است و برای کسی که قدرت انجام آن را دارد، معامله فاسدی به شمار می‌آید. چنین فعالیت‌های فاسدی، ممکن است به صورتهای گوناگون واقع شود؛ یکی این که به صورت باج‌گیری از پایین باشد. این نوع باج‌گیری زمانی است که نیروهای غیردولتی برای به دست آوردن امتیازات شغلی، نپرداختن مالیات، و آزادی از مجازات‌های قضایی قادر به اعمال نفوذ بین اعضای دولت و سازمانهای حکومتی از طریق تهدید، ترساندن و ترور باشند. گاهی ممکن است باج‌گیری

از بالا صورت بگیرد؛ جایی که دولت، خود بزرگترین مافیاست. این مسأله زمانی اتفاق می‌افتد که برای مثال، دولت و به طور خاص، سرویس‌های امنیتی و گروه‌های شبه‌نظامی آن، از افراد، گروه‌ها و صاحبان کسب و کار پول دریافت کنند. به علاوه، کارمندان ادارات مختلف ممکن است از شهروندانی که به عنوان ارباب رجوع، مشتری، مریض یا دانش‌آموز مدرسه به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی‌ها و هدایایی را اخذ کنند. این اقدام‌ها ممکن است به اشکال غیررسمی مالیات، تعبیر و تفسیر شوند.

#### ۹. پارتی‌بازی

پارتی‌بازی نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع جانبدارانه منابع دولتی، بدون توجه به اینکه این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده اند، به کار می‌رود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانبداری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش میگذارد، رابطه‌ی نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی‌بازی روی دیگر سکه فساد اداری است که به انباشت منابع می‌انجامد.

مأمورین حکومتی و سیاست‌مدارانی که به منابع دولتی و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدید به پارتی‌بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه‌دموکراتیک، پارتی‌بازی یکی از مکانیسم‌های سیاسی اساسی به شمار می‌آید. در بسیاری از نظامهای

غیردموکراتیک، رئیس جمهور از حقوق اساسی جهت نصب مقامهای رده بالای نظام برخوردار است. این حق قانونی و عرفی، به صورتی گسترده زمینه را برای پارتی بازی فراهم می‌سازد.

#### ۱۰. خویشاوندسالاری

خویشاوندسالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر یک اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزند، عمو و...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده خود در پست‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند. (حسینی و شمس؛ ۱۳۹۱، ص ۹۵)

در کتاب «استراتژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری» که توسط یک کمیسیون صلاحیت‌دار که از جانب محترم حامد کرزی رئیس جمهور وقت کشور در سال ۱۳۸۵ موظف شده بود تهیه شده در حدود ۱۰۰ مورد فساد اداری یا شرایط زمینه‌ساز آن در افغانستان به شکل زیر شناسایی و معرفی شده است: (وزارت عدلیه؛ ۱۳۸۵، ص ۲۶۲-۲۶۵)

۱. سوء استفاده از دارایی‌های عامه برای منفعت‌های شخصی،
۲. تورم و اختصار تشکیلاتی،
۳. عدم موجودیت ساختار تشکیلاتی مناسب مطابق به ضرورت و نیاز اداره،
۴. تاخیر در تطبیق تشکیل،
۵. اجراءات طولیل و پیچیده،
۶. حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و گزینش کادرها،
۷. حاکمیت روابط بر ضوابط در شفاعت‌خواهی برای رهایی متهمان و مجرمان،
۸. حاکمیت روابط بر ضوابط در مداخله و واسط در مورد تقرر و انفکاک و سایر امور،
۹. اعمال نفوذ برخی از اعضای شورای ملی، شورای ولایتی، قدرتمندان و سایر متنفذان در امور اداری و حکومتی به صورت غیرقانونی،
۱۰. حاکمیت روابط بر ضوابط در تبدیلی‌ها و مقرری‌های کارمندان،
۱۱. عدم رعایت ضوابط در استخدام مشاوران خارجی،
۱۲. حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام افغانهای متخصص مقیم خارج،
۱۳. فساد ناشی از پیوستن متخصصان دولت به مؤسسات غیردولتی (NGOs)،
۱۴. پدیده استخدام مشاورین و کارکنان بالمقطع به شکل افراطی در اکثر وزارت‌ها و ادارات،
۱۵. عدم رعایت ضوابط کاری در ادارات،
۱۶. تمرکز صلاحیت‌ها در مرکز،

۱۷. عدم رعایت سلسله مراتب امر و احکام،
۱۸. عدم توجه به ضوابط حاضری،
۱۹. برخورد ناسالم در برابر مراجعان،
۲۰. بهای کم به وقت،
۲۱. عدم اطمینان کارمندان به آینده شان،
۲۲. فقر اقتصادی کارمندان دولتی،
۲۳. توجه کمتر به حقوق متقاعدان،
۲۴. ضعف، تناقص و تداخل در قوانین و عدم تطابق آن با شرایط موجود در کشور،
۲۵. عدم آگاهی از قانون،
۲۶. نبود اسناد (تقنینی معرفی کننده ادارات و سازمانها و لایحه وظایف)،
۲۷. فساد در سیستم عدلی و قضایی،
۲۸. فساد در پولیس و ارگانهای امنیتی،
۲۹. ضعف کاری در ارگانهای امنیتی،
۳۰. فساد در سارنوالی (دادگاه، دادگستری...)
۳۱. تاثیر قدرت‌های بزرگ بر اجراءات سارنوالی،
۳۲. فساد در اثر سوء اجراءات سارنوالی در امور جاری و معمولی اداره،
۳۳. مشکل در توقیف و یا ختم توقیفی متهمان،
۳۴. مشکلات در تدقیق،
۳۵. مشکلات در دعوا و تعقیب قضایی،
۳۶. مشکلات در استیناف و فرجام‌خواهی،
۳۷. فساد در محاکم،
۳۸. اجراءات ناسالم ارگانهای کشف و تحقیق،
۳۹. فقدان کارکنان مسلکی در ارگانهای عدلی و قضایی،
۴۰. مداخله افراد جانبی غیررسمی،
۴۱. مداخله بعضی از وکلای مردم و مقامات مسؤول ادارات،
۴۲. مشکل اقتصادی قضات،
۴۳. تشویق فساد و رشوه توسط طرف‌های دعوی،
۴۴. مشکل امنیتی،
۴۵. اشتغال بعضی از قضات در امور وکالت مدافع،

۴۶. منفعت‌جویی افراطی قضات و سایر منسوبان قضایی،
۴۷. عدم مهارت‌های مسلکی قضات،
۴۸. موجودیت جلابان، کمیشن‌کاران در تهیه اسناد و فورمه‌ها،
۴۹. عدم کفایت میکانیزم توسیع متهم،
۵۰. ضعف در ترتیب و تطبیق بودجه در ادارات،
۵۱. اثرات منفی ناشی از تسوید و تصویب به هنگام بودجه،
۵۲. ضعف در اجراءات گمرکی،
۵۳. عدم توجه در معاینه ادویه‌جات طبی و زراعتی در گمرکات،
۵۴. فساد ناشی از عدم ثبت پروفورمه‌های تجارتي،
۵۵. توزیع جوازهای غیرواقعی تجارتي،
۵۶. فساد ناشی از عدم فعالیت اداره نورم و استندرد،
۵۷. ضعف در نظام تأدیه و اخذ مالیات خصوصاً از شرکت‌ها، مالیه از کرایه‌ی جایدادها،
۵۸. فساد ناشی از کمیشن‌های خلاف قانون،
۵۹. فساد ناشی از خریداری‌ها و عقد قراردادهای،
۶۰. خریداری و قراردادهای در پناه قوانین ناقص خصوصاً خریداری‌های پرچون،
۶۱. فساد ناشی از خریداری‌ها و عقد قراردادهای عمده عملکردهای مغایر قرارداد قراردادی‌ها،
۶۲. قراردادهای عمده با کمپنی‌ها، مؤسسات و کمپنی‌های خارجی و...
۶۳. عدم تثبیت و بررسی اهلیت و کفایت قراردادی‌ها به صورت قبلی،
۶۴. پروژه‌سازی قبلی دقیق صورت نمی‌گیرد،
۶۵. فساد در عدم رعایت مصارف معیاری مواد سوخت عراده‌جات،
۶۶. بی‌توجهی در جمع و قید اجناس در ادارات،
۶۷. مشکلات در عوامل بازرسی و تفتیش ادارات،
۶۸. تفتیش یا کنترولران قبلی ادارات،
۶۹. تفتیش بعدی دولت،
۷۰. مشکلات در ایجاد نهاد مستقل حکمی مبتنی بر سمع شکایات منابع کشفی و تفتیشی،
۷۱. فساد ناشی از کشت، تولید و ترافیک مواد مخدر،
۷۲. غصب زمین و ملکیت‌ها توسط زورمندان، قلدران و نظامیان،
۷۳. فساد و عوامل آن در سکتور صحی،
۷۴. بی‌اعتنایی و کم‌بها دادن به مریض،



۷۵. وجود نسخه‌های غیرمسئولانه و چهره‌یی،
۷۶. سوء استفاده از تکنالوجی جدید،
۷۷. بی‌رحمی در برابر مریض‌های حاد و معروض به خطر مرگ،
۷۸. بی تفاوتی در برابر بی‌اعتنایی و جرم داکتر،
۷۹. وجود معاینه‌خانه‌ها یا منبع سرایت امراض،
۸۰. عدم کنترل موثر بر فیس دوکتوران و اجراءات در کلینک‌ها و درمانگاه‌ها،
۸۱. وجود لوحه‌های عریض و طویل معاینه خانه‌ها،
۸۲. عدم سازگاری مقرره‌های کلینکی با شرایط موجود صحی،
۸۳. ورود و بکار بردن ادویه‌های بی کیفیت و تاریخ تیرشده،
۸۴. دیپلوم‌های سیاسی و برخوردار از منابع قدرت دوکتوران،
۸۵. شیوع فرهنگ پوهنتون‌سازی دولتی و خصوصی در هر منطقه خصوصاً پوهنحی‌های طب،
۸۶. خودسری‌ها در دوا فروشی‌ها،
۸۷. قطع و قاچاق جنگلات،
۸۸. عدم حفاظت معادن از تشبثات ناجایز،
۸۹. فساد در سکتور ترانسپورت زمینی، باربری و نفربری زمینی و هوایی،
۹۰. مصارف غیر ضروری سفرهای رسمی و غیر رسمی بعضی از مقامات،
۹۱. فساد ناشی از بیکاری خصوصاً جوانان بیکار، مهاجران عودت‌نموده، بیجاشده‌گان داخلی، ملکی‌شده-گان (PRR)، اطفال نان‌آور، معلولان و معیوبان،
۹۲. فساد در ادارات و ارگانهای دولتی،
۹۳. فساد در سکتور آموزشی و تعلیمی (وسیله موثر کار نیست)،
۹۴. فساد در ساختن سرپناه (که وسیله اشتغال برای جوانان است)،
۹۵. سوء تعبیر از نظام اقتصاد بازار (عدم مداخله دولت و انحصاری بودن بجای رقابت آزاد،
۹۶. عدم موجودیت یک استراتژی جامع اقتصادی (در اقتصاد خصوصی، مختلط و دولتی)،
۹۷. فساد در ایجاد برخی از بازارچه‌ها (بویژه کنار مرز ایران و پاکستان خصوصاً بازارچه چابهار و ویش)،
۹۸. فساد ناشی از عنعنات ناپسندیده اجتماعی (مراسم عروسی، فاتحه خوانی، ختم قرآن و مهمانی‌ها)،
۹۹. رسم و رواج‌های تباه‌کن (غیرضروری و پرمصرف)،
۱۰۰. شیوع فساد اخلاقی،

این دسته‌بندی گرچه موارد زیادی (یکصد مورد) را زیر عنوان انواع و شکل‌های فساد اداری معمول در ادارات و سازمانهای کشور نام برده است، اما مشکلات شکلی و محتوایی زیادی دارد. از طرفی بسیار کلی است و از طرف دیگر خیلی جزئی. برخ موارد ذکر شده اصلاً فساد نیستند (مثل اقتصاد بازار یا نبود استراتژی اقتصادی یا فلان سیاست...) و فقط شرایط و زمینه‌های فساد را آماده میکنند و برخ موارد دیگر اصلاً ربطی به فساد اداری ندارند (مثل هزینه‌های مراسم عروسی و فاتحه‌خوانی و مهمانی و...). با آنهم، به دلیل این که کوشیده بود مواردی از فساد را که در ادارات و سازمانها و بدنه دولت افغانستان معمول است ذکر کند، در اینجا آورده شد.

یکی دیگر از محققان، انواع فساد اداری معمول در کشور را چنین جزءوار (در پنجاه مورد) برمی‌شمارد: (.....)

۱. سوء استفاده از قدرت،
۲. سرکشی از اصول و قوانین،
۳. رشوه‌دادن و رشوه‌ستانی،
۴. بوروکراسی و کاغذپرانی،
۵. استفاده ناجایز از موقف و صلاحیت،
۶. اجراءات غیرقانونی،
۷. غارت دارایی‌های عامه،
۸. تقرر خویشاوندان در پست‌های مختلف،
۹. بی‌کفایتی مدیران و رهبران جامعه،
۱۰. نبود کادر مجرب و مسلکی در ادارات،
۱۱. موجودیت کرکترهای فاسد و بدنام در ادارات،
۱۲. غصب اراضی ملی و دولتی،
۱۳. بی‌تفاوتی در کارها،
۱۴. ضعف مهارت مسلکی کارمندان دولتی،
۱۵. پایین بودن سطح زندگی و معاشات مأموران دولتی،
۱۶. حرص و طمع بیش از حد کارمندان در مؤسسات داخلی و خارجی،
۱۷. بی‌توجهی به قانون،
۱۸. بی‌کفایتی در کار و امور محوله،
۱۹. تداخل وظیفه‌وی،
۲۰. تورم تشکیلاتی،

۲۱. فرار مغزها و کادرها به کشورهای دیگر،
۲۲. معاشات و حقوق غیرعادلانه،
۲۳. عدم مسؤولیت در مقابل وطن و مردم،
۲۴. تشویق سرمایه‌داری انحصاری و بازار آزاد،
۲۵. سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی،
۲۶. خویش‌خوری،
۲۷. ضعیف‌شدن موقف اخلاقی و اجتماعی،
۲۸. بی‌تفاوتی در مقابل ارزش‌های ملی، فرهنگی، اجتماعی و دینی کشور،
۲۹. مداخله دست‌های خارجی در امور کشوری ما،
۳۰. ضعیف شدن ارزش‌های اعتقادی،
۳۱. گسترش فساد و کارهای خلاف اخلاق،
۳۲. تقلب و جعل‌کاری،
۳۳. پارتی‌بازی و اختلاس،
۳۴. اعمال قدرت شخصی و سوء استفاده از مقام،
۳۵. ضعف تقوا و پرهیزکاری،
۳۶. ضعف ایمان،
۳۷. برتری منافع شخصی بر منافع و مصالح عمومی،
۳۸. پذیرفتن و دادن هدایا،
۳۹. امتناع از یک کارعام‌المنفعه،
۴۰. اعمال نفوذ برای کسب مال و مقام،
۴۱. فروش پست‌ها و مقامات دولتی،
۴۲. استفاده از دفتر کار دولتی برای منافع شخصی،
۴۳. فروش وقت اداری برای کار دوم،
۴۴. افشای اطلاعات و معلومات رسمی و محرمانه و سوء استفاده از آنها،
۴۵. ایجاد موانع برای اجرای امور رسمی و قانونی،
۴۶. سوء استفاده از بیت‌المال،
۴۷. ساختار اداری ناکارآمد،
۴۸. عدم نظارت و کنترل در امور،
۴۹. مادی‌گری و علاقه به پول و طلا،

## ۵۰. تنبلی و سستی در کار،

## عوامل فساد اداری

فساد اداری یکی از پدیده‌های پیچیده، چندبعدی و بدون شک، چندعلتی اجتماعی است که برای تبیین و چرایی آن باید به سراغ عوامل مختلف از حوزه‌های مختلف رفت. بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، بخصوص آنهایی که عمری طولانی و بستری وسیع و پهنایی به گستردگی اجتماعات مختلف انسانی دارند، بقا و پایداری خود را مرهون عوامل و سازوکارهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... می‌دانند.

تریزمن (۲۰۰۰) روابط میان شاخص‌های فساد و ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی کشور را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که در کشورهای پروتستان و مستعمره انگلیس که دارای درآمد سرانه بالاتر و سهم بالای تولید ناخالص داخلی هستند، و شکل حکومت واحد و سیستم قانونی با حقوق عرفی در مقابل حقوق مدنی دارند، فساد بیشتر است. تحقیقات دیگر هم یافته‌هایی مشابه دارند. به عنوان مثال، لاپورتا (۱۹۹۹) دریافت که در کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای مسلمان و کاتولیک، و کشورهایی با قوانین فرانسوی یا سوسیالیست (برخلاف حقوق مدنی) عملکرد دولت نامطلوب است و فساد بالایی وجود دارد. رز اکرم (۲۰۰۱) مطرح کرد که اگر چه درجه دموکراسی در توضیح فساد بی‌اهمیت است، ولی هر قدر ساختار دموکراسی در یک کشور نهادینه تر شود، فساد کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که فساد به سطح رشد اقتصادی، و همچنین سیستم قانونی و حکومتی کشور مرتبط است. (دیوید ان جی ۲۰۰۶) تعدادی از تحلیل‌گرهای نهادی ادعا کردند که میراث قانون مستعمراتی یک عامل برجسته در توضیح تنوع موجود در شدت و رواج اشکال معاصر فساد در آفریقا، آسیا، و آمریکای لاتین است. عده‌ای دیگر ادعا می‌کنند که علت اصلی فساد ریشه در نفوذ تاریخی دولت در اقتصاد و امور سیاسی دارد. شرایطی که فرصت رانت‌خواری را به وجود آورد و توانایی شهروندان را در پاسخگو نگهداشتن سیاستمداران و مقامات دولتی نسبت به اعمالشان کاهش دهد، فساد را افزایش می‌دهد.

بانک جهانی مطرح کرد که فساد نشانه عوامل دیگری همانند سیاست‌های ضعیف اقتصادی، سطح پایین آموزش، جامعه مدنی توسعه نیافته، و پاسخگویی ضعیف نهادهای دولتی است؛ این امر نشأت گرفته از شرایط کشورهای در حال توسعه است. (بانک جهانی، ۲۰۰۴). بر اساس تحقیقی که سازمان شفافیت بین‌المللی انجام داده، ۶۰ درصد مصاحبه شونده‌گان دلیل اصلی فساد مالی در کشورهای در حال توسعه را حقوق بسیار پایین کارمندان دولت می‌دانند. اغلب در این گونه نظام‌های اداری کارها بدون پرداخت رشوه پیش نمی‌رود. (بانک جهانی، ۲۰۰۷)

مداخله دولت در اقتصاد نیز از علل ایجاد فساد پنداشته می‌شود. در جایی که دولت سیاست‌های صنعتی تبعیض-آمیز، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و موارد دیگر را انجام می‌دهد، زمینه‌های بروز فساد پیدا می‌شود.

قواعد و مقرراتی که سبب طولانی شدن فرایند انجام کار در سازمان‌ها می‌شود، زمینه بروز فساد را بیشتر می‌کند. این قوانین هم تقاضا برای فساد ایجاد می‌کند (مردم مایل هستند هرچه زودتر از دست این قوانین خلاص شوند) و هم مشوق‌هایی برای عرضه فراهم می‌آورد؛ زیرا کارکنان می‌توانند با استناد به این مقررات مانع از انجام امور و سبب ایجاد تمایل به پرداخت رشوه شوند. (شمس‌السادات؛ ۱۳۸۸، ص ۴۲)

فساد اداری با نوع سیستم و نظام سیاسی حاکم هم رابطه دارد. به عنوان مثال، دلاپورتا، رابطه فساد اداری با دموکراسی و جریان دموکراتیزه شدن دولت-ملت‌های جدید مطالعه کرده است. از نظر وی، فساد در جامعه در حال گذار (پیش از دموکراسی) مرتبط است با: باز شدن فضای سیاسی در غیاب احزاب سازمان‌یافته، توسعه شتابان شهرها، مهاجرت گسترده روستائیان و تولید انبوده شهوندان سرگشته روبه‌رو با دستگاه پیچیده اداری، پیشرفت سریع ابزارهای مدرن و مدرن‌سازی شتابان فرهنگی. بنابراین، فساد تدبیری است غیررسمی به منظور تنظیم ساختاری و ترمیم بافت اجتماعی که زیر فشار اقتصاد و سیاست از هم گسیخته شده است؛ و در نهایت، از نظر وی، رشد فساد با رشد دموکراسی نسبت معکوس دارد. (ذاکر صالحی؛ ۱۳۹۱)

دانشمندان دیگر هم دلایل گوناگونی را برای فساد اداری در جوامع مختلف بر شمرده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته بر روی پدیده فساد اداری حکایت از پیچیده بودن و گسترده بودن عوامل مؤثر در شکل‌گیری این پدیده دارد. فقر اقتصادی و نابسامانی‌های درآمدی کارکنان سازمان‌ها، فقر فرهنگی و عدم وجود باورهای استوار اخلاقی و نبود مقررات و قوانین بازدارنده و نظام‌های کنترلی مؤثر از زمره دلایل اصلی بروز فساد اداری بوده است. به طور کلی، می‌توان عوامل اصلی شکل‌گیری این پدیده را به دو دسته کلی (۱) علل اصلی (ریشه‌ها) و (۲) عوامل تسهیل‌کننده تقسیم‌بندی نمود. در رابطه با علل اصلی یا ریشه‌ها می‌توان به ریشه‌های فرهنگی - اجتماعی و ریشه‌های اقتصادی اشاره کرد.

### شرایط اساسی برای ظهور فساد اداری:

الف) تمایل: تمایل به ارتکاب تخلف در ذهن عامل آن قرار دارد. تمایل می‌تواند ناشی از عوامل متعددی باشد که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت؛ اینکه این عوامل از درون فرد نشأت بگیرد یا از محیط، چندان تفاوتی در نتیجه به وجود نمی‌آورد.

ب) فرصت: برای مبادرت به فساد اداری باید علاوه بر تمایل، فرصت مناسب نیز وجود داشته باشد. چنین فرصتی ممکن است در پی طراحی و تدابیر بلندمدت پیش بیاید و یا ناشی از تصادف باشد. چنانچه تمایل و فرصت اقدام به فساد وجود داشته باشد فساد متولد خواهد شد و در صورت مهیا بودن سایر شرایط رشد خواهد کرد.

### ریشه‌های اصلی فساد اداری:

الف) ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی: شاید مهم‌ترین عوامل فساد، مسایل فرهنگی و عقیدتی باشد. فرهنگ عمومی جامعه، ارزشها و هنجارهای حاکم بر افراد و اجتماع و عقاید و باورهای مردم نقش محوری در این زمینه دارد. مادی‌گرایی، فردی‌گرایی، مصرف‌زدگی، کاهش قبح تخلفات در سازمان و جامعه و مهمتر از همه ضعف ایمان و وجدان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد اداری هستند.

ب) ریشه‌های اقتصادی: عدم ثبات اقتصادی، تورم لجام‌گسیخته، رکود، کاهش درآمدها و قدرت خرید مردم، عدم عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع نامناسب امکانات و تسهیلات در جامعه و امثال این موارد از عمده‌ترین ریشه‌های اقتصادی فساد اداری به شمار می‌آیند.

### عوامل تسهیل کننده:

الف) عوامل سیاسی: عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارت و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد مدیران عالی‌رتبه، جوسازی و غوغاسالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران مختلف از مجازات‌ها و تساهل و تسامح نسبت به موارد مشاهده شده از عوامل سیاسی تسهیل کننده جریان فساد تلقی می‌شوند.

ب) عوامل اداری: تشکیلات و ساختار اداری غیر کارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین و مقررات و تعداد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته سالاری، وجود تبعیضات در استخدام، انتصاب و ارتقای افراد، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تنبیه و بویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمانی و ناآگاهی ارباب رجوع به فرایندهای اداری و حقوق خود از عوامل اداری تسهیل کننده فساد اداری هستند.

با توضیحی که درباره ریشه‌ها، شرایط و عوامل تسهیل کننده فساد اداری ارائه شد اینک می‌توان از عمده‌ترین علل متداول در پیدایش و گسترش فساد اداری نام برد.

۱. اختلاف فاحش میان میزان درآمد کارکنان و حجم هزینه‌های آنان:

شاید یکی از شایع‌ترین علل ارتکاب تخلفات اداری عدم تکافوی درآمد کارکنان با هزینه‌های آنان باشد. معاش بسیاری از کارمندان دولتی در مرکز و ولایات تکافوی مخارج خانواده آنها را نمیکند. این عامل بیشتر تبیین‌کننده فساد درجه سوم یا مأموران دون‌پایه حکومتی است نه فساد یقه‌سفیدان یا مقامات بلندرتبه سیاسی و اداری کشور.

## ۲. روابط خویشاوندی:

در جوامع گرم که در آنها ارزشهای سنتی بر روابط بین افراد حاکم است روابط خویشاوندی یکی از علل فساد اداری را تشکیل می‌دهد. در جامعه افغانستان اگر فردی در یک منصب اداری قرار بگیرد؛ خویشاوندان از او توقع دارند که در تصمیمات اداری، خویشاوندی را بر ضوابط موجود ترجیح دهد و چنانچه فرد، خلاف این عمل کند، جامعه افغانی ارزیابی مثبتی از او نخواهد داشت. در چنین مواقعی نمی‌توان از کارکنان بخش عمومی انتظار داشت که به سهولت براساس ضوابط رفتار نمایند. به علاوه، استقرار یک نظام بوروکراتیک سالم در این جوامع غیرممکن به نظر می‌رسد.

سرمایه اجتماعی نوعی دارایی است که از مجموعه دیونی که افراد در مقابل یک‌دیگر دارند تشکیل می‌گردد. این دارایی حصول نتایجی را میسر می‌سازد که در صورت فقدان چنین سرمایه‌ای غیر ممکن می‌بود. سرمایه سیاسی نیز به مجموعه دیونی اطلاق می‌شود که افرادی که در یک شبکه ارتباطی سیاسی قرار دارند، نسبت به یک‌دیگر دارا هستند. بخشی از سرمایه‌های دوگانه فوق ریشه در زمینه‌های خانوادگی افراد دارد و صاحبان این سرمایه‌ها آن را از خانواده به ارث می‌برند و بخشی از آن نیز ناشی از داد و ستدهای اجتماعی و سیاسی افراد است.

## ۳. وسعت دامنه دخالت‌های دولت در تصدی امور:

شواهد حاکی از این واقعیت است که هرچه میزان تصدی‌گری دولت بیشتر باشد زمینه برای ظهور و شیوع فساد نیز مهیاتر خواهد شد. چنانکه گفته می‌شود عرصه‌های بروز فساد پایه‌پای پیچیدگی دستگاه دولت که وظایف جدید نظارت و مدیریت را نیز به عهده گرفته است وسعت می‌یابد. به عنوان یک نمونه می‌توان به اختیارات دولت در زمینه صدور جواز برای واردات یا تولیدکالاها و خدمات پرسود اشاره نمود. تحت چنین شرایطی، کارکنانی که اختیار صدور جواز به آنها واگذار شده فرصت‌گزینش افراد خاصی که قول جبران خدمات آنها را داده‌اند را به دست می‌آورند. بدین ترتیب فساد اداری اتفاق می‌افتد.

## ۴. افراط در وضع قوانین و محدود نمودن بخش خصوصی:

هنگامی که قوانین و مقررات بیش از حد نیاز وجود داشته باشد، شهروندان دچار وسوسه دورزدن آنها خواهند شد و از سوی دیگر، کارکنان فاسد نیز طوری رفتار خواهند نمود که ارباب رجوع بپذیرد که قوانین و مقررات موانعی هستند که روند انجام امور او را کند می‌کند و در اینجاست که در نتیجه توافقات ضمنی و سپس آشکار میان

کارمندان و ارباب رجوع، فساد اداری رخ می‌دهد. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات تا حدی در تولید و تکثیر فساد اداری موثر است که یکی از صاحب‌نظران چنین می‌گوید: من گمان نمی‌کنم که بدون قوانین و مقررات دولتی، فساد بتواند به وجود بیاید.

۵. عدم حساسیت جامعه نسبت به معیارهای اخلاقی:

درجه حساسیت جامعه به معیارها اخلاقی، یکی از عوامل تعیین‌کننده حجم فساد اداری در جامعه است. چنانچه سطح اخلاق عمومی بالا باشد، نخست آنکه هزینه‌های روانی و اخلاقی تخلفات اداری بیشتر خواهد بود؛ دوم خطر کشف و تنبیه و هزینه‌های ناشی از آن نیز افزایش خواهد یافت.

۶. افزایش شهرنشینی:

افزایش شهرنشینی به دلیل گسترش تقاضا برای خدمات دولتی و توسعه بخش خصوصی که در پی تسریع در جریان امور خود هستند و همچنین دامن‌زدن به بوروکراسی و بالا بردن حجم فعالیت‌های عمومی، فرصت‌های ارتکاب فساد اداری را افزایش می‌دهد.

۷. دامنه فعالیت‌های نظارتی و تنبیهی دولت:

اگر چه نظارت اثربخش یکی از عوامل مهم در پیشگیری از وقوع کجرویه‌ها تلقی می‌شود ولی نظارت در درون خود آستن نوعی تعارض نیز هست؛ چرا که یکی از دلایل تمایل به فساد، شدت نظارتی است که از سوی دستگاه‌های نظارتی بر فعالیت‌های بخش عمومی اعمال می‌شود از جمله نظارت بر صدور جوازها، وضع جرایم در قبال تخلفات، نظارت بر خریدهای دولتی، سرمایه‌گذاریها و....

۸. امنیت ناشی از فضای آلوده به فساد:

اینکه گفته میشود "فساد، فساد می‌آورد" یکی از درست‌ترین عبارات موجود در ادبیات فساد است. چرا که میزان وجود فساد و مقدار فضایی که به فساد آلوده شده است یکی از مناسب‌ترین زمینه‌های گسترش آن است. در یک فضای آلوده به فساد فرصت‌های فساد زیاد بوده و خطر به دام افتادن نیز بسیار کم است و این به معنای سرعت یافتن فعالیت‌های ناسالم از سوی کارکنان و مراجعان فساد است.

۹. تساهل و تسامح نسبت به فساد:

عمده‌ترین دلایل چشم‌پوشی نسبت به فساد اداری عبارتند از:

- ترجیح برخی دولت‌ها در زمینه رایه فرصت‌های کسب درآمد و موقعیت بهتر از طرق نامشروع به جای اعطایی امتیازات قانونی به حامیان سیاسی خود.



- ناتوانی برخی دولتها در افزایش حقوق و مزایای کارکنان متخصص خود باعث می‌شود تا با چشم‌پوشی در قبال موارد تخلف، به آنها اجازه دهند تا با توسل به انواع فساد اداری وضعیت خود را بهبود بخشند و در مقابل سیستم هم بتواند از خدمات آنها همچنان استفاده نماید.
- جلوگیری از بروز تفرقه و تنش در داخل هیأت حاکم در نتیجه افشای موارد فساد اداری،
- حفظ مشروعیت و آبروی نظام از طریق مسکوت‌گذاردن مصادیق فساد اداری،
- حرص و طمع و مادی‌گری نیز یکی از دلایل فردی ارتکاب تخلفات اداری است. (فرهادی‌نژاد؛ ۱۳۸۹)

فرامرز رفیع‌پور نویسنده کتاب سرطان اجتماعی فساد در کتاب توسعه و تضاد تقسیم‌بندی دیگری از عوامل فساد اداری آورده و در سه بخش فرهنگی - محیطی، شخصیتی و اداری - سازمانی دسته‌بندی کرده است. (رفیع‌پور؛ ۱۳۷۹، ص ۴۸)

الف) علل فرهنگی و محیطی:

در نظام اداری کنونی، انتصاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای رفیق‌بازی و یا رشوه، به صورت امری عادی درآمده و تباری بین افراد متمول، سیاستمداران و عوامل بوروکراسی اداری برای عبور از فیلترهای نظام اداری، یک جریان پذیرفته شده است که نتیجه آن، بروز فساد به ویژه در سطح کلان جامعه بوده است.

ب) علل شخصیتی

در تمام کشورها به ویژه کشورهای توسعه‌یافته، برای پست‌های اداری و سازمانی، شرایط احراز معرفی می‌گردد که انتخاب و انتصاب افراد بر مبنای آن شرایط صورت می‌گیرد. در محتوای شرایط احراز موقعیت‌های اداری و دولتی، بخشی به ویژگی‌های شخصیتی مدیر اختصاص داده شده است. علت آن نیز به اهمیت و نقش ویژگی‌های شخصیتی مدیران در رفتارهای سازمانی بر می‌گردد که از خود نشان می‌دهند. چنانچه بر مبنای رفیق‌بازی یا رشوه، فردی برای پستی انتخاب شده است که شرایط آن را نداشته، در این جا بروز فساد، اجتناب‌ناپذیر است.

ج) علل اداری و سازمانی

یکی از واقعیت‌های نظام اداری کنونی این است که واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیرواقعی و یا غیرضروری مواجه هستند و ابهامات موجود در رویه‌های اداری و استانداردهای جاری کار، امکان هرگونه تصمیم و اقدامات خودسرانه را به کارگزاران آنها می‌دهند. به علاوه، فرایندهای پیچیده و چندلایه امور اداری نیز عامل تشویق مراجعان به پیشنهاد رشوه برای تسریع کار هستند. از طرفی، کمی حقوق کارکنان بخش خدمات اجتماعی هم دلیل کاهش تدریجی مقاومت و عادت بعدی آنان به قبول این پیشنهادهاست. (افضلی؛ ۱۳۹۰؛

ص ۲۴۸)

برخی دیگر از دانشمندان اجتماعی، به علاوه موارد یادشده، عوامل دیگری را هم در زمینه‌سازی فساد و آلوده‌شدن مجریان دولتی به فساد مؤثر میدانند که به آنها نیز اشاره می‌شود:

#### الف) تعلقات انحصارطلبانه

تعلقات انحصارطلبانه مربوط به گروه‌های خاصی می‌شود نظیر وابستگی به گروه‌های خویشاوندی، قومی، مذهبی و حزبی که با استفاده از موقعیتی که دارند، زمینه فساد ملی را فراهم می‌کنند. این گروهها از آنجایی که سالها محرومیت کشیده اند به این باوراند که دیگر چنین موقعیتی در آینده بدست شان نخواهد آمد و تا فرصت از دست نرفته باید از این موقعیت سوء استفاده کرد، براساس این باور و براساس این ذهنیت است که دست به اختلاس و فساد های مالی کلان میزنند.

#### ب) حقوق‌های کم دولتی

حقوق کم دولتی بویژه در رتبه‌های پایین دولتی باعث آلودگی به فساد کارمندان پایین‌رتبه با معاش پایین می‌شود. از طرفی هم، به دلیل این که در اکثر موارد مجریان و مأموران دولتی از مراتب پایین احتمالی به موقعیت‌های بالای قدرت پرتاب شده‌اند و لذا فاقد احساس وظیفه‌شناسی و مأموریت خدمات و سرشار از احساس نخوت نسبت به فاصله اجتماعی با اشخاص هستند که با آنها سر و کار دارند، باتوجه به این ذهنیت وقتی مقامات بالای دولتی را اشغال می‌کنند، نسبت به کاری که انجام می‌دهند و در ازای آن حقوق و معاشی که دریافت می‌کنند، معاش و حقوق خود را در قبال آن بسیار ناچیز می‌دانند و برای جبران تفاوت که براساس ذهنیت منفی و عقده‌مندانه به وجود آمده است، دست به رشوه‌ستانی، اختلاس و یا جعل و تقلب می‌زنند.

#### ج) فرهنگ فساد

فرهنگ فساد یعنی باورهای مردم در مورد فساد و سیاست دولت در قبال آن است، در افغانستان بسیاری از مردم دولت و مجریان دولت را مساوی با افراد خدمت‌گذار نمی‌دانند، مساوی با افرادی می‌دانند که با استفاده از موقعیت خود فقط به فکر پرکردن جیب‌های‌شان هستند. طبیعی است که چنین ذهنیتی تبدیل به فرهنگ مبتذلی به نام "فرهنگ فساد" می‌گردد. وجود باورهایی همچون "متجاوزان شناخته شده می‌توانند بدون آنکه خطر مجازات آنها را چندان تهدید کند به فساد خود ادامه دهند"، زمینه را برای تقویت این اعتقاد آماده می‌کند که این گونه رفتارها به طور گسترده‌ای شیوع دارد و مبارزه مردم با آنها اثری ندارد.

#### د) عامل سیاسی

در کنار عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر فساد مالی، عوامل سیاسی، اجتماعی و مدیریتی نیز پدیده فساد ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. ساختار سیاسی جامعه میزان قدرت و مسؤولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق

بر منافع و هزینه‌های فساد مالی و اداری برای هر سیاست‌مدار مؤثر خواهد بود. سه متغیر عمده سیاسی که می‌تواند بر میزان فساد مالی تأثیر بگذارد عبارتند از: ۱- نحوه تقسیم قدرت سیاسی، ۲- میزان آزادی سیاسی، و ۳- میزان ثبات سیاسی.

تبانی بین سیاست‌مداران و مقامات رسمی دولت و مدیران شرکتهای خصوصی، ساختار اجتماعی که از اداره امور سلسله مراتبی حمایت می‌کند و مقامات رسمی دولت را برتر می‌شمارد و محیط فرهنگی‌ای که رفتارهای غیرعادی و بی‌دلیل را تشویق می‌کند، مثلاً برای ابراز تشکر و نیز بیان تبریک و تسلیت هدایایی به صورت نقدی پرداخت می‌شود، منجر به گسترش فساد مالی در جوامع می‌شود. در یک تقسیم بندی دیگر، عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر فساد مالی را چنین برشمرد: ضعف وجدان کاری و انضباط اجتماعی، ناآگاهی یا آگاهی کم مردم از حدود وظایف و فعالیت دستگاہها و نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد و... (ذاکر صالحی؛ ۱۳۹۱)

متحدیان عوامل مؤثر بر فساد اداری را به گونه نکتہ‌وار در چهار دسته و به شرح زیر تقسیم‌بندی نموده است:

الف) عوامل اداری و مدیریتی:

- عدم وجود شفافیت و پاسخگویی و رضایت‌های نظام اداری،
- مشکلات اقتصادی،
- توزیع نامناسب درآمدها،
- عدم ثبات مدیریت و عدم امنیت شغلی کارکنان،
- اعطای اختیارات زیاد و قدرت بیش از حد و سوءاستفاده از آن،
- نارسایی و پیچیدگی قوانین و مقررات،
- عدم وجود نظام تشویق و تنبیه مناسب اداری،
- نبود نظام شایسته سالاری،
- انحصار و رضایت‌های اداری،
- ضعف ساختارهای نظارتی و عدم وجود هماهنگی‌های لازم در بعد نظارت،
- بی‌کفایتی حرفه‌ای کارکنان،
- ضعف ساز و کارهای نظارتی،
- ضعف دانش و تخصص مدیران،

ب) عوامل فرهنگی و اجتماعی:

- ضعف وجدان کاری و انضباط اجتماعی،

- ناآگاهی یا آگاهی مردم از حدود وظایف و فعالیت دستگاهها،
- نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد،
- ساختار اجتماعی که مقامات دولت را برتر می شمارد،
- سطح پایین اخلاقیات در جامعه،
- قوی بودن پیوندهای فامیلی و قبیله‌ای،
- رواج مادی‌گرایی،

(ج) عوامل سیاسی:

ساختار سیاسی جامعه، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق بر منافع و هزینه‌های فساد اداری برای هر سیاستمدار مؤثر خواهد بود. شش متغیر عمده سیاسی که می‌توانند بر میزان فساد تأثیر بگذارند عبارتند از:

- نحوه تقسیم قدرت سیاسی،
- میزان آزادی سیاسی،
- میزان ثبات سیاسی،
- نبودن استقلال قضایی،
- وجود گروه‌های فشار،
- عدم وجود جریان‌های اطلاع‌رسانی مستقل،

(د) عوامل اقتصادی:

- درآمد ناکافی کارکنان،
- توزیع ناعادلانه درآمدها،
- ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی،
- سیاست‌هایی که به طور مصنوعی بین عرضه و تقاضا شکاف ایجاد می‌کند،
- کم بودن درآمد کارکنان بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی،
- کانون ایجاد فساد اداری می‌تواند یکی از عوامل پنج‌گانه زیر باشد که هر کدام از این عوامل به طریقی می‌توانند باعث فساد در نظام اداری شوند:
- نخبگان جامعه
- ساختار نظام اداری

- قوانین و مقررات
- کارمندان
- ارباب رجوع (متحدیان؛ ۱۳۹۱)

## ریشه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی فساد اداری

شاید مهم‌ترین عوامل فساد، مسایل فرهنگی و عقیدتی باشند. فرهنگ عمومی جامعه، ارزشها و هنجارهای حاکم بر افراد و اجتماع و عقاید و باورهای مردم نقش محوری در این زمینه دارد. مادی‌گرایی، فردگرایی، مصرف‌گرایی، کاهش قبح تخلفات در سازمان و جامعه و مهم‌تر از همه ضعف ایمان و وجدان کاری از مهم‌ترین ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی فساد اداری می‌باشند.

آنچه موجبات نگرانی بیشتر را فراهم می‌کند این است که وقتی فساد به یک فرهنگ تبدیل شد، دیگر کسی به قبح و نادرستی کارش نمی‌اندیشد؛ زیرا از یک سو می‌بیند که همه این طور رفتار می‌کنند و از سوی دیگر از او نیز انتظار دارند که چنین رفتار کند. (رفیع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹)

در ادبیات مربوط به فساد از علل بسیاری برای شکل‌گیری این پدیده نام برده می‌شود. شاید قدیمی‌ترین رویکرد به این موضوع، تأکید بر عوامل فردی و شخصیتی باشد که طی آن افراد فاسد، افرادی دارای شخصیت ضعیف و بی‌ثبات قلمداد می‌شوند. آنها تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی قرار گرفته و دست به کارهای آلوده به فساد می‌زنند. معتقدان به این دیدگاه متناسب با نوع تحلیل خود، راه حل را در تقویت اعتقادات و ایمان افراد جست و جو می‌کنند.

دیدگاه دوم که عامل را در جایی غیر از وجود فرد می‌جوید، ممکن است ضعف ساختارهای نظارتی، پیچیده بودن قانون و مقررات اداری و سازمانی، ضعف دموکراسی، ناآگاهی کارکنان و مردم از حقوق و وظایف متقابل، ذی‌نفع بودن قانون‌گذاران و مجریان، نیاز اقتصادی کارکنان و... را به عنوان علل رواج فساد به حساب آورد و حتی در مواردی (همان‌گونه که کارکردگرایان چنین می‌پندارند) فساد را در جامعه دارای کارکرد مثبت بدانند و از وجود (میزانی از) آن در جامعه دفاع کند.

برخی چنین استدلال می‌کنند که فساد سازمان‌یافته ضرر کمتری نسبت به فساد اتفاقی دارد، زیرا در چنین ساختاری، یک مدیر یا رئیس سازمان فاسد سهم کاملاً معینی از سود بنگاه را طلب می‌کند و نفع او در موفقیت آن بنگاه است. ساموئل هانتینگتون نیز در سیستم‌های اداری کشورهای جهان سوم از رشوه به مثابه روغن و گریس در موتور ماشین یاد می‌کند که باعث تسهیل و سرعت حرکت چرخ‌دنده‌ها بر روی هم و پیشبرد امور جامعه می‌شود. اگر از دیدگاه کارکردگرایان صرف نظر کنیم، بقیه دیدگاه‌ها با وجود فساد موافق نیستند و برای رفع آن راهکارهایی ارائه می‌دهند.

### فرهنگ، فساد و توسعه‌نیافتگی

در ادبیات توسعه، ابتدا توسعه، معادل رشد صرف اقتصادی یا همان توسعه اقتصادی تلقی می‌شد. اما پس از آنکه مشاهده شد این رشد توزیع یکسانی در جامعه ندارد، صاحب‌نظران به جنبه‌های دیگر آن توجه و در واقع مشکل را در جای دیگری جستجو کردند. آنها دریافتند نمود روشن توسعه‌نیافتگی، وجود نابرابری‌های اجتماعی، فقر، شکاف طبقاتی و مسائلی از این قبیل است. این مسأله، صاحب‌نظران توسعه را به جنبه مهم دیگری از توسعه که همانا توسعه اجتماعی بود، رهنمون ساخت. از این رو، سازمان‌های بین‌المللی، اعتباراتی را در اختیارات دولت‌ها قرار دادند تا با بکارگیری و مصرف درست آن اعتبارات، به رفع نابرابری‌های موجود اقدام نمایند. پس از مدتی مشاهده شد نابرابری‌ها تغییر محسوسی پیدا نکرده‌اند. این وضعیت بار دیگر صاحب‌نظران را در اندیشه فرو برد و سبب شد جنبه دیگری از توسعه که توسعه سیاسی بود، مورد توجه قرار گیرد.

صاحب‌نظران توسعه‌امیدوار بودند با نهادسازی سیاسی و فراهم شدن زمینه‌های مشارکت مردم برای انتخاب حاکمان، آنها بتوانند حاکمان بهتری انتخاب کنند تا به واسطه حاکمیت حاکمان صالح، فساد در جامعه کاهش یافته، نابرابری‌ها رفته رفته از میان برود، جامعه از نتایج برنامه‌های توسعه بهره‌مند گردد و توسعه به معنای واقعی در جامعه محقق شود.

اگرچه این تلاش و چاره‌جویی باز هم گامی به سوی تحقق بیشتر توسعه‌یافتگی بود، اما از یک امر مهم بی‌نصیب بود؛ زیرا به واسطه ناآگاهی مردم، آنچه در عمل اتفاق افتاد، چیزی نبود که مدنظر صاحب‌نظران توسعه باشد. ناآگاهی مردم سبب شد نهادهای مدنی به صورت نهادهایی وارداتی و فاقد کارایی درآیند و نقشی در بهبود اوضاع نداشته باشند. به همین دلیل فساد حاکمان، پابرجا و توسعه‌نیافتگی مشکل همیشگی برخی از جوامع باقی ماند.

سرانجام صاحب‌نظران توسعه، راز نهایی توسعه نیافتگی کشورها را جنبه دیگری از توسعه یافتند و آن را توسعه فرهنگی نامیدند. اکنون آنها امیدوارند با توجه بیشتر به این جنبه، مشکل توسعه تا حد زیادی حل شود؛ زیرا به نظر میرسد توسعه نیافتگی فرهنگی عمیق‌ترین نوع توسعه نیافتگی است و با حل آن می‌توان انتظار ایجاد سایر انواع توسعه را نیز داشت.

با کمی دقت در ادبیات فساد می‌توان چنین سیری را مشاهده کرد یا انتظار وقوع آن را داشت. در وهله نخست، فساد امری صرفاً اقتصادی تلقی می‌شود و معمولاً مبنای محاسبه و گزارش آن، اعداد و ارقام است. در این رویکرد به تخمین مبالغی که در طول مدت معینی توسط افراد یا گروه‌های فاسد مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود. اما

فساد در خلأ اتفاق نمی‌افتد. از این رو شاید نکته بعدی این باشد که ما بدانیم این مبالغ توسط چه افراد یا گروه‌هایی و در چه شرایطی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. چنین سؤالی موجب توجه به جنبه‌های اجتماعی فساد می‌شود. شناسایی گروه‌های فاسد و زمینه‌های اجتماعی فساد ما را قادر می‌سازد تا قوانین خاصی برای کنترل رفتار افراد و گروه‌های خاص تهیه کنیم یا به آموزش آنها بپردازیم.

همان طور که می‌دانیم، فساد ارتباط بسیار تنگاتنگی با قدرت دارد و حاکمان هر جامعه‌ای، قدرتمندان آن جامعه نیز محسوب می‌شوند. این نکته سبب می‌شود تا به جنبه‌های سیاسی فساد نیز توجه کنیم و به این نتیجه برسیم که بدون در نظر گرفتن راهکارهایی برای محدود کردن قدرت حاکمان نمی‌توان چندان به از میان بردن فساد امیدوار بود. اما همان طور که در بحث توسعه آمد، شاید راز کشف نشده و مهم‌تری در زمینه فساد وجود داشته باشد که بسیار کم به آن توجه شده است و آن عبارت است از جنبه‌های فرهنگی فساد. این نکته در این توصیه خلاصه می‌شود که «راه مبارزه با فساد، عمومی کردن مبارزه با آن است» به نحوی که این امر به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود. بدون حضور پررنگ مردم در این عرصه، هرگونه قانون و هر شیوه نظارتی برای مبارزه با فساد، ناکارآمد خواهد بود. همچنین، شفاف‌سازی امری ضروری است و ارائه گزارش درست از وضعیت نهادها و عملکرد افراد دولتی بدون آن غیرممکن است و در نتیجه مبارزه با فساد میسر نخواهد شد. سرانجام در صورت بی‌توجهی به جنبه‌های فرهنگی فساد، نه تنها فساد ریشه‌کن نخواهد شد، بلکه به صورت یک هنجار رایج در خواهد آمد که مبارزه با آن، خود، امری ناپهناجار تلقی خواهد شد.

ریشه بسیاری از پدیده‌ها - اعم از مثبت و منفی - در فرهنگ جامعه جای دارد که جستجو و تبیین آنها از جمله ظریف‌ترین و مهم‌ترین کارها محسوب و بی‌توجهی به آن موجب سردگمی و ناتوانی در درک مسایل می‌شود. کنشگران هر جامعه‌ای با رجوع به عرصه فرهنگ دلایلی را جستجو می‌کنند که برای شناخت پدیده‌ای که حاصل کنش‌های جمعی

است، باید آن دلایل را شناخت. بی‌توجهی به آن دلایل، سبب می‌شود کنشگران اعمال خود را بیش از پیش منطقی جلوه دهند و آن را به صورت فرهنگ غالب به جامعه عرضه نمایند؛ زیرا تفاسیری که آنها از فرهنگ موجود عرضه می‌کنند و آن را به عنوان پشتوانه کنش‌های خود در نظر می‌گیرند، لزوماً منطبق بر آنچه باید باشد، نیست و همین امر لزوم توجه

به جنبه های فرهنگی فساد را بیشتر می‌کند. در صورت عدم توجه به این مسأله، امری نادرست جایگزین امری درست می‌شود و آنگاه مبارزه با آن بسیار مشکل می‌شود و خود تبدیل به مانعی جدی می‌گردد. این در حالی است که از فرهنگ انتظار می‌رود عامل تسهیل کننده ایجاد هنجارهای اجتماعی و مبارزه با ناهنجاری‌ها باشد.

### فرهنگ چگونه موجب بروز فساد و مانع مبارزه با آن می‌شود؟

فرهنگ راهنمای عمل افراد است. عناصری که در فرهنگ وجود دارند، به مرور تغییر می‌یابند و ممکن است تبدیل به عناصری مترقی یا واپس‌گرا شوند. در هر صورت، همیشه این عناصر وجود دارند و مسیر عمل را به افراد نشان می‌دهند. مجموعه این عناصر بر شکل‌گیری شخصیت افراد تأثیر می‌گذارند و در سطح فردی، گروهی یا ملی منجر به چیزی می‌شوند که به دلیل عمومیت آن، ما افراد، گروه‌ها یا کشورها را با آن نام‌گذاری می‌کنیم.

برای تبیین چگونگی نقش فرهنگ در کاهش یا افزایش اقدام به فساد در جامعه، ناچاریم به مبانی نظری موضوع و نقش فرهنگ در رفتار اجتماعی کنشگران نظری بیندازیم. چند تن از جامعه‌شناسان معروف مکتب کارکردگرایی ساختاری مثل پارسونز، مرتون، کولی و دیگران، به نقش فرهنگ و ساختارهای کلان اجتماعی (فرهنگ، ارزشها، هنجارها و...) و تأثیر جدی و ضروری آنها بر رفتار و عملکرد کنشگران اجتماعی تأکید زیادی نموده‌اند. آقای اصغر احمدی، در مقاله‌ی زیر نام «عوامل فرهنگی بروز فساد اداری و موانع فرهنگی مبارزه با آن» توصیف جامعی از این دیدگاه‌های نظری در مورد تأثیر عوامل فرهنگی در اقدام به فساد اداری آورده است که خلاصه آن را در اینجا ذکر می‌کنیم.

دیدگاه نظری اول نظریه کنش پارسونز است که تلاش کرده با استفاده از آن نقش و تأثیر عوامل فرهنگی فرافردی در رفتارهای اجتماعی افراد تبیین کند.

اساسی‌ترین قضیه نظریه کنش این است که «پارسونز معتقد است ساخت نظام‌های کنش شامل الگوهای فرهنگی معانی است که در نظام‌های اجتماعی و فرهنگ نهادی و در شخصیت افراد درونی شده‌اند. الگوهای فرهنگی بنا به طبیعت خود، کنشگر را وادار می‌کنند انتخاب کند، داوری کند، حکم صادر کند، موضع‌گیری کند و یا رفتاری موافق یا مخالف دیگری در پیش گیرد. (گی‌روشه ۱۳۷۶، ص ۶۶-۶۷)

اگرچه گرفتن و دادن رشوه یا هر کار فسادگونه دیگر یا حتی مخالفت یا موافقت با آن در ابتدا یک اعتقاد یا باور تلقی می‌شود، اما سرانجام خود را پس از گرفتن رنگ و بوی ارزشی و فرهنگی در قالب یک کنش نشان می‌دهد. بنابراین، نظام ارزش‌ها و فرهنگ‌های ما به باورهای مان رنگ خاص خود را می‌دهد. به علاوه، نظام فرهنگی به کندی تغییر می‌کند و کارویژه آن حفظ الگوهای فرهنگی است تا آن را به نسل‌های بعد انتقال دهد. فساد (اعم از اداری، مالی، سیاسی یا هر نوع دیگر آن) یک عمل انحرافی است و جامعه آن را نمی‌پسندد. همچنین ممکن است هر فردی در ابتدای حضورش در جامعه این امور را نداند، اما نظام فرهنگی جامعه از طریق مکانیسم اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری این مسائل را به اعضای خود بیاموزد.

آنچه گفته شد را یک بار دیگر از زبان پارسونز مرور می‌کنیم که معتقد کارکرد نظام فرهنگی، حفظ الگوهای فرهنگی است که از گذر هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می‌کند برایشان انگیزه آمادگی ذهنی جهت کنش فراهم می‌سازد. (گی‌روشه، ۱۳۷۶، ص ۸۲) سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که چرا در جامعه ما گرایش به فساد زیاد و آمادگی برای مبارزه با آن اندک است؟ آیا در نظام فرهنگی ما که بخش



عمده از آن را آموزه‌های دینی شکل می‌دهد، هنجار، ارزش یا آرمانی وجود دارد که به افراد پیشنهاد فساد بدهد یا این رفتار را بر آنها تحمیل نماید. اگر پاسخ منفی است، پس باید پاسخ این سؤالات را در جای دیگری جستجو کرد. شاید یکی از دلایل آن باشد که حضور فرهنگ مبارزه با فساد در جامعه ملموس نیست. متأسفانه در اندیشه و جامعه جایگاه تاحدی رسوخ کرده است که معمولاً هزینه برای امور فرهنگی را مساوی با هدر دادن منابع می‌دانیم و تقریباً در تمامی دستگاه‌های دولتی کمترین هزینه را به این مسائل اختصاص می‌دهیم. البته ناگفته نماند که چه در تحلیل‌های عامیانه و چه در تحلیل‌های عالمانه، هر جا امکان تحلیل یک موضوع را از دست می‌دهیم و دلیلی منطقی برای پدیده مورد بحث پیدا نمی‌کنیم، آن را به مسایل فرهنگی نسبت می‌دهیم؛ بدون اینکه تعریف و تبیین خود را از این مقوله به طور مشخص نشان دهیم.

در حالی که فرهنگ برای کنش‌کنشگر انگیزه و راهنما فراهم می‌کند، اما خودش در بیرون از کنش می‌ماند دلیل دیگر شاید آن باشد که فرایند جامعه‌پذیری را به صورت عمیق انجام نمی‌دهیم. به عنوان مثال، نادرست بودن فساد را عمیقاً به اعضای جامعه نمی‌آموزیم. به همین دلیل آنچه آموخته می‌شود، صرفاً مجموعه‌یی از امر و نهی‌های ظاهری است و در وقت مقتضی امکان کنار نهاده شدن را دارد. به ویژه زمانی که الگوهای فرهنگی رقیب این امر را ترغیب نمایند و تا مرز فرهنگ‌پذیری پیش روند تا فرد آن را جزئی از وجود خویش تلقی کند و به عبارت دیگر، آن را ملکه ذهن خود سازد.

اجتماعی شدن زمانی که به صورت عمیق انجام می‌شود، افراد حاضرند برای حفظ الگوی فرهنگی آن متحمل رنج‌های زیاد شوند. آنچه مسلم است ما به اعضای جامعه خود ناپسند بودن فساد را به طور کامل نیاموخته‌ایم و حتی به صورت غیررسمی و غیرمستقیم آن را ترویج داده‌ایم. نتیجه آنکه فرهنگ ما نه تنها به از بین بردن فساد کمکی نمی‌کند، بلکه خود به عاملی برای باز تولید آن تبدیل می‌شود.

آنچه در نظام کنش، حفظ الگوهای فرهنگی محسوب می‌شود مجموع شبکه فرایندهای جامعه‌پذیری اعضای جامعه است که از گذر آن فرهنگ به کنشگران اجتماعی عرضه شده، انتقال می‌یابد و کنشگران آن را درونی می‌کنند و بدین ترتیب، پس به عقیده پارسونز، فرهنگ یک عامل مهم انگیزه و رفتار اجتماعی‌شان می‌شود. انحراف زمانی ظاهر می‌شود که تشریک مساعی میان نهاد اجتماعی و وجدان فردی هرگز تحقق نیافته باشد؛ که در این صورت شیوه‌های درونی کردن فرهنگ نهادی شده از فردی به فرد دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. (گی‌روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴)

آنچه از مجموع نظرات پارسونز در رابطه با بحث ما قابل استفاده است، همان متغیرهای الگویی اوست. او با این متغیرها همچون اسلاف خود یعنی دورکیم، تونیس، سوروکین ... گرایش‌های افراد جامعه را به دو دسته متفاوت تقسیم کرد که هر یک از این گرایش‌ها، الگوهای رفتاری خاصی را در هر یک از حوزه‌ها و خرده‌نظام‌ها در پی دارد. از آنجا که فرهنگ در هر خرده نظامی، غایب است یا غایب است، غایب است یا غایب است، هر الگوی رفتاری در واقع متأثر از فرهنگ جامعه است و زمانی آن رفتار خاص تغییر می‌یابد که فرهنگ، گرایش‌های خاصی را در افراد ایجاد کند و عناصر تازه‌ای را به جامعه عرضه نماید. متغیرهای الگویی پارسونز عبارتند از:

۱. خاص‌گرایی-عام‌گرایی: من می‌توانم یک شیء را چیزی خاص و منحصر به فرد یا واحدی از یک طبقه عمومی به شمار آورم (تفاوت رفتار من با فرزندان یا دانشجویانم)
۲. عاطفی-بی‌عاطفی: من می‌توانم در یک رابطه با تمامی احساساتم وارد شوم (رابطه با فرزندانم) یا احساسات خود را بی‌طرف نگاه دارم (رابطه با دانشجویانم)

۳. کیفیت-عملکرد: من می‌توانم برای یک شیء به خاطر خودش ارزش قائل باشم (فرزندانم) یا به خاطر کاری که می‌توانم با آن انجام داد؛ یعنی جنبه ابزاری بالقوه آن (دانشجویانم)

۴. ویژگی جامعیت: می‌توانم در رابطه‌ای کامل با همه جنبه‌های یک موضوع قرار بگیرم (فرزندانم) یا فقط به یک فعالیت در این رابطه بپردازم (دانشجویانم) (کرایب، ۱۳۸۸، ص ۶۲-۶۶).

با کمی دقت می‌توان دریافت ما در خلال انجام وظایف اداری بر حسب این که طرف مقابل را در کدام یک از اقسام چهارگانه فوق قرار دهیم، با او رفتار می‌کنیم و همین امر موجب پایمال شدن حقوق دیگران به نفع خویشاوندان یا دوستان ما (یا حتی کسانی که به طور بالقوه می‌توانند در آینده کاری را برای ما انجام دهند) می‌شود و این یکی از ریشه‌های مهم فساد در جامعه است.

بنابراین، با توجه به متغیر بودن فرهنگ، امکان ایجاد چهره دیگری از هریک از باورهای مان که منجر به رفتارهای مان می‌شود، وجود دارد. به عنوان مثال، در گذشته معمولاً رشوه دهنده به منظور پایمال کردن حقوق دیگران، مبلغی پرداخت می‌کرد تا ضمن حذف رقیب در نهایت خودش به جای دیگری به هدفی خاص دست یابد (به طور نمونه، من پولی می‌دهم تا اسم فردی از لیست پذیرفته‌شدگان احتمالی کانکور حذف شود و خودم به جای وی پذیرفته شوم) امروزه معنی این کار (رشوه) بسیار تغییر یافته و ما کنشگران انسانی به حدی در آن زیاده‌روی کرده‌ایم که ناچاریم برای دستیابی به حقوق خود هم رشوه بدهیم. امروزه ممکن است عده‌ای رشوه بدهند تا مبادا نامشان از لیستی که به حق در آن جای دارند، حذف شود و البته رقابت دیگران برای رشوه‌دادن و تلاش برای حذف نام آن فرد جای خود را دارد. این طرز تفکر شاید از نام‌های عمدتاً فریبنده این پدیده تلخ ناشی شود؛ زیرا اصطلاحات معادل آن عبارت اند از: حق و حساب، انعام، حق‌العمل، پول کارچاق‌کنی، پول شیرینی، ادای دین، حق سکوت، حق تسریع، پول چای....

البته می‌دانیم برخی از فعالیت‌ها استعداد بیشتری برای آلوده شدن به فساد و رشوه را دارند اما متأسفانه در جامعه ما حتی در عرصه مقدسی مانند علم‌آموزی و حتا ادای مراسم و فرایض دینی هم شاهد این رفتارها هستیم. کم نیستند افرادی که برای وارد شدن و یا پیش‌افتادن در لیست حج فرض اقدام به رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی و واسطه‌بازی می‌کنند. بسیاری از افراد هنگام بررسی وضعیت یک جامعه از نظر سطح توسعه و پتانسیل‌های موجود در آن برای حرکت به سمت افق‌های توسعه‌ای، با استفاده از نظرات پارسونز گرایش‌ها و نگرش‌های افراد را از حیث متغیرهای الگویی مورد بررسی قرار می‌دهند. جامعه‌یی که گرایش اغلب اعضای آن خاص‌گرایی و عاطفه‌گرایی باشد، به دیگر اعضاء به چشم وسیله‌یی که ممکن است روزی به کار آیند نگاه می‌کند و برای انجام دادن کار یک ارباب رجوع همه چیز را به نحو ناروایی مدنظر قرار دهد تا شاید بشود کار او را انجام ندهد.

مرتون که از شاگردان پارسونز و تحت تأثیر نظرات اوست، علل انحرافات اجتماعی را با توجه به دو مفهوم اهداف و وسایل تشریح می‌کند که ارتباط نزدیکی با بحث پارسونز دارد. به عبارت دیگر، مرتون چهار خرده نظام پارسونز را در دو مفهوم فوق خلاصه می‌کند. به اعتقاد مرتون، هر جامعه‌یی از طریق فرهنگ، امور خوب و بد را تعریف و به اعضای خود معرفی می‌کند، و برای رسیدن افراد به امور خوب به عنوان هدف، وسایل لازم را فراهم می‌کند. مرتون با استفاده از نحوه هم‌نشینی اهداف و وسایل، بهنجار یا نابهنجار بودن رفتار افراد را تشریح می‌کند. طبق نظر مرتون، آن دسته از افرادی که اهداف را پذیرفته و وسایل را قبول دارند، افرادی بهنجار هستند و مرتکب انحراف نمی‌شوند. به عنوان مثال، یک گروه پولدار شدن را به عنوان یک هدف پسندیده و قبول دارند و برای رسیدن به آن از راه‌هایی که جامعه در نظر گرفته (کار و تلاش و تحصیل) پیروی می‌کنند. دسته دوم کسانی هستند که اهداف را قبول دارند (پولدار شدن) اما راه‌های رسیدن به آن را

قبول ندارند؛ لذا دست به کارهای دیگری می‌زنند (دزدی، کلاهبرداری و...). البته هرچند همه افرادی که وسایل را قبول ندارند، منحرف تلقی می‌شوند، اما گاهی برخی انحرافات به رغم پذیرفته نشدنشان در یک زمان خاص، بعدها مورد توجه قرار می‌گیرند. یا اینکه فرد ممکن است دست به کار نوآورانه‌ای بزند که به رغم موجود نبودن آن در میان وسایل تعریف شده موجود و موجه جامعه، مورد توجه قرار گیرد. دسته سوم کسانی هستند که اهداف را قبول ندارند، اما وسایل را با شدت زیاد می‌پذیرند. شاید بتوان گفت توجه بیش از حد آنان به وسایل سبب غفلت آنها از اهداف می‌شود. به عنوان مثال، پرستاری که به جای توجه به وضعیت بیمار، تمام وقت خود را صرف رعایت تشریفات پذیرش بیمار می‌کند. به این دسته رسم‌پرست، مناسک‌گرا یا آئین‌گرا گفته می‌شود. در جامعه ما نمونه این افراد در تمام سازمان‌ها و ادارات به چشم می‌خورد و یکی از دلایل بروز فساد است. در واقع، رسم‌پرستی سبب می‌شود مراجعه‌کنندگان به ادارات برای خلاصه کردن مسیر انجام کار خود به مجریان پیشنهاد رشوه دهند و گاه نیز مجریان متقابلاً این پیشنهاد را به مراجعان بدهند. در این‌جا مشکل ناشی از ضعف فرهنگ است، زیرا فرهنگ نتوانسته هدف را به عنوان امری مطلوب و لازم‌الاجرا به اعضای جامعه بقبولاند و به همین سبب به راحتی نادیده گرفته می‌شود. چهارمین گروه کسانی هستند که نه اهداف و نه وسایل را قبول دارند. این دسته یا به طور کلی گوشه‌گیر و منزوی می‌شوند و با جامعه قطع رابطه می‌کنند، یا با آن به مبارزه برمی‌خیزند تا خود به طراحی جامعه‌ای جدید با اهداف و وسایل موردنظر خود بپردازند.

با عنایت به نظرات مرتون، تأکید ما بر گروه سوم و چهارم است که یا صرفاً اهداف را قبول ندارند یا وسایل و اهداف را نادیده گرفته و به آن بی‌توجهی می‌کنند. در هر دو حالت، ضعف فرهنگ، عامل بروز انحراف و فساد است. فرهنگ ضعیف علاوه بر عامل بودن در زمینه بروز انحراف با اشاعه فساد، ضمن استمرار وضع موجود، خود را به صورت فرهنگ رایج و مسلط درمی‌آورد. همین امر سبب می‌شود نه تنها دوری جستن از انحرافات مانده رشوه و پارتی‌بازی امری پسندیده نباشد، بلکه گرایش به آنها نیز همچون یک هنجار مورد تأیید افراد جامعه قرار گیرد.

متأسفانه اغلب افراد جامعه در عالم نظر با این پدیده به شدت مخالفت و در عین حال به آن گرایش دارند. این گرایش شدید نشان می‌دهد پارتی‌بازی و رشوه هنوز برای ما مطلوبیت دارد و در بسیاری از موارد ما را به اهداف مان می‌رساند. این مسأله را فرهنگ رایج جامعه از طریق پیام‌های روزانه به ما می‌آموزد و تجارب مختلف آن را تأیید می‌کند. در واقع باید تأکید کرد که به رغم سودمند بودن رشوه و پارتی‌بازی در حل بسیاری از موارد باید به نحوی به اعضای جامعه از طریق عوامل مختلف جامعه‌پذیری آموزش داد که در هنگام مواجهه با رشوه و پارتی‌بازی از سودمندی ظاهری آن درگذرند و به نفع جامعه از منافع خود چشم‌پوشی کنند. این حالت زمانی رخ می‌دهد که به قول نظریه‌پردازان کنش متقابل، من اجتماعی بر من فردی غلبه کند. این کار معمولاً از طریق نمادسازی و معناسازی صورت می‌گیرد.

به طور کلی، جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه برای آن است که در نهایت جامعه‌ای اخلاقی داشته باشیم. دورکیم آموزش و پرورش جوانان را به معنای وسیع‌ترین مفهوم ممکن ناشی از تأثیر هر بزرگسال بر اطفالی که هنوز آمادگی برای عضویت کامل جامعه را نیافته‌اند می‌داند و آن را فرایندی عمری تعبیر می‌کند. آموزش و پرورش نهادی است که به کمک آن یاد می‌گیریم چگونه با وجود جسمانی خود سازگار شویم، امیال و انگیزه‌های خود را کنترل کنیم و خود را با محیط اجتماعی تطبیق دهیم. هدف آموزش و پرورش باید این باشد که هر یک از ما را قادر سازد مشتاقانه به شیوهایی عمل کنیم که جامعه برای بقای خود از ما طلب می‌کند، نه فقط اطاعت از آنچه طلب می‌کند. در ضمن باید ما را توانا سازد در این محدوده‌ها به تصمیم‌گیری برای خود بپردازیم. (کرایب، همان، ص ۱۴۵).

اجتماعی شدن یعنی رعایت هنجارهای جامعه و در نظر داشتن حقوق دیگران و این امر مترادف اخلاقی بودن و اخلاقی عمل کردن است. امانوئل کانت معتقد بود «نمی توانیم قاعده‌ای را اخلاقی بنامیم، بدون آنکه متضمن نوعی وظیفه باشد.» دورکیم با این عقیده موافق بود و علاوه بر آن باور داشت وظیفه، از جامعه نشأت گرفته است. عمل اخلاقی علاوه بر خیر فرد خیر عموم را می‌خواهد و معطوف به دیگران بر حسب آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه می‌شود. اگرچه تصور عموم بر آن است که اخلاق، امری غیرعلمی است و در چارچوب علوم از جمله علوم اجتماعی نمی‌گنجد، اما دورکیم معتقد بود جامعه‌شناس باید قادر باشد از نظر علمی تشریح کند کدام قواعد اخلاقی، دیگر برای جامعه مفید نیستند و چه قواعدی باید جای آن را بگیرند. پس اخلاق موضوعی اجتماعی است. به نظر دورکیم، هرگز ممکن نیست خواهان اخلاقی باشیم، غیر از آنچه به وسیله موقعیت اجتماعی دوره‌ای معین ایجاب می‌گردد. خواستن اخلاقی غیر از آنچه در ماهیت جامعه نهفته است، انکار جامعه و در نتیجه انکار خود است. (کرایب، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳)

در جامعه‌یی که در آن مردم بر وجدان کاری تأکید دارند، رعایت حق و نوبت را محترم می‌شمارند، قانون را امری مقدس می‌دانند و اخلاقیات در میان آنان از نفوذ زیادی برخوردار است، قطعاً بروز فساد از جانب هر کسی گناهی نابخشودنی تلقی می‌شود و همه مردم اعم از شهروندان معمولی و یا همکاران کارمند مفسد، عضو فعال سیستم نظارتی شده و هزینه انجام زمینه فساد را برای مفسدان بالاتر می‌برند.

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نیز از جمله مهم‌ترین عوامل کاهش یا افزایش فساد اداری است. چنانچه نظام باورهای یک جامعه به گونه‌یی نهادینه شود که مادیت اصل قرار گیرد و تمامی هدف حیات، کسب ثروت و قدرت - هرچه بیشتر - باشد، وفاداری به شدت مذموم و قبیح شمرده، ثروت و قدرت از هر طریقی که به دست آمده باشد، موهبتی باارزش تلقی شود و در جامعه‌ای که انسان در جهان‌بینی آن فاقد ارزش باشد، بالتبع ارزش‌های انسانی نیز منزلت خود را از دست خواهند داد و اعمال مفسدانه به صورت هنجار و ارزش اجتماعی تجلی خواهند کرد.

هرچند این عقیده درست است که مادی‌گرایی احتمال‌گرایی به فساد را افزایش می‌دهد، اما تعیین‌کنندگی آن چندان بالا نیست؛ زیرا کشورهای هستند که سرمایه‌داری و مادی‌گرایی بر آنها حاکم است، اما میزان فساد در آنها از بسیاری از کشورهای دیگر کمتر است. این کشورها با تأکید بر اقتصاد به توسعه دست یافته‌اند و همین توسعه‌یافتگی موجب پایین آمدن میزان فساد در آنها شده است. الدام و تریزمن در بررسی رگرسیونی به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده فساد مالی، سطح توسعه اقتصادی است و رابطه علت و معلولی آن به این صورت است که توسعه اقتصادی به فساد مالی کمتر و فساد مالی بالاتر به توسعه اقتصادی پایین‌تر منجر می‌شود. از دید خانوارها - در کشورهای توسعه‌یافته - درست‌کاری کالایی، عامل کشش درآمد بالاست؛ یعنی تقاضا برای پاک‌ی و درست‌کاری همراه با سطوح درآمد افزایش می‌یابد. از نگاه مؤسسه‌ها، درست‌کاری یک وسیله صرفه‌جویی در وقت است که با ثروتمند شدن کشورها، ضروری‌تر و ارزشمندتر می‌شود.

در مجموع، آموزش مسائل فرهنگی که در فرایند جامعه‌پذیری انجام می‌گیرد از طریق گروه‌ها و نهادهای مختلفی انجام می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از خانواده، گروه همسالان، مدرسه، رسانه‌های جمعی، دانشگاه، گروه‌های شغلی و گروه‌های دینی. هر یک از این گروه‌ها یا نهادها بخشی از آنچه ما در زندگی روزانه به آن نیاز داریم تا با استفاده از آن با دیگران تعامل کنیم، به ما می‌آموزند و ما به سختی قادریم خود را از سیطره این آموخته‌ها رها کنیم.

در میان عوامل جامعه‌پذیری، نقش خانواده از همه بارزتر است. در مرتبه بعدی، مدرسه و گروه همسالان قرار دارند. باورهای کودک در دوران کودکی هماهنگ باورهای خانواده است. این باورها هرچند در مکتب، تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما اغلب

از هماهنگی و پایداری خاصی برخوردارند. باورها پس از شکل‌گیری از ثبات بیشتری برخوردار شده و تابع اصل ثبات-شناختی هستند؛ یعنی در برابر تغییر مقاومت می‌کنند، حتی اگر اطلاعات مغایر با باورهای فرد به او برسد، سعی می‌کند آنها را با چارچوب موجود باورهایش تطبیق دهد. در واقع، نهادهای جامعه‌پذیری او را شکل می‌دهند. در این رابطه نظریات جورج هربرت مید و چارلز هورتون کولی راه‌گشا هستند.

مید معتقد است در خلال فرایند تربیت کودک «خود» فرد در جامعه متولد می‌شود، بدون اینکه خودآگاهی یا مفهومی از ارتباط در ذهن او وجود داشته باشد. اما قبل از او ساختارهایی در جامعه وجود دارند که می‌توانند شیوه پی‌بردن فرد به آگاهی و برقراری ارتباط وی را با خود و دیگران تحت تأثیر قرار دهند. ارتباط مستلزم بکارگیری نمادها یا اداهای معناداری است که همه افراد از آنها معانی یکسانی را برداشت می‌کنند. با استفاده از اداهای معنادار، فرد وارد عرصه بازی‌های ساده یک نفری و دو نفری و بازی‌های پیچیده چند نفری می‌شود. کودک در خلال این بازی‌ها، نقش افراد مختلفی را بازی می‌کند. چنین اقداماتی باعث شکل‌گیری یک سازمان در درون فرد می‌شود و باورهایی را در او شکل می‌دهد. این سازمان رفتار فرد را کنترل می‌کند، زیرا چنین سازمانی مبتنی بر طرز برخورد دیگران با فرد است و هنگامی که این سازمان شکل گرفت «خود» فرد شکل گرفته است. از نظر کولی، ماهیت انسانی، خود، عقیده و نگرش افراد از رهگذار تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و چنین مسائلی تا قبل از ورود فرد به عرصه تعاملات اجتماعی وجود ندارند، اما فرد با در نظر گرفتن خواسته‌های دیگران، به ویژه انتظارات والدین، سعی در سازگار کردن خود با محیط و آماده کردن بستر پذیرش خود دارد. همین امر باعث می‌شود فرد بسیاری از کارها، افکار و نگرش‌ها را که خود مایل به انجام دادن و داشتن آنها نیست، انجام دهد و داشته باشد. (احمدی؛ ۱۳۹۰)

## پیامدهای فساد اداری

همان‌گونه که فساد معلول عوامل متعدد و گسترده‌ای است، آثار و نتایج ناشی از آن در جامعه نیز بسیار پراکنده و گسترده است. فساد همچون غده‌ای سرطانی است که آسیب‌های بسیاری را بر جامعه و کشور وارد می‌سازد. فساد، مانع ثبات سیاسی - اقتصادی و پیوستگی اجتماعی و نیز توسعه اقتصادی کشور می‌شود. وجود فساد و استمرار آن موجب کاهش اعتبار اجتماعی و حیثیت نظام اداری، از دست رفتن اعتماد و احترام مردم نسبت به نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اداری و همچنین منجر به ایجاد و افزایش بیگانگی و فاصله بین حکومت‌گران و توده مردم می‌شود. تداوم پدیده فساد در جامعه باعث سود بردن بخش‌های ثروتمندتر از آن می‌گردد که نتیجه آن، بر دوش کشیدن ضرر و زیان این پدیده توسط اقشار فقیرتر و ضعیف جامعه می‌باشد. علاوه بر این، به وجود آمدن ریسک تخلف در سازمان، آسیب رساندن به فرایند توسعه منابع انسانی، کم‌رنگ شدن کنترل‌های درونی و تشدید کنترل‌های بیرونی در سازمان، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان، تقدم منافع فردی بر منافع جمعی، و کاهش کیفیت کارها در کلیه سطوح از پیامدهای این پدیده به شمار می‌روند. نهایت این‌که زمانی که فساد اداری گسترش یافته و تحمل می‌شود جوّ اخلاقی خاصی شکل می‌گیرد که در آن تخلف از هنجارهای ابتدایی اخلاقی به صورت هنجاری پذیرفته شده درمی‌آید. از سوی دیگر، امکان سوءاستفاده از شغل و مقام اداری "در چارچوب قانون" و به دست آوردن امتیازات و منافع خصوصی بر اساس - به اصطلاح - "قانونی" باعث می‌شود که مقامات اداری از هرگونه مجازاتی احساس مصونیت و اطمینان کرده و مطمئن شوند که داشتن پول و ارتباطات با گروه‌های متنفذ آنها را از احتمال گرفتاری و مجازات به وسیله قانون نجات خواهد داد. پیامدها و تبعات ناشی از این احساس مصونیت، کاهش احترام به قانون اساسی، کاهش فرصت‌های سالم پیشرفت برای افراد، مؤسسات و سازمان‌ها و سرانجام رشد سیر قهقرایی جامعه و خنثاکردن و توقف حرکت توسعه و پیشرفت چرخ‌های جامعه خواهد بود.

فساد اداری، پدیده‌ای است که در دنیای امروز به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه، مطرح شده است و این پدیده توانسته صدمات جبران‌ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کند. تأثیر عوامل گوناگون در شکل‌گیری فساد، به آن ماهیت پیچیده‌ای داده است که در نتیجه آن، بسیاری از برنامه‌های طراحی شده دولت‌ها برای مبارزه با فساد به شکست انجامیده است. (حسینی و عبدالحمید؛ ۱۳۹۱، ص ۹۲)

فساد اداری از طریق خدشه وارد کردن بر سیاست‌های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت، باعث اتلاف منابع ملی می‌شود؛ آن هم درست در زمانی که این منابع باید به شیوه‌های تداوم‌پذیر بهره‌برداری شوند. از آن‌جا که فساد، منابع ملی را از هدف خود منحرف می‌سازد این منابع نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشور کنند

و هنگامی که دولت، این عامل اصلی اقتصاد، در چنگال شبکه‌های سودجویان می‌افتد، این مشکل به مشکلی اساسی بدل می‌شود. وانگهی روی آوردن درآمدهای ناشی از این نظام به سمت مصرف کالاهای وارداتی بر بازار مبادله‌های ارزی البته به ضرر پول داخلی فشار می‌آورد. این عوامل به هم وابسته بر توسعه اقتصادی کشور اثر نامطلوب می‌گذارد.

- فساد اداری مانع از رشد رقابت سالم و موجب خنثی شدن تلاشها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود.
- فساد اداری با تضعیف انگیزه‌ها، موجب زیانهای اجتماعی و با تضعیف نهادهای موجود، باعث زیان‌های سیاسی و با توزیع ناعادلانه منابع، موجب زیانهای اقتصادی می‌شود.
- فساد اداری از میزان اثربخشی و مشروعیت دولتها می‌کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزشهای دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش ساخته، از این طریق مانع توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود.
- فساد اداری به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان‌بینی‌های اقتصادی منجر می‌شود و مانع از توسعه پایدار است.
- فساد اداری منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزشهای منفی در سازمان می‌شود.
- فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود.

### فساد اداری و توسعه اقتصادی

فساد اداری یک پدیده جهانی است که در همه کشورها وجود دارد، لکن بر اساس شواهد، کشورهای فقیر را بیش از سایرین مورد آسیب قرار می‌دهد، رشد اقتصادی را سرکوب می‌کند و بودجه‌های مورد نیاز برای آموزش، بهداشت و سایر خدمات عمومی را از مسیر خود منحرف می‌سازد. میان فساد و توسعه، رابطه معکوسی برقرار است؛ به نحوی که میتوان گفت فساد، هزینه‌های توسعه را افزایش می‌دهد. هر یک از شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی، همبستگی کاملاً معناداری با میزان فساد نشان می‌دهند. در بیش‌تر کشورهای توسعه یافته، قوانینی که در فرایند توسعه شکل گرفته‌اند، مانعی برای رفتارهای فسادآمیز به شمار می‌آیند.



قوانین، روبه‌ها، تلقی‌ها، نظام‌های هنجاری، نظام‌های مراقبت و کنترل و نظام مجازات در مورد فساد، در کشورهای توسعه یافته واضح و شفاف است. این در حالی است که در کشورهای جهان سوم، موارد یادشده تا حدود زیادی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

از دیدگاه اقتصادی، فساد مانع رشد اقتصادی است؛ زیرا انگیزه سرمایه‌گذاری مولد را (از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی) می‌گیرد. در مواردی که مقامات فاسد دولتی، پیش از آغاز به کار یک پروژه اقتصادی درخواست رشوه می‌کنند و یا اینکه تقاضای مشارکت در سود حاصله را دارند، رشوه همچون مالیات عمل می‌کند. فساد از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی، خدمات همگانی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی، موجب کندی آهنگ رشد اقتصادی می‌شود، در نتیجه افراد با استعداد به جای اشتغال به مشاغل مولد به جانب دلالتی و واسطه‌گری روی می‌آورند.

در نظام‌های سیاسی بی‌ثبات، افرادی که قدرت را در مقطعی در دست می‌گیرند، فرصت را غنیمت شمرده، اقدام به دست‌اندازی به منابع اقتصادی می‌کنند و با توجه به نبود احساس ماندگاری و ثبات در میان این نوع از سیاستمداران، در فرصت اندکی که در اختیار دارند، خواهان تصاحب منابعی هستند که بعدها دیگر در اختیار آن‌ها نخواهد بود.

از سوی دیگر، فساد مالی و سیاسی خود موجب ایجاد نگرش منفی و اعتراض‌آمیز در جامعه شده، به نوعی این نظام‌ها را با فقدان مشروعیت و بی‌ثباتی روبه‌رو می‌سازد.

به طور کلی، فساد اداری با هدر دادن منابع ملی همراه است؛ درحالی که این منابع باید به شیوه‌های درست و در جایگاه اصلی خود مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا موجب رشد و شکوفایی کشور و پویایی و اقتدار حکومت گردند. از آن‌جا که فساد، فرایند صرف منابع مالی را از هدف مفروض خود منحرف می‌سازد، این منابع قادر نخواهند بود کمک چندانی به رشد و توسعه اقتصادی کشورها کنند.

کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل بیان داشته که فساد در تمام کشورها اعم از ثروتمند و فقیر، یافت می‌شود. این پدیده مضر در کشورهای فقیر با منحرف کردن صرف پول در اهداف توسعه‌ای، ضربه مهلکی به این کشورها وارد می‌کند. بنابراین جنگ بر علیه فساد دیگر یک مسأله اخلاقی نیست، بلکه یک ابزار اصلی در جنگ علیه فقر جهانی است.

بانک جهانی، فساد را بزرگ‌ترین مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی قلمداد کرده است. فساد با تحریف مقررات قانونی، توسعه را تخریب و بنیان‌های اساسی آن را سست کرده، زیرساخت‌های رشد را از بین می‌برد. (ایجی و



### پیامدهای فرهنگی گسترش فساد اداری

همچنان که در پیش آمد، فساد مانع توسعه است، اعتماد اجتماعی را کاهش میدهد، هزینه‌های زندگی را بالا می‌برد، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و رشد اقتصادی جامعه را کند می‌کند. فساد مالی موجب کاهش در رابطه با آثار کیفی فساد گفته می‌شود. درآمدها و هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد. همچنین نابرابری درآمدها را افزایش می‌دهد، زیرا به افرادی که موقعیت مناسبی برای سوء استفاده و رشوه‌خواری دارند، امکان می‌دهد به قیمت ضایع کردن حقوق دیگران به تأمین منافع خود پردازند.

شاید مهم‌ترین پیامد فساد آن باشد که رواج و عمومیت این پدیده ممکن است به تدریج موجب از بین رفتن قبح آن شود، به دلیل کارکردهای مثبت آن برای عده‌یی از افراد جامعه، به پدیده مفید تبدیل شود و از آن پس الزام به ارتکاب آن در میان مردم رواج یابد. در نهایت، این رویکرد موجب می‌شود فساد به هنجار تبدیل شود و انجام ندادن آن نیز نوعی ناهنجاری تلقی شود.

فساد یک بیماری است که رویه‌ها و معیارهای پیشرفت اشخاص در بوروکراسی دولتی را فاسد می‌کند. بانک جهانی، فساد را به مثابه بزرگ‌ترین مانع برای توسعه اقتصادی و اجتماعی قلمداد می‌کند. فساد با زیر پا گذاشتن تساوی حقوق افراد در برابر قانون و تضعیف شالوده نهادی که رشد اقتصادی وابسته به آن است، مانع توسعه می‌شود. فساد یک مشکل جدی است که بر تمام بخش‌های جامعه تأثیرگذار است. فساد سبب پایین آمدن کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های عمومی نظیر بهداشت و آموزش می‌شود و از آن جهت که مانعی در برابر اقدامات توسعه‌ای دولت‌ها و کاهش آرایه خدمات می‌شود، مشروعیت دولت را نیز کاهش می‌دهد. (سلیگسون، ۲۰۰۶، ص ۱۵۶؛ به نقل از شمس‌السادات؛ ۱۳۸۸، ص ۴۲)

گرچه اندیشمندان در زمینه جنبه‌های مختلف فساد و آثار آنها توافق چندانی ندارند، لیکن همه آنها بر این نکته تأکید دارند که فساد ناشی از حکمرانی ضعیف است. بنابراین بانک جهانی، فساد را به عنوان سوء استفاده از اداره عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده است. البته این بدان معنی نیست که فساد به بخش دولتی محدود می‌شود، بلکه بیانگر این است که فساد در بخش دولتی وخامتش بیش‌تر از سایر بخش‌هاست و تلاش نهادهای بین‌المللی باید بر اجرای استانداردهای بالای پاسخ‌گویی و درست‌کاری بخش دولتی باشد. (ثانی و فانی؛ ۱۳۸۶)

فساد اداری از طریق خدشه وارد کردن بر سیاست فساد اداری از طریق خدشه وارد کردن‌های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت، باعث ائتلاف منابع ملی می‌شود؛ آن هم درست در زمانی که این منابع باید به شیوه‌های تداوم‌پذیر بهره‌برداری شوند. از آن جا که فساد، منابع ملی را از هدف خود منحرف می‌سازد این منابع نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشور کنند و هنگامی که دولت، این عامل اصلی اقتصاد، در چنگال شبکه‌های

سودجویان می‌افتد، این مشکل به مشکلی اساسی بدل می‌شود. این عوامل به هم وابسته بر توسعه اقتصادی کشور اثر نامطلوب می‌گذارد.

فساد اداری مانع از رشد رقابت سالم و موجب خنثی شدن تلاشها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود. فساد اداری با تضعیف انگیزه‌ها، موجب زیان‌های اجتماعی و با تضعیف نهادهای موجود، باعث زیان‌های سیاسی و با توزیع ناعادلانه منابع، موجب زیان‌های اقتصادی می‌شود.

فساد اداری از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش ساخته، از این طریق مانع توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

فساد اداری به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان‌بینی‌های اقتصادی منجر می‌شود و مانع از توسعه پایدار است.

فساد اداری منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان می‌شود.

فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود.

شیوع فساد در جامعه مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه‌های هنگفتی را بر دوش کشور و در نهایت مردم گذاشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در بعد کلان افزایش فاصله طبقاتی است و احساس عدم وجود عدالت اجتماعی در ذهنیات افراد که موجب کاهش اعتقاد به نظام اجتماعی و کنترل روانی افراد بر روی رفتار خود می‌شود. فساد منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان است (عباس زادگان، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

ممانعت از توسعه اقتصادی کشور از طریق تخریب رقابت سالم در بازار از جمله پیامدهای فساد می‌باشد. برخی دیگر از پیامدهای فساد اداری عبارتند از:

- کاهش احترام به قانون اساسی
- زائل کردن حکومت اداری مطلوب و دموکراسی
- کاهش فرصت‌های سالم و پیشرفت برای افراد، مؤسسات و سازمان‌ها
- افزایش هزینه زندگی مردم، همچون افزایش قیمت‌ها
- کاهش بهره‌وری، زیرا زمان و انرژی به جای صرف شدن برای دستیابی به اهداف، وقف ایجاد شکاف در سیستم می‌شوند.

در هر صورت فساد در نظام‌های اداری اغلب کشورها موجب آسیب‌رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه، اهمیت و مهار و کنترل آن کاملاً برای سیاست‌مداران و مردم آن‌ها واضح و آشکار گردیده است. از مضار آن عبارت است از:

- فساد مانع رشد رقابت سالم و باعث عقب راندن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود.
- فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد ملت‌ها به توانایی خویش و باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌شود.
- فساد به افزایش قیمت‌های معاملات منجر شده، توسعه پایدار را مختل و امکان پیش‌بینی می‌شود.

در نتیجه، مبارزه با فساد اداری یک ضرورت است تا از تشدید آسیب‌ها در آینده، پیشگیری نماید (فرخ سرشت، ۱۳۸۳؛ به نقل از سلیمی‌پور و اکبری‌نسب)

آنچنان که توضیح داده شد، پیامدهای فساد زیاد و متعدد و چندبعدی است. شاید بتوان این پیامدها را در سطوح مختلف دسته‌بندی نمود و به سه سطح فردی، اداری و اجتماعی در نظر گرفت.

#### الف) پیامدهای فردی فساد اداری:

پیامدهای فردی فساد اداری کم نیست و چه بسا این پیامدهای فردی فساد به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بزرگتر بینجامد. از جمله این پیامدها به موارد زیر میتوان اشاره کرد: خدشه‌دار شدن امنیت شغلی، بروز ناهنجاری‌های روحی و روانی، بروز اختلافات خانوادگی، خدشه‌دار شدن اعتبار و حیثیت فرد، عدم هدایت مناسب استعدادهای فردی، پایین آمدن انگیزه کاری در کارکنان، تقدم منافع فردی بر منافع عمومی، افزایش هزینه زندگی برای مردم، ایجاد جو بی‌اعتمادی در مردم و تضعیف اعتماد عمومی جامعه و تحلیل سرمایه‌های اجتماعی آن، به خطر انداختن ثبات و امنیت فرد در جامعه.

#### ب) پیامدهای سازمانی فساد اداری

به وجود آمدن ریسک فساد در سازمان، آسیب‌رسانی به فرآیند توسعه منابع انسانی، کم‌رنگ شدن کنترل‌های درونی و تشدید کنترل‌های بیرونی در سازمان، هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان، تأثیر بر کارایی سازمانی، کاهش مسؤلیت در مقابل اختیارات زیاد، افزایش فرصت‌های ارتکاب فساد، بالارفتن قدرت دولت در محدود کردن صادرات و نظارت بر تجارت، عدم رعایت ضوابط و اصول شایسته‌سالاری در استخدام‌ها، پایدارسازی و گسترش فساد از راه ایجاد و بسط مقررات دست‌وپا گیر و وقفه‌زا در کارها، رشد انحصارگرایی دولتی و محدود ماندن فعالیت بخش خصوصی، عدم شکل‌گیری

بوروکراسی قاعده‌مند و ضابطه‌مند، کاهش اهمیت قانونی بودن و مؤثر بودن دولت‌ها، خدشه‌دار شدن حیثیت اجتماعی سازمان، تضعیف نظام ارزیابی.

ج) پیامدهای بزرگ اجتماعی و تأثیر بر توسعه اقتصادی:

افزایش هزینه‌های اقتصادی، افزایش درآمدهای نامشروع، توجیه غیرمنطقی عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، ایجاد شکاف میان عرضه و تقاضا و به وجود آمدن فرصت‌های سودجویی برای دلالتان سودجو، پایین بودن روند توسعه و تغییرات مثبت و تلاش در حفظ وضع موجود، آسیب دیدگی سرمایه‌گذاری‌ها در اثر فساد شدید و ناآشکار، از میان بردن شرایط رقابتی در اقتصاد، کم‌شدن سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در اثر کاهش انگیزه، کم‌شدن درآمد دولت، مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی شدن، افت کیفیت خدمات عمومی و زیربناها، کاهش درآمد مالیاتی و انتقال استعدادها از فعالیتهای تولیدی به سمت اختلاس و ایجاد اختلال در ترکیب هزینه‌های دولتی. (متحدیان؛ ۱۳۹۱)

## دیدگاه‌های نظری و رویکردهای تئوریک در مورد فساد اداری

دیدگاه‌های نظری و رویکردهای تئوریک متعددی در مورد فساد در سطح کلان وجود دارد. از نظر اندیشمندان، عوامل متعددی در بروز فساد اداری تاثیر دارند. از این دیدگاه‌ها برمی‌آید که عوامل زیر نقشی در افزایش و کاهش فساد اداری دارند.

۱. ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت، ملیت، نژاد، مهارت، تحصیلات، پیشینه اجتماعی و مقام؛
۲. مشخصه‌های سیستم سازمان مانند استراتژی، سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، سیستم‌های جبران، توسعه پرسنل و افق‌های شغلی؛

۳. محیط در سطح کلان، مانند عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ کشور؛

در بحث نظری، تمام این عوامل ممکن است به سه عامل اصلی خلاصه شوند: پرسنل، سازمان و محیط. به طور خلاصه اکثر نظریات و تئوری‌های سطح سازمانی در مورد فساد اداری در حول و حوش این سه عامل دور می‌زنند. در راستای دستیابی به یک نگرش مناسب در زمینه عوامل موثر در بروز فساد اداری، دیدگاه‌ها، مدل‌ها و تئوری‌های متعددی مطرح شده و هر کدام تلاش نموده‌اند تا علل بروز فساد اداری و چگونگی رفتار شخص فاسد و فرایندهای فساد اداری را توضیح دهند. جهت دستیابی به مدل مفهومی پژوهش، در ادامه، تعدادی از این دیدگاه‌ها، تئوری‌ها، نظریات و مدل‌ها مورد بحث قرار گرفته‌اند. (عظیمی و دیگران؛ ۱۳۹۱)

### ۱. دیدگاه اوسلانر: اعتماد خاص‌گرایانه

اوسلانر از مهم‌ترین نظریه‌پردازان اجتماعی است که موضوع تحقیق «اعتماد» متمرکز کرده است و در این مورد از دو نوع «اعتماد» نام می‌برد: اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد خاص‌گرایانه. خاص‌گرایانه را اعتماد به خویشاوندان می‌داند که متضمن مخاطره کمتری است، ولی موفقیت و بالندگی را فراتر از اجتماع محلی نمی‌برد. او معتقد است: در اعتماد تعمیم‌یافته دموکراسی رشد می‌کند، حال آن‌که اعتماد خاص‌گرایانه ویژه جوامع توتالیتر است. همچنین اعتماد تعمیم‌یافته افراد را به مشارکت در جامعه و تعهدات اخلاقی مشتاق‌تر می‌نماید و اعتماد خاص-گرایانه افراد را از زندگی مدنی دورتر می‌سازد. از دید او، اعتماد خاص‌گرایانه برای سرمایه اجتماعی مضر است؛ ما نیاز داریم از درون گروه فراتر رفته و به افراد بیشتر و به ویژه به آنهایی که شناخت مستقیم از آنها نداریم و متفاوت با ما هستند اعتماد کنیم. از دید او، کسانی که دارای اعتماد تعمیم‌یافته هستند، در خود احساس نوعی التزام اخلاقی کمک به بیگانگان را دارند. کسانی که از اعتماد خاص‌گرایانه برخوردار هستند، تنها به افراد هم‌عقیده و خودی اعتماد می‌کنند. آنها به غریبه‌ها به دیده شک و تردید می‌نگرند و حتی نگران این هستند که آنها چیزهایی که برایشان مقدس و قابل احترام است، تهدید و نابود کنند. اعتماد خاص‌گرایانه موجب می‌شود افراد به اجتماع بزرگ‌تر اعتماد نکرده و تمام تلاش و فعالیت‌های خود را به حلقه محدود و کوچک خودی متمرکز سازند. (غفاری؛ ۱۳۸۶، ص ۱۸۸)

از دید اوسلانر، خانواده‌گرایی غیرمنطقی به عنوان شاخصی اساسی برای اعتماد خاص‌گرایانه، مانع اساسی توسعه است. از دید تالکوت پارسونز نیز تصورات خاص‌گرایانه از نظام اداری، در مقابل تصورات عام‌گرایانه، به عنوان یکی از متغیرهای الگویی متمایزکننده جوامع توسعه‌یافته از توسعه نیافته است.

## ۲. ادوارد بانفلد: خانواده‌گرایی غیرمنطقی

خانواده سالاری غیرمنطقی به عنوان منبع فساد، متأثر از آرای ادوارد بانفلد، ماکس وبر و افلاطون است. فرض اساسی نظریه بر این است که فساد تا حد زیادی تعریف و تشریح نوعی احساس تعهد به کمک کردن و دادن منابع به افرادی است که شخص احساس تعهد به آنها دارد و در رأس آنها خانواده و سپس دوستان و گروه‌ها قرار دارند. انتصاب خویشاوندان در پست‌های مهم، بزرگ‌ترین فساد عینی است. وفاداری نیز نوعی دیگری از فساد است که در جوامع پیش از سرمایه‌داری و به ویژه در جوامع فئودالیده وجود داشته است.

ادوارد بانفلد، متخصص علوم سیاسی، در توضیح علل فساد، تجزیه و تحلیلی ارائه می‌کند که در آن روابط قوی خانوادگی همانند آنچه در ایتالیا و سیسیل وجود دارد، به تشدید سطح فساد بالا کمک می‌کند. این نظریه، ریشه در اندیشه افلاطون دارد که معتقد بود روابط میان اعضای خانواده، به ویژه والدین و فرزندان، آنها را وادار می‌کند که اولویت‌های خاصی را مد نظر قرار دهند. بانفلد اعلام می‌کند که فساد با ارزش‌های قوی خانوادگی، که در برگرفته نوعی حساس قوی و تعهد و پایبندی است، ارتباط دارد.

تریسمان نیز در تکمیل اندیشه بانفلد معتقد است: خانواده‌سالاری ارتباط قوی با مفاهیم فساد دارد. این حاکی از آن است که خانواده‌سالاری یک متغیر میانجی بین مذهب و فساد است. به عبارتی دیگر، مذهب پروتستان فساد را کاهش می‌دهد که این امر تا حدی به دلیل تأکید بر روابط فردگرایانه و غیرخانواده‌سالارانه است. (هریسون و هانتینگتون ۱۳۸۳، ص ۲۳۶)

## ۳. فرانسیس فوکویاما: شعاع اعتماد و هنجارهای مشترک اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی

از دید فوکویاما، سرمایه اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های تقسیم شده‌ای است که همکاری جمعی را توسعه می‌دهد و در روابط واقعی اجتماعی تجلی و نمود می‌یابد. از دید او، سرمایه اجتماعی شامل هر نوع همکاری مردم برای اهداف مشترک بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی است که در آن سهیم هستند. از دید او، موانع اساسی توسعه کشورها نه فقط به مسائل اقتصادی، بلکه به میزان سرمایه اجتماعی آنها و عدم توجه به هنجارهای مشترک و سرمایه مثبت جامعه‌شان بستگی دارد. از منظر او، سرمایه اجتماعی هرگونه همکاری مردم برای اهداف مشترک بر اساس آن دسته از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی است که افراد در آن سهیم هستند. از دید فوکویاما، سرمایه اجتماعی با وجه بیرونی‌سازی مفرط، می‌تواند به جای آنکه به عنوان عاملی برای توسعه عمل نماید، به دردسر برای توسعه تبدیل شود. خانواده‌سالاری، قوم و خویش‌پرستی و فامیل‌خواهی، نمونه‌هایی از سرمایه منفی اجتماعی هستند.

در پاسخ به این سؤال که چرا کشورها باید اندازه دولت‌ها را به دلیل اقتصادی محدود کنند، فوکویاما معتقد است: در صدر این دلایل می‌توان به انگیزه‌های فرهنگی برای حفظ قلمرو کنش فردی و ابتکار فرد در ایجاد سازمان‌هایی که محصول به هم پیوستن مردم جهت ایجاد جامعه مدنی هستند اشاره کرد. (کیان تاج‌بخش و دیگران؛ ۱۳۸۴، ص ۶۶)

#### ۴. کلاوس اوفه: اعتماد به عنوان پیش‌نیاز همکاری:

از دید کلاوس اوفه، شالودهٔ اقتصاد سیاسی و عملکرد نهادهای حاکم بر آن بر پشتوانه انگاره‌ها، ادراک‌ها و پیش‌بینی‌های مردم در برابر یکدیگر استوار است. (تاج‌بخش؛ ۱۳۸۴، ۲۰۹)

از دید اوفه، کیفیات نظام نهادی و قانونی که همه ما در ذیل آن زندگی می‌کنیم نه تنها پایبندی‌ها و تعهدات من، بلکه این پیش‌بینی‌ها را که دیگران نیز متعهد به رعایت آن هستند ایجاد می‌کنند. اوفه معتقد است: نهادها راهی برای غلبه بر بی‌اعتمادی هستند. اگرچه او نهادگرایی را تقلیل‌گرایانه، ساده‌انگارانه و شیء‌پرستانه می‌داند. از دید او، اطاعت از نهادهای اداری و عملکرد آن به ارزیابی افراد از این مسئله بستگی دارد که دیگران نیز به جای سرپیچی به اطاعت از این قوانین گرایش دارند؛ زیرا در غیر این صورت، اطاعت احمقانه است. به عبارتی، برای اینکه افراد انگیزهٔ رعایت قوانین (پیگیری راه‌های بوروکراتیک و قانونی) را داشته باشند، باید مطمئن شوند که:

الف) قانون‌گذاران وظایف قانون‌گذاری را فراموش نکرده‌اند.

ب) مأموران اداری فرصت‌طلبانه عمل نمی‌کنند.

ج) شهروندان حتی در مواردی که از تنبیه رسمی در امان باشند، از قوانین سرپیچی نمی‌کنند.

از دید او، اعتماد زمینه‌ای برای همکاری آتی است. بدون اعتماد به شهروندان و کارمندان در مورد عدم فراموشی وظایف قانونی‌شان، نمی‌توان آمیدی به همکاری آتی برای توسعه داشت.

#### ۵. مک‌لنن: سه پریم توسعه:

مک‌لنن از جمله اندیشمندانی است که دارای رویکرد اقتصادی به سرمایه اجتماعی است. او برای توضیح مسأله اعتماد از مدل‌های بازار و اقتصاد کمک می‌گیرد و معتقد است برای ایجاد اعتماد در بازار، سه وسیله اساسی وجود دارد که شامل:

۱. شبکه‌های غیررسمی مراعات متقابل بر اساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک و یا پیوندهای فرهنگی.
۲. مجموعه‌ای رسمی از قواعد و مقررات حقوقی که نظارت بر حسن اجرای آنها را شخص ثالثی بر عهده دارد. نظارت شخص ثالث مستلزم در دست داشتن قدرت تحقیقی، قضایی و اجرایی است. در این حالت، رعایت هنجارهای درستکاری و پرهیز از تدلیس (تغلب) به مدد تدبیری بیرونی تأمین می‌شود، که افراد به رغم تمایل به عدم رعایت و پایبندی حتی‌الامکان دلیل مصلحت‌جویانه برای رعایت و پایبندی داشته باشند. در این رویکرد، نظارت و ضمانت اجرایی به صورت رسمی سازمان داده می‌شود (ضمانت مدنظر اقتصاددانان).

۳. ضوابط اخلاقی غیررسمی که پشتوانه آن تعهد درونی برای پایبندی بدان ضوابط است (ضمانت مدنظر جامعه‌شناسان).

به کلامی واضح‌تر، تحقق نظم در هر اجتماع و ایجاد ماتریس نظم، سه مبنای اساسی دارد. این سه مبنا شامل تعهدات خانوادگی و ناشی از ارتباطات، نظارت شخص ثالث و قانونی، و تعهد درونی است. از این روی، تعهد درونی به عنوان عامل سوم، نقش کلیدی و اساسی برای تحقق ماتریس نظم و در این پروژه ماتریس سلامت اداری دارد. (مک‌لنن؛ ص ۶۸-۶۹)

#### ۶. رابرت پاتنام: توسعه مترادف نهادینگی مدنی

رابرت پاتنام دانشمند علوم سیاسی در توضیح عملکرد نهادهای دموکراتیک بر عوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. افلاطون می‌گفت: «حکومت‌ها بر طبق خلق و خوی شهروندان‌شان با هم متفاوت هستند». از دید دو توکویل، انجمن‌های مدنی روابط عاطفی را که بر نهادهای دموکراتیک با ثبات و کارآمد ضروری هستند تقویت میکنند. (پاتنام ۱۳۸۰، ۳۲-۳۶) سرمایه اجتماعی از دید پاتنام، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند.

#### ۷. واین بیکر: سرمایه اجتماعی به عنوان منبع

از دید واین بیکر، سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی اشاره دارد که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند. این منابع شامل اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها و فرصت‌های کسب‌وکار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی، اعتماد عمومی و همکاری هستند. بدون شبکه‌هایی که به خوبی شناخته و مدیریت شوند، این منابع مخفی باقی می‌مانند. از دید ایشان، برای سرمایه اجتماعی مصادیق و شواهد محکمی وجود دارد که بیان می‌کند سرمایه اجتماعی باعث تقویت فعالیت‌های سازمانی می‌شود و افرادی که از آن استفاده می‌کنند، مشاغل بهتری پیدا می‌نمایند، حقوق بیشتری دریافت می‌کنند، سریع‌تر ترفیع می‌یابند و از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی یک دیواره دفاعی برای دموکراسی است.

بعضی از مؤلفان از سه سطح متمایز سرمایه اجتماعی صحبت می‌کنند. در سطح خرد سرمایه اجتماعی که شامل شبکه‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط متقابل میان افراد، خانواده‌ها و اجتماع است. سطح میانی شامل کارآمدی نهادی و سطح کلان که در برگیرنده کارکرد نهادها، حاکمیت قانون و حکومت است.

#### جمع بندی نظریه‌ها

با توجه به مباحث مذکور، در این قسمت جمع‌بندی خود از نظریه‌های توضیح داده شده را ارائه می‌کنیم.

۱. خانواده‌گرایی غیرمنطقی به عنوان شاخصی اساسی برای اعتماد خاص‌گرایانه، مانع اساسی توسعه است (نظریه اوسلانر).

۲. خانواده‌گرایی غیرمنطقی و تأکید بر خانواده در ارتباطات اجتماعی، مانع اساسی توسعه است. (بانفلد)



۳. موانع اساسی توسعه کشورها نه تنها موانع اقتصادی، بلکه میزان سرمایه اجتماعی آنها است و به هنجارهای مشترک و سرمایه مثبت در هر اجتماع بستگی دارد. (فرانسیس فوکویاما)
۴. اعتماد زمینه‌ای برای همکاری آتی است. بدون اعتماد شهروندان به کارمندان در مورد عدم فراموشی وظایف قانونی‌شان، نمی‌توان امیدوی به همکاری آتی برای توسعه داشت. (نظریه کلاوس اوفه)
۵. تحقق نظم در هر اجتماعی و شکل‌گیری ماتریس نظم، بستگی به تحقق سه پریم و سه مبنای اساسی دارد. این سه پریم شامل تعهدات خانوادگی و ناشی از ارتباطات، نظارت شخص ثالث و قانونی، و تعهد درونی است. تعهد درونی به عنوان عامل سوم، نقش کلیدی و اساسی جهت تحقق ماتریس نظم و در این پروژه، سلامت اداری دارد. (مک لنن)
۶. تصورات خاص‌گرایانه از نظام اداری در مقابل تصورات عام‌گرایانه به عنوان یکی از متغیرهای الگویی، متمایزکننده جوامع توسعه‌یافته از توسعه نیافته است. (تالکوت پارسونز)
۷. سرمایه اجتماعی هرگونه همکاری مردم برای اهداف مشترک بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی است که افراد در آن سهیم هستند. (فرانسیس فوکویاما)
۸. سرمایه اجتماعی با وجه بیرونی سازی مفراط، می‌تواند به جای آنکه به عنوان عاملی برای توسعه عمل نماید، به دردسر برای توسعه تبدیل شود؛ خانواده‌سالاری، قوم و خویش‌پرستی و فامیل‌خواهی نمونه‌هایی از سرمایه منفی اجتماعی هستند. (فرانسیس فوکویاما)
۹. سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون ساختارهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشند. (روبرت پاتنام)
۱۰. فساد اداری نتیجه عدم تفکیک امور خصوصی از امور عمومی در جامعه است؛ یعنی مردم در اداره به همان‌گونه رفتار می‌کنند که در امور خصوصی عمل می‌نمایند. این موضوع موجب بحران در اداره می‌شود. (روزا اکرمین) از سوی دیگر، وجود و غالب بودن خاص‌گرایی، هزینه (سرعت، زمان، هزینه جزایی) را پایین آورده و باعث گرایش مردم به امور غیرقانونی می‌شود.
۱۱. پایین آمدن هزینه انجام امور از طریق فساد (سرعت، هزینه زمانی، هزینه مالی انجام امور، حرمت ارباب رجوع) انجام غیرمعارف امور در اداره را تشویق و بی‌اعتمادی به روندهای متعارف قانونی را افزایش می‌دهد. (نظریه بازی‌ها و سرمایه اجتماعی و نظریه بسیج منابع) (خلف‌خانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

## راهکارهای مبارزه با فساد اداری

برای مبارزه با پدیده شوم و دولت‌برافکن فساد اداری، سازمانهای بین‌المللی، دولتها و مراکز تحقیق و پالیسی‌سازی، برنامه‌ها و راهکارهای مختلفی را پیشنهاد کرده‌اند که برخی از آنها صورت عمومی دارد و می‌شود در زمینه‌ها و جامعه‌های مختلف از آنها کار گرفت و در کاهش میزان فساد اداری تأثیر خواهند داشت. برخ دیگر اما خاص جوامع ویژه است و فقط باید دید که چه راهکاری در چه زمینه و جامعه‌یی کاربرد دارد.

درک این امر که فساد اداری چگونه میتواند چرخ‌دنده‌های حرکت طبیعی و رشد جامعه و کشور را به مشکل مواجه سازد و حتا باعث سقوط و اضمحلال آن گردد، باعث شده که برخی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به وجود آیند و دولتها توجه جدی‌تری به این پدیده نمایند و تلاش نمایند عوامل، زمینه‌ها، شکل‌ها و واقعیت موجود در زمینه فساد اداری را مورد تحقیق و تفحص قرار داده تا با شناسایی بیشتر این پدیده راه‌های مقابله با آن و کاهش آن هم بهتر روشن‌تر گردد؛ زیرا، کاهش فساد اداری یگانه شرط توسعه بهتر و متوازن کشورها به سوی آینده روشن و سعادت‌مندانه است.

یکی از حوزه‌هایی که در مورد مبارزه با فساد اداری اهمیت ویژه و بنیادینی دارد حوزه فرهنگ هست. همچنان که دیدیم، فرهنگ نقش و تأثیر ویژه و تعیین‌کننده‌یی بر رفتار کنگشران اجتماعی دارد. راهکارهای مبارزه با فساد، البته چون خود فساد پیچیده و چند بعدی اند.

در این بخش، میکوشیم برخی از راهکارهای پیشنهادی دانشمندان و سازمان‌های معروف جهانی که در راه مبارزه با فساد اداری پیش‌نهاده اند آورده شود تا با مقایسه با شرایط کشور بشود دید که چگونه و از کدام یک از آنها می‌شود در این زمینه استفاده کرد. در پی به عوامل اشاره می‌شود که وجود آنها در سازمان‌ها و دولتها زمینه‌ساز کنترل بیشتر و در نتیجه فساد اداری کمتر خواهد بود.

در اول به چند نکته کلیدی و مهم در مدیریت و بویژه مدیریت دولتی اشاره می‌شود که توجه به آنها به صورت عموم باعث افزایش شفافیت و پاکی و سازمان و اداره می‌شود و طبعاً فساد اداری در آنجا کاهش خواهد یافت. در قدم بعدی به برخ مدلهایی چون مدل عرضه و تقاضا برای کاهش فساد اداری اشاره می‌شود و در آخر، مبتنی بر واقعیت جامعه و دولت افغانستان، راهکارهایی که توسط محققان و سازمانهای مربوط پیشنهاد شده آورده می‌شود تا تطبیق آنها کاهش در آمار اقدام به فساد و آلودگی به فساد در ادارات دولتی و غیردولتی در کشور شاهد باشیم.

### ۱. توجه به نحوه تربیت فرزندان:

توجه به نحوه تربیت فرزندان و فعال کردن نهادهای مرتبط با جامعه پذیری کودکان، از طریق طراحی برنامه‌های هدفمند به ویژه پالایش و بروز کردن متون درسی کتاب‌های آموزشی. این کار در نهایت منجر به شکل‌گیری باورهای جدید در میان شهروندان خواهد شد؛ به نحوی که در هنگام ارتکاب اعمال فسادآمیز، به ویژه زمانی که منافع دیگران در میان باشد، قطعاً «من اجتماعی» فرد، حضور جمع را در خود احساس خواهد کرد و به خود اجازه نخواهند داد به راحتی حقوق دیگران را پایمال کند. این کار همان طور که در بحث مربوط به دورکیم به آن اشاره شد، جامعه را به سمت اخلاقی‌تر شدن پیش می‌برد؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم، فساد مالی به عنوان یک مشکل ساختار سیاسی یا اقتصادی و نیز یک معضل اخلاقی یا تربیتی - فردی قابل تأمل است. بنابراین برای رفع این مشکل اخلاقی به جامعه‌پذیر کردن و اخلاقی‌کردن جامعه نیاز داریم. همچنین اگرچه برخورد قضایی با مسأله فساد مهم است، اما قطعاً کافی نیست. جامعه به ملاط اخلاق نیاز جدی دارد؛ در غیر این صورت، به سلسله بی‌انتهایی از پولیس نیاز داریم و فساد به موازات چنین سلسله‌ای افزایش می‌یابد.

## ۲. عمومی کردن فرهنگ مبارزه با فساد:

ذکر این نکته با اهمیت است که فساد در نظام اداری و ساختار دولتی هر کشور ریشه دوانده و بروز پیدا می‌کند. بنابراین اصلاح چنین فساد و وقتی میسر است که از بیرون آن، یعنی جامعه و مردم توان نظارت بر کارگزاران این مجموعه و نیز تغییر آنان وجود داشته باشد. در غیاب چنین مشارکت و نظارتی، فساد به عنوان قاعده و مشخصه نظام اداری و حکومتی خواهد شد و نبود فساد امری استثنا است، و برعکس با وجود چنین نظارتی، فساد امری استثنایی و برخلاف قاعده خواهد بود. علاوه بر آن، به دلیل قدرتمند بودن اکثر افراد فاسد، مردم باید در این رابطه از پشتیبانی کافی برخوردار شوند. در کنار این قانون، ایجاد یک بستر ضد فساد، ساده‌سازی مقررات اداری و آموزش شهروندان درباره آثار زیان‌بار فساد، از دیگر ابزارهای مبارزه با این مقوله است. برنامه‌های آموزشی ضد فساد در مؤسسات آموزشی دولتی، دانشگاه‌ها، مکاتب و مراکز فرهنگی محلی نیز تدوین و پیاده می‌شود. علاوه بر این، برنامه‌های تبلیغاتی ضد فساد با استفاده از رسانه‌های مختلف مانند پوستر، کلیپ‌های ویدیویی، تابلوها (بیلبورد)، روزنامه، تلویزیون و اینترنت نیز اجرا می‌شود. یکی از راهبردهای بانک جهانی در مبارزه با فساد، جلب مشارکت مردم است. از نظر این نهاد، مشارکت مردم فساد را کاهش می‌دهد.

## ۳. تقویت نقش و جایگاه مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مستقل در مبارزه با فساد اداری:

وجود رسانه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات آزاد در هر جامعه‌ای به مثابه چشم و گوش مردم برای بررسی رفتارهای مدیران دولتی، یک موهبت است. مطبوعات و رسانه‌ها بدون اینکه هزینه‌ای بر دوش دولت گذارند، از طریق کشف اخبار و گزارش‌ها و انتشار سریع و پرشمار آن در جامعه، راه نفوذ فساد را کاهش می‌دهند. کشورهایی که در مبارزه با فساد، کامیابی بیش‌تری به دست آورده اند، آن دسته از کشورهایی هستند که آزادی مطبوعات در آنها نهادینه

شده است. طبق بررسی‌های انجام شده، این موضوع مشخص گردیده است که آزادی مطبوعات، بر اساس شاخص‌های مورد نظر با رشوه‌خواری، فساد و تخلفات رابطه منفی دارد.

#### ۴. توسعه دولت الکترونیک یا دیجیتالی و کمپیوتری شدن سیستم‌های ادارات:

فقدان گسترش فناوری اطلاعات تمام ابعاد زندگی بشر را دچار تحول اساسی نموده است. یکی از دلایل اشاعه فساد اداری فقدان ساختارهای روشن و شفاف در انجام امور می‌باشد. در محیط‌های اداری غیرشفاف و مبهم انجام رفتارهای فسادآلود تسهیل می‌شود. فناوری اطلاعات با تأثیر بر مؤلفه‌های کاهش فساد اداری که شامل شفافیت، پاسخگویی و اعتماد است نقش فزاینده‌ای در کاهش فساد اداری داشته است. فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در اصلاح مدیریت دولتی ایفا می‌کند و با ایجاد شفافیت در امور اداری سبب دسترسی به اطلاعات بیشتر و شفاف‌تر و دستیابی به خدمات بهتر در کمترین زمان ممکن و با حداقل هزینه می‌شود و الکترونی شدن امور، تسهیل‌سازی در تعهدات دولت، توسعه جوامع، افزایش بهره‌وری دولت، بهبود پاسخگویی و اعتماد به دولت را در بر دارد.

#### ۵. جامعیت و شفافیت در مقررات:

تنظیم مقررات باید طی یک کار کارشناسی قوی و انجام مطالعات تطبیقی با قوانین و مقررات ملی و حتی بین‌المللی انجام شود تا منجر به ارائه یک نظامنامه جامع، دقیق، صحیح، شفاف، بادوام و مطلوب شود. ظهور شفافیت کمک می‌کند تا حس اعتماد بیشتری به دولت پدید آید. در بسیاری از کشورها با نبود شفافیت در قوانین و مقررات و روند دادرسی، زمینه‌های مساعدی برای فساد اداری فراهم شده است. در این کشورها معمولاً مقررات نامشخص و گمراه‌کننده است، اسنادی که به شفافیت کمک می‌کند، در اختیار همه قرار نمی‌گیرد و گاهی بدون اطلاع عموم تغییر داده می‌شود. قوانین و مقررات به نحوی تنظیم می‌شود که فقط حقوق‌دانان کارآموده قادر به فهم آنها هستند و معمولاً این قوانین درباره مسایل اساسی مبهم بوده و تفسیرهای متعددی از آنها می‌شود. روش‌ها و مراحل مربوط به سیاست‌گذاری و اموری مانند رقابت در پروژه‌های دولتی به حدی مبهم است که گاهی فهمیدن فرآیند و مراحل طی شده قبل از تصمیم‌گیری‌ها دشوار است. در اثر شفافیت دولت‌ها و حکومت‌ها کارا تر خواهند بود؛ زیرا شفافیت و پاسخ‌گویی باعث افزایش کیفیت سیستم‌های ارائه‌کننده خدمات می‌گردند و این مسأله، کمک به کاهش مسایلی چون فساد اداری می‌کند.

#### ۶. آموزش عامه:

آموزش همگانی از طریق رسانه‌های عمومی، مطبوعات و مکاتب به منظور افزایش آگاهی عمومی برای مبارزه با فساد، پیوند مردم با آموزه‌های دینی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ مذموم شمردن

رذایل از جمله رشوه، آگاه ساختن مردم به قوانین و مقررات مالیاتی، شناساندن تخلفات و جرایم و همچنین مجازات‌ها به منظور پیشگیری از هرگونه تخلف، آموزش و اقداماتی برای برطرف ساختن احساس مردم نسبت به نظام ناعادلانه مالیاتی.

#### ۷. دسترسی آسان به قوانین و اطلاعات:

ایجاد امکان برای دسترسی سهل مردم به قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها با تهیه و توزیع کتاب راهنما، بروشور و توزیع بین مردم. و اما در مورد کارکنان سازمان علاوه بر برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی به منظور آشنایی هرچه بیشتر کارکنان با قوانین و مقررات جدید لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی، فرهنگی، اعتقادی و مذهبی اسلامی نیز هرچه بیشتر نمایان می‌شود. از طرفی، دسترسی همه‌گانی به اطلاعات سازمان‌ها و ادارات دولتی باعث می‌شود، مسؤولان و مدیران کنترل عمومی و نظارت همه‌گانی را بر عملکرد خود احساس کنند و بیشتر متوجه رفتار و بویژه رفتارهای سوء خود باشند.

#### ۸. سیستم ارزیابی عملکرد، نظارت و کنترل:

برخی از نتایج ارزیابی عملکرد عبارتند از: افزایش کیفیت تصمیم‌گیری مدیران، افزایش وابستگی کارمندان به اداره، آشنایی با مشکلات کارکنان، کاهش تخلفات و کم‌کاری‌های کارمندان، تمیز بین کارمندان موفق و ناموفق، آموزش کارمندان، جابه‌جایی کارمندان و... چنانچه مدیریت و سازمان بتواند با ارزیابی عملکرد کارمندان ریشه بسیاری از تخلفات اداری، کم‌کاری‌های پنهان، غیبت و کشمکش‌ها را شناسایی نماید، خواهد توانست با راهکارهای مناسب در پی رفع این مسایل و مشکلات باشد. آنچه مسلم است، نظریه‌های کنترل و سیستم ارزیابی عملکرد بر سازوکارهایی برای کنترل رفتار تأکید ندارد تا اطمینان حاصل شود که منفعت‌طلبی شخصی افراد حداقل می‌شود و منافع سازمانی محقق می‌گردد.

#### ۹. مکانیزم نظم و انضباط در اداره:

بدیهی است که مدیریت نمی‌تواند در برابر رفتارهایی مانند کم‌کاری‌های آشکار و پنهان، تخلف و فساد، مراعات نکردن قوانین و مقررات ایمنی و سایر رفتارهای نامطلوب، بی‌اعتنا بمانند. ایجاد نظم و رعایت اصول انضباطی از واجبات کاربرد صحیح منابع انسانی در هر سازمان کوچک یا بزرگ است. اعمال مکانیزم‌های نظم و انضباط می‌تواند بر میزان فساد اداری تأثیرگذار باشد و از میزان آن بکاهد.

#### ۱۰. ساختار عملکردی اداره

لزوم شایسته‌سالاری در عزل و نصب‌ها و جلوگیری از هرگونه رابطه‌بازی، متناسب نمودن پرداخت‌ها با عملکرد افراد، وجود نظام انگیزشی مناسب، روزآمد کردن قوانین و مقررات همه از راهکارهای بهبود ساختار اداری و عملکردی ادارات می‌باشد.

### روش‌های ویژه کنترل فساد اداری (مدل عرضه و تقاضا)

از آنجا که کارکنان و شهروندانی که در یک اقدام فاسد درگیر می‌شوند به ارزیابی منافع و هزینه‌های این اقدام می‌پردازند؛ از این رو روشهایی برای کنترل فساد اداری مؤثرند که به نحوی سبب کاهش منافع یا افزایش هزینه‌های مورد انتظار برای عوامل دخل در مسأله بشوند. به چنین روشهایی، مبارزه با فساد در چارچوب مدل عرضه و تقاضای فساد اطلاق می‌شود (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۵۴). بنابراین روشهای مؤثر کنترل فساد اداری باید حداقل یکی از نتایج ذیل را به دنبال داشته باشد:

الف) تقاضا برای فساد اداری را کاهش دهد.

ب) هزینه‌های ارزیابی خدمات فسادآمیز را برای کارکنان فاسد افزایش دهد،

ج) خطر کشف و دستگیری عاملان فاسد را افزایش دهد،

البته قبل از طراحی هر مدلی برای کنترل فساد اداری بی‌گمان باید از عوامل و شرایط مختلفی که در میزان فساد اداری یک کشور نقش ایفا می‌کنند آگاهی یافت که از جمله عبارتند از:

الف) نقش دولت و حیطة ابزارها و اهرمهایی که در ایفای چنین نقشی مؤثر است؛

ب) ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی کشور؛

ج) ماهیت ساختار سیاسی کشور؛

د) شیوة برخورد نظام قضایی کشور بامصادیق فساد اداری؛

الف) اقداماتی که تقاضای شهروندان را برای خدمات آمیخته با فساد اداری کاهش می‌دهد:

### مقررات زدایی

با توجه به اینکه یکی از عواملی که سبب می‌شود تا افراد یا بخش خصوصی به روشهای ناسالم برای انجام کارهایشان متوسل شوند، قوانین و مقررات پیچیده و برخی نیز غیرلازم است؛ از این رو مقررات زدایی به معنای حذف، کاهش

یا تغییر در مقررات و رویه‌ها و دستورالعمل‌های اداری جهت تسهیل گردش فعالیتها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و براساس ضرورتها و الزامات، می‌تواند به تعدیل سطح تقاضای خدمات فساد اداری کمک کند.

### **بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی:**

از آنجا که فقر اقتصادی و فقر علمی و آموزشی دو عامل بسیار اساسی در پیدایش فساد اداری به شمار می‌آیند و بویژه فقر علمی و آموزشی که خطرناکتر به نظر می‌رسد؛ از این رو افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به آثار زیانبار و متعددی که فساد اداری بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌گذارد و ایجاد درک عمومی برای مبارزه با فساد از جمله طرق مطلوبی است که می‌تواند به گسترش تقاضا برای فساد اداری مهار برسد.

اقداماتی که عرضه فساد اداری را از سوی کارمندان کاهش می‌دهد:

### **اصلاح نظام اداری:**

اعمال اصلاحات در سازمانهای دولتی از جمله اصلاح و بهبود تشکیلات سازمانها، بهبود نظام بودجه‌ریزی، مدیریت مالی اثربخش، نظام مالیاتی کارآمد و اقداماتی از این قبیل می‌تواند در کاهش عرضه فساد اداری مؤثر باشد. این اصلاحات باید بتواند قدرت انحصاری کارکنان را در تصمیم‌گیری تعدیل نماید، ارتباط مستقیم ارباب رجوع و کارکنان را به حداقل برساند، سرعت انجام کارها را افزایش دهد و از ایجاد روابط بلندمدت بین کارمندان و مراجعان جلوگیری نماید.

### **جلوگیری از فساد استخدامی:**

فساد استخدامی به معنای اعمال تبعیض و عدم توجه به معیارهای شایستگی در انتخاب، انتصاب و ارتقای کارکنان، محیط سازمانها را برای رشد فساد آماده می‌کند؛ چرا که این امر به ایجاد شبکه‌های غیر رسمی در سازمان کمک می‌کند و از طریق کاستن از هزینه‌های مبادرت به فساد اداری عرضه فساد را افزایش می‌دهد. استقرار نظام متمرکز گزینش و شفافیت در فرایند و نتایج انتخاب و نیز برقراری مکانیزمهای منطقی و روشن در انتصابات و ارتقاها درون سازمانی می‌تواند فساد استخدامی و تبعات آن را محدودتر سازد.

### **افزایش حقوق و مزایای کارمندان دولت:**

همچنان که تحقیقات نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از تخلفات اداری ریشه در تنگناهای اقتصادی دار دکه به طور طبیعی بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی کارکنان به کنترل بخشی از فساد اداری کمک خواهد نمود.

### **سیاست‌زدایی از نظام اداری:**

با توجه به این که هریک از انواع فساد اداری ناشی از زمینه‌های خاص است؛ از این رو سیاست زدایی از نظام اداری می‌تواند به کاستن انواعی از فساد اداری منجر شود که در نتیجه مداخلات و ملاحظات سیاسی اتفاق می‌افتد.

### نظارت عمومی بر دستگاه‌های دولتی:

به منظور تحقق امر پاسخگویی، تمام نهادهای جامعه مدنی اعم از احزاب، جمعیتها، اتحادیه‌های کارمندی و کارگری، بویژه رسانه‌های گروهی باید بتوانند بر عملکرد دستگاههای عمومی نظارت داشته باشند. به‌طور کلی می‌توان گفت توسعه پایدار به‌طور عام مستلزم سازکارهای رسمی و غیررسمی محدودکننده‌ای است که دولت و مقامات آن را در قبال اعمالشان مسؤول و پاسخگو بداند.

(ج) روشهایی که عرضه و تقاضای فساد را باهم کاهش می‌دهد:

### تشویق کارکنان و شهروندان به ارسال اطلاعات و افشاگری:

چنانچه شهروندان و کارکنان سالم برای فاش‌سازی موارد تخلف مشاهده شده انگیزه کافی داشته باشند هزینه فساد اداری برای هر دو طرف افزایش می‌یابد و به کاهش عرضه و تقاضای فساد اداری کمک می‌کند.

### آزادی مطبوعات:

اگر بپذیریم که اطلاع‌رسانی دشمن شماره یک فساد است و نیز بپذیریم که یکی از مکانیزمهای بسیار قوی در زمینه اطلاع‌رسانی در مورد فساد اداری، مطبوعات هستند، آزادی مطبوعات آثار مهمی بر تحدید ابعاد فساد اداری بر جای خواهد گذارد. (فرهادی‌نژاد؛ ۱۳۸۹)

به علاوه آنچه گفته شد، با در نظر داشت واقعیت جامعه و سیستم اداری حاکم بر کشور ما، باید پیشنهادها و راهکارهای ویژه‌بی‌ارایه شود تا بتواند فساد اداری در افغانستان را کاهش دهد.

پوهاند عبدالرحیم امید در مقاله‌یی زیر نام ارتشاء و فساد اداری؛ علل، تأثیرات و راه‌های بیرون‌رفت آن» که در شماره ..... نشریه تخصص به چاپ رسیده است، موارد زیر را برای بیرون‌رفت از فساد اداری در افغانستان پیشنهاد میکند. (امید؛ ۱۳۹۱)

۱. ایجاد کمیسیون مستقل اصلاحات اداری صادق و کارآمد
۲. تقویه اداره مستقل مبارزه با ارتشا و فساد اداری
۳. تطبیق تصویب‌های کنوانسیون بین‌المللی مبارزه علیه فساد اداری
۴. تشکیل کمیسیون تدوین استراتژی مبارزه علیه فساد اداری
۵. ایجاد اداره عالی نظارت



۶. مبارزه حساب شده و سست‌ماتیک علیه فساد اداری
۷. ضعیف ساختن پشتیبانی‌ها سیاسی و اجتماعی برای عناصر فاسد و فساد در جامعه
۸. هماهنگی همه قوانین و پالیسی‌های مبارزه با فساد با میثاق‌های جهانی مبارزه علیه فساد اداری
۹. افشای سوءاستفاده‌های مالی (در بانک‌ها، وزارت مالیه، وزارت تجارت و دیگر وزارتخانه‌ها) شهرداری‌ها و...
۱۰. برخورد بی‌رحمانه با فسادپیشه‌گان
۱۱. مبارزه با عدم شفافیت‌خواهی و پرده‌پوشی جرم
۱۲. اصلاح قوانین کهنه و فسادانگیز
۱۳. حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی
۱۴. مبارزه جدی جامعه مدنی و مطبوعات علیه فساد اداری
۱۵. رعایت اصول مکافات و مجازات در تمام امور
۱۶. آگاهی‌دهی مردم از اضرار فساد اداری و جلب کمک آنها در این عرصه
۱۷. مبارزه مؤثر و عملی علیه فساد اداری نه شعار دادن و تقبیح کردن به لفظ
۱۸. تطبیق استراتژی اصلاح اداره جهت مبارزه علیه فساد اداری
۱۹. وقایه و معالجه فساد اداری
۲۰. جلوگیری از بی‌عدالتی در جامعه
۲۱. استقلالیت کامل سارنوالی‌ها و محاکم از نگاه مادی، معنوی و تشکیلاتی
۲۲. ایجاد منشور ملی از طرف احزاب، نهادهای جامعه مدنی و گروه‌های سیاسی
۲۳. ایجاد اراده و عزم سیاسی در امر مبارزه با فساد اداری در همه سطوح
۲۴. بلند بردن حمایت سیاسی از ارگانهای عدلی و قضایی صادق
۲۵. تصریح حلقه حمایتی از اشخاص صادق
۲۶. آگاهی عامه در مورد موضوعات مربوط به فساد اداری
۲۷. غیر حزبی ساختن ادارات
۲۸. مسلکی و تخنیکی ساختن ادارات
۲۹. عدم شرکت قضات، سارنوالان، پولیس و ارتش در احزاب سیاسی
۳۰. حمایت مالی، سیاسی و قانونی از کسانی که در ادارات حراست از قانون و مبارزه علیه فساد اداری کار می‌کنند
۳۱. رعایت اصل شایسته‌سالاری در ادارات و حراست از قانون
۳۲. ایجاد یک سیستم کاری فعال در راس هرم تشکیلاتی دولت
۳۳. شناسایی و عزل عناصر جاسوس از دستگاه دولتی
۳۴. تشدید مجازات علیه اشخاصی که تن به واسطه‌ها و مصلحت‌های سیاسی و اجتماعی می‌دهند

۳۵. تطبیق قانون بالای همه مردم و از بین بردن فرهنگ معافیت
۳۶. تطبیق پروسه عدالت انتقالی و محاکمه جنایت‌کاران و انسان‌کشی‌ها
۳۷. مجازات خائنین ملی از گذشته و حال
۳۸. ایجاد کمیسیون مشورتی از اعضای غیر حزبی در تعیینات
۳۹. تسریع سیستم نظام سازی
۴۰. ارزیابی دقیق استعفانامه‌های برخی از افراد صادق و تشخیص عوامل استعفا
۴۱. جلب همکاری رهبران سیاسی برای برگذاری کنفرانس‌ها علیه فساد اداری
۴۲. تطبیق عملی قوه نظارت پارلمانی از قانون
۴۳. بلندبردن نقش مردم در شوراهای ولایت‌ها جهت نظارت در امور
۴۴. کسب نظر و مشوره جامعه مدنی در مقرری‌ها به مقامات عالی رتبه دولت
۴۵. حذف حدود فرامین عفو در رابطه به جرایم تثبیت شده
۴۶. تعقیب و طی مراحل قضایای فساد اداری بدون‌رهایی متهم به موجب تضمین
۴۷. افشای مقامات مفسد توسط بیانات رئیس‌جمهور و محاکم
۴۸. اخذ مشوره‌ها در عزل و نصب توسط رئیس‌جمهور و والی هر ولایت
۴۹. افشای شبکه‌ها و گروپ‌های مافیایی در داخل و بیرون از دستگاه دولت
۵۰. قاطعیت عمل علیه حامیان فساد اداری و ناقضین حقوق بشر
۵۱. شامل ساختن فساد اداری در جرایم تهدید علیه امنیت ملی
۵۲. استخدام به اساس شایسته‌سالاری، صداقت و تعهد در ادارات دولتی
۵۳. طرح و ایجاد مواد جزایی در قانون جزا برای مامورین دولتی
۵۴. حتمی ساختن امتحان تحریری جهت استخدام کارمندان
۵۵. جلوگیری جدی از مداخله وکلای پارلمان در عزل و نصب اشخاص
۵۶. تأمین حقوق کارکنان بر حال و متقاعدین از لحاظ معاش، کوپون، بیمه، سرپناه با در نظر داشت شرایط بازار
۵۷. ایجاد سیستم منظم ثبت پروسه استخدام
۵۸. توجه به قانون کار و قانون خدمات ملکی در استخدام
۵۹. ایجاد مکانیزم ارزیابی از فعالیت‌های مامورین خدمات ملکی
۶۰. ایجاد سیستم ارتقای ظرفیت مامورین خدمات ملکی
۶۱. جلوگیری از فرار افراد شایسته و لایق
۶۲. برگذاری سیمینارها جهت آگاهی‌دهی از قانون خدمات ملکی
۶۳. ایجاد سیستم تشویق و ترغیب، مکافات و مجازات برای مامورین خدمات ملکی

۶۴. طرح لوایح وظایف به صورت مناسب در همه اداره‌ها
۶۵. طرح پلان منظم برای انتخاب تیم متخصص در یک اداره
۶۶. بلند بردن سطح اشتغال توسط سکتور خصوصی
۶۷. ارزیابی دقیق اسناد تحصیلی توسط کمیسیون ارزیابی وزارت تحصیلات عالی
۶۸. طرح مقرری و استخدام مشاورین خارجی در چوکات دولت
۶۹. بازنگری در بهتر ساختن روند استخدام پولیس، قضات و سارنوالان
۷۰. تطبیق لازم و به موقع استراتژی ملی مبارزه با فساد اداری
۷۱. ایجاد مکانیزم موثر به منظور نظارت از صداقت کارمندان
۷۲. مسلکی ساختن ساحه کاری
۷۳. رشد و بلند بردن کمیت و کیفیت معارف، تحصیلات عالی و نیمه عالی و مسلکی
۷۴. اصلاح قوانین و مقررات
۷۵. شرکت دادن مسؤولان ولایات در تصمیم‌گیری‌های رهبری وزارت‌ها
۷۶. ارائه خدمات موثر برای معلولان و نیازمندان
۷۷. ایجاد مراکز سمع شکایات در هر اداره
۷۸. فراهم آوری تسهیلات حیاتی مناسب برای کارمندان دولت
۷۹. تطبیق قانون تدارکات به صورت یکسان و بلا قید و شرط
۸۰. ایجاد نهادهای تدارکاتی موقت در هر اداره
۸۱. صدور جواز به شرکت‌ها به اساس توانمندی، کفایت و شایستگی
۸۲. ثبت دیتابیس شرکت‌ها در اداره عالی نظارت و کسب معلومات از چگونگی کیفیت کاری قراردادهای به صورت حقیقی
۸۳. تامین شفافیت در پروسه تدارکات
۸۴. اعلان و نشر دواطلبی‌ها در رسانه‌ها، سایت‌ها به زبان‌های ملی و بین‌المللی
۸۵. تحریر شرط نامه‌ها با در نظر داشت ارزش، نوعیت، موقعیت پروژه و همچنان اخذ تامينات
۸۶. انتخاب و تعیین نوع ساختمانی در هر پروژه
۸۷. ارزیابی آفرها و فرمایشات به اساس معیارهای مندرج شرطنامه
۸۸. اطمینان از اجرای موفقانه پروژه به تذکر مکلفیت‌های هر دو طرف
۸۹. واگذاری ساحه کار پروژه به قراردادی و اجرای اقساط به موقع معینه
۹۰. منع فروش قراردادهای فرعی
۹۱. جریمه تأخیر و تخلف در عدم ایفای تعهدات قراردادی

۹۲. تقویت سیستم موثر نظارت از پیشرفت کار پروژه‌ها
۹۳. رفع مشکل مداخلات ارگانهای مختلف نظارتی غیر مربوطه
۹۴. تعیین و اخذ تضمین به منظور تطبیق دقیق قراردادها و تعهدات
۹۵. معرفی شرکت‌های مختلف به اداره عالی نظارت
۹۶. رفع مشکل موجودیت قانون بودجه و قانون تدارکات
۹۷. منظوری بودجه و حدود تشخیص به وقت و زمان معین
۹۸. تعقیب و پیکرد قانونی اداراتی که بودجه را به مصرف رسانده نمی‌توانند
۹۹. برخورد قانونی با رشوت‌گیرنده و رشوت‌دهنده
۱۰۰. تطبیق همه جانبه استراتژی اصلاح اداره در همه ساحات
۱۰۱. ساده‌سازی اجرات در پروسه رسیدگی به قضایا
۱۰۲. قطع مداخله قدرت‌ها و مقامات ارگانهای دولتی در امور کاری سارنوالان
۱۰۳. استفاده از صلاحیت قانونی سارنوالان
۱۰۴. نظارت بالای کارمندان عدلی و قضایی
۱۰۵. جرم پنداشتن اجرات ناسالم کارکنان و پرسونل عدلی و قضایی
۱۰۶. ثبت موضوعات مربوط به فساد در یک بانک معلوماتی
۱۰۷. تجدید نظر به مقررره سلوک و رفتار کارکنان عدلی و قضایی
۱۰۸. تقویه موسسات تعلیمی و نظامی
۱۰۹. برگذاری پروگرام‌های آموزشی برای کارکنان عدلی و قضایی
۱۱۰. بکار بردن پروسه رقابت آزاد در استخدام کارمندان عدلی و قضایی
۱۱۱. تهیه منازل رهائشی برای کارمندان عدلی و قضایی
۱۱۲. منحصر ساختن تماس قضات و سارنوالان با عامه مردم که فقط بتوانند با وکلا تماس حاصل نمایند
۱۱۳. ساده‌سازی جریان امور اداری قضایی
۱۱۴. ایجاد سیستم مکاتبه با مراکز عدلی و قضایی
۱۱۵. ایجاد سیستم پرداخت خساره در مقابل کسانی که دعوی ناحق می‌کنند
۱۱۶. حتمی ساختن موجودیت وکلای مدافع در محاکم
۱۱۷. شامل ساختن مضمون حقوق در مکاتب و پوهنتون‌ها
۱۱۸. سروی و تثبیت دوباره زمین‌های دولتی، خصوصی، اوقاف و خالصه
۱۱۹. از بین بردن عدم هماهنگی در ادارات
۱۲۰. مبارزه با عدم حمایت و عفو در مورد غاصبین زمین

۱۲۱. مقابله عدم اعطای جواز برای اعمار شرکت‌ها به قدرتمندان و متنفذین
۱۲۲. مبارزه با عدم فروش زمین به نمایندگان سازمانهای جاسوسی داخلی و خارجی
۱۲۳. برخورد یکسان با تمام غاصبین زمین
۱۲۴. مبارزه با نبود یک اراده سیاسی قوی برای مبارزه علیه فساد اداری
۱۲۵. مقابله با عدم هماهنگی اسناد تقنینی
۱۲۶. بازنگری و تعدیل قانون مبارزه علیه فساد اداری
۱۲۷. همکاری جامعه مدنی و جامعه جهانی برای محو و ریشه‌کن کردن آفت فساد اداری در کشور
۱۲۸. قطع حمایت از فسادکنندگان اداری
۱۲۹. رایج ساختن فرهنگ تشویق از صداقت و مکافات دادن به عناصر صدیق جامعه
۱۳۰. ساده‌سازی روند دسترسی به خدمات عامه
۱۳۱. نشر منظم گزارش میزان فساد اداری در کشور
۱۳۲. تاکید بر اصل شایسته‌سالاری
۱۳۳. از بین بردن تورم تشکیلاتی در ادارات
۱۳۴. ایجاد مرکزهای سمع شکایات در ادارات
۱۳۵. کسب اطلاعات از تمام شرکت‌های قرار دادی
۱۳۶. حمایت از سکتور دولتی، مختلط و خصوصی
۱۳۷. جرم شناختن چشم‌پوشی از اجرات ناسالم ادارات اجرائیه، مقننه و قضائیه
۱۳۸. تاکید بر رعایت استقلالیت قوه قضائیه
۱۳۹. نشر فیصله‌های قطعی و نهایی در جرایم
۱۴۰. تشکیل بورد تصفیه املاک غصب شده در تمام ولسوالی‌ها
۱۴۱. افزایش صلاحیت اداره عالی نظارت
۱۴۲. حذف موجودیت سارنوال‌ها نظارتی از ادارات و نهادهای دولتی
۱۴۳. تقویة رویه همکاری و هماهنگی بین قوای سه‌گانه (مقننه، اجرائیه و قضایه) و ایجاد زمینه لازم جهت جلوگیری از نفوذ احزاب سیاسی و دیگر گروه‌های مطرح در حمایت از فساد اداری، اشخاص و مقامات.

**بخش دوم: تحقیق تجربی تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی بر گرایش به فساد اداری**

**مطالعه موردی: ادارات دولتی شهر هرات**

(۱۳۹۴)

## بررسی تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی بر گرایش به فساد اداری

در بخش دوم این تحقیق، با استفاده از روش تجربی زمینه‌ی (پرسشنامه) تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در گرایش افراد به فساد اداری مورد ارزیابی قرار گرفته است. این تحقیق به گونه‌ی پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه طیف لیکرت و توزیع آن بین کارمندان ادارات دولتی در شهر هرات صورت گرفته است. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. که در تحلیل داده‌های اجتماعی معمول و معروف است استفاده شده است. آنچه در پی می‌آید گزارش این تحقیق تجربی است.

### هرات و چگونگی تشکیلات اداری

هرات یکی از سی و چهار ولایت افغانستان است که در شمال غرب کشور قرار گرفته است و بعد از ولایت هلمند دومین ولایت وسیع بوده که دارای ۶۱۳۱۳ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد و در طول تاریخ به نام‌های مختلفی چون آریانا، آراین، هری، هریوا و هراه یاد شده است که در زمان اسکندر مقدونی به نام اسکندریه نیز شناخته می‌شده است و در قرن هفتم هجری از بزرگترین شهرهای خراسان بوده که بناهای بسیار و باغستان‌های زیاد و میوه‌های فراوان داشته است.

همچنان آثار تاریخی بجامانده هرات معرف خوبی از باستانی بودن این خطه است. ولایت هرات به لحاظ جغرافیایی از طرف شمال به ولایت بادغیس و جمهوری ترکمنستان، از جنوب به ولایت فراه و غور، از شرق به ولایت غور و از غرب به جمهوری ایران محدود است.

فیروزکوه که از جمله سلسله کوه‌های مشهور افغانستان است در ولایت هرات موقعیت دارد و در این سلسله جبال جنگلات به صورت پراکنده به ملاحظه می‌رسد اما دامنه‌های آن مملو از علف بوده و مراتع خوبی برای چرانیدن حیوانات به وجود آورده است. در غرب فیروزکوه سلسله پاراپامیزوس قرار دارد که در آن جنگلات به صورت پراکنده به ملاحظه رسیده است و دارای مراتع خوبی می‌باشد و در اطراف آن چشمه‌های آب گرم جریان دارد که این چشمه‌ها از آتشفشانی بودن منطقه نمایندگی می‌کند.

دریای هریرود که از جمله دریا‌های معروف افغانستان به شمار می‌رود تقریباً در وسط این ولایت جریان دارد. این دریا از دامنه‌های غرب سلسله کوه بابا سرچشمه گرفته و در ابتدا از دو شاخه یعنی تنگه آب و سرچنگل تشکیل گردیده و در قسمت دولتیار با هم یکجا شده دریای هریرود را به وجود می‌آورند. از این دریا برای زراعت استفاده شایانی صورت گرفته و سرسبزی شهر هرات ارتباط مستقیمی با آن دارد. بند سلما که بالای این دریا از سال ۱۳۵۶ اعمار گردیده به احیای مجدد نیازمند است که با تکمیل آن بر علاوه تهیه آب کافی برای اراضی زراعتی، امکانات تولید برق به ظرفیت ۳۰ تا ۴۰ میگاوات را نیز فراهم خواهد کرد.

ولایت هرات بنا بر وضع توپوگرافی خاص خود به صورت عموم دارای آب و هوای معتدل است اما بعضی نقاط آن آب و هوای کوهستانی، صحرایی و نیمه صحرایی نیز دارد. اقتصاد هرات به محصولات زراعتی و مالداري و همچنان تجارت متکی بوده و باشندگان آن از این طرق امرار معاش می‌کنند.

به لحاظ معادن زیر زمینی نیز این ولایت از اهمیت خاصی برخوردار است و معادنی چون زغال سنگ، نمک، بیرات، نفت، سنگ مرمر و آهن از جمله ذخایر مهم معدنی آن به شمار می‌آید. این ولایت از نظر صنایع دستی نیز اهمیت زیادی داشته است و یک قسمت زیاد تولیدات آن به ولایات دیگر و خارج از کشور صادر می‌گردد که تولیدات منسوجات ابریشم، قالین، گلیم و بافت کرک این ولایت شهرت زیادی دارد.

هرات یکی از شهرهای باستانی و فرهنگی افغانستان است با تاریخی بلند و پرافتخار. در دوره‌های مختلف تاریخی، شهر هرات با برخوردار بودن از جایگاه اقتصادی و تجاری و فرهنگی خاصی، همیشه مورد توجه حاکمان و سلاطین بوده و اوج این شکوفایی در دوره تیموریان است که شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا و دیگر بزرگان این سلسله هرات را پایتخت فرهنگی و مرکز باشکوه علم و هنر و ادبیات و... تبدیل کرده بودند. بناهای تاریخی باشکوه مثل مسجد جامع، خیابان و مناره‌ها و گنبد گوهرشاد و ده‌ها آبدۀ تاریخی باشکوه و بی‌بدیل امروزه نمایندگی از گذشته روشن و پررونق این شهر می‌کنند.

از نخستین شاعران زبان پارسی مثل وراق هروی گرفته تا «خاتم‌الشعرا»ی این زبان یعنی مولانا جامی از این سرزمین برخاستند و صدها شاعر و عارف و مؤرخ و هنرمند این سرزمین را به گوهر خراسان تبدیل کرده بودند و امروزه نیز این میراث گرانبها به گونه‌ی زنده است و شاعران و نویسندگان و هنرمندان زیادی در این سرزمین می‌زیند و افتخارات آنها را زنده نگه می‌دارند.

شهر هرات، با داشتن چنین سابقۀ تاریخی ویژه و پرافتخار، امروزه در کشور به عنوان مرکز فرهنگی افغانستان شناخته می‌شود و با داشتن آبدۀها و بناهای تاریخی و تاریخ طولانی‌اش، پسوند باستانی را همیشه با خود حفظ کرده است. مردم این شهر به تاریخ و فرهنگ و گذشته خود افتخار می‌کنند و خود را حامل فرهنگ و تمدن و گذشته‌ی روشن و پرافتخار می‌دانند و به آن مباهات می‌کنند.

اکنون هرات به لحاظ صنعتی قطب اصلی صنعت افغانستان را تشکیل می‌دهد که با داشتن شهرک بزرگ صنعتی فابریکه‌های زیادی را در داخل خود جا داده است و نقش مهمی را در انکشاف بازار محلی ایفا می‌کند. از تولیدات این فابریکات میتوان به تولید انواع نوشیدنی‌ها، خوراکی‌ها، باب، بستنی، کفش، ظروف، موتورسیکلت و غیره نام برد.



به لحاظ واحدهای اداری این ولایت به نواحی شهری و پانزده ولسوالی تقسیم می‌شود که شامل ولسوالی‌های انجیل، گذره، پشتون زرغون، کرخ، کشک رباط سنگی، کشک کهنه، گلران، کهسان، غوریان، زنده جان، ادرسکن، شیندند، اوبه، فرسی، چشت شریف و مرکز شهر می‌شود.

تشکیل واحدهای اداری این ولایت شامل ۵۱ واحد اداری می‌شود که از آن جمله، اداراتی چون ریاست معارف، ریاست شهرداری، ریاست شفاخانه، ریاست پوهنتون، ریاست مستوفیت، ریاست زراعت آبیاری و مالداری، ریاست ارشاد حج اوقاف، ریاست کار و امور اجتماعی، ریاست کار امور اجتماعی، ریاست گمرک، ریاست بندر تورغندی، مقام ولایت و ریاست صحت عامه به ترتیب از بیشترین تشکیلات برخوردار هستند.

به لحاظ وضعیت کادر اداری در این تشکلات، کارمندان شامل دو بخش کارمندان دایمی و کامندان اجیر می‌شود؛ از لحاظ درجات تحصیلی بیشتر کارمندان را کسانی تشکیل می‌دهند که سطح تحصیلی‌شان از پایین‌تر از بکلوریا گرفته تا لیسانس می‌باشد و وجود افراد با درجات ماستر و دکتر بسیار اندک نزدیک به صفر هست؛ از لحاظ وضعیت جنسیتی نیز بیشتر از ۸۰ درصد کارمندان را مردان تشکیل می‌دهند و زنان کمتر از ۲۰ درصد را به خود اختصاص داده اند که آنهم در نقش‌های عادی و گاه کمکی هستند تا در نقش‌های بانفوذ و کاربردی؛ و در نهایت به لحاظ دسته‌بندی سن کارمندان نیز، این متغیر در ادارات تقریباً به حالت پراکنده به نظر می‌رسد و از تمامی سنین از ۱۸ گرفته تا ۶۵ سال و حتی بیشتر از آن را در بر می‌گیرد.

## بیان مسأله:

فساد اداری پدیده‌یی است که کم و بیش در تمامی کشورهای جهان وجود دارد. با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه فساد اداری به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. این معضل اقتصاد داخلی را فلج می‌کند، جریان توسعه را مختل می‌سازد، سازمان‌های بروکراتیک را مورد تهدید قرار می‌دهد، اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند، هزینه‌های انجام کار را افزایش می‌دهد، روحیه افراد درست کار را تضعیف می‌کند و باعث تسهیل بروز سایر تهدیدات علیه امنیت ملی از جمله جرایم در انواع و اقسام مختلفش می‌شود.

فساد به حیث یک پدیده، همزمان با ایجاد دولت‌ها به وجود آمده، با رشد و تخصص سازمانها، ابعاد و انواع آن نیز دستخوش تغییر شده است، که با اصول رفتار سازمان سیاسی، اداری، فرهنگ و اخلاقیات و غیره رابطه مستقیم دارد. در کشورهای جهان سوم که افغانستان جزء آن است، دامنه فساد و انواع آن، با انگیزه و علل بسیار زیاد، گستردگی بیشتر دارد؛ زیرا عاملان، برای تضمین آینده خویش با استفاده از عدم تطبیق قانون، خلالی مدیریت، عدم مجازات و مکافات، ناکارآمد بودن ارگانهای عدلی و قضایی، سطح پایین مشارکت مردم، تأثیر اندک رسانه‌ها، کمبود پاسخ‌گویی و شفافیت و خودکنترلی و غیره که فکتورهای بازدارنده محسوب می‌شوند، با فکر آرام به فساد مبادرت می‌ورزند.

از لحاظ تاریخی، افغانستان دارای فساد بوده و شدت آن مانند هر کشور دیگر، به عوامل فوق بستگی دارد. این امر در دوره‌های مختلف به نحوی از انحاء ادامه یافته و سیر نزولی مقطعی و عموماً تکاملی را پیموده است. اما اراده دولتمردان و اداره کشور در تندی و کندی این پدیده نقش مهم ایفا نموده است.

فساد از دوره‌های بی‌ثباتی سیاسی نمایان گردید؛ هر زمانی که تغییر در هیئت حاکم از راه جنگ، رونما می‌شد، فساد نیز مسیر تند را می‌پیمود و با استفاده از مصروفیت‌های متصدیان در موارد رجحانی، رونق بازار استفاده جویان و اختلاس‌گران افزایش می‌یافت.

بعد از رویداد ثور ۱۳۷۵، فساد اداری از دفاتر مرکز و ولایات به محافل شخصی، دعوت‌ها، پارتی‌بازی‌ها و رابطه‌های خانوادگی، قومی، سمتی، زبانی و وفاداری‌های شخصی به اشخاص و مقام‌های صلاحیت‌دار انتقال کرد. اما رشوت و اختلاس همزمان با رشد، نکوهش رسمی و عامه نیز داشت. با سقوط رژیم داکتر نجیب‌الله بر فساد اداری تکان شدید وارد گردید. انواع مختلف فساد اداری شیوع یافت که رشوت، اختلاس و سوء استفاده از موقف در رأس زنجیره بهم پیوسته فساد قرار گرفت.

و اما امروز فساد اداری افغانستان، به اوج رسیده است. چنانکه نیاز است، اراده لازم و کافی برای مهار کردن آن در همه استقامت‌ها وجود ندارد. یک بررسی تازه دیده بان شفافیت افغانستان نشان می‌دهد که فساد اداری در

افغانستان در حال افزایش است و تلاش‌ها برای مهار کردن این پدیده نتیجه دلخواهی در پی نداشته است. بر بنیاد این نظرسنجی؛ دستگاه‌های عدلی و قضایی و پولیس به عنوان فاسدترین نهادها شناخته شده‌اند و وزارت معارف در جایگاه سوم قرار دارد.

یافته‌های این نظرسنجی که زیر نام "سروری ملی فساد" پخش شده است، نشان می‌دهند که فساد اداری در افغانستان هر روز افزایش می‌یابد. در این سروری رشوت معمول‌ترین گونه فساد گفته شده است و آمده است که دادن رشوت در چهار سال گذشته دو برابر افزایش یافته است که میزان آن در این مدت به دو میلیارد دالر می‌رسد. "پیش از این مردم می‌گفتند امنیت و پس از آن بیکاری برای شان یک چالش است و پس از آن فساد اداری اما این بار مسأله فساد اداری پس از امنیت قرار می‌گیرد." در گزارش این نهاد آمده است که فساد در افغانستان جافتاده است و بسیاری‌ها باور دارند که با دادن رشوت کارهای‌شان در نهادهای دولتی انجام می‌شوند.

یافته‌های سروری این نهاد در سال دوهزار و دوازده نشان می‌دهند که ۵۱٪ از پاسخ دهنده‌گان ناامنی را بزرگترین چالش فرا راه شان می‌داند، ۱۶٪ از پاسخ دهنده‌ان بیکاری به چالش بیکاری اشاره کرده اند و ۱۳٪ از پاسخ دهنده‌گان فساد را از چالش‌های فراراه‌شان گفته اند.

این آمار در سال دوهزار و چهارده از این قرار بوده است: ۴۵٪ ناامنی هنوز هم بزرگترین چالش فرا راه شهروندان افغانستان است، ۱۸٪ اما فساد اداری از رده سوم به رده دوم ارتقاع کرده است و ۱۸٪ بیکاری در رده سوم قرار گرفته است.

این گزارش نشان می‌دهد که هرچند در مجموع دسترسی مردم به خدمات بهبود یافته است اما روابط شخصی، قومی و کاربرد رشوت برای دسترسی زودتر به خدمات مهم پنداشته می‌شوند.

می‌توان فساد را به ۳ نوع مالی یا اقتصادی، سیاسی و اداری تقسیم کرد. عمدتاً در اداره افغانستان امروز شاخص‌ترین انواع فساد که همه به گونه‌ی در فساد اداری شامل اند، همینه‌است. در این جا صرف فساد اداری شامل بحث است. اگر به گونه‌های مختلف فساد اداری در افغانستان در سیزده سال اخیر اشاره بکنیم، می‌توان به دسته‌بندی زیر تکیه کرد:

## الف- فساد مالی

۱- رشوت: وجه مادی و جنسی در قبال اجرای خواسته‌های غیرقانونی که در رابطه آلوده و فاسد داده و یا گرفته می‌شود. امروزه شنیده می‌شود که تقریباً تمام ارگان‌های دولتی، به اخاذی‌های کلان در این عرصه مصروف و معروف اند.

۲- اختلاس: دستبرد به دارایی عامه به غرض استفاده شخصی، یا خیانت در امانت مالی، اجناس و اماکن دولتی. اختلاس بعد از رشوت در همه جا عمومیت دارد.

۳- فساد مالی: این نوع فساد معمولاً در معاملات قراردادی، فروش‌های امتیازی، مشتری‌گرایی که ظاهراً مهر خدمت نیز بدان زده می‌شود، صورت می‌گیرد. در این فساد سازمانهای خارجی، تمویل‌کنندگان، انجوه‌های داخلی و خارجی با مؤسسات و اشخاص داخلی شریک اند و از طریق امتیاز دادن و فروش پروژه‌های کلان صورت می‌گیرد. یک پروژه یک میلیون دلاری با فروش و دست به دست شدن بین آنها تا آخرین فرد، به دوصد هزار کاهش می‌یابد و هشت صد هزار آن حیف و میل می‌گردد.

یک نوع دیگر فساد مالی، تجویز جستجوی بودجه، به طور مستقیم از جانب وزارت‌ها و ادارهای دولتی و دادن صلاحیت مصرف بی‌رویه آن، بدون ارزیابی و نظارت می‌باشد. افغانستان در چند سال گذشته این نوع فساد را هم‌پای رشوت و اختلاس و گاه بیشتر از آن تجربه کرده است. اداره کشور از هر سه شکل فساد، به شدت رنج می‌برد. عقیده عمومی آن است که بدون رشوت، هیچ کاری صورت نمی‌پذیرد. حتی گاه‌گاهی ارگان‌های دولتی به همدیگر رشوت می‌پردازند. مظاهر اختلاس نیز به وضوح مشاهده می‌شود. تغییر دراماتیک سطح زندگی برخی از ماموران بلندپایه به گونه غیر قابل تصور، از رشوت، اختلاس و فساد مالی پرده برمیدارد.

مثال زنده آن شیرپور، بلند منزل‌ها، دکانها، سرای‌ها، حساب‌های بانکی، شرکت‌های تجارتي در داخل و خارج کشور است. هیچ مأمور دولت، با معاش و کار طولانی، که برای بخور و نمیر کفایت نمی‌کند، صاحب چنین سرمایه‌ها و ملکیت‌ها در هیچ جای دنیا و در هیچ برهه تاریخی نشده است.

۴- غصب: شکل دیگر فساد، تصرف زورگویانه جایدادها، اموال، زمین، باغهای مردم و همچنان ملکیت دولتی یا عامه است که با استفاده از قدرت و اشتراک مستقیم یا غیر مستقیم در حاکمیت عملی شده است.

داد و فریاد مردم ازین ناحیه بلند گردیده و تقریباً هیچ اقدامی برای جلوگیری از آن صورت داده نشده است.

### ب- فساد سیاسی

بعد از اجلاس بن که سنگ بنای افغانستان باثبات را گذاشت و در تاریخ سی سال اخیر، انتقال قدرت را از مجاری صلح آمیز و با موافقه نیروهای مؤثر سیاسی مهیا ساخت، معماران افغانی، کار اعمار این بنا را خراب ساختند. چگونه؟

- باتقسیم قدرت و کرسی‌ها به حیث یک غنیمت؛

- باچانه زنی بر تقرر اشخاص طرفدار خود در پست‌های کلیدی بدون در نظر داشت تخصص، سابقه، تقوا و تعهد به وطن؛

- با قوم‌گرایی و حمایت‌گری؛

- با روابط سیاسی بعضی از اشخاص و نیروهای متشکله حکومت با برخی از سازمانها و دولت‌های خارجی به طرق مخفی؛

- با سهمیه‌دهی و سهمیه‌گیری، به عنوان شرط اشتراک در حاکمیت.

حاکمیت از رأس تا قاعده آن، بین مدعیان نماینده قوم‌ها، احزاب و گروه‌ها تقسیم شد. به نحوی که وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، امروز مؤسسه ملی شمرده نمی‌شوند. این کار حسن و قبح دارد. حسن آن مشارکت و قبح آن، از آن خود شمردن کرسی‌ها و مقامات به حیث یک غنیمت است که فاقد هر نوع کنترل و جلوگیری از مضرات آن می‌باشد.

- اجندا یا برنامه واحد سیاسی وجود نداشت و ندارد؛ هرکس حتی همراهان قدرت، وسایل آن را برای حضور توانمندتر در فردا استعمال می‌نماید.

- سند یا پلاتفرم همکاری و اشتراک در ساختار دولت برای یک هدف معین، ترتیب و روی آن موافقه نشده است.

- مردم، جامعه مدنی و احزاب سیاسی به حیث آیینة فعل و انفعالات کنار گذاشته شده اند.

اینها عمده‌ترین مظاهر فساد سیاسی اند که در افغانستان سیزده سال اخیر وجود داشته اند.

## ج - فساد اداری

بنظر می‌رسد این نوع فساد در سراسر اداره افغانستان سایه افکنده باشد که میتوان به گونه‌های زیر اشاره کرد:

فساد ساختاری اداره: علی رغم ادعاهای مبنی بر ایجاد ظرفیت و بازسازی ساختاری، ساختار اداره افغانستان به طور شایسته صورت نپذیرفته است. ما عمدتاً به سه نوع ساختار برمی‌خوریم: هرم تشکیلاتی، ساختارهای مماثل، ادارات انجویی مانند سازمانهای ملل متحد و مؤسساتی که از کشورهای مختلف برای کار در یک عرصه معین مصروفند.

- اختصاص وجوه قابل ملاحظه برای ساختار مماثل و عدم توجه به ارتقای کمی و کیفی نهاد سابقه، نوعی تکرار وظایف، رقابت و حتی ضدیت را بار آورده است. برخورد افراط - تفریطی در توزیع منابع باعث جدال‌های لفظی و رسانه‌یی شده و توانایی هر دو نهاد را بی‌جا مصرف کرده است.

- در چندین مورد، با تبدیلی وزیر یا والی، جاگزین وی از همان قوم، منطقه و تنظیم انتخاب شده است. این بدعت جدید در افغانستان، پیامد بسیار بد دارد.

- تبدیلی یک وزیر از یک وزارت به وزارت دیگر، بدون توضیح قانع کننده موجب آن، باعث انتقادهای وسیع می‌گردد.

- تورم تشکیلاتی و سیاسی‌سازی‌ها، افغانستان را از داشتن موسسه‌ها و ادارات ملی محروم ساخته است. چنانکه اشاره شد هر اداره و موسسه افغانستان در مرکز و ولایات به شدت سیاسی، قومی، تنظیمی، خانوادگی، سمتی و زبانی شده اند.

- نقص ضوابط دسپلینی، عدم رعایت سلسله مراتب اداری از بالا به پائین و از پائین به بالا، تطبیق نکردن اصل مجازات و مکافات، اغماض و چشم‌پوشی آگاهانه و مصلحت‌گرایانه نسبت به جرایم، تخطی‌ها، خودسری‌ها و سوءاستفاده‌ها، نبود بازپرس شدید از زیردست تا بالادست و گزارش‌دهی منظم برای مردم، به فساد اداری میدان باز داده اند.

- یکی دیگر از مظاهر فساد اداری، خودبزرگ‌بینی مقام‌هاست. اگر به وزارت‌ها و اداره‌های افغانستان سری بزنیم، مشاهده می‌شود که هر مسؤل از ۱۵ تا ۱۶۰ نفر محافظ شخصی، سکرتر و پیش‌خدمت دارد. چندین اتاق و دفتر را به نام‌های مختلف مصروف ساخته‌اند، در حالی که چند مأمور در یک دفتر غرقه‌مانند، بدون تجهیزات گرم‌کن و سردکن با تحمل فلاکت‌ها کار می‌کنند. حتی ارتباط کاری بین مقام بالایی و مأمورین وجود ندارد. تمام امتیازها و سهولت‌ها به وسیله نزدیکان افراد مسؤل، بدون کوچک‌ترین تعلل ربوده می‌شوند. با زیردستان حتی با حقوق برده‌ها، برخورد نمی‌کنند. حلقه محافظان، تشریفات و یک سلسله تعاملات دست و پا گیر، فاصله‌ای برزخ‌گونه بین آمر و مأمور ایجاد کرده است. مردم باید از هفت کوه قاف بگذرند تا خدمت‌گزاران خود را ملاقات کنند. مقام‌های بلندپایه، هیچ تماس منظم هفته‌وار و ماهوار با مأمورین زیردست ندارند تا مشکل، پیشنهاد و نظر همدیگر را برای بهبود امور تبادل نمایند.

- فسادی که تقریباً سراسر اداره افغانستان را فرا گرفته، تجمل‌پرستی است. هیچ کسی با بودجه ملی، برخورد صرفه‌جویانه ندارد. برعکس خریداری‌های تجملی، تزئینی، استفاده و فشار شخصی برای آماده‌ساختن موترهای مدرن و آخرین مدل به نوعی مسابقه بین مقام‌های حکومتی و دولتی مبدل شده است.

بارها مشاهده شده که با تبدیلی یک شخص به اداره دیگر یا از یک ولایت به ولایت دیگر، قطارهای طویل عراده‌ها برای خوش‌آمدگویی و مبارک‌بادی ترتیب گردیده؛ گل‌آوردن‌های بی‌رویه و تبریکی دادن‌های نمایشی در برخی موارد تا یک ماه و بیشتر از آن ادامه داشته است. قانونی و طرز سلوکی وجود ندارد تا از ضیاع وقت رسمی و مصارف

پولی در این موارد جلوگیری کند. به هر اندازه‌یی که مقام‌ها از لحاظ درجه‌بندی بالا میروند، به همان اندازه نقض قانون، لاقیدی مالی و اداری به ملاحظه می‌رسد.

خودنقادی، خودکنترولی، شفافیت واقعی و نه لفظی، رعایت تخصص، تجربه و سابقه، شناسایی و ارتقا بر مبنای لیاقت، صداقت و کاردانی در اداره افغانستان به سراب نایاب مبدل شده است. امروزه توصیه، سهمیه‌دهی، سفارش داخلی و خارجی در تقرر و استخدام در مقام‌ها، امر رایج است. داشتن مهارت کمپیوتر و بلدیت به زبان انگلیسی در کنار مسایل فوق معیار ترجیحی و برتر گزینش و انتخاب است.

- اجراءات بر پایه اطلاع، سرگوشی‌ها و گزارش‌های غیرمستدل، غرض‌آلود، انتقام‌جویانه، تخریبی و توطیه‌آمیز صورت می‌گیرد. در بسا موارد اطلاع و گزارش با حقیقت قضایا منافات داشته اند.

- چاپلوس‌پروری، استقلال اراده، خردورزی، تعقل و تدبیر را از میان برداشته و فضای اداره را مسموم ساخته است.

- کارهای نمایشی برای به رخ کشیدن، با استفاده زیرکانه از دانش و مهارت زبردستان به هدف کسب قدرت و شهرت بیشتر، در همه سطوح، سلسله مراتب و وظیفه‌شناسی را محدود کرده است.

فساد دیگر، عدم هماهنگی کاری بین مؤسسه‌ها و اداره‌های خارجی و ارگان‌های داخلی است. در بسیاری موارد این اجراءات ناهماهنگ منجر به تقابل، اقدامات دوگانه و چندگانه و ترویج سیاست اتکایی بر خارجیان می‌گردد. استقلالیت اداری و تصمیم‌گیری‌های ملی تحت سوال قرار دارد.

- شنیده می‌شود که برخی از مسؤولان یا اقارب‌شان، به تجارت مواد مخدر دست دارند؛ وسایل و امکانات حکومت را برای فراهم‌آوری تسهیلات در این تجارت استفاده می‌کنند؛ زارعین را تشویق به کشت خشخاش نموده، عشر و سهم خود را به زور اخذ می‌نمایند.

- یک فساد دیگر، تشکیل حلقه‌ها و دایره‌های ایدئولوژیک، سمتی، فامیلی و قومی در اداره‌های دولتی است که هر صدای افشاگر رشوت، اختلاس و سوء استفاده را با توطئه، تفتین و بدنام‌سازی، تهدید، تخویف و حتی برکناری از وظیفه، در گلو خفه می‌سازد.

به خاطر باید داشت که فساد مالی، اداری و سیاسی در بسیاری عرصه‌ها، رابطه تکمیلی و علت معلولی با همدیگر دارند؛ یکی بر دیگری متکی می‌باشند.

با توجه به آنچه گفته شد، فساد اداری به عنوان یک مسأله جدی برای افغانستان مبدل شده که کل نظام اجتماعی را به بحران و حتی به سمت یک فاجعه همه جانبه سوق داده است. اگر عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روانی و اقتصادی فساد درست و دقیق شناسایی نشوند و راهکارهای متناسب با تشخیص هر یک، طرح و

عملی نگردد، یادآوری از فساد مانند آب در هاون کوبیدن یا مشت به هوا زدن، نه تنها دردی را دوا نمی‌کند، بلکه بیشتر به ترویج و فرهنگ شدن آن کمک می‌کند.

در این تحقیق نیز که به دنبال بررسی متغیرهای فرهنگی تأثیرگذار بر فساد اداری در افغانستان و خصوصاً شهر هرات هستیم، از طریق مراجعه به جامعه اداری به مشخص‌سازی، اندازه‌گیری و تأثیرگذاری الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه و تمایل افراد به اقدام به فساد اداری می‌پردازیم. از آنجایی که بررسی‌های علمی پدیده‌ها منطبق خاصی را دنبال می‌کنند، تکیه بر برخی دیدگاهها و نظریه‌ها و روش‌ها و رویه‌های معتبر علمی مبنای کلیدی برای بررسی، شناسایی و اندازه‌گیری پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌شود. بنابراین، در این تحقیق نیز چندین دیدگاه و نظریه‌های علمی در گام نخست به عنوان مبنای نظری و سپس چند مهمترین آن‌ها که بیشترین هماهنگی و توانایی تبیین پدیده فساد اداری را به لحاظ فرهنگی داشتند به عنوان چارچوب نظری گزینش و دسته‌بندی شده‌اند و مبنای استخراج و دسته‌بندی فرضیه‌های علمی تحقیق را ساخته‌اند؛ و به لحاظ روش‌شناختی نیز، پس از بررسی و مطالعه روش‌های مختلف برای اجرای عملی تحقیق، معتبرترین روش‌ها با توجه به بیشترین سطح هماهنگی و توافق با نوع تحقیق، برای گردآوری اطلاعات، نمونه‌گیری و تحلیل آنها شناسایی و استفاده شده‌اند. تمامی این موارد ذکر شده به ترتیب در بخش‌های مختلف قرار گرفته‌اند و بدنه اصلی تحقیق را شکل داده‌اند.



## چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق بر اساس یک رویکرد تلفیقی تنظیم گردیده است که در آن به بررسی و ربط منطقی موضوع با چهار رویکرد نظری و نظریه‌هایی چون «رویکرد ارزشی - سیستمی پارسونز»، «نظریه سوء کارکرد مرتن»، «نظریه از هم گسیختگی نهادی استیون مسنر و ریچارد روزنفلد» و «نظریه هافستده درباره تأثیر فرهنگ ملت‌ها بر گستره فساد» پرداخته شده است که در ذیل به تفصیل به این مطلب می‌پردازیم.

### رویکرد ارزشی - سیستمی پارسونز

نظم و دوام جامعه از عمده‌ترین مسایلی است که کارکردگرایان بر آن تأکید دارند. آن‌ها جامعه را به مثابه سیستمی متشکل از بخش‌های متعدد و مختلفی می‌بینند که باهم در ارتباط و به یکدیگر وابسته‌اند. به عقیده آن‌ها این بخش‌های متعدد و مختلف چنان به هم نزدیک و در ارتباط اند که نه تنها بر یک دیگر تأثیر می‌گذارند؛ بلکه تأثیر آن‌ها بر حرکت کل سیستم نیز مشهود است.

با چنین نگرشی، نخستین بحث پارسونز از بحث کنش او شروع می‌شود. پارسونز معتقد است که در بین انسانها همواره کنش و واکنش وجود دارد، اما اینجا سوالی مهمی پیش می‌آید که چگونه این کنش‌ها به وجود می‌آیند؟ و همچنان چگونه ماهیت دارند؟

پارسونز معتقد است که تمام پدیده‌های اجتماعی همانطور که امیل دورکیم بیان میکند خارج از ذهن قرار دارند و مقدم بر افراد انسانی اند. یعنی اول پدیده‌های اجتماعی بوجود آمده اند و بعداً انسان‌ها در درون آن‌ها بوجود آمده‌اند و از آن‌ها تأثیر پذیرفته اند. این بدان معناست که انسان‌ها فطرتاً از آگاهی برخوردار نبوده‌اند بلکه در برخورد با همین پدیده‌های اجتماعی است که صاحب معرفت و آگاهی شده‌اند. پس بر این اساس انسان‌ها را پدیده‌های اجتماعی احاطه کرده است و انسان‌ها مجبورند که با پدیده‌های اجتماعی ارتباط برقرار کنند و دست به گزینش آنها بزنند و پدیده‌های مورد نظرشان را انتخاب کنند و خود را با آن‌ها سازگار سازند. زمانی که انسان‌ها دست به چنین گزینشی می‌زنند به دو شیوه عمل می‌کنند:

به شیوه عقلانی و آگاهانه،

به شیوه غیر عقلانی و غریزی،

دلایل استفاده و عمل به این دو شیوه دو چیز است: یکی این که انسان فطرتاً برخوردار از دو بعد است که یکی بعد عقلانی است و دیگری بعد غریزی است، دومی هم اینکه واقعیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها بوجود آورده‌اند که همان فرهنگ حاکم بر جامعه می‌باشد و این فرهنگ هم کاملاً عقلانی نیست چون انسان به دو شیوه عمل میکند.

پس به این دلایل وجود انسان در بین پدیده‌ها محصور است و ناگزیر دست به دو شیوهٔ گزینش می‌زند و در نتیجه این گزینش‌ها انگیزه بوجود می‌آید و این انگیزه‌ها انسان را به سوی خلق سلوک و رفتار به پیش می‌برد و زمانی که رفتار خلق شد آنگاه کنش و واکنش ایجاد می‌شوند و تمامی کنش‌ها نیز دارای ماهیت اجتماعی‌اند چون که همین واقعیت‌ها، پدیده‌ها و هنجارهای اجتماعی است که چگونگی کنش را شکل می‌دهند و هر کنش نیز مرکب از سه چیز است ۱. کنشگر ۲. موقعیت کنش ۳. جهت‌گیری کنش. از همین جاست که پارسونز الگوهای رفتاری را مشخص میکند و معتقد است که هر کنشگر در هر کنش خود با پنج متغیر الگویی مواجه است:

انتخاب بین عاطفی بودن و رسمی بودن،

انتخاب بین پراکنده بودن و مختص بودن،

انتخاب بین خاص‌گرایی و عام‌گرایی،

انتخاب بین معطوف به جمع و معطوف به خود،

انتخاب بین انتساب و اکتساب،

به عقیدهٔ پارسونز، توسط این متغیرهای الگویی می‌توانیم هرگونه رابطهٔ نقشی را توصیف بکنیم.

در نتیجه، پارسونز معتقد است که الگوهای نوع اول متغیرهای الگویی مظهر بعد غیرعقلانی است و الگوهای نوع دوم متغیرهای الگویی مظهر بعد عقلانی است. بر این اساس دو نوع جامعه شکل می‌گیرد یکی جوامع سنتی که در آن الگوهای نوع اول حاکم است و دیگری جوامع مدرن که در آن الگوهای نوع دوم حاکم است. (آزاد، ۱۳۹۳)

دومین بحث پارسونز بحث نظام اجتماعی است که جامعهٔ انسانی را به مثابه یک نظام فرض میکند و معتقد است که روابط در درون این نظام نیز کارکردگرایانه است. یعنی هر جزء از نظام دارای کارکرد خاص خودش می‌باشد و همه در جهت غایت کل فعالیت می‌کنند. مثلاً اگر کل جامعه را یک نظام در نظر بگیریم، در درون آن عناصر و نهادهای گوناگونی وجود دارد مانند خانواده، آموزش و پرورش، دین، سیاست، اقتصاد، ورزش و غیره. به عنوان نمونه، آموزش و پرورش یکی از این اجزا می‌باشد که بر حسب کارکرد آن برای جامعه تبیین می‌شود و این آموزش و پرورش خود اجزای دیگری دارد که بر حسب کارکردشان برای آموزش و پرورش تبیین می‌شوند مانند مکتب و دانشگاه؛ این مکتب و دانشگاه نیز خود اجزایی دارند مانند کلاس‌ها که بر حسب کارکردشان برای نظام‌شان تبیین می‌شوند. در واقع هر کدام از این اجزا برای نظم و دوام کل‌شان فعالیت می‌کنند.

به عقیدهٔ پارسونز برای وجود یک نظام سه شرط لازم است:

ساخت و یا ساختار: یعنی هر نظام باید دارای آرایش سازمانی باشد و از عناصر نسبتاً پایدار تشکیل شده باشد

و روابط متقابل بین آنها وجود داشته باشد.

کارکرد: یعنی هر نظام برای اینکه دوام داشته باشد باید برخی از نیازها را بر آورده سازد. هنجار های نهادی شده: یعنی هر نظام باید دارای یک سلسله قواعد و هنجارهایی باشد تا افرادش را سازمان داده و اداره کند. (آزاد، ۱۳۹۳)

پارسونز طرح ایده‌آلی از نظام اجتماعی ارایه می‌دهد و جامعه ایده آل او بر اساس چهار ارزش بنیادین و محوری شکل می‌گیرد و این ارزش‌ها به عنوان ارزش‌های عام اجتماعی، چوکات اصلی نظام اجتماعی را شکل داده و محوری‌ترین ارزش‌ها در نظام فرهنگی جامعه جستجو می‌شود. به این معنا که در نگاه او نظام فرهنگی نظام مسلط بر نظام‌های دیگر و منبع تغذیه پدیده‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. الگوهای ارزشی‌ای که پارسونز برای جامعه ایده آل خویشتن مطرح می‌کند عبارت‌اند از:

عام‌گرایی

تعیین هدف

یکپارچگی

حفظ الگو و مدیریت تنش

عام‌گرایی اشاره به ارزش‌هایی دارد که به طور نسبی فارغ از محدودیت‌های عاطفی بوده و تأکید بر بهره‌گیری مؤثر از یک چیز دارد و به شایسته‌سالاری در جامعه می‌پردازد، به این معنا که ملاک در گزینش افراد برای موقعیت‌های اجتماعی و سازمان‌دهی سیستم‌های تخصصی، تأمین امکانات و کارایی آن‌ها برای بهبود سیستم اجتماعی می‌باشد نه کشش‌های عاطفی غیر عقلانی. تعیین هدف به ارزش‌های کلان اجتماعی اشاره داشته و این واقعیت را نشان می‌دهد که نهاد قدرت و سیاست، باید اهداف متناسب با نیازهای واقعی جامعه را تعیین کرده و برای دستیابی به آن‌ها از همه‌ی امکانات و نیروهای اجتماعی به صورت عقلانی استفاده نماید. ارزش یکپارچگی، به همبستگی و انسجام اجتماعی توجه دارد و به این نکته اشاره می‌کند که نهادهای اجتماعی باید متناسب با یکدیگر شکل گرفته و کنش‌های متقابل افراد، در راستای تحقق همبستگی ملی انجام شود. و در نهایت حفظ الگوها و مدیریت تنش، ناظر به نظام فرهنگی بوده و به ارزش‌ها و معیارهای حفظ‌کننده‌ی وضع موجود در درون یک جامعه اشاره دارد، به این صورت که نظام فرهنگی الگوهای تعاملات اجتماعی، هنجارها و روابط متقابل افراد را شکل داده و حفظ می‌کند، و باید‌ها و نبایدهای امور اجتماعی و حتی امور فردی را تعیین کرده و معیار برای تفکیک امور مطلوب از نامطلوب ارائه می‌کند. (آزاد، ۱۳۹۳)

نکات مهم و اساسی که در مدل الگوهای ارزشی پارسونز نیاز به تعمق بیشتر دارد و فهم دقیق آن‌ها ما را از چگونگی کارکرد نظام‌ها یاری می‌کند، نحوه ارتباط ارزش‌های چهار گانه با یکدیگر و نقش تعیین‌کننده ارزش‌های فرهنگی و نظام سیاسی در نحوه کارکرد و عملکرد کل نظام و خرده نظام‌های اجتماعی است.

روابط ارزش‌های چهارگانه در الگوی ارزش مشترک پارسونز (دوام کل) به صورت متقابل و عمودی تصور می‌شود، به این معنا که ساختار این ارزش‌ها نسبت به همدیگر به شکل سلسله مراتبی است و هر کدام توسط یک خرده نظام تأمین گردیده و مربوط به سطحی خاصی از سطوح ساختار ذهنی - عینی جامعه می‌گردد، و بر اساس پیوند منطقی که دارند هر کدام مترتب بر دیگری شکل می‌گیرند و هر سطحی برای سطح بالاتر از خود انرژی داده و سطح پایین‌تر از خود را تحت کنترل دارد. (آزاد، ۱۳۹۳)

نظام فرهنگی عهده‌دار حفظ الگوست و به عنوان مرکز عقاید، باورها و ارزش‌های ایده‌آل ذهنی و مخزن اطلاعات، مبنای تحولات و شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی به شمار می‌رود، به این صورت که نظام فرهنگی به نظام اجتماعی اطلاعات می‌دهد و در قالب قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی، در سطح واقعیت اجتماعی ظاهر گردیده و نظام اجتماعی را به وجود می‌آورد و به این شکل نظام اجتماعی را تحت کنترل داشته و در واقع آن را می‌سازد. و نظام اجتماعی وظیفه‌دار حفظ همبستگی است و باعث یکپارچگی اجتماعی شده و بستر شکل‌گیری نوع نظام سیاسی را آماده می‌سازد. (آزاد، ۱۳۹۳)

نظام سیاسی در واقع زاده نوع نظام اجتماعی است، زیرا با توجه به نوعی قواعد، عرف و مقررات اجتماعی شکل گرفته و بر اساس نیازهای واقعی جامعه به تعیین اهداف جامعه می‌پردازد. به عبارت دیگر، نظام سیاسی متناسب با بستر اجتماعی به وجود آمده و با توجه به اطلاعاتی که از نظام اجتماعی دریافت می‌کند، اهداف کلان اجتماعی را در قالب وضع قوانین و مقررات اجتماعی مشخص می‌سازد و برای تحقق اهداف جامعه، نوع خاصی از نظام اقتصادی را شکل می‌دهد. (آزاد، ۱۳۹۳)

نظام اقتصادی در راستای تأمین ارزش عام‌گرایی شکل می‌گیرد، به این صورت که سازمان‌ها بر اساس کارایی‌ای که برای بهبودی سیستم اجتماعی در سطح کلان اجتماعی دارند، شکل داده می‌شوند و افراد بر اساس تخصص و مهارت خویش در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرند و از این طریق زمینه انطباق جامعه با محیط فراهم می‌گردد. (آزاد، ۱۳۹۳)

تقویت یک خرده نظام توسط خرده نظام دیگر به این معناست که کارکرد مثبت هر خرده نظام، نظام بالاتر از خود را بیشتر تثبیت می‌نماید؛ به این صورت که کارکرد مثبت نظام اقتصادی، به تقویت نظام سیاسی کمک می‌کند. تثبیت حاکمیت سیاسی، اهداف مشترک اجتماعی را تحقق می‌بخشد و تحقق این اهداف، به یکپارچگی جامعه منجر می‌شود و رعایت مقررات و قوانین اجتماعی که ناشی از یکپارچگی اجتماعی است، باعث استحکام ارزش‌های فرهنگی می‌گردد. (آزاد، ۱۳۹۳)

بر اساس دیدگاه پارسونز، نظام فرهنگی به عنوان منطبق زندگی جمعی و خرده نظام مسلط بر ساختار اجتماعی، نه تنها به پدیده‌های اجتماعی معنا می‌بخشد، که حتی واقعیت‌های عینی از جمله سازمان‌ها، نهادها و کنش‌های

متقابل اجتماعی را به وجود می‌آورد، چون واقعیت عینی، انعکاس باورهای ذهنی است. دنیای واقعی بر اساس رفتار و کردار کنشگران ساخته می‌شود و کنش‌های افراد مبتنی بر ارزش‌های درونی آن‌هاست. چگونگی کارکرد خرده نظام های اجتماعی به عنوان یک واقعیت عینی بر اساس نوع نظام ارزشی و کردار های مبتنی بر آن ساخته می‌گردد. (آزاد، ۱۳۹۳)

اهمیت نظام سیاسی در چگونگی کارایی اجتماعی، ناشی از جایگاه مهم کارکردی دولت در ساختار اجتماعی است. دولت و نظام سیاسی نه تنها عهده‌دار تعیین و اولویت بندی اهداف اجتماعی است، که مسئولیت وضع و اجرای قوانین در راستای تحقق اهداف تعیین شده را نیز دارد. نظام سیاسی با در دست داشتن همه ای اهرم های فشار، این توانایی را دارد که در تعیین اهداف، وضع و اجرای قوانین، مطابق مصالح جمع عمل کند و یا برخلاف مصالح عمومی، صرفا مصالح فردی و گروهی خویش را الحاظ کرده و نظام اداری را متناسب با آن شکل دهد. (آزاد، ۱۳۹۳)

### نظریه سوء کارکرد مرتن

بحث رابرت مرتن در مورد چگونگی کارکرد نظام اجتماعی براساس چگونگی عملکرد اجزای آن از تشخیص سه نوع عنصر در درون نظام برای تبیین فساد اداری مهم به نظر می‌رسد. او از وجود سه نوع عنصر مجزا از همدیگر در درون کلیت نظام صحبت می‌کند:

عنصر کارا: یعنی مجموعه عناصری که دارای کارکردهای موثر و نتایج مفید در رابطه با انسجام و هدف کلی یک نظام است.

عنصر ضد کارا: یعنی عناصری که کارکردشان در جهت منفی و در تقابل با کارکردهای عناصر کارا قرار می‌گیرد.

عنصر ناکارا: یعنی عناصر فاقد کارکرد که ضرورتشان در نظام احساس نمی‌گردد. (دیپارتمنت جامعه شناسی

دانشگاه هرات، ۱۳۹۳، ۱۷ - ۱۸)

چیزی دیگری که در ادامه این بحث مهم به نظر می‌رسد این است که وی تاکید می‌کند که ما باید میان کارکردهای آشکار و کارکردهای پنهان عناصر تفکیک قایل شویم و آن‌ها را از همدیگر تشخیص بدهیم. به نظر وی کارکرد آشکار از قبل تعیین شده و مورد انتظار از یک عنصر اجتماعی است؛ و کارکرد پنهان از قبل تصور نشده و پیش بینی نشده است. (دیپارتمنت جامعه شناسی دانشگاه هرات، ۱۳۹۳، ۱۷ - ۱۸)

اما آنچه بیشتر می‌تواند موضوع فساد اداری را تبیین کند، بحثی است که مرتن در کتاب‌هایش بنام‌های «ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری» و همچنان «مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی» در مورد انحرافات اجتماعی دست می‌یازد. وی عمل انحرافی را ناشی از سوء کارکرد دانسته و می‌گوید: فرد زمانی منحرف می‌شود که به عدم

دسترسی به وسایل نهادی شده جامعه به خاطر رسیدن به اهداف قبول شده یک جامعه مواجه شود. وی پارادایم نظری‌اش را درین مورد روی سه اصل پایه‌ریزی می‌کند.

اهداف فرهنگی: که شامل خواسته‌ها، انتظارات، سلیقه‌ها و امیالی می‌باشد که افراد از طریق فرهنگ آنها را آموخته‌اند.

قواعد رفتار اجتماعی: که شامل روش‌ها، ملاک‌ها و راه کارهای مشروع و مورد تایید جامعه در جهت پیگیری و رهیافت به اهداف فرهنگی می‌باشد.

وسایل نهادی شده: که شامل چگونگی توزیع واقعی امکانات، وسایل، موقوف‌ها و فرصت‌ها برای دست یابی به اهداف فرهنگی است. به نظر مرتن کجروی و منحرف شدن افراد فی نفسه محصول هیچ یک از عوامل فوق نیست، بلکه از روابط میان این عوامل ناشی می‌شود. ساخت فرهنگی جامعه افراد را در مقابل اهداف واحدی قرار می‌دهد و همچنان قواعدی را هم برای رسیدن به این اهداف به عنوان قواعد مشروع تعیین می‌کند. اما از آنجا که وسایل مشروع به طور یکسان در اختیار همه افراد گذاشته نمی‌شود، این امر باعث بروز ناکامی و احساس سرخوردگی در میان افراد می‌شود و رفتارهای انحرافی بروز پیدا می‌کنند. به نظر مرتن در حقیقت ناکامی ناشی از شکاف میان اهداف، ضابطه‌ها، امکانات و فرصت‌ها سبب می‌شود که تعهدات اجتماعی فرد در قبال هدف‌ها و وسایل نهادی شده سست شود و در شرایط بی‌هنجاری قرار گیرد که به عقیده مرتن این، حالتی است که پنج وضعیت متفاوت در مقابل فرد خودنمایی می‌کند که مستقیماً با پذیرش یا عدم پذیرش اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده در جهت رسیدن به همچون اهداف در ارتباط است و عبارتند از:

۱- همنوایی ۲- بدعت گذاری ۳- شعایر گرایی ۴- انزوا گرایی ۵- عصیان گرایی.

مرتن معتقد است که تنها در حالت پذیرش اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده است که فرد به همنوایی و سازش می‌رسد و چهار شیوه دیگر نمونه‌های از رفتار انحرافی هستند. بدعت گذاران (سارقین، رشوه خوران، متقلبین) هدفهای فرهنگی را می‌پذیرند؛ اما وسایل را نفی می‌کنند و می‌کوشند از وسایل غیر مشروع برای رسیدن به هدف استفاده نمایند.

شعایر گرایان (کارمندان) که فقط به مقررات نگاه می‌کنند) اهداف فرهنگی را نادیده می‌گیرند اما به همنوایی ادامه می‌دهند، یعنی همنوا و سازگار با مقررات هستند، ولی ارزش‌هایی که محرک فعالیت‌های شان بوده از نظر دور انداخته شده است.

انزواگرایان (معتادین، الکلی‌ها و ...) اهداف و وسایل هر دو را رها نموده عزلت پسند می‌شوند؛ و بلاخره عصیان گرایان در صدد استقرار اهداف و وسایل نهادی دیگری هستند و اهداف و وسایل قبلی هر دو را نپذیرفته و در عوض چیزی جدیدی را جایگزین می‌کنند. (دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات، ۱۳۹۳، ۱۷ - ۱۸)

### نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی

جدیدترین نسخه نظریه ازهم‌گسیختگی مربوط است به نظرات استیون مسنر و ریچارد روزنفلد. که نظریه آنها رویکرد سطح کلان از نظریه از هم گسیختگی است و نظریه ازهم گسیختگی نهادی نامیده می‌شود و رفتارهای ضد اجتماعی را تابعی از اثرات فرهنگی و نهادی می‌بیند.

وجه تمایز نظریه از هم گسیختگی نهادی از دیگر نظریه‌های ازهم‌گسیختگی این است که فرهنگ و ساختار اجتماعی را با توجه به تجلیاتی که در نهادهای اجتماعی دارند بررسی می‌کند. این نظریه مانند هر نظریه دیگری در مورد از هم گسیختگی، با اتکا به مبانی دورکیمی خود بر این فرض بنیان نهاده شده است که سطوح بهنجار جامعه و اشکال فعالیت‌های مجرمانه موجود در جامعه نشان دهنده ویژگی‌های بنیادین سازمان آن جامعه هستند. (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱)

مسنر و روزفیلد با استفاده از مبانی دورکیم، پارسونز و مرتن و همچنان سنت فکری ازهم‌گسیختگی، مبانی نظریه خود را پایه‌ریزی می‌کنند. مطابق این نظریه جرم در جوامعی اتفاق می‌افتد که توازن نهادهای آن برهم خورده و ارزش‌های اقتصادی به سایر نهادهای اقتصادی وارد شده اند. از نظر این دو، از هم گسیختگی به این دلیل گسترش یافته است که نهادهایی که باید تأکید مفرط بر موفقیت مالی را کنترل کنند (خانواده و آموزش و پرورش) تضعیف و خود حامل ارزش‌های اقتصادی شده اند.

در چنین جوامعی که نهاد اقتصاد مسلط است، ارزش‌های فرهنگی موفق شدن به هر وسیله‌ای ممکن را تشویق می‌کنند. چهار ارزش فرهنگی عمده مورد تأکید عبارتند از: «پیشرفت‌گرایی»، «فردگرایی»، «جهان‌گرایی» و «بت‌وارگی پول». (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱)

پیشرفت‌گرایی یعنی آرزوی موفق شدن. این موفق شدن ملاکی است که هرکس با آن سنجیده می‌شود. مسنر و روزفیلد معتقدند فشار فرهنگی برای پیشرفت‌گرایی به حدی است که «مهم نیست شما چطور بازی می‌کنید، تنها چیزی که اهمیت دارد اینست که می‌برید یا می‌بازید». بت‌وارگی پول در واقع نوع خاصی از پیشرفت‌گرایی است که همان موفقیت پولی و اقتصادی است. پول و ثروت عمده‌ترین ملاک سنجش موفقیت فرد هستند. مسنر و روزفیلد معتقدند مقدار پولی که تعیین کننده پایگاه و عزت فرد می‌شود بی‌پایان است. به عبارت دیگر موفقیت مالی حد نهایی ندارد. پیشرفت مالی نیازمند پیشرفت بی‌پایان است و به این منجر می‌شود که فرد پیشرفت را به هر وسیله ممکن دنبال کند. فردگرایی به فشار فرهنگی اشاره دارد که طبق آن فرهنگ به فرد فشار می‌آورد تا با تلاش‌های فردی خودش موفق شود. از سوی دیگر فشار فرهنگی به گونه‌ای است که موفق شدن را نه تنها بدون کمک گرفتن از دیگران از فرد طلب می‌کند، بلکه از همه افراد جامعه از هر نژاد، قومیت یا جنسیتی که باشند

انتظار مؤفقیت دارد؛ این مورد به جهان‌گرایی اشاره دارد. مطابق اصل جهان‌گرایی، ارزش‌ها (فردگرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول) و اهداف (پیشرفت‌گرایی) مشابهی از همه افراد طلب می‌شود. (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱)

مطابق نظر آنها، این فضای ازهم‌گسیخته به این دلیل است که نهادهایی که باید تأکید مفرط بر توفیق اقتصادی را کنترل کنند (مانند خانواده و مدرسه) قدرت خود را از دست داده‌اند و تحت سلطه اهداف اقتصادی قرار گرفته‌اند. آنها برای ضعف این نهادها سه دلیل برمی‌شمارند:

۱- کارکردها و نقش‌های غیراقتصادی ارزش‌زدایی شده‌اند، یعنی کار کردن در دیگر نهادها چون خانواده، مدرسه یا سایر اجتماعات، اولویت کمتری نسبت به توفیق مالی دارد.

۲- زمانی که تعارضی بروز می‌یابد، نقش‌های غیر اقتصادی تحت انقیاد نقش‌های اقتصادی قرار می‌گیرند و برنامه‌ها و مطالبات کاری و مالی بر مطالبات خانوادگی، تحصیلی و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی اولویت دارند.

۳- زبان، استانداردها و هنجارهای اقتصادی حوزه‌های غیر اقتصادی را نیز در بر گرفته‌اند. مثلاً همسر خود را «مدیر» خانواده می‌بیند، گویی که با محیط کاری سروکار دارد. (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱)

با این اوصاف، نهادهای غیر اقتصادی توان تنظیم رفتار افراد را از دست داده‌اند. عمده‌ترین این نهادها خانواده، مدرسه و مذهب هستند و این مسأله می‌تواند به ازهم‌گسیختگی و در نتیجه بالارفتن میزان جرم بینجامد.

### نظریه هافستده درباره تأثیر فرهنگ ملت‌ها بر گستره فساد

هافستده پژوهشگر هالندی طی تحقیقات گسترده‌ای در ۷۲ کشور جهان در زمینه چگونگی رابطه بین فرهنگ ملت‌ها و چگونگی گستره فساد در آنها انجام داده است، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیدایش فساد، فرهنگی و عقیدتی است. فرهنگ عمومی جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر افراد و اجتماع، نقش مهمی در این حوزه دارد.

هم‌اوردطلبی، مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی، نفی فرهنگ قناعت در سازمان و اجتماع از جمله آنهاست. شایان ذکر است که در کشورهایی که به لحاظ سازمان شفافیت بین‌الملل عمدتاً جزء ده کشور سالم جهان هستند (اغلب کشورهای اسکاندیناوی)، سازمان‌های نظارتی کارا، قانون مدار، فرهنگ قناعت و عدم جاه‌طلبی وجود دارد.

در این پژوهش، چهار بعد فرهنگ با نام‌های «فاصله قدرت»، «جمع‌گرایی در برابر فردگرایی»، «عدم جاه‌طلبی در برابر جاه‌طلبی» و «شفافیت» مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه قابل برداشت از مباحث مذکور این است که: «فاصله قدرت» در کشورهای عربی، آمریکای لاتین و فلیپین، زیاد و در کشورهای اسکاندیناوی، سوئیس، انگلیس و آلمان کم است.



«روحیه جاه‌طلبی» در اشکال هم‌اوردطلبی، درآمد بیشتر، شناخته شدن توسط دیگران در جوامعی چون چاپان، ایتالیا، ونزوئلا، مکزیک، اتریش، امریکا و انگلیس ملاحظه می‌شود. در حالی که عدم جاه‌طلبی با مشخصه‌هایی چون رابطه خوب با مدیران، بهبود شرایط زندگی و حفظ امنیت شغلی، بیشتر در کشورهای اسکاندیناوی دیده می‌شود.

پژوهشگر مذکور، نتیجه می‌گیرد که در فرهنگ‌های که فاصله اندک قدرت پذیرفته شده است، میزان مسؤلیت-پذیری مقامات و سیاسیون بسیار زیاد است، در حالی که در جوامعی با فاصله زیاد قدرت، صاحبان قدرت بیشتر به دنبال برقراری نظم و امنیت هستند.

وقتی آستانه تحمل و میزان پذیرش نابرابری اعضای یک جامعه کم باشد، اعضاء در قبول نابرابری مقاومت می‌کنند. این فاصله کم قدرت، موجب افزایش قدرت ملت و عدالت خواهی می‌شود و با تأیید رابطه معنادار و مثبت فاصله کم بر کاهش فساد، عدالت خواهی به عنوان نقش پذیرفته شده آن، اثر متنطاری بر کاهش فساد دارد. همچنین، اگر فرهنگ حاکم متکی بر طرفداری از منافع گروه نباشد و در برخورد با گروه یا افراد خاص رفتار ویژه‌ای نداشته باشد، تبعیض‌گریزی و اجتناب از تبعیض در رفتار اعضاء مشاهده می‌شود. (شمس، ۱۳۹۱).

### فرضیه‌ها

۱. به نظر می‌رسد بین چگونگی ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و گرایش افراد بسوی اقدام به فساد اداری رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد با افزایش حاکمیت ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های اجتماعی، گرایش افراد به سوی اقدام به فساد اداری نیز بیشتر می‌شود.
۳. به نظر می‌رسد با کاهش فرصت‌های دستیابی به هدف در جامعه، گرایش افراد به سوی اقدام به فساد اداری نیز بیشتر می‌شود.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها:

**متغیر وابسته:**

**گرایش و اقدام به فساد در اداره:**

اشاره به وضعیتی دارد که افراد یک جامعه در یک بستر زمانی مشخص و یک شرایط خاص به لحاظ رفتاری گرایش به سوی اقدام به فساد اداری پیدا می‌کنند که متأثر از یک نوع حالت نگرشی و ذهنی خاصی است که در جهت

همهانگ با این‌گونه گرایش است و در نهایت به آن جنبه عملی می‌دهد مانند تمایل و اقدام به رشوه خواری، تبعیض قایل شدن، جهت‌گیری شخصی، سوء استفاده از صلاحیت، وقت‌کشی، اختلاس و....

### متغیرهای مستقل:

**چگونگی ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه:** اشاره به نوعی مجموعه هنجاری جامعه دارد که معیار رفتاری افرادش را تعیین می‌کند و مشخص کننده باید ها و نبایدهای رفتاری در سطح جامعه می باشد. چگونگی وضعیت جامعه به لحاظ سالم بودن یا فاسد بودن، نشانگر چگونگی نوع و حاکمیت ارزشهای معمول در آن می‌باشد. به نظر پارسونز وجود انسان در بین پدیده ها محصور است و ناگزیر دست به گزینش می‌زند و در نتیجه این گزینش‌ها انگیزه بوجود می‌آید و این انگیزه‌ها انسان را به سوی خلق سلوک و رفتار به پیش می‌برند و زمانیکه رفتار خلق شد آنگاه کنش و واکنش ایجاد می‌شوند و تمامی کنش‌ها نیز دارای ماهیت اجتماعی‌اند چونکه همین واقعیت‌ها، پدیده‌ها و هنجارهای اجتماعی است که چگونگی کنش را شکل می‌دهند و هر کنش نیز مرکب از سه چیز است ۱. کنشگر ۲. موقعیت کنش ۳. جهت‌گیری کنش. از همین جاست که پارسونز الگوهای رفتاری را مشخص میکند و معتقد است که هر کنشگر در هر کنش خود با پنج متغیر الگویی مواجه است:

- انتخاب بین عاطفی بودن و رسمی بودن.
- انتخاب بین پراکنده بودن و مختص بودن.
- انتخاب بین خاص گرایی و عام گرایی.
- انتخاب بین معطوف به جمع و معطوف به خود.
- انتخاب بین انتساب و اکتساب.

به عقیده پارسونز، توسط این متغیرهای الگویی می‌توانیم هرگونه رابطه نقشی را توصیف بکنیم. و در نتیجه، پارسونز معتقد است که الگوهای نوع اول متغیرهای الگویی مظهر بعد غیرعقلانی است و الگوهای نوع دوم متغیرهای الگویی مظهر بعد عقلانی است. و بر این اساس دو نوع جامعه شکل می‌گیرد یکی جوامع سنتی که در آن الگوهای نوع اول حاکم است و با پدیده عدم عام‌گرایی رو برو هستیم و دیگری جوامع مدرن که در آن الگوهای نوع دوم حاکم است و با خود پدیده عام‌گرایی رو برو هستیم.

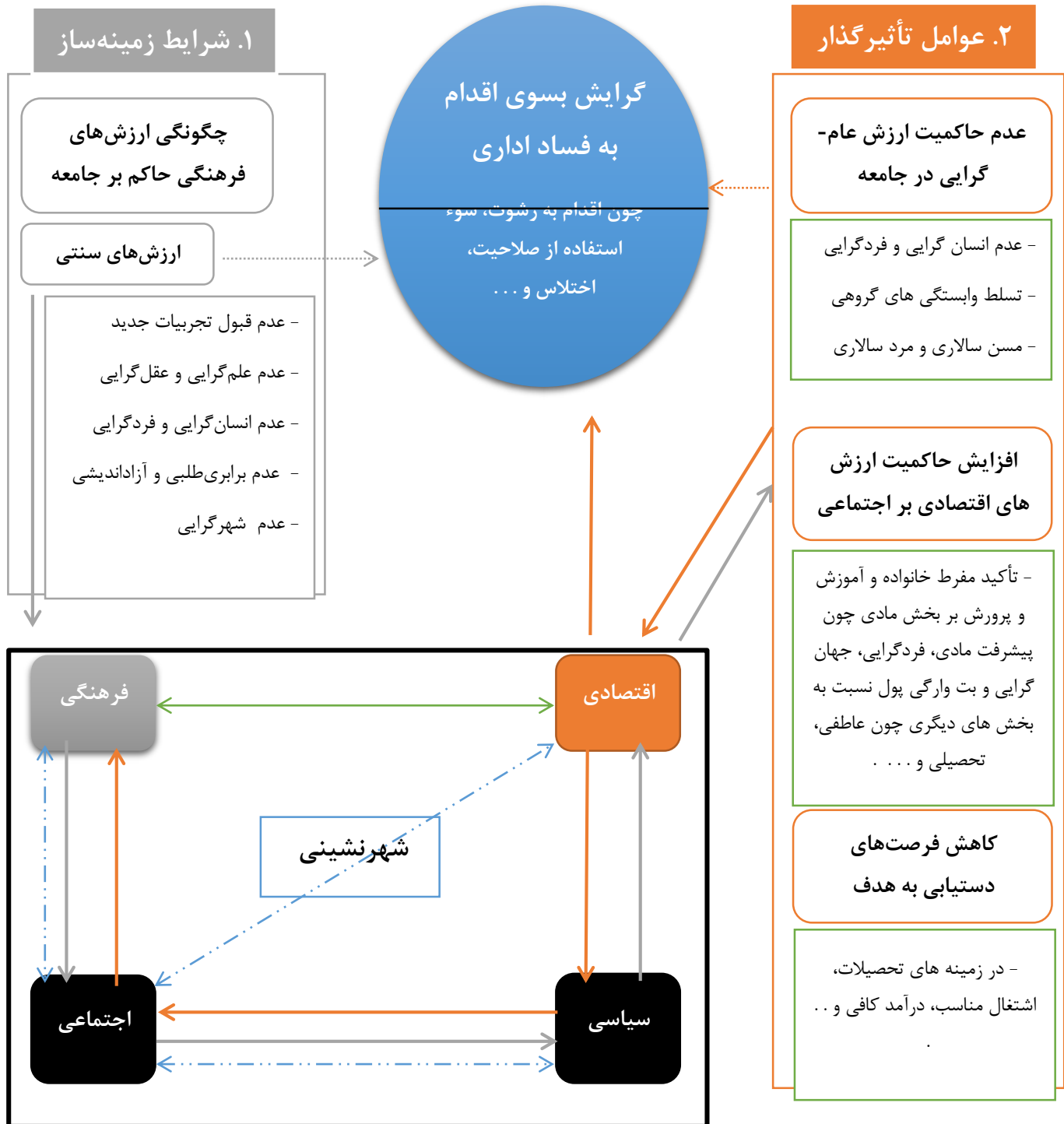
عام‌گرایی اشاره به ارزش‌هایی دارد که به طور نسبی فارغ از محدودیت‌های عاطفی بوده و تأکید بر بهره‌گیری مؤثر از یک چیز دارد و به شایسته‌سالاری در جامعه می‌پردازد، به این معنا که ملاک در گزینش افراد برای موقعیت‌های اجتماعی و سازمان‌دهی سیستم‌های تخصصی، تأمین امکانات و کارایی آن‌ها برای بهبود سیستم اجتماعی می‌باشد نه کشش‌های عاطفی غیرعقلانی. مانند تأکید بر ویژگی‌های شخصی افراد در احراز و کسب پایگاه‌های اجتماعی

نسبت به وابستگی‌های گروهی، نژادی، قومی، جنسیتی و... اما عدم حاکمیت این ارزش اشاره به عکس قضیه دارد یعنی تأکید بر وابستگی‌های گروهی، نژادی، قومی، جنسیتی و... نسبت به ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی افراد در کسب پایگاه‌های اجتماعی.

**افزایش حاکمیت ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های اجتماعی:** اشاره به وضعیتی دارد که در جامعه توازن نهادهای آن برهم خورده و ارزش‌های اقتصادی به سایر نهادهای اقتصادی وارد شده و حالت ازهم‌گسیختگی ایجاد می‌کند و نهادهایی که باید تأکید مفرط بر مؤفقیت مالی را کنترل کنند (خانواده و آموزش و پرورش) تضعیف و خود حامل ارزش‌های اقتصادی می‌شوند. در چنین جوامعی که نهاد اقتصاد مسلط است، ارزش‌های فرهنگی مؤفق شدن به هر وسیله‌ای ممکن را تشویق می‌کنند. چهار ارزش فرهنگی عمده مورد تأکید عبارتند از: «پیشرفت‌گرایی»، «فردگرایی»، «جهان‌گرایی» و «بت‌وارگی پول». در چنین شرایطی برنامه‌ها و مطالبات کاری و مالی بر مطالبات خانوادگی، تحصیلی و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی اولویت می‌یابند.

**کاهش فرصت‌های دستیابی به هدف:** اشاره به وضعیتی دارد که ساخت فرهنگی جامعه افراد را در مقابل اهداف واحدی قرار می‌دهد و همچنان قواعدی را هم برای رسیدن به این اهداف به عنوان قواعد مشروع تعیین می‌کند، اما وسایل مشروع را جهت دستیابی به هدف به طور یکسان در اختیار همه قرار نمی‌دهد. این امر باعث بروز ناکامی و احساس سرخوردگی در میان افراد می‌شود و رفتارهای انحرافی بروز پیدا می‌کنند. به نظر مرتن، ناکامی ناشی از شکاف میان اهداف، ضابطه‌ها، امکانات و فرصت‌ها سبب می‌شود که تعهدات اجتماعی فرد در قبال هدف‌ها و وسایل نهادی شده سست شود و رفتارهای ناپسند در جامعه پدیدار شوند. مانند این که ارزش‌های فرهنگی جامعه افراد را به سوی پیشرفت چون بهبود زندگی تشویق می‌کند و راه مشروع حصول آن را نیز معرفی می‌کند چون درس خواندن، متخصص شدن و کارکردن، اما این راه‌ها در عالم واقع در دسترس همگان بصورت یکسان قرار نمی‌گیرد، بنابراین، افراد در چنین حالتی اقدام به حرکت از راه‌های غیرمشروع چون رشوه‌خواری، سوءاستفاده از صلاحیت، اختلاس و ... می‌کنند.

مدل تحلیلی



## روش تحقیق

### نوع تحقیق

تحقیق کنونی در زمره تحقیقات میدانی می‌باشد که با استفاده از روش پیمایشی یا زمینه‌یابی انجام شده است. از آنجا که روش‌های گوناگون تحقیق با رویکردهای مختلف موجود در زمینه تحقیقات اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارند، منطق تحقیقات اجتماعی ایجاب میکند تا کاربرد آنها (روش‌ها و رویکردها) در زمینه هر تحقیق اجتماعی به صورت هماهنگ صورت بگیرد. در این تحقیق نیز با توجه به رویکرد حاکم بر آن (کمی)، روش پیمایشی بهترین روش ممکن برای مطالعه آن قلمداد شده است.

زمینه‌یابی (پیمایشی)، فرایند پژوهشی است که به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره موضوعاتی از قبیل اینکه مردم چه میدانند، چه فکر میکنند و یا چه رفتاری انجام میدهند مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که در این نوع پژوهش آنچه مورد سنجش قرار می‌گیرد، اظهارات افراد و کارمندان ادارات دولتی در مورد موضوع خاص است نه آنچه واقعاً وجود دارد. هدف اساسی این نوع تحقیق هم توصیف است و هم تبیین (آزاد، ۱۳۹۱).

### جامعه آماری، جمعیت نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق، کارمندان ادارات دولتی شهر هرات بوده که از میان مجموع جامعه آماری که حدود هجده هزار تن میباشد، به تعداد ۴۰۳ تن شان با استفاده از فرمول نمونه‌گیر احتمالی کوکران به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شده و اطلاعات لازم از آنها در مورد موضوع تحقیق گردآوری شده. روش نمونه‌گیری نیز در درجه نخست از نوع احتمالی و در درجه دوم از نوع تصادفی - طبقه‌ای - سهمی بوده است. منطق‌گزینش این روش در این است که اولاً آمار جامعه آماری مشخص بوده است و دوماً به لحاظ گونه‌شناسی ادارات با توجه به ماهیت و محور فعالیت‌شان گونه‌های مختلف ادارات موجود بوده است که همه گونه‌های آن در تحقیق مدنظر بوده است.

### ابزار گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات نیز از ابزار پرسشنامه، به عنوان ابزار معمول و منطبق با رویکرد و روش حاکم در این تحقیق، سود جسته شده است. پرسش‌ها پس از مطالعه تحقیقات انجام شده در مناطق مختلف، و یاری گرفتن از آنها، صورت اولیه آنها در سازگاری با شرایط جامعه آماری تحقیق، تهیه و تدوین گردید و سپس به منظور اطمینان از اینکه ابزار سنجش چه چیزی را می‌سنجد و تا چه اندازه در سنجش موضوع و متغیرهای تحقیق موفق است، تحت عملیات مختلفی چون؛ بررسی روایی - صوری و محتوایی، آزمایش و بررسی میزان پایایی یا اعتبار، قرار گرفت. طوری که برای اطمینان از روایی ابزار سنجش، صورت اولیه آن در اختیار محققین، اساتید دانشگاه،

کارشناسان و جامعه آماری قرار گرفت. و همچنان برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش از روش ارزیابی آلفای کرانباخ استفاده شد. برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق، از طیف لیکرت استفاده شده. اظهار نظر ها و نتایج برگرفته از آزمایش در جامعه آماری، به تدوین صورت نهایی ابزار سنجش تحقیق کنونی انجامیده است. آلفای کرانباخ هر یک از متغیرها در جدول شماره (۱) آمده است. ارقام این جدول بخوبی نشان میدهند که کل طیفها از پایایی مناسب برخوردار می باشند.

جدول شماره (۱): میزان آلفای کرانباخ متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نوع متغیر	تعداد پرسش ها	میزان آلفا
۱. چگونگی ارزشهای حاکم بر جامعه	مستقل	۵	۰,۷۲
۲. افزایش حاکمیت ارزشهای اقتصادی بر ارزشهای اجتماعی	مستقل	۷	۰,۷۴
۳. کاهش فرصت‌های دستیابی به هدف در جامعه	وابسته	۵	۰,۷۷
۴. گرایش افراد به سوی اقدام به فساد	وابسته	۵	۰,۷۵

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل تحقیق کنونی نیز با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است. طوری که در بخش توصیف ویژگی‌های جامعه آماری از روش‌های آمار توصیفی چون محاسبه فراوانی، درصد فراوانی و رتبه درصدی؛ و در بخش تحلیل متغیرها از روش‌های آمار استنباطی نظیری شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، و آزمون‌های همبستگی استفاده شده است.

## یافته‌های تحقیق

## توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی

جدول شماره (۲): متغیرهای جمعیت‌شناختی

جدول شماره ۱ - ۲

متغیر	گزینه‌ها	درصدی
جنسیت	زن	۱۴,۹
	مرد	۸۱,۱
	داده های نامعتبر	۴,۰
	مجموع	۱۰۰,۰
سن	بین ۱۵ تا ۳۰ سال	۳۳,۷
	بین ۳۰ تا ۴۵ سال	۳۵,۵
	بین ۴۵ تا ۶۰ سال	۲۳,۱
	بیشتر از ۶۰ سال	۴,۲
	داده های نامعتبر	۳,۵
	مجموع	۱۰۰,۰
سطح تحصیلات	سواد زیر لیسه	۳,۲
	سواد در حد لیسه	۲۲,۸
	سواد در حد ۱۴	۱۷,۶
	لیسانس	۴۵,۴
	ماستر	۶,۵
	دکتری	۰,۲
	داده های نامعتبر	۴,۲
	مجموع	۱۰۰,۰
حقوق ماهانه	بین ۱۵ تا ۱۵ هزار	۸۱,۴
	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار	۶,۷
	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار	۲,۲
	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار	۱,۰
	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار	۰,۵

۴,۵	بالاتر از ۵۵ هزار	
۳,۷	داده های نامعتبر	
۱۰۰,۰	مجموع	
۴,۷	کمتر از ۱ سال	سابقه کاری
۳۱,۳	بین ۱ تا ۶ سال	
۲۳,۳	بین ۶ تا ۱۱ سال	
۱۰,۲	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	
۲۵,۳	بیشتر از ۱۶ سال	
۵,۲	داده های نامعتبر	
۱۰۰,۰	مجموع	
۱۸,۴	مجرد	حالت مدنی
۷۸,۷	متاهل	
۳,۰	داده های نامعتبر	
۱۰۰,۰	مجموع	
۵,۰	۲ نفر	تعداد اعضای خانواده
۲۰,۸	بین ۲ تا ۴ نفر	
۳۱,۰	بین ۴ تا ۶ نفر	
۳۷,۷	بیشتر از ۶ نفر	
۵,۵	داده های نامعتبر	
۱۰۰,۰	مجموع	
.۵	از بک	ملیت
۲۶,۳	پشتون	
۴۳,۹	تاجیک	
۱,۰	ترکمن	
۲,۰	هزاره	
۱۵,۴	دیگری	
۱۰,۹	داده های نامعتبر	
۱۰۰,۰	مجموع	
۶,۷	رئیس بخش	پست کاری
۹,۴	آمر بخش	



مدیربخش	۴۲,۷
مأمور	۳۵,۲
داده های نامعتبر	۶,۰
مجموع	۱۰۰,۰
سطح درآمد ماهانه به افغانی	بین ۵ تا ۱۵ هزار
	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار
	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار
	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار
	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار
	بالاتر از ۵۵ هزار
داده های نامعتبر	۱۷,۱
مجموع	۱۰۰,۰

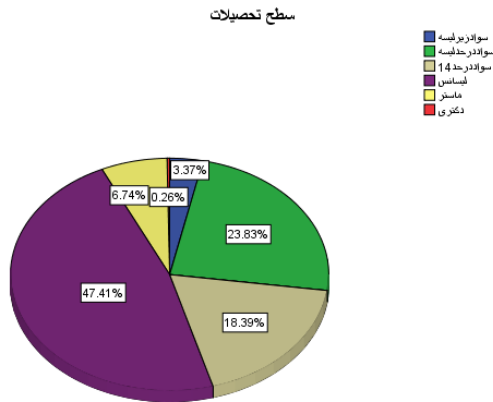
جدول شماره ۲ - ۱ که نشان دهنده بخش عمده متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق می باشد، چندین متغیر را از قبیل جنسیت پاسخ دهنده ها، سن، سطح تحصیلات، حقوق ماهانه، سابقه کاری، حالت مدنی، تعداد اعضای خانواده، ملیت، پست کاری، و سطح درآمد ماهانه را شامل می شود.

طوری که آمارهای جدول نشان می دهد، به لحاظ جنسیت از مجموع داده ها، به رقم ۱۴,۹ درصد پاسخ دهنده ها را زنان تشکیل داده اند، به رقم ۸۱,۱ درصد را مردان تشکیل داده اند و به رقم ۴,۰ درصد دیگر را داده های غیرمعتبر به خود اختصاص داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر جنسیت، این مردان بوده اند که به خود اختصاص داده اند که با توجه به ساختار اداری افغانستان این یک پدیده طبیعی است.

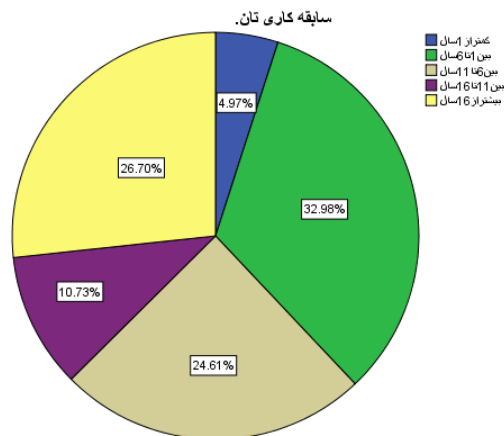
به لحاظ متغیر سن، از مجموع داده ها، به رقم ۳۳,۷ درصد پاسخ دهندگان را کسانی تشکیل داده اند که سن شان بین ۱۵ تا ۳۰ سال بوده است، ۳۵,۵ درصد را اشخاصی دارای سن بین ۳۰ تا ۴۵ سال تشکیل داده اند، ۲۳,۱ درصد را اشخاصی دارای سن بین ۴۵ تا ۶۰ سال تشکیل داده اند و ۳,۵ درصد دیگر را نیز داده های نامعتبر به خود اختصاص داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر سن، کسانی تشکیل داده اند که سن شان بین ۱۵ تا ۴۵ سال بوده است.

به لحاظ متغیر تحصیلات، از مجموع داده ها، به رقم ۳,۲ درصد را کسانی تشکیل داده اند که سوادشان به اندازه کمتر از دوازده بوده است، ۲۲,۸ درصد کسانی بوده اند که سواد شان در حد دوازده بوده است، ۱۷,۶ درصد کسانی

بوده اند که سوادشان در حد چهارده بوده است، ۴۵,۴ درصد کسانی بوده اند که سوادشان در حد لیسانس بوده است، ۶,۵ درصد کسانی بوده اند که سوادشان در حد ماستری بوده است، ۰,۲ درصد کسانی بوده اند که سوادشان در حد دکتری بوده است و ۴,۲ درصد دیگر را نیز داده‌های نامعتبر به خود اختصاص داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر تحصیلات کسانی به خود اختصاص داده اند که سوادشان به ترتیب در حد لیسانس، دوازده و چهارده بوده است.



به لحاظ متغیر حقوق ماهانه، از مجموع داده‌ها، به رقم ۸۱,۴ درصد را شامل کسانی می‌شود که حقوق ماهانه‌شان بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی بوده است، ۶,۷ درصد کسانی بوده اند که حقوق ماهانه‌شان بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی بوده است، ۲,۲ درصد کسانی بوده اند که حقوق ماهانه‌شان بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی بوده است، ۱,۰ درصد کسانی بوده اند که حقوق ماهانه‌شان بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی بوده است، ۰,۵ درصد کسانی بوده اند که حقوق ماهانه‌شان بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی بوده است، ۴,۵ درصد کسانی بوده اند که حقوق ماهانه‌شان بالاتر از ۵۵ هزار افغانی بوده است و به رقم ۳,۷ درصد دیگر را نیز داده‌های نامعتبر به خود اختصاص داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها این است که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر حقوق ماهانه کسانی تشکیل می‌دهد که حقوق ماهانه‌شان بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی بوده است.

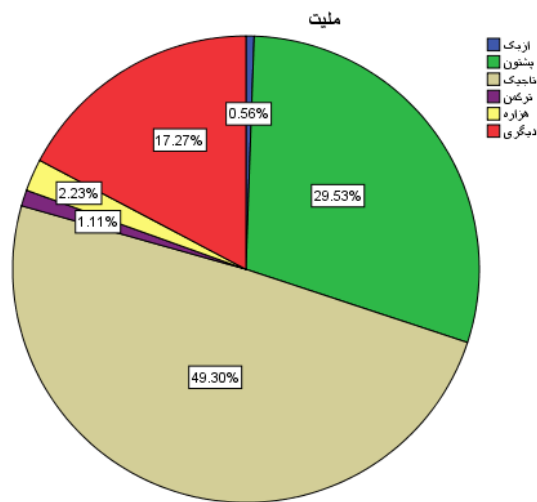


به لحاظ متغیر سابقه کاری، از مجموع داده‌ها، به رقم ۴,۷ درصد را افرادی شامل می‌شود که سابقه کاری‌شان کمتر از یکسال بوده است، ۳۱,۳ درصد کسانی بوده اند که سابقه کاری‌شان بین ۱ تا ۶ سال بوده است، ۲۳,۳ درصد کسانی بوده اند که سابقه کاری‌شان بین ۶ تا ۱۱ سال بوده است، ۱۰,۲ درصد کسانی بوده اند که سابقه کاری‌شان بین ۱۱ تا ۱۶ سال بوده است، ۲۵,۳ درصد کسانی بوده اند که سابقه کاری‌شان بیشتر از ۱۶ سال بوده است و به رقم ۵,۲ درصد

دیگر را نیز داده‌های نامعتبر به خود اختصاص داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر سابقه کاری کسانی تشکیل داده اند که سابقه کاری‌شان به ترتیب بین ۱ تا ۶ سال، بیشتر از ۱۶ سال، بین ۶ تا ۱۱ سال و بین ۱۱ تا ۱۶ سال بوده است.

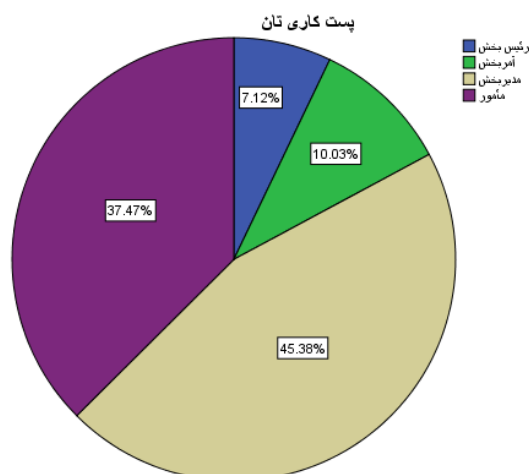
به لحاظ متغیر حالت مدنی، از مجموع داده ها، به رقم ۱۸,۴ درصد پاسخ‌دهندگان مجرد بوده اند، ۷۸,۷ درصد متأهل بوده اند و به رقم ۳,۰ درصد دیگر را نیز داده های نامعتبر تشکیل داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق به لحاظ متغیر حالت مدنی، افراد متأهل بوده اند.

به لحاظ متغیر تعداد اعضای خانواده، از مجموع داده‌ها، به رقم ۵,۰ درصد شامل کسانی بوده است که تعداد اعضای خانواده‌شان ۲ نفر بوده است، ۲۰,۸ درصد تعداد اعضای خانواده‌شان بین ۲ تا ۴ نفر بوده است، ۳۱,۰ درصد اعضای خانواده‌شان بین ۴ تا ۶ درصد بوده است، ۳۷,۷ درصد تعداد اعضای خانواده‌شان بیشتر از ۶ نفر بوده است و به رقم ۵,۵ درصد دیگر را نیز داده‌های نامعتبر تشکیل داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارهای اینست که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق به لحاظ متغیر تعداد اعضای خانواده شامل کسانی بوده است که تعداد اعضای خانواده‌شان بین ۲ تا ۶ نفر بوده است.



به لحاظ متغیر ملیت، از مجموع داده‌ها، به رقم ۰.۵ درصد را ازبک‌ها تشکیل داده اند، ۲۶,۳ درصد را پشتون‌ها، ۴۳,۹ درصد را تاجیک‌ها، ۱,۰ درصد را ترکمن‌ها، ۲,۰ درصد را هزاره‌ها، ۱۵,۴ درصد را افراد وابسته به ملیت‌های کوچک تر به لحاظ تعداد جمعیت، و به رقم ۱۰,۹ درصد دیگر را نیز داده‌های نامعتبر تشکیل داده است. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر ملیت، تاجیک‌ها، پشتون‌ها و افراد وابسته به ملیت‌های کوچک‌تر به لحاظ تعداد جمعیت تشکیل داده است که این امر طبیعی به نظر می‌رسد.

ملیتی در شهر هرات یک امر طبیعی به نظر می‌رسد.



به لحاظ متغیر پست کاری، از مجموع داده‌ها، به رقم ۶,۷ درصد پاسخ‌دهندگان تحقیق را رؤسای بخش‌ها تشکیل داده است، ۹,۴ درصد را آمران بخش‌ها، ۴۲,۷ درصد را مدیران بخش‌ها، ۳۵,۲ درصد را مأموران بخش‌ها تشکیل داده است و به رقم ۶,۰ درصد دیگر را داده‌های نامعتبر تشکیل داده است. نتیجه قابل استنتاج از

این آمارها اینست که بیشترین پاسخ دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر پست کاری کسانی تشکیل داده‌اند که مدیر و مأمور بوده‌اند.

به لحاظ متغیر سطح درآمد ماهانه به افغانی، از مجموع داده‌ها، به رقم ۶۴,۰ درصد پاسخ‌دهندگان را کسانی تشکیل داده‌اند که سطح درآمد ماهانه‌شان بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی بوده است، ۷,۷ درصد درآمد ماهانه‌شان بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی بوده است، ۴,۰ درصد درآمد ماهانه‌شان بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی بوده است، ۱,۰ درصد درآمد ماهانه‌شان بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی بوده است، ۰,۵ درصد درآمد ماهانه‌شان بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی بوده است، ۵,۷ درصد درآمد ماهانه‌شان بالاتر از ۵,۷ درصد بوده است و به رقم ۱۷,۱ درصد دیگر را داده‌های نامعتبر تشکیل داده است که پاسخ‌دهندگان از ارائه پاسخ لازم خودداری کرده‌اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها اینست که بیشترین پاسخ‌دهندگان تحقیق را به لحاظ متغیر سطح درآمد ماهانه به افغانی را کسانی شامل شده است که درآمد ماهانه‌شان بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی بوده است.

#### جدول شماره ۲ - ۲

متغیر	گزینه‌ها	درصدی
نام اداره کاری	ریاست معارف هرات	۱,۲
	ریاست شاروالی هرات	۲,۰
	ریاست کارامور اجتماعی شهدا و معلولین	۱,۲
	مستوفیت هرات	۱,۵
	آمریت عمومی کوچی‌ها	۱,۰
	ریاست صحت عامه	۵,۰
	ریاست اقوام و قبایل	۲,۵
	آمریت ثبت احوال نفوس	۱,۷
	ریاست گمرک	۳,۷
	ریاست امور مهاجرین	۲,۰
	ریاست مبارزه با مواد مخدر	۱,۰
	ریاست موادنفیتی	۲,۰
	امور جوانان	۱,۰
	ریاست سارنوالی	۲,۵

۳,۵	ریاست مالی و اداری ولایت
۵,۲	ریاست هلال احمر
۱,۵	ریاست اقتصاد
۱,۰	رادیو تلویزیون اداره
۱,۷	اداره احصاییه مرکزی
۲,۰	ریاست شهرسازی
۱,۲	ریاست حج و اوقاف
۳,۵	ریاست تجارت و صنایع
۱,۵	ریاست فوائد عامه
۱,۲	آمریت ورزشی
۲,۵	اداره مطبوعه دولتی
۲,۵	ریاست معادن و پترولیوم
۲,۷	ریاست احیا و انکشاف دهات
۲,۵	ریاست امور زنان
۲,۰	ریاست مخابرات
۴,۰	ریاست بانکهای زون غرب
۱,۵	ریاست ترانسپورت
۲,۲	ریاست مبارزه با فساد اداری
۲,۷	ریاست اطلاعات و فرهنگ
۵,۰	ریاست محکمه
۱,۰	ریاست مبارزه با حوادث
۳,۲	ریاست زراعت
۳,۰	ریاست آبرسانی و کانالیزیون
۱,۵	نمایدنگی وزارت خارجه
۲,۰	ریاست حفظ محیط زیست
۴,۵	ریاست حوزه فرعی دریای هریرود
۳,۲	اداره شفاخانه
۱,۷	آمریت نقشه برداری و کادستر
۱,۷	داده‌های نامعتبر
۱۰۰,۰	مجموع

جدول شماره ۲ - ۲ نیز اداره‌های شامل در تحقیق را به همراه میزان سهم‌شان در ارائه اطلاعات به این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع شامل ۴۳ اداره می‌شود و مبنای اختصاص سهمیه به هر کدام در ارائه اطلاعات به تحقیق نیز، منطق میزان کارمندان آنها بوده است که پس از مشخص شدن هر کدام، سهم هر کدام نیز از کلیت ۱۰۰ درصد مشخص گردیده است و از مجموع داده، صرفاً به رقم ۱,۷ درصد داده‌ها حالت نامعتبر را به خود گرفته اند و متباقی همه پاسخگویان اداری که در آن کار می‌کرده اند را مشخص ساخته اند.

### تحلیل رابطه بین متغیرهای تحقیق

همانطوری که در بخش بخش روش تحقیق گفته شد، برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ی لکرت استفاده شده است که از گزینه‌های چون کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم تشکیل شده است. از آنجایی که پراکندگی در اطلاعات در گزینه‌های مختلف طیف یک امر بدیهی به نظر می‌رسد. برای تحلیل اطلاعات در راستای پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق، صرفاً بر اطلاعات گزینه‌های کاملاً موافق و موافق تکیه شده است. منطق چنین گزینشی در این بوده است که اولاً از میان ۴۰۳ تن تعداد جمعیت نمونه، بیشتر از ۵۰ درصد اطلاعات در این دو گزینه تمرکز داشته است و ثانیاً اینکه آوردن جداول بزرگ و طولانی آماری یک امر مشکل و غیرمناسب به نظر می‌رسید.

### الف. بررسی رابطه بین متغیر جنسیت و گرایش به فساد اداری

جدول شماره (۳): نظام جداول چگونگی رابطه بین متغیر جنسیت و گرایش به فساد اداری

جدول شماره ۳ - ۱

مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم						
مجموع		جنسیت				گزینه‌های تحلیلی
		مرد		زن		
۱۰۰,۰	۲۷	۸۱,۵	۵۹	۱۸,۵	۵	موافقم
%		%		%		
۱۰۰,۰	۳۷۱	۸۴,۱	۳۱۲	۱۵,۹	۲۲	کاملاً موافقم
%		%		%		

جدول شماره ۳ - ۱ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم». در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است.

طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۸,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۱,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۹ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۴,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت‌شان را اعلان کرده‌اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان بیشتر مایلند ثروتمند شوند و به شهرت فراوان برسند.

#### جدول شماره ۳ - ۲

اگر عضو خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد.						
مجموع		جنسیت				گزینه‌های تحلیلی
		مرد		زن		
۱۰۰,۰	۳۲	۸۷,۵	۲۸	۱۲,۵%	۴	موافقم
%		%				
۱۰۰,۰	۳۷۹	۸۴,۴	۳۲۰	۱۵,۶%	۵۹	کاملاً موافقم
%		%				

جدول شماره ۳ - ۲ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «اگر اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۲,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۷,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت‌شان را اعلان کرده‌اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان بیشتر مایلند اعضای خانواده‌شان بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده‌شان مورد ستایش قرار گیرند.

جدول شماره ۳ - ۳

در خانواده ما همه تشویق می‌شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند.					
مجموع		جنسیت		گزینه‌های تحلیلی	
		مرد	زن		
۱۰۰,۰	۱۴۹	۸۴,۶	۱۲۶	۱۵,۴	۲۳
%		%		%	
۱۰۰,۰	۳۸۱	۸۴,۳	۳۲۰	۱۵,۷	۶۱
%		%		%	

جدول شماره ۳ - ۳ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «در خانواده ما همه تشویق می‌شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۷ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.



نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان، که متکی به خود بودن به تشویق خانواده‌های مان ربط دارد.

جدول شماره ۳ - ۴

فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت رسمیات در اداره مان باشیم.						
مجموع		جنسیت				گزینه‌های
		مرد		زن		تحلیلی
۱۰۰,۰	۲۱	۷۶,۲	۱۶	۲۳,۸٪	۵	موافقم
%		%				
۱۰۰,۰	۳۷۸	۸۴,۱	۳۱۸	۱۵,۹٪	۶۰	کاملاً موافقم
%		%				

جدول شماره ۳ - ۴ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد « فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره باشیم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۲۳,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۷۶,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۹ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان، که لازم ندستن هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره باشند که این یک نوع فساد اداری در شهر هرات شمرده می‌شود.

## جدول شماره ۳ - ۵

فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره به خاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاوریم.						
مجموع		جنسیت				گزینه‌های تحلیلی
		مرد		زن		
۱۰۰,۰٪	۶	۱۰۰,۰٪	۶	۰,۰٪	۰	موافقم
۱۰۰,۰٪	۳۷۷	۸۴,۶٪	۳۱۹	۱۵,۴٪	۵۸	کاملاً موافقم

جدول شماره ۳ - ۵ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاورم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۰۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۴ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۴,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت‌شان را اعلان کرده‌اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان است که لازم نمی‌دانند به خاطر کارهای مردم در اداره بالای خود زیاد فشار بیاورند.

## جدول شماره ۳ - ۶

تلاش می‌کنم با وجود همه موانع، خانواده‌ام در آرامش کامل زندگی کنند.						
مجموع		جنسیت				گزینه‌های تحلیلی
		مرد		زن		
۱۰۰,۰٪	۱۱۸	۸۴,۷٪	۱۰۰	۱۵,۳٪	۱۸	موافقم
۱۰۰,۰٪		۸۴,۷٪		۱۵,۳٪		

کاملاً موافقم	۶۰	۱۵,۷	۳۲۲	۸۴,۳	۳۸۲	۱۰۰,۰
		%		%		%

جدول شماره ۳ - ۶ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «تلاش می‌کنم با وجود همه موانع، خانواده‌ام در آرامش کامل زندگی کنند».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۴,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۷ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده‌اند و به تعداد ۸۴,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده‌اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده‌اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان است که با وجود هر موانع تلاش می‌کنند که خانواده‌شان در آرامش کامل زندگی کنند و حتی ممکن است دست به هر کاری حتی فساد بزنند.

جدول شماره ۳ - ۷

تلاش می‌کنم از روش‌های مختلف پول درآورم تا به مدارج بالای تحصیلی و شغلی برسم.						
گزینه‌های تحلیلی	جنسیت					مجموع
	زن		مرد			
موافقم	۱۹	۸,۰%	۷۱	۹۲,۰	۹۰	۴۰۳
		%		%		%
کاملاً موافقم	۵۹	۱۵,۸	۳۱۹	۸۴,۲	۳۷۸	۱۰۰,۰
		%		%		%

جدول شماره ۳ - ۷ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می پردازد «در هر صورت تلاش می‌کنم با وجود موانع و محدودیت‌ها، از روش ممکن برای موفق شدن و ارتقاء شغلی‌ام استفاده کنم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۸,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۱,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۴ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت‌شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان، برای اینکه به ارتقای شغلی خود برسند از روش‌های تقلبی ممکن استفاده کنند که این یک نوع فساد به شمار می‌رود.

جدول شماره ۳ - ۸

با تمام توان تلاش می‌کنم تا از طریق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشم تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنم.					
گزینه های تحلیلی	جنسیت				مجموع
	مرد		زن		
موافقم	۸	۲۳,۵ %	۲۶	۷۶,۵ %	۳۴ ۱۰۰,۰%
کاملاً موافقم	۶۰	۱۵,۷ %	۳۲۳	۸۴,۳ %	۳۸۳ ۱۰۰,۰%

جدول شماره ۳ - ۸ بر مبنای متغیر «جنسیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «با تمام توان تلاش می‌کنم تا از طریق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشم تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۲۳,۵ درصد اطلاعات را کسانی

ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۷۶,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند. و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۵,۷ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «زن» بوده اند و به تعداد ۸۴,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ متغیر جنسیت «مرد» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مردان، برای بهبود بخشیدن وضعیت اقتصادی خود اقدام به فساد اداری می‌کنند.

#### ب) بررسی رابطه بین ملیت و گرایش به فساد اداری

جدول شماره (۴): نظام جداول چگونگی رابطه بین متغیر ملیت و گرایش به فساد اداری

جدول شماره ۴ - ۱

اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره‌یی که من کار می‌کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش میکنم ابتداکارهای او خلاص شود.								
مجموع		ملیت						گزینه‌های
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۱۳	۱۵,۴٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۵۳,۸٪	۳۰,۸٪	۰,۰٪	موافقم
%								
۱۰۰,۰	۳۴۷	۱۷,۰٪	۲,۳٪	۱,۲٪	۵۰,۴٪	۲۸,۵٪	۰,۶٪	کاملاً موافقم
%								

جدول شماره ۴ - ۱ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره‌یی که من کار می‌کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش می‌کنم ابتدا کارهای او خلاص شود».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۳۰,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۳,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت

«تاجیک» بوده اند و به تعداد ۱۵,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۸,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۰,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۲ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد به اقدام به فساد اداری در شهر هرات می باشد.

رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده ما یک ارزش اساسی محسوب میشود.								
مجموع		ملیت						گزینه های
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۱۰	۲۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۶۰,۰٪	۲۰,۰٪	۰,۰٪	موافقم
%								
۱۰۰,۰	۳۴۷	۱۷,۰٪	۲,۳٪	۱,۲٪	۴۹,۹٪	۲۹,۴٪	۰,۳٪	کاملاً موافقم
%								

جدول شماره ۴ - ۲ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می پردازد «رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده ما یک ارزش اساسی محسوب میشود».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۲۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۶۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند و به تعداد ۲۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۰,۳ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده‌اند، به تعداد ۲۹,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده‌اند، به تعداد ۴۹,۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده‌اند، به تعداد ۱,۲ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده‌اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده‌اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت‌های دیگر» بوده‌اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت‌شان را اعلان کرده‌اند و این نشانگر تمایل افراد برای رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده‌شان یک ارزش اساسی محسوب می‌شود، می‌باشد.

## جدول شماره ۴ - ۳

مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم								
مجموع		ملیت						گزینه‌های
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۲۴	۱۶,۷٪	۴,۲٪	۰,۰٪	۵۴,۲٪	۲۵,۰٪	۰,۰٪	موافقم
%								
۱۰۰,۰	۳۴۵	۱۶,۸٪	۲,۳٪	۱,۲٪	۴۹,۶٪	۲۹,۶٪	۰,۶٪	کاملاً موافقم
%								

جدول شماره ۴ - ۳ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۲۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده‌اند، به تعداد ۵۴,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده‌اند، به تعداد ۴,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده‌اند و به تعداد ۱۶,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت‌های دیگر» بوده‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده‌اند، به تعداد ۲۹,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه

کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۲ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۶,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد به اقدام به فساد اداری در شهر هرات میباشد به خاطر ثروتمند شدن ممکن دست به هر کاری بزنند، می باشد.

## جدول شماره ۴ - ۴

اگر عضو خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می گیرد.								
گزینه های تحلیلی	ملیت						مجموع	
	ازبک	پشتون	تاجیک	ترکمن	هزاره	دیگری		
موافقم	۰,۰٪	۲۸,۶٪	۵۳,۶٪	۰,۰٪	۳,۶٪	۱۴,۳٪	۲۸	۴۰۳
کاملا موافقم	۰,۶٪	۲۹,۳٪	۴۹,۰٪	۱,۱٪	۲,۳٪	۱۷,۷٪	۳۵۱	۱۰۰,۰٪

جدول شماره ۴ - ۴ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می پردازد «اگر اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می گیرد».

در تفسیر این جدول صرفا به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملا موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۲۸,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۳,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۳,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و به تعداد ۱۴,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. و همچنان آمارهای گزینه کاملا موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۹,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ



ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد برای رسیدن یکی از اعضای خانواده به ثروت و قدرت که مورد ستایش دیگر از اعضای خانواده قرار می گیرد، می باشد.

جدول شماره ۴ - ۵

در خانواده ما همه تشویق می شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند							
ملیت							گزینه های
مجموع	دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۴۰۳							
۱۰۰,۰ %	۱۳۶	۱۶,۲%	۱,۵%	۱,۵%	۴۶,۳%	۳۳,۸%	۰,۷%
۱۰۰,۰ %	۳۵۱	۱۷,۱%	۲,۳%	۱,۱%	۴۹,۰%	۲۹,۹%	۰,۶%

جدول شماره ۴ - ۵ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می پردازد «در خانواده ما همه تشویق می شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند».

در تفسیر این جدول صرفا به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاموافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۰,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۳۳,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۶,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۱,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و به تعداد ۱۶,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاموافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۹,۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ

ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد به تشویق خانواده شان بر می گردد که باید بتوانند متکی به خود باشند، می باشد.

## جدول شماره ۴ - ۶

فکر نمی کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت رسمیات در اداره مان باشیم.								
مجموع		ملیت					گزینه های	
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۲۰	۱۰,۰٪	۰,۰٪	۵,۰٪	۵۰,۰٪	۳۵,۰٪	۰,۰٪	موافقم
%								
۱۰۰,۰	۳۵۲	۱۷,۶٪	۲,۳٪	۱,۱٪	۴۹,۴٪	۲۹,۰٪	۰,۶٪	کاملا موافقم
%								

جدول شماره ۴ - ۶ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می پردازد «فکر نمی کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت رسمیات در اداره مان باشیم».

در تفسیر این جدول صرفا به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاموافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۳۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند و به تعداد ۱۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. و همچنان آمارهای گزینه کاملا موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده

اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد به سر ساعت نرسیدن به اداره است که این هم یک نوع اقدام به فساد اداری می باشد.

جدول شماره ۴ - ۷

فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره به خاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاوریم								
مجموع		ملیت						گزینه‌های
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۴	۰,۰٪	۰,۰	۰,۰٪	۵۰,۰	۵۰,۰	۰,۰	موافقم
%			%		%	%	%	
۱۰۰,۰	۳۴۹	۱۷,۵	۲,۳	۱,۱٪	۴۹,۳	۲۹,۲	۰,۶٪	کاملاً موافقم
%		%	%		%	%		

جدول شماره ۴ - ۷ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می‌پردازد «فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاوریم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۵۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۹,۲ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد به اقدام به فساد اداری در شهر هرات می باشد.

## جدول شماره ۴ - ۸

فکر می‌کنم بسیار خوب است که نزدیک‌های ظهر به خاطر صرف راحت‌تر غذا و ادای بهتر نماز ظهر کار را تعطیل کنیم.								
مجموع		ملیت						گزینه‌های
۴۰۳		دیگری	هزاره	ترکمن	تاجیک	پشتون	ازبک	تحلیلی
۱۰۰,۰	۹	۱۱,۱	۰,۰	۰,۰٪	۵۵,۶	۳۳,۳	۰,۰	موافقم
%		%	%		%	%	%	
۱۰۰,۰	۳۵۴	۱۷,۵	۲,۳	۱,۱٪	۴۹,۴	۲۹,۱	۰,۶	کاملاً موافقم
%		%	%		%	%	%	

جدول شماره ۴ - ۸ بر مبنای متغیر «ملیت» به بررسی این سوال می پردازد «فکر می‌کنم بسیار خوب است که نزدیک های ظهر به خاطر صرف راحت تر غذا و ادای بهتر نماز ظهر کار را تعطیل کنیم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۳۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۵۵,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند و به تعداد ۱۱,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند و به تعداد ۱۱,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۰,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ازبک» بوده اند، به تعداد ۲۹,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «پشتون» بوده اند، به تعداد ۴۹,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «تاجیک» بوده اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «ترکمن» بوده اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «هزاره» بوده اند و در نهایت نیز به تعداد ۱۷,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ ملیت «مربوط به ملیت های دیگر» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد برای داشتن صرف غذای راحت تر و ادای نماز ظهر کار را تعطیل کنند، می باشد.

### ج) بررسی رابطه بین پست کاری و اقدام به فساد اداری

جدول شماره (۵): نظام جداول چگونگی رابطه بین متغیر پست کاری و گرایش به فساد اداری

جدول شماره ۵ - ۱

اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره که من کار می کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش میکنم ابتدا کارهای او خلاص شود						
مجموع		پست های کاری				گزینه های تحلیلی
		مأمور بخش	مدیر بخش	آمر بخش	رئیس بخش	
۱۰۰,۰ %	۱۷	۵۲,۹%	۴۷,۱%	۰,۰%	۰,۰%	موافقم
۱۰۰,۰ %	۳۶۸	۳۷,۸%	۴۴,۸%	۱۰,۳%	۷,۱%	کاملاً موافقم

جدول شماره ۵ - ۱ بر مبنای متغیر «پست کاری» به بررسی این سوال می پردازد «اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره ای که من کار می کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش می کنم ابتدا کارهای او خلاص شود».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۴۷,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مدیربخش» بوده اند، به تعداد ۵۲,۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مأمور بخش» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۷,۱ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «رئیس بخش» بوده اند، به تعداد ۱۰,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «آمر بخش» بوده اند، به تعداد ۴۴,۸ فیصد اطلاعات را کسانی

ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مدیر بخش» بوده اند، به تعداد ۳۷,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مامور بخش» بوده اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مأمور بخش و مدیر بخش به اقدام به فساد اداری در شهر هرات می باشد.

جدول شماره ۵ - ۲

رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده ما یک ارزش اساسی محسوب میشود.						
گزینه های تحلیلی	پست های کاری					مجموع
	رئیس بخش	آمر بخش	مدیر بخش	مأمور بخش		
موافقم	۰,۰٪	۰,۰٪	۴۰,۰٪	۶۰,۰٪	۱۰	۱۰۰,۰٪
کاملاً موافقم	۷,۴٪	۱۰,۴٪	۴۵,۲٪	۳۷,۱٪	۳۶۷	۱۰۰,۰٪

جدول شماره ۵ - ۲ بر مبنای متغیر «پست کاری» به بررسی این سوال می پردازد «رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده ما یک ارزش اساسی محسوب میشود».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۴۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مدیربخش» بوده اند، به تعداد ۶۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مامور بخش» بوده اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۷,۴ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «ریس بخش» بوده اند، به تعداد ۱۰,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «آمر بخش» بوده اند، به تعداد ۴۵,۲ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مدیر بخش» بوده اند، به تعداد ۳۷,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ پست کاری «مامور بخش» بوده اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند و این نشانگر تمایل افراد بخصوص مأمور بخش و مدیر بخش به اقدام به فساد اداری در شهر هرات می باشد.

#### د) بررسی رابطه بین حقوق ماهانه و گرایش به فساد اداری

جدول شماره (۶): نظام جداول چگونگی رابطه بین متغیر حقوق ماهانه و گرایش به فساد اداری

جدول شماره ۶ - ۱

اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره‌یی که من کار می‌کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش میکنم ابتداکارهای او خلاص شود.								
مجموع		حقوق ماهانه						گزینه‌های
		بالاتر از	بین ۴۵	بین ۳۵	بین ۲۵	بین ۱۵	بین ۵ تا	تحلیلی
۴۰۳		بالاتر از ۵۵ هزار افغانی	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی	بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی	
۱۰۰,۰٪	۱۸	۵,۶٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۱۶,۷٪	۷۷,۸٪	موافقم
۱۰۰,۰٪	۳۷۶	۴,۸٪	۰,۵٪	۱,۱٪	۲,۴٪	۷,۳٪	۸۴,۰٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۶ - ۱ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می‌پردازد «اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره‌یی که من کار می‌کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش میکنم ابتدا کارهای او خلاص شود».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوریکه آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۸,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۳,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند و به تعداد ۵۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۴,۷ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۶,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزاره» داشته اند و در نهایت نیز به تعداد ۴,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالا تر از ۵۵ هزار» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند که حقوق شان بین ۵ تا ۱۵ هزار و ۱۵ تا ۲۵ هزار می‌باشد که اگر کار یکی از خویشاوندان شان در اداره‌یی که کار می‌کنند نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش میکنند ابتداکارهای او خلاص شود.

## جدول شماره ۶ - ۲

اگر عضو خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد.								
مجموع		حقوق ماهانه					گزینه‌های تحلیلی	
۴۰۳		بالاتر از ۵۵ هزار افغانی	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی	بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی	
۱۰۰,۰	۳۲	۳,۱٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۶,۳٪	۹۰,۶٪	موافقم
%								
۱۰۰,۰	۳۸۱	۴,۷٪	۰,۵٪	۱,۰٪	۲,۴٪	۷,۱٪	۸۴,۳٪	کاملاً موافقم
%								

جدول شماره ۶ - ۲ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می‌پردازد «اگر اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد».



در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۹۰,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته‌اند، به تعداد ۶,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته‌اند و به تعداد ۳,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته‌اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۴,۳ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته‌اند، به تعداد ۷,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته‌اند، به تعداد ۲,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته‌اند، به تعداد ۱,۰ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته‌اند، به تعداد ۰,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزار» داشته‌اند و در نهایت نیز به تعداد ۴,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده‌اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته‌اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده‌اند که حقوق شان بین ۵ تا ۱۵ هزار و ۱۵ تا ۲۵ هزار می‌باشد اگر به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کنند از طرف اکثریت اعضای خانواده شان مورد ستایش قرار می‌گیرند.

### جدول شماره ۶ - ۳

در خانواده ما همه تشویق می‌شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند.								
مجموع		حقوق ماهانه						گزینه‌های تحلیلی
۴۰۳		بالاتر از ۵۵ هزار افغانی	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی	بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی	
۱۰۰,۰٪	۱۵۰	۴,۷٪	۰,۷٪	۲,۰٪	۱,۳٪	۵,۳٪	۸۶,۰٪	موافقم
۱۰۰,۰٪	۳۸۰	۴,۷٪	۰,۵٪	۱,۱٪	۲,۴٪	۷,۱٪	۸۴,۳٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۶ - ۳ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می‌پردازد «فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاوریم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۰۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۴,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۶,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۱,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزار» داشته اند و در نهایت نیز به تعداد ۴,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند که حقوق شان بیشتر بین ۵ تا ۱۵ هزار است که لازم نمی‌دانند در اداره به خاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاورند این هم یک نوع اقدام به فساد اداری در شهر هرات می‌باشد.

جدول شماره ۶ - ۴

تلاش می‌کنم با وجود همه موانع، خانواده‌ام در آرامش کامل زندگی کنند							
گزینه‌های تحلیلی	حقوق ماهانه						مجموع
	بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی	بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی	بین ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی	بین ۳۵ تا ۴۵ هزار افغانی	بین ۴۵ تا ۵۵ هزار افغانی	بالاتر از ۵۵ هزار افغانی	
موافقم	۸۷,۹٪	۵,۲٪	۲,۶٪	۰,۹٪	۰,۹٪	۲,۶٪	۱۱۶
کاملاً موافقم	۸۴,۳٪	۷,۰٪	۲,۳٪	۱,۰٪	۰,۵٪	۴,۷٪	۳۸۳
							۱۰۰,۰٪

جدول شماره ۶ - ۴ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می‌پردازد «تلاش می‌کنم با وجود همه موانع، خانواده‌ام در آرامش کامل زندگی کنند».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۷٫۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۵٫۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲٫۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰٫۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰٫۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵» داشته اند و به تعداد ۲٫۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۴٫۳ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲٫۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰٫۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزار» داشته اند و در نهایت نیز به تعداد ۴٫۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند. نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند که حقوق شان بین ۵ تا ۱۵ هزار و ۱۵ تا ۲۵ هزار می باشد برای اینکه خانواده شان در آرامش کامل زندگی کنند با وجود هر نوع موانع تلاش می‌کنند ممکن دست به هر کاری حتی فساد اداری بزنند.

#### جدول شماره ۶ - ۵

در هر صورت تلاش می‌کنم با وجود موانع و محدودیت‌ها، از روش ممکن برای مؤفق شدن و ارتقای شغلی- ام استفاده کنم.						
گزینه‌های	حقوق ماهانه					
تحلیلی	بین ۵ تا	بین ۱۵ تا	بین ۲۵ تا	بین ۳۵ تا	بین ۴۵ تا	بالاتر از ۴۰۳
	۱۵ هزار	۲۵ هزار	۳۵ هزار	۴۵ هزار	۵۵ هزار	۵۵ هزار
	افغانی	افغانی	افغانی	افغانی	افغانی	افغانی

موافقم	۸۸,۶	۵,۷٪	۱,۴٪	۱,۴٪	۰,۰٪	۲,۹٪	۷۰	۱۰۰,۰
%	%	%	%	%	%	%	%	%
کاملاً موافقم	۸۴,۶	۶,۸٪	۲,۳٪	۱,۰٪	۰,۵٪	۴,۷٪	۳۸۴	۱۰۰,۰
%	%	%	%	%	%	%	%	%

جدول شماره ۶ - ۵ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می پردازد «در هر صورت تلاش می کنم با وجود موانع و محدودیت ها، از روش ممکن برای موفق شدن و ارتقای شغلی ام استفاده کنم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۸۸,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۵,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، ۱,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۱,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند و به تعداد ۴,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۸۴,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۶,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزار» داشته اند و در نهایت نیز به تعداد ۴,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند که حقوق شان بیشتر بین ۵ تا ۱۵ هزار است برای اینکه به موفقیت و ارتقای شغلی برسند با وجود هر نوع موانع تلاش می کنند حتی ممکن دست به فساد اداری بزنند.

جدول شماره ۶ - ۶

با تمام توان تلاش می‌کنم تا از طریق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشم تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنم.								
مجموع		حقوق ماهانه						گزینه‌های
		بالاتر از	بین ۴۵ تا	بین ۳۵ تا	بین ۲۵ تا	بین ۱۵ تا	بین ۵ تا	تحلیلی
۴۰۳		۵۵ هزار افغانی	۵۵ هزار افغانی	۴۵ هزار افغانی	۳۵ هزار افغانی	۲۵ هزار افغانی	۱۵ هزار افغانی	
۱۰۰,۰ %	۳۵	۵,۷٪	۰,۰٪	۲,۹٪	۰,۰٪	۲,۹٪	۸۸,۶٪	موافقم
۱۰۰,۰ %	۳۸۴	۴,۷٪	۰,۵٪	۱,۰٪	۲,۳٪	۷,۰٪	۸۴,۴٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۶-۶ بر مبنای متغیر «حقوق ماهانه» به بررسی این سوال می‌پردازد «با تمام توان تلاش می‌کنم تا از طریق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشم تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند و به تعداد ۵,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸۴,۴ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۵ تا ۱۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۱۵ تا ۲۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۲,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۲۵ تا ۳۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۳۵ تا ۴۵ هزار» داشته اند، به تعداد ۰,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بین ۴۵ تا ۵۵ هزار» داشته اند و در نهایت نیز به تعداد ۴,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ حقوق ماهانه «بالاتر از ۵۵ هزار» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند که حقوق شان بیشتر بین ۵ تا ۱۵ هزار است با تمام توان

تلاش می‌کنند تا از طریق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنند ممکن دست به فساد اداری هم بزنند.

#### ه) بررسی رابطه بین سابقه کاری و گرایش به فساد اداری

جدول شماره (۷): نظام جداول چگونگی رابطه بین متغیر سابقه کاری و گرایش به فساد اداری

جدول شماره ۷ - ۱

مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم.						
گزینه‌های تحلیلی	سابقه کاری					مجموع
	کمتر از ۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بیشتر از ۱۶ سال	
موافقم	۰,۰٪	۴۸,۱٪	۲۲,۲٪	۱۴,۸٪	۱۴,۸٪	۲۷
کاملاً موافقم	۴,۹٪	۳۳,۳٪	۲۴,۳٪	۱۰,۹٪	۲۶,۵٪	۳۶۶
	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۴۰۳

جدول شماره ۷ - ۱ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می‌پردازد «مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۴۸,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۲,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۴,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۴,۸ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۴,۹ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۰,۹ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان بین ۱ تا ۶ سال بوده است مایلند که ثروتمند شوند و به شهرت فراوان برسند.

## جدول شماره ۷ - ۲

اگر عضو خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد.							
مجموع		سابقه کاری				گزینه‌های تحلیلی	
۴۰۳		بیشتر از ۱۶ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	کمتر از ۱ سال	
۱۰۰,۰ %	۳۲	۱۲,۵٪	۱۵,۶٪	۱۵,۶٪	۵۰,۰٪	۶,۳٪	موافقم
۱۰۰,۰ %	۳۷۵	۲۶,۷٪	۱۰,۷٪	۲۴,۵٪	۳۳,۳٪	۴,۸٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۷ - ۲ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می‌پردازد «اگر اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می‌گیرد».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۶,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از یک سال» داشته اند، به تعداد ۵۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۵,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۵,۶ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۲,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۴,۸ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۵ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۰,۷ فیصد

اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند. نتیجه قابل استنتاج ازین آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان بین ۱ تا ۶ سال و بین ۱۱ تا ۱۶ سال داشته اند اگر اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کنند از طرف اعضای خانواده مورد ستایش قرار می گیرند.

جدول شماره ۷ - ۳

در خانواده ما همه تشویق می شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند.							
مجموع		سابقه کاری					گزینه های تحلیلی
۴۰۳		بیشتر از ۱۶ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	کمتر از ۱ سال	
۱۰۰,۰ %	۱۴۸	۲۵,۷%	۱۳,۵%	۲۳,۰%	۳۲,۴%	۵,۴%	موافقم
۱۰۰,۰ %	۳۷۴	۲۶,۵%	۱۱,۰%	۲۴,۳%	۳۳,۴%	۴,۸%	کاملاً موافقم

جدول شماره ۷ - ۳ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می پردازد «در خانواده ما همه تشویق می شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۵,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از یک سال» داشته اند، به تعداد ۳۲,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۳,۴ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۳,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۵,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده ها، به تعداد ۴,۸ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۳ فیصد



اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۳ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند. نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان بین ۱ تا ۶ سال، بین ۱۱ تا ۱۶ سال و بیشتر از ۱۶ سال داشته اند که متکی به خود بودن را از اثر تشویق خانواده شان می‌دانند.

## جدول شماره ۷ - ۴

فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره‌مان باشیم.							
مجموع		سابقه کاری					گزینه‌های تحلیلی
		بیشتر از ۱۶ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	کمتر از ۱ سال	
۱۰۰,۰ %	۲۱	۱۹,۰٪	۹,۵٪	۱۹,۰٪	۳۸,۱٪	۱۴,۳٪	موافقم
۱۰۰,۰ %	۳۷۴	۲۶,۲٪	۱۱,۰٪	۲۴,۶٪	۳۳,۴٪	۴,۸٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۷ - ۴ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می‌پردازد «فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره باشیم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۴,۳ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از یک سال» داشته اند، به تعداد ۳۸,۱ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۹,۵ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۴,۸ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۴ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۶ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۲ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان ۱ تا ۶ سال، بین ۱۱ تا ۱۶ سال و بیشتر از ۱۶ سال داشته اند لازم نمی‌دانند که هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره خود باشند این یک نوع اقدام به فساد اداری در شهر هرات می‌باشد.

## جدول شماره ۷ - ۵

فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره به خاطر کارهای مردم بالای خود فشار بیآوریم							گزینه‌های تحلیلی
مجموع		سابقه کاری					
۴۰۳		بیشتر از ۱۶ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	کمتر از ۱ سال	
۱۰۰,۰٪	۶	۱۶,۷٪	۱۶,۷٪	۰,۰٪	۵۰,۰٪	۱۶,۷٪	موافقم
۱۰۰,۰٪	۳۷۲	۲۶,۹٪	۱۰,۸٪	۲۴,۷٪	۳۳,۱٪	۴,۶٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۷ - ۵ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می‌پردازد «فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاریم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۱۶,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از یک سال» داشته اند، به تعداد ۵۰ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۶,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۹ درصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۱۶,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۴,۶ فیصد از اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۱ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۷ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۰,۸ فیصد اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۹ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان ۱ تا ۶ سال، بین ۱۱ تا ۱۶ سال و بیشتر از ۱۶ سال داشته اند لازم نمی‌دانند در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاورند این یک نوع اقدام به فساد اداری در شهر هرات می‌باشد.

## جدول شماره ۷ - ۶

در هر صورت تلاش می‌کنم با وجود موانع و محدودیت‌ها، از هر روش ممکن برای موفق شدن و ارتقای شغلی‌ام استفاده کنم.							
مجموع		سابقه کاری					گزینه‌های
۴۰۳		بیشتر از ۱۶ سال	بین ۱۱ تا ۱۶ سال	بین ۶ تا ۱۱ سال	بین ۱ تا ۶ سال	کمتر از ۱ سال	تحلیلی
۱۰۰,۰٪	۶۹	۱۸,۸٪	۸,۷٪	۲۷,۵٪	۳۶,۲٪	۸,۷٪	موافقم
۱۰۰,۰٪	۳۷۸	۲۶,۲٪	۱۰,۸٪	۲۴,۶٪	۳۳,۳٪	۵,۰٪	کاملاً موافقم

جدول شماره ۷ - ۶ بر مبنای متغیر «سابقه کاری» به بررسی این سوال می‌پردازد «در هر صورت تلاش می‌کنم با وجود موانع و محدودیت‌ها، از روش ممکن برای موفق شدن و ارتقای شغلی‌ام استفاده کنم».

در تفسیر این جدول صرفاً به تفسیر آمارهای گزینه‌های موافق و کاملاً موافق پرداخته شده است. طوری که آمارهای گزینه موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۸,۷ درصد اطلاعات را کسانی ارایه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از یک سال» داشته اند، به تعداد ۳۶,۲ درصد اطلاعات را کسانی

ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۷,۵ درصد اطلاعات را کسانی  
 رایبه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۸,۷ درصد اطلاعات را کسانی  
 رایبه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند، به تعداد ۱۸,۸ درصد اطلاعات را کسانی  
 رایبه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

و همچنان آمارهای گزینه کاملاً موافق نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۰ درصد کل داده‌ها، به تعداد ۵۰ فیصد از  
 اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «کمتر از ۱ سال» داشته اند، به تعداد ۳۳,۳ فیصد  
 اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱ تا ۶ سال» داشته اند، به تعداد ۲۴,۶ فیصد  
 اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۶ تا ۱۱ سال» داشته اند، به تعداد ۱۰,۸ فیصد  
 اطلاعات را کسانی ارائه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بین ۱۱ تا ۱۶ سال» داشته اند و به تعداد ۲۶,۲ درصد  
 اطلاعات را کسانی رایبه کرده اند که به لحاظ سابقه کاری «بیشتر از ۱۶ سال» داشته اند.

نتیجه قابل استنتاج از این آمارها در مورد جامعه آماری گویای این واقعیت است که فیصدی زیادی از افراد نمونه  
 با سوال مورد سنجش موافقت شان را اعلان کرده اند بیشتر افراد که سابقه کاری شان ۱ تا ۶ سال، بین ۱۱ تا ۱۶  
 سال و بیشتر از ۱۶ سال داشته اند در هر صورت برای رسیدن به موفق شدن و ارتقاء شغلی شان دست به هر  
 کاری که لازم باشد بزنند حتی ممکن اقدام به فساد اداری کنند.

## نتیجه‌گیری

تحقیق کنونی که به تحلیل و بررسی چگونگی رابطه بین زمینه‌ها و ارزش‌های فرهنگی شهر هرات با فساد اداری پرداخته است، در آن به سنجش نقش و میزان تأثیرگذاری سه متغیر نظری به عنوان متغیرهای مستقل بالای متغیر وابسته یعنی گرایش به اقدام به فساد اداری پرداخته شده است که طبق نتایج بدست آمده از داده‌های آماری تحقیق، رابطه همبستگی معناداری بین متغیر وابسته و هرسه متغیر مستقل یعنی چگونگی ارزش‌های حاکم بر جامعه (فرهنگ سنتی)، افزایش حاکمیت ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های اجتماعی، و کاهش فرصت‌های دست‌یابی به هدف وجود دارد. طوری که «گرایش به اقدام به فساد در اداره» اشاره به وضعیتی دارد که افراد یک جامعه در یک بستر زمانی مشخص و یک شرایط خاص به لحاظ رفتاری گرایش به سوی اقدام به فساد اداری پیدا می‌کنند که متأثر از یک نوع حالت نگرشی و ذهنی خاصی است که در جهت هماهنگی با این گونه گرایش است و در نهایت به آن جنبه عملی می‌دهد مانند تمایل و اقدام به رشوه‌خواری، تبعیض قائل شدن، جهت‌گیری شخصی، سوء استفاده از صلاحیت، وقت‌کشی، اختلاس و....

چگونگی ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز اشاره به نوعی مجموعه هنجاری‌ای جامعه دارد که معیار رفتاری افرادش را تعیین می‌کند و مشخص‌کننده بایدها و نبایدهای رفتاری در سطح جامعه می‌باشد. چگونگی وضعیت جامعه به لحاظ سالم بودن یا فاسد بودن، نشانگر چگونگی نوع و حاکمیت ارزش‌های معمول در آن می‌باشد. به قول پارسونز، مهمترین مؤلفه یک نظام ارزشی، چگونگی پدیده «عام‌گرایی» می‌باشد که اشاره به ارزش‌هایی دارد که به طور نسبی فارغ از محدودیت‌های عاطفی بوده و تأکید بر بهره‌گیری مؤثر از یک چیز دارد و به شایسته‌سالاری در جامعه می‌پردازد، به این معنا که ملاک در گزینش افراد برای موقعیت‌های اجتماعی و سازمان دهی سیستم‌های تخصصی، تأمین امکانات و کارایی آن‌ها برای بهبود سیستم اجتماعی می‌باشد نه کشش‌های عاطفی غیر عقلانی. مانند تأکید بر ویژگی‌های شخصی افراد در احراز و کسب پایگاه‌های اجتماعی نسبت به وابستگی‌های گروهی، نژادی، قومی، جنسیتی و... اما عدم حاکمیت این ارزش اشاره به عکس قضیه دارد یعنی تأکید بر وابستگی‌های گروهی، نژادی، قومی، جنسیتی و... نسبت به ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی افراد در کسب پایگاه‌های اجتماعی؛ که تحقیق کنونی نشان داد که در نظام فرهنگی جامعه آماری بیشتر ارزش‌ها عکس قضیه عام‌گرایی را در عمل نمودار می‌کنند که پیامدهای از شکل‌گیری بافت‌ها و ساخت‌های اجتماعی و اداری به گونه غیرمعیاری گرفته تا به پدیده فساد اداری در انتهای این زنجیره می‌انجامد که در این فرایند افراد کنشگر بر اساس همین باورهایشان گرایش به اقدام به فساد اداری در گونه‌های مختلفش پیدا می‌کنند.

افزایش حاکمیت ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های اجتماعی نیز اشاره به وضعیتی دارد که در جامعه توازن نهادهای آن برهم خورده و ارزش‌های اقتصادی به سایر نهاد‌های اقتصادی وارد شده و حالت از هم گسیختگی ایجاد می‌کند

و نهادهایی که باید تأکید مفرط بر موفقیت مالی را کنترل کنند (خانواده و آموزش و پرورش) تضعیف و خود حامل ارزش‌های اقتصادی می‌شوند. در چنین جوامعی که نهاد اقتصاد مسلط است، ارزش‌های فرهنگی مؤفق شدن به هر وسیله‌ای ممکن را تشویق می‌کنند. چهار ارزش فرهنگی عمده مورد تأکید عبارتند از: «پیشرفت‌گرایی»، «فردگرایی»، «جهان‌گرایی» و «بت‌وارگی پول». در چنین شرایطی برنامه‌ها و مطالبات کاری و مالی بر مطالبات خانوادگی، تحصیلی و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی اولویت می‌یابند؛ که دقیقاً نتایج تحقیق کنونی حاکی از همین گونه سلطه در رابطه به ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه آماری می‌باشد که پیامد عمده آن در ساختارها و تشکلات اجتماعی و اداری، همانا گرایش به اقدام به فساد اداری در گونه‌های مختلف و خاصاً رشوه و اختلاس می‌باشد.

کاهش فرصت‌های دستیابی به هدف نیز اشاره به وضعیتی دارد که ساخت فرهنگی جامعه افراد را در مقابل اهداف واحدی قرار می‌دهد و همچنان قواعدی را هم برای رسیدن به این اهداف به عنوان قواعد مشروع تعیین می‌کند، اما وسایل مشروع را جهت دستیابی به هدف به طور یکسان در اختیار همه قرار نمی‌دهد. این امر باعث بروز ناکامی و احساس سرخوردگی در میان افراد می‌شود و رفتارهای انحرافی بروز پیدا می‌کنند. به نظر مرتن، ناکامی ناشی از شکاف میان اهداف، ضابطه‌ها، امکانات و فرصت‌ها سبب می‌شود که تعهدات اجتماعی فرد در قبال هدف‌ها و وسایل نهادی شده سست شود و رفتارهای ناپسند در جامعه پدیدار شوند. مانند اینکه ارزش‌های فرهنگی جامعه افراد را بسوی پیشرفت چون بهبود زندگی تشویق می‌کند و راه مشروع حصول آن را نیز معرفی می‌کند چون درس خواندن، متخصص شدن و کار کردن، اما این راه‌ها در عالم واقع در دسترس همگان به صورت یکسان قرار نمی‌گیرد، بنابراین، افراد در چنین حالتی اقدام به حرکت از راه‌های غیرمشروع چون رشوه‌خواری، سوء استفاده از صلاحیت، اختلاس و... می‌کنند؛ که نتایج تحقیق کنونی نیز دقیقاً حاکی از دقیق بودن همین قضیه در جامعه آماری دارد که افراد در صورت عدم دستیابی به راه‌های مشروع برای رسیدن به اهداف مشروع شان، تمایل و گرایش به سوی راه‌های غیرمشروع پیدا می‌کنند که در صورت در اختیار داشتن موقف و امکانات عمومی چون اداره‌ها و پست‌های کاری اداری باصلاحیت، از آن به عنوان فرصت و زمینه‌ای برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های شخصی شان سوءاستفاده می‌کنند که خود در گونه‌های مختلف فساد اداری بروز می‌کند.

علاوه بر این متغیرهای فوق، که در حکم متغیرهای اصلی تحقیق بودند، رابطه چگونگی گرایش به اقدام به فساد اداری با چندین متغیر دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفتند که از آن جمله می‌توان به متغیرهای «جنسیت»، «ملیت»، «پست کاری»، «سابقه کاری» و «حقوق ماهانه» یاد کرد.

طوری که آمارهای مربوطه در بخش تحلیل نشان داد، بین تمامی این متغیرها و گرایش به اقدام به فساد اداری افراد در جامعه آماری رابطه معناداری وجود دارد که به لحاظ جنسیت، این گرایش بیشتر در نزد مردان مشاهده

شده است؛ به لحاظ ملیت، این گرایش بیشتر در نزد تاجیک‌ها، پشتون‌ها و گروه‌های کوچک ملیتی مشاهده شده است؛ به لحاظ پست کاری، این گرایش بیشتر در نزد مامورها و مدیران ادارات مشاهده شده است؛ به لحاظ سابقه کاری، این گرایش بیشتر در نزد چهار طیف از کارکنان مشاهده شده است که در درجه اول در بین کسانی که سابقه کاری شان بین ۱ تا ۶ سال بوده است، در درجه دوم در بین کسانی که سابقه کاری شان بیشتر از ۱۶ سال بوده است، در درجه سوم در بین کسانی که سابقه کاری بین ۶ تا ۱۱ سال بوده است و در درجه چهارم در بین کسانی که سابقه کاری شان بین ۱۱ تا ۱۶ سال بوده است، و تنها طیفی که نشان‌گر عدم فساد اداری بوده است شامل کسانی می‌شده است که سابقه کاری شان کمتر از ۱ سال بوده است. به لحاظ متغیر حقوق ماهانه نیز، این گرایش بیشتر در نزد سه طیف از کارکنان ادارات مشاهده شده است که در درجه نخست در بین کسانی که حقوق ماهانه شان بین ۵ تا ۱۵ هزار افغانی بوده است، در درجه دوم در بین کسانی که حقوق ماهانه شان بین ۱۵ تا ۲۵ هزار افغانی بوده است، و در درجه سوم نیز در بین کسانی که حقوق ماهانه شان بیشتر از ۵۵ هزار افغانی بوده است. که همه ای این آمارها و نتایج نیز در نهایت امر تأیید کننده فرضیه‌های تحقیق می‌باشند که همگی از بعد فرهنگی برای تحلیل پدیده گرایش به اقدام به فساد اداری در جامعه آماری (شهر هرات) طراحی گردیده بوده اند.

### پیشنهادات

با تکیه به نتایج بدست آمده از این تحقیق میتوان روی چند موضوع به عنوان نکته‌های لازم برای درمان وضعیت کنونی و همچنان جلوگیری از ادامه وضعیت بحرانی کنونی، انگشت گذاشت:

۱. تلاش برای فراهم ساختن زمینه‌ها و فرصت‌های مناسب و هماهنگ با اهداف فرهنگی جامعه توسط جامعه مدنی و دولت.
۲. تلاش برای بالا بردن سطح سواد متعادل افراد جامعه توسط نهادهای مسؤول چون دولت و جامعه مدنی جهت حرکت به سوی تحقق شایسته‌سالاری در سیستم اداری.
۳. تلاش برای ظرفیت‌سازی و ارتقای ظرفیت در زمینه‌های مختلف اجتماعی - اداری جهت حرکت به سوی کارایی و بهبود سیستم‌های اداری.
۴. تلاش برای مهیاسازی فرصت‌های علمی، پژوهشی، هنری و سایر حوزه‌های خارج از حوزه اقتصادی، جهت توسعه ارزشی ارزش‌های اجتماعی در کنار ارزش‌های اقتصادی.

## منابع

۱. احمد، سرداری، (۱۳۸۰)؛ رویکردی بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران؛ ص ۱۳۴
۲. احمدی، اصغر؛ (۱۳۹۰)؛ عوامل فرهنگی بروز فساد اداری و موانع فرهنگی مبارزه با آن؛ پژوهشنامه؛ فساد اداری؛ زمینه‌ها و راهبردها؛ گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی؛ ۱۳۹۰؛ ص ۹۷-۱۴۳؛ دانلود شده از وبسایت توانا
۳. افضل، عبدالرحمن، (۱۳۹۰)؛ فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، ص ۲۳۵-۲۶۴
۴. امید، عبدالرحیم؛ (۱۳۹۴)؛ ارتشاء و فساد اداری؛ علل، تأثیرات و راه‌های برون‌رفت آن؛ مجله تخصص؛ شماره‌های ۸۲-۸۳ و ۸۴-۸۵؛ ماه‌های حوت و حمل و ثور ۱۳۹۴
۵. امیری، کیومرث و الهام کیانی‌نژاد، (۱۳۹۲)؛ سلامت و راهبردهای پیشگیری از فساد در نظام مالیاتی؛ مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، صفحات ۶۱-۶۸
۶. ایچی، مهدی و ندا آریان مهر، (۱۳۸۹)؛ فساد اقتصادی؛ علل و نتایج بروز آن در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، انتشارات زمان نو، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۰۰
۷. آزاد، علی‌الله، (۱۳۹۳)؛ گام اول در استراتژی مدیریت و زیباسازی شهری. هرات: دانشگاه هرات، دیپارتمنت جامعه‌شناسی،
۸. آزاد، علی‌الله؛ (۱۳۹۳)؛ درسنامه جامعه‌شناسی انحرافات؛ دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات؛
۹. بانک جهانی؛ (۲۰۱۵) <http://www.worldbank.org/wbi/governance> (۲۰۱۵ .۰۶ .۰۸)
۱۰. تاجبخش، کیان؛ (۱۳۸۴)؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ مجله دانش سیاسی؛ شماره دوم؛ ۱۳۸۴؛ ص ۱۸۹-۱۹۸
۱۱. ثانی، علیزاده و علی‌اصغر فانی؛ (۱۳۸۶)؛ تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع؛ فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶
۱۲. حبیبی، شاه آقا و سید اصیل صدیقی (۱۳۹۱) کارگاه آموزشی مبارزه با فساد اداری چاپ موسسه خدمات اجتماعی زنان (واسا)؛ هرات؛ ص ۴ الی ۵.
۱۳. حسنی، علی و عبدالحمید شمس، (۱۳۹۱)؛ راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزشهای اسلامی، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۸۱-۱۰۴
۱۴. حیدری، آرش، و دیگران. (۱۳۹۱)، نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی. تهران: مسایل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۹ - ۵۹.
۱۵. خلف‌خانی، مهدی، (۱۳۸۸)؛ بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فساد اداری، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۹-۵۵
۱۶. خواتی، محمد شفق؛ (۱۳۹۰)؛ نگاه جامعه‌شناختی به پدیده فساد اداری در افغانستان؛ حمل ۱۳۹۰؛ وبسایت رواق اندیشه
۱۷. دانائی فرد، حسن و دیگران (۱۳۹۱). مباحث مدیریت دولتی. چاپ دانشگاه طباطبائی تهران صص ۱۲۳، ۱۱۵، ۱۰۳، ۳، ۵
۱۸. ذاکر صالحی، غلام‌رضا؛ (۱۳۹۱)؛ راهبردهای مبارزه با فساد اداری؛ انتشارات جنگل جاودانه؛ چاپ دوم، تهران ۱۳۹۱
۱۹. رسولی، یاسین (۱۳۸۶) پاسخ سنت به سکولاریزم در افغانستان، چاپ انتشارات عرفان . کابل، ص ۲۷ الی ۳۴
۲۰. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۹)؛ توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹، ص ۴۸
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۸) سرطان اجتماعی فساد، چاپ فرهنگستان علوم ایران، ص ۱۷ الی ۲۵



۲۲. روشه، گی؛ (۱۳۸۶)، تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی؛ نشر نی؛ تهران: ۱۳۷۶
۲۳. رونامه رسالت؛ (۱۳۸۵)، شاخص‌های فساد و رتبه‌بندی کشورها بر اساس این شاخص‌ها؛ شماره ۵۹۰۴؛ ۱۴/۴/۱۳۸۵، ص ۱۶
۲۴. زاهدی، شمس‌السادات؛ (۱۳۹۰)، فساد اداری در کشورهای در حال توسعه؛ چهارمین اجلاس بازرسان کل آسیا؛ تهران: ص ۲۸۷-۳۰۳
۲۵. زاهدی، شمس‌السادات و دیگران، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال هفتم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۹-۵۵
۲۶. سروری، نصرالله (۱۳۸۷) فساد اداری در افغانستان، چاپ مهر حبیب، ص ۴۷
۲۷. سلیمی‌پور، محمدحسین و اکبری‌نسب، سیدیوسف، بازشناسی مفهوم فساد اداری؛ علل و پیامدهای آن، پایگاه مقالات علمی مدیریت: [www.SYSTEM.parsiblog.com](http://www.SYSTEM.parsiblog.com)
۲۸. شمس، عبدالحمید. (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر نظام کنترل و نظارت برای جلوگیری از پیدایش فساد نظام‌مند. فرایند مدیریت و توسعه، دور ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.
۲۹. صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). راهبرد های مبارزه با فساد اداری . چاپ بهاران تهران صص ۱۸۸، ۱۲۴، ۷۸، ۱۳
۳۰. طالع، عبدالروف (۱۳۹۳) ذوق تپش، چاپ انجمن ادبی هرات، ص ۱۱۸ الی ۱۲۹
۳۱. عباس زادگان، سید محمد، (۱۳۸۳) فساد اداری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۶
۳۲. عطایی، امید، (۱۳۸۹)؛ شاخص‌های ادراک فساد و راهکارهای اجرای آن، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، انتشارات زمان نو، تهران، ۱۳۸۹، ۱۸۶
۳۳. عظیمی؛ حسین؛ علی اکبر ساری و علی سائمی بزرگی؛ (۱۳۹۱) عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان های دولتی؛ رشته مدیریت و امور فرهنگی ساری؛ دانشگاه علمی - کاربردی فرهنگ و هنر؛
۳۴. غبار، میرغلام محمد (۱۳۴۳). افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ مطبوعه دولتی صص ... ۸۳۵، ۸۳۶
۳۵. فرهادی نژاد، محسن؛ (۱۳۸۹)؛ فساد؛ زمینه‌های بروز و شیوه‌های کنترل؛ ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ ساعت آدرس مطلب:
۳۶. فرهنگ، میر محمد صدیق؛ (۱۳۸۵)؛ افغانستان در پنج قرن اخیر؛ دوره سه جلدی، جلد سوم
۳۷. قرنی، محمد و همکاران، (۱۳۸۹)؛ بررسی و تحلیل رابطه فساد با اصول حکمرانی خوب و اثرپذیری آن از فرهنگ سازمانی، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، انتشارات زمان نو، تهران، ص ۳۳۴
۳۸. کاوه، علی احمد؛ (۱۳۸۷)؛ فساد و توسعه؛ فصلنامه تأملات؛ شماره دوم؛ بهار ۱۳۸۷، ص ۱۳-۱۷
۳۹. کرایب، یان؛ (۱۳۸۸)؛ نظریه اجتماعی مدرن؛ از پارسونز تا هابرماس؛ ترجمه عباس مخبر؛ نشر آگه؛ چاپ پنجم؛ تهران ۱۳۸۸
۴۰. گروه نویسندگان (۱۳۸۵) استراتژی و طرز العمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری . چاپ وزارت عدلیه صص ۲۶۲، ۲۶۵
۴۱. گروه نویسندگان (۱۳۸۸) گزارش کنفرانس ملی و دریافت شیوه های عملی مبارزه با فساد اداری و بیرون رفت از آن ، چاپ مطبوعه دولتی کابل، ص ۳۳ الی ۳۷
۴۲. گروه نویسندگان (۱۳۹۰) قوانین جمهوری اسلامی افغانستان علیه ارتشاء و فساد اداری ص ۷ الی ۲۴ .
۴۳. گروه نویسندگان (۱۳۹۲) اخاذی های غیرقانونی مبارزه با فساد اداری چاپ مطبوعه دولتی ص ۱۳ الی ۱۷
۴۴. گروه نویسندگان (۱۳۸۸). مجموعه اسناد تقنینی . چاپ کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی صص ۵ و ۸
۴۵. متحدیان، رحیم، (۱۳۹۱)، ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد، انتشارات فرازما پردازش، تهران: ۱۳۹۱
۴۶. محمود، ذسید نجیب (۱۳۸۷) عوامل بی ثباتی سیاسی در افغانستان چاپ مرکز تحقیقات پوهنتون کابل، ص ۸۴ الی ۸۷
۴۷. مصلح، عبدالبشیر و حمیرا حقل (۱۳۸۸) حاکمیت قانون در افغانستان و راه های بهبود آن، چاپ مرکز تحقیقات و پالیسی پوهنتون کابل صص ۱۰۷، ۴۶، ۳۰
۴۸. هیود، پل؛ (۱۳۸۱)؛ فساد سیاسی؛ ترجمه محمد طاهری و میرقاسیم بنی‌هاشمی؛ نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران:

## English References:

۱. THE CAUSES OF CORRUPTION: A CROSS-NATIONAL STUDY; Published in *Journal of Public Economics*, ۷۶, ۳, June ۲۰۰۰, pp.۳۹۹-۴۵۷.
۲. Engaging in Corruption: The Influence of Cultural Values and Contagion Effects at the Micro Level; IZA DP No. ۷۶۸۵; October ۲۰۱۳
۳. McLaughlin, Erin; Culture and Corruption: An Explanation of the differences between Scandinavia and Africa; Business Department; Cabrini College
۴. Barr, Abigail and Danila Serra; Corruption and culture: An Experimental Analysis; CSAE and Department of Economics; University of Oxford; October ۲۰۰۸
۵. Banuri, Sheheryar and Catherine Eckel; Experiments in Culture and Corruption: A Review; The World Bank; Development Research Group; Macroeconomics and Growth Team; May ۲۰۱۲
۶. FIGHTING CORRUPTION IN AFGHANISTAN; A ROADMAP FOR STRATEGY AND ACTION; Asian Development Bank, UK Department for International Development, United Nations Development Program, United Nations Office on Drugs and Crime February ۱۶, ۲۰۰۷)
۷. SIGAR - Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction; U.S. ANTI-CORRUPTION EFFORTS: A STRATEGIC; PLAN AND MECHANISMS TO TRACK PROGRESS ARE NEEDED IN FIGHTING CORRUPTION IN AFGHANISTAN
۸. Kingston; Christopher; Social Structure and Cultures of Corruption; Department of Economics, Amherst College, Amherst MA ۰۱۰۰۲, USA.
۹. Ivanyna, Maksym; THE CULTURE OF CORRUPTION, TAX EVASION, AND OPTIMAL TAX POLICY; Michigan State University; September ۲۰۱۰
۱۰. Karstedt, Susanne; The Culture of Inequality and Corruption: A Cross-National Study of Corruptio; Department of Criminology; Keele University

## پیوست

### پرسش‌نامه

شماره: ( )

با عرض حرمت!..

پاسخ‌دهنده گرامی! این نسخه عبارات مربوط به یک پژوهش علمی - اجتماعی فرهنگی در زمینه فساد اداری است که توسط شورای متخصصان هرات و به همکاری جمعی از پژوهشگران و اساتید دانشگاه جهت فهم علمی این پدیده راه اندازی شده است. علامت گذاری منصفانه شما به این عبارات رهگشای مهمی در این زمینه خواهد بود.

**نکته:** لطفاً برای هر عبارتی فقط یک گزینه را علامت بگذارید. .... از همکاری تان پیشاپیش سپاسگذاریم محترم!

ش	عبارات	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	در جامعه ی مثل افغانستان باید هر کس تا حد ممکن تلاش کند در یک جایی که می رسد باید خویشاوندانش را هم در اطرافش جمع کند.					
۲	من خیلی علاقمندم در این اداره که کار می کنم در صورت وجود یک پست، از خویشاوندانم را جا بجا کنم چون قوت بازوی من می شود.					
۳	اگر کار یکی از خویشاوندانم در اداره ای که من کار می کنم نیاز به دوران داشته باشد، تا حد ممکن تلاش می کنم ابتدا باید کارهای او خلاص شود.					
۴	بسیار خوب است که بسیاری از کارها را بالای همکاران مان انجام بدهیم، لازم نکرده زحمت بیش از حد بکشیم آن هم برای کار دیگران.					
۵	اگر کار یکی از کسانی که ازش به هر دلیلی خوشم نمی آید، در اداره ام بند باشد، زمانی بسیار خوبی است که از طریق پیچاندن اش دلم را سرش خالی کنم.					
۶	رسیدن به ثروت و قدرت در خانواده ما یک ارزش اساسی محسوب می شود.					
۷	مایلم ثروتمند شوم و به شهرت فراوان برسم.					
۸	اگر یکی از اعضای خانواده ما بتواند به ثروت و قدرت زیادی دست پیدا کند از طرف اکثریت اعضای خانواده مورد ستایش قرار می گیرد.					
۹	در خانواده ما همه تشویق می شوند که باید بتوانند متکی به خود باشند.					
۱۰	مؤفق شدن در یک کار اقتصادی نسبت به یک مؤفقت تحصیلی، به مراتب برای خانواده مان قابل قدر است.					

				از آنجایی که موفقیت اقتصادی برای من و خانواده ام خیلی ارزش دارد، در صورت نیاز حاضرم هرگونه روابط دیگر نادیده بگیرم.	۱۱
				همیشه کوشش می‌کنم تلاش و وقت بیشترم را روی درآمد زایی بگذارم تا موضوعاتی چون روابط خانوادگی، عاطفی و دید و وادید اعضای خانواده و دوستان.	۱۲
				فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد هر روز دقیق سر ساعت شروع رسمیات در اداره مان باشیم.	۱۳
				فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در اداره بخاطر کارهای مردم بالای خود زیاد فشار بیاوریم.	۱۴
				فکر می‌کنم بسیار خوب است که نزدیک های ظهر بخاطر صرف راحت تر غذا و ادای بهتر نماز ظهر زود تر کار را تعطیل کنیم.	۱۵
				اگر کارهای اداری سر وقت هم انجام نشود زیاد فرقی نمی‌کند مشکل از سیستم است هم ما و هم مردم عادت کرده ایم به این شرایط.	۱۶
				فکر می‌کنم بخاطر رفع خستگی و رسیدگی به امور خانه از طرف بعد از ظهر خوب است زودتر از ختم ساعت رسمیات برنامه ها را تعطیل کنیم دیگر.	۱۷
				تلاش می‌کنم با وجود همه موانع، خانواده ام در آرامش کامل زندگی کنند.	۱۸
				کوشش می‌کنم علی‌رغم ظرفیت پذیرش محدود در کانکور، از هر طریق ممکن که شده بتوانم به اعضای خانواده و اقارب ام کمک کنم تا به تعلیمات و تحصیلات شان ادامه بدهند.	۱۹
				تلاش می‌کنم از روش های مختلف پول درآورم تا به مدارج بالای تحصیلی و شغلی برسم.	۲۰
				در هر صورت تلاش می‌کنم با وجود موانع و محدودیت ها، از هر روش ممکن برای موفق شدن و ارتقاء شغلی ام استفاده کنم.	۲۱
				با تمام توان تلاش می‌کنم تا از طرق مختلف وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشم تا در بین اقارب، دوستان و جامعه سربلند زندگی کنم.	۲۲

۲۳. جنسیت: ۱. زن « » ۲. مرد « »

۲۴. سن: ۱. بین ۱۵ تا ۳۰ سال « » ۲. بین ۳۰ تا ۴۵ سال « » ۳. بین ۴۵ تا ۶۰ سال « » ۴. بیشتر از ۶۰ سال « »

۲۵. سطح تحصیلات: ۱. سواد زیر لیسه « » ۲. سواد در حد لیسه « » ۳. سواد در حد ۱۴ « » ۴. لیسانس « »

۵. ماستری « » ۶. دکتری « »

۲۶. حقوق ماهانه: ۱. بین ۵ تا ۱۵ هزار « » ۲. بین ۱۵ تا ۲۵ هزار « » ۳. بین ۲۵ تا ۳۵ هزار « »
۴. بین ۳۵ تا ۴۵ هزار « » ۵. بین ۴۵ تا ۵۵ هزار « » ۶. بالاتر از ۵۵ هزار « »
۲۷. سابقه کاری تان: ۱. کمتر از ۱ سال « » ۲. بین ۱ تا ۶ سال « » ۳. بین ۶ تا ۱۱ سال « »
۴. بین ۱۱ تا ۱۶ سال « » ۵. بیشتر از ۱۶ سال « »
۲۸. حالت مدنی: ۱. مجرد « » ۲. متأهل « »
۲۹. تعداد اعضای فامیل: ۱. دو نفر « » ۲. بین ۲ تا ۴ نفر « » ۳. بین ۴ تا ۶ نفر « » ۴. بیشتر از ۶ نفر « »
۳۰. ملیت: ۱. ازبک « » ۲. پشتون « » ۳. تاجیک « » ۴. ترکمن « » ۵. هزاره « » ۶. دیگری ( )
۳۱. نام اداره ی که کار می کنید: ..... ( )
۳۲. پست کاری تان: ۱. رئیس بخش « » ۲. آمر بخش « » ۳. مدیر « » ۴. مأمور « »
۳۳. سطح درآمد ماهانه به افغانی: ۱. بین ۵ تا ۱۵ هزار « » ۲. بین ۱۵ تا ۲۵ هزار « » ۳. بین ۲۵ تا ۳۵ هزار « »
۴. بین ۳۵ تا ۴۵ هزار « » ۵. بین ۴۵ تا ۵۵ هزار « » ۶. بالاتر از ۵۵ هزار « »

متشکریم !!